

احمد سمیعی



# سی و ہفت سال



---

سی و ہفت سال

---

---



# سی و ہفت سال

احمد سمیعی





سی و هفت سال

شهریور ماه ۱۳۶۵ - چاپ اول  
مهر ماه ۱۳۶۵ - چاپ دوم

نویسنده : احمد سمیعی  
تیراژ : ۵۰۰۰ نسخه  
لیتوگرافی : امین گرافیک  
چاپ : ایران چاپ  
صحافی : میخک

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

## فهرست

---

- بخش اول :  
شاه بدون قدرت ۳
- بخش دوم :  
شاه بر اریکه‌ی قدرت ۹۷
- بخش سوم :  
شاه در سرایشی سقوط ۱۲۵
- بخش چهارم :  
سقوط شاه ۱۵۳



## پیامی از ما

---

سی و هفت سال ، نگرشی است کوتاه بر دوره‌ای که به گذشته پیوسته است و بسیاری ، حتی آنها که با آن زیسته‌اند ، بیشتر رویدادهايش را به تند باد فراموشی سپرده‌اند .

در سی و هفت سال فقط از کلیات سخن رفته‌است و به ذکر خلاصه‌ای از رویدادها بسنده شده است ، تا خواننده بتواند خود در پی رسیدن به جزئیات راهی گردد و گردنسیان از چهره‌ی خاطره‌ها بسترند .

آن چه در سی و هفت سال آمده ، حقیقت محض است که لخت و عریان ، بدون افزوده شدن شاخه یا برگ و بی قطع ریشه‌ای ارائه شده است ، مبادا خواننده را به شبهه اندازد و واقعیت‌امری را واژگونه جلوه دهد .

در سی و هفت سال قضاوت‌های فردی جایی ندارد و برداشته‌های شخصی به میان نیامده است . احساسات مثبت و منفی نادیده گرفته شده است و دوستیها و دشمنیها از میان برخاسته است ، زیرا قضاوت منحصر به تاریخ است .

### شپاویز





## در باره‌ی کتاب

---

در بیان رویداد های تاریخی، خصوصا از آن جهت که آیندگان بایستی مطالب را با روشنی درك و فهم کنند، عناوین اشخاص با توجه به مشاغل آنان و نقشی که برعهده داشته‌اند، آورده شده است. به همین سبب چون محمدرضا پهلوی پادشاه ایران در قبل از انقلاب اسلامی بود، با عنوان شاه، و پدرش هم با عنوان رضاشاه خوانده شده‌اند. در مورد آیت الله خمینی چون از سوی مردم انقلابی ایران با عنوان امام خمینی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، در تمام کتاب امام خمینی آمده است. در مورد دیگران هم عناوین آنها، درجه‌ی صاحب منصبان و سمت مسوولان عنوان شده است.

در تمام کتاب کوشش بر این است که بی‌طرفی کامل رعایت گردد و رویدادها بدون هرگونه دخل و تصرفی بیان شود.





در این بخش این مطالب را می‌خوانید:

- پیشگفتار
- کابینه‌های ایران از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸.
- وقایع مهم در هر یک از کابینه‌ها با تطبیق زمان آنها با ادوار مجلس شورای ملی ایران.
- کابینه‌های بعد از سال ۱۳۲۸ با ذکر وقایع مهم و تطبیق زمان آنها با ادوار مجلس.
- حکومت دکتر محمد مصدق.
- کودتای ۲۸ مرداد و کابینه‌ی سرلشکر فضل‌الله زاهدی.
- کابینه‌های بعد از کودتا تا سال ۱۳۴۳ با تطبیق زمان بر سر قدرت بودن آنها با ادوار مجلس.
- توضیحات متن.
- اسامی وزرای کلیه‌ی کابینه‌ها و معاونان نخست وزیران از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۳ با کلیه‌ی تغییرات در وزرای هر کابینه.

## پیشگفتار

شهریور ماه سال ۱۳۲۰ خورشیدی و ورود ایران در جنگ جهانی دوم در کنار قوای متفقین، موجب شد که رضاشاه مملکت را ترک کند و پسر ارشداو محمد رضا که با خواهرش اشرف "توامان" به دنیا آمده بود، براریکهی سلطنت جای گیرد.<sup>۱۰\*</sup> محمد رضا هنگامی که صدر کار شد متوجه این مساله گردید که همه‌ی کسانی که قبل از پادشاهی پدرش یا در دوران سلطنت وی صدر کار بودند، زمام امور مملکت را در اختیار دارند و نه تنها او را در مسایل مختلف صاحب‌رای و نظر نمی‌دانند، که اعتنای لازم را هم نسبت به او و دستورهایش ندارند و از طرف دیگر رهبران حزب توده که در دوره‌ی سلطنت پدرش در زندان بودند، آزاد شده‌اند و با حمایتی که از جانب همسایه‌ی شمالی ایران (شوروی) از آنها می‌شود، می‌اندازد که سیاست گردید هاند و نقشه‌هایی برای رسیدن به قدرت در سر می‌پرورانند. روحانیون هم که تا چندی قبل خانه‌نشین بودند و مهر سکوت به لب داشته‌اند، حق خود را طلب می‌کنند.

این رفتار تا سال ۱۳۲۲ که وی در دانشگاه تهران مورد سوء قصد مسلحانه قرار گرفت همچنان ادامه داشت. در این سالها عموماً رجال سالخورده به سمتهای وزارت و وکالت انتخاب می‌شدند و شاه جز در مواردی نادر در انتخاب آنها نقشی نداشت.

\* پانوشتها در پایان هر فصل زیر عنوان توضیحات آمده است.

ژاپن اعلام کرد . حزب توده در زمان کابینه‌ی او علنا تشکیل شد .  
 سیدضیاءالدین طباطبایی رییس الوزرای کابینه‌ی کودتا  
 ( معروف به کابینه‌ی سیاه - در ۱۲۹۹ ) به ایران بازگشت ،  
 احزاب سیاسی یکی پس از دیگری با اعلام موجودیت شروع به  
 فعالیت‌های سیاسی کردند .

۳- کابینه‌ی

احمد قوام ( قوام السلطنه )



از مرداد ماه ۱۳۲۱

تا بهمن ماه ۱۳۲۱

دوره‌ی سیزدهم قانون‌گذاری - این کابینه روز یکشنبه ۱۸  
 مرداد ماه ۱۳۲۱ خورشیدی برابر با ۲۶ رجب ۱۳۶۱ هجری  
 قمری ( اوت ۱۹۴۲ میلادی ) به مجلس شورای ملی معرفی شد .  
 احمد قوام قانون چاپ و نشر هشتصد میلیون ریال اسکناس  
 را برای رفع نیاز نیروهای متفقین به تصویب رساند . برای اصلاح  
 امور مالی کشور ، با استخدام دکتر آرتور میلسپو ۶ موافقت کرد .  
 در کابینه‌ی او ارتش آمریکا هم به ایران وارد شد .  
 ارزاق عمومی تقریباً نایاب شد و در ۱۷ آذرماه ۱۳۲۱ مردم  
 در تهران دست به تظاهرات زدند و حکومت نظامی اعلام شد .

۴- کابینه‌ی دوم علی سهیلی

از بهمن ماه ۱۳۲۱

تا فروردین ماه ۱۳۲۳

دوره‌ی سیزدهم قانون‌گذاری - این کابینه در ۲۸ بهمن  
 ماه ۱۳۲۱ خورشیدی برابر با ۱۲ صفر ۱۳۶۲ هجری قمری  
 ( فوریه‌ی ۱۹۴۳ میلادی ) به مجلس شورای ملی معرفی شد .

در مدتی که این کابینه صدر کار بود، چرچیل، استالین و روزولت رهبران بریتانیا، شوروی و آمریکا<sup>۲</sup> برای تشکیل کنفرانس محرمانه‌ای، بدون اطلاع قبلی، وارد تهران شدند و اعلامیه‌ای در مورد به رسمیت شناختن استقلال و تمامیت ارضی ایران امضا کردند، از دیگر کارهای این دولت چنین می‌توان یاد کرد:

تصویب قانون تعلیمات اجباری، لغو حکومت نظامی و انجام دادن انتخابات دوره‌ی چهاردهم مجلس شورای ملی، قطع رابطه با عربستان سعودی و حادثه‌ی سمیرم<sup>۳</sup> در همین دوره بود که اعتبارنامه‌ی سیدجعفر جوادزاده معروف به پیشه‌وری نماینده‌ی تبریز رد می‌شود<sup>۴</sup>.

۵- کابینه‌ی

محمد ساعد مراغه‌ای

(ساعدالوزاره)



از فروردین ماه ۱۳۲۳

تا آذر ماه ۱۳۲۳

دوره‌ی چهاردهم قانون‌گذاری - این کابینه روز سه‌شنبه هشتم فروردین ماه ۱۳۲۳ خورشیدی برابر با چهارم ربیع‌الآخر ۱۳۶۳ هجری قمری و مارس ۱۹۴۴ میلادی به مجلس شورای ملی معرفی شد<sup>۵</sup>.

از وقایع دوره‌ی ساعد وقوع زمین لرزه‌ی شدید در گرگان و خرابی یک سوم آن شهر، هجوم کرده‌های مسلح به رضاییه و روستاهای اطراف آن و قتل و غارت مردم، حمل جسد رضاشاه که در ۴ مرداد ماه ۱۳۲۳ بدردود حیات گفته بود، از ژوهانسبورگ پایتخت پیشین آفریقای جنوبی، به قاهره، ورود سرگهی. ای. کافتارادزه معاون کیساریای وزارت امور خارجه‌ی شوروی به تهران، تظاهرات پی‌درپی حزب توده



برای دادن امتیاز نفت شمال به شوروی، حمایت سربازان مسلح روس از تظاهرات کنندگان، سخنرانی نمایندگان حزب توده<sup>۸</sup> در مجلس و حمایت از لزوم واگذاری امتیاز نفت شمال به روسیه شوروی، ایجاد رعب و وحشت و جو ترور از اقدامات حزب توده در مملکت، حمله‌ی محمد رشید یکی از سران اکراد به شهر بانه و سرانجام نطق معروف دکتر محمد مصدق و سپس پیشنهاد عدّه‌ای از نمایندگان و تصویب آن از طرف مجلس مبنی بر منع دولت از واگذاری و حتی مذاکره راجع به امتیاز نفت با هر دولت خارجی را می‌توان ذکر کرد.\*

در یازدهم آبان ماه محمد ساعد اعلام استعفا از سمت خود می‌کند و نمایندگان مجلس به نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق اظهار تمایل می‌نمایند. ولی مصدق اعلام می‌کند در صورتی حاضر است این سمت را بپذیرد که در صورت کنارگیری از سمت نخست‌وزیری، مجلس شورای ملی قبلاً موافقت کند که او دوباره کرسی خود را در مجلس نگاه دارد.\*\*



ع- کابینه‌ی

مرتضی قلی بیات

(سهام السلطان)

از آذر ماه ۱۳۲۳

تا اردیبهشت ماه ۱۳۲۴

دوره‌ی چهاردهم قانون‌گذاری - این کابینه روز یکشنبه ۵

\* از شکست تا پیروزی: ماجراهای نفت نوشته‌ی علیرضا طاهری از

انتشارات مرکز تحقیقات ۱۳۵۵، صفحات ۱۹۶ تا ۲۴۹.

\*\* سیاست موازنه‌ی منفی جلد اول ۱۳۲۷ نگارش حسین کی استوان.

صفحه‌ی ۱۸۴، از انتشارات روزنامه‌ی مظهر.

آذر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی برابر با ۱۵ ذیحجه ۱۳۶۳ هجری  
قمری ( نوامبر ۱۹۴۴ میلادی ) به مجلس شورای ملی معرفی  
شد .

اینها از وقایع مهم در ایام این کابینه است : تسلیم  
بی قید و شرط آلمان به متفقین و پایان جنگ در اروپا ، خروج  
کافتارادزه از ایران با تعرض پس از شکست در ماموریت  
گرفتن امتیاز نفت شمال ، ورود ژنرال دوگل به تهران در  
راه مسافرت به مسکو ، تظاهرات دانشجویان دانشگاه  
تهران به حمایت از آرای دکتر مصدق ، اعلام حکومت  
نظامی .

۷- کابینه‌ی

ابراهیم حکیمی ( حکیم الملک )

از اردیبهشت ماه ۱۳۲۴  
تا خرداد ماه ۱۳۲۴



دوره‌ی چهاردهم قانون‌گذاری - این کابینه در ۲۳  
اردیبهشت ماه ۱۳۲۴ خورشیدی برابر با اول جمادی الآخر  
۱۳۶۴ هجری قمری ( مه ۱۹۴۵ میلادی ) به مجلس شورای  
ملی معرفی شد .

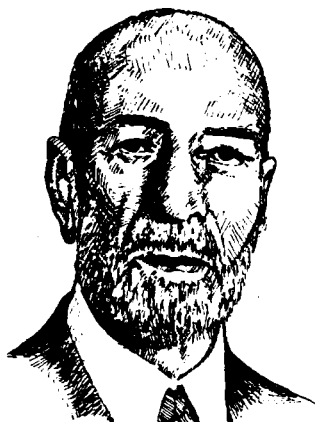
حکیمی پس از تعیین وزرا ، دولت خود را در روز  
یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه به مجلس شورای ملی معرفی  
کرد . و بحث پیرامون برنامه‌ی دولت تا روز چهاردهم  
خرداد ادامه یافت و سرانجام چون پس از اخذ رای دولت  
نتوانست تعداد آرای لازم را برای کسب اعتبار به دست آورد ،  
ساقط شد .

۸- کابینه

## محسن صدر (صدر الاشراف)

از تیر ماه ۱۳۲۴

تا آبان ماه ۱۳۲۴



دوره‌ی چهاردهم قانون‌گزاری - این کابینه در ۲۶ تیرماه ۱۳۲۴ خورشیدی برابر با ۱۱ شعبان ۱۳۶۴ هجری قمری (ژوئیه ۱۹۴۵ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد. محسن صدر از ابتدای کار با مخالفت شدید حزب توده رو به رو شد، دکتر مصدق و یاران او هم وی را تأیید نکردند ولی چون اکثریت مجلس با او موافق بود، موفق به تشکیل و معرفی کابینه گردید. از وقایع مهم در حکومت او است: کنفرانس پوتسدام\* و تصمیم‌های، استالین، چرچیل و ترومن - روسای دولتهای شوروی، انگلستان و آمریکا - که موافقت کردند ایران هر چه زودتر از نیروهای متفقین تخلیه شود، دولت ایران هم به دولتهای مذکور، یادداشت‌هایی تسلیم کرد و تقاضا نمود تا طبق تعهد و پیمان فی‌مابین طی شش ماه نیروهای خود را از ایران خارج نمایند.

---

\* کنفرانس تاریخی پوتسدام در دوم اوت سال ۱۹۴۵ میلادی برگزار شد و آخرین کنفرانس بین‌المللی است که با شرکت سران دول بزرگ شرق و غرب (که در جنگ جهانی دوم با یکدیگر متفق بودند) در شهر پوتسدام واقع در آلمان شرقی (غرب برلین) تشکیل یافت. در این کنفرانس استالین، ترومن و چرچیل (سپس کلمنت اتلی) مناطق تحت نفوذ خود را قسمت‌بندی کردند. تقویم روز، صفحه‌ی ۶۳۱ حبیب‌الله شاملوبی، موسسه‌ی امیرکبیر ۱۳۴۸.

د ر ایام حکومت کابینه‌ی محسن صدر، اولین بمب اتمی  
به وسیله‌ی آمریکا در هیروشیما ژاپن منفجر شد که بر اثر آن  
۷۸،۱۵۰ نفر کشته ۳۷،۴۲۵ نفر زخمی و ۱۳،۰۸۳ نفر  
مفقود الاثر شدند .

دومین بمب اتمی آمریکا در ناکازاکی منفجر گردید که  
۷۳،۸۸۴ نفر کشته به جای گذاشت .  
تسلیم ژاپن و پایان کامل جنگ جهانی دوم نیز در زمان  
حکومت این کابینه اعلام گردید .

#### ۹- کابینه‌ی دوم ابراهیم حکیمی

از آبان ماه ۱۳۲۴

تا بهمن ماه ۱۳۲۴

دوره‌ی چهاردهم قانون‌گذاری - این کابینه در روز ۱۳  
آبان ماه ۱۳۲۴ خورشیدی برابر با ۲۹ ذی‌قعد هی ۱۳۶۴  
هجری قمری ( نوامبر ۱۹۴۵ میلادی ) به مجلس شورای ملی  
معرفی شد .

در کابینه‌ی حکیمی، نیروهای آمریکا از ایران خارج شدند .  
غائله‌ی آذربایجان به دست سید جعفر پیشه‌وری آغاز شد<sup>۹</sup> و  
خود مختاری آذربایجان اعلام گردید .  
قاضی محمد در کردستان شورش کرد<sup>۱۰</sup> و خود مختاری  
کردستان اعلام شد .

دولت ایران در مورد این وقایع به سازمان ملل متحد  
شکایت کرد و دولت اتحاد جمهوریهای شوروی را مسبب این  
وقایع دانست .

#### ۱۰- کابینه‌ی دوم احمد قوام

از بهمن ماه ۱۳۲۴

تا آذر ماه ۱۳۲۶

دوره‌ی چهاردهم و پانزدهم قانون‌گذاری - این کابینه  
در روز ۲۸ بهمن ماه ۱۳۲۴ خورشیدی برابر با ۱۵ ربیع الاول  
۱۳۶۵ هجری قمری ( فوریه‌ی ۱۹۴۶ میلادی ) به مجلس

شورای ملی معرفی شد .

در کابینه‌ی قوام نیروهای انگلیس از ایران خارج شدند .  
قوام در راس هیات نمایندگی سیاسی و بازرگانی ایران برای  
مذاکره با استالین رهبر شوروی در مورد تخلیه‌ی آذربایجان  
از نیروهای شوروی ، به مسکو رفت - جلسه‌ی شورای امنیت  
سازمان ملل تشکیل شد و توصیه کرد ایران و شوروی از راه  
" مذاکره‌ی مستقیم " رفع اختلاف کنند .

پیشه‌وری در راس هیاتی از اعضای دولت خود به تهران  
آمد ، سه نفر از رهبران حزب توده<sup>۱۱</sup> وارد کابینه‌ی احمد قوام  
شدند ، شوروی نیروهای خود را از آذربایجان خارج کرد ، بلوا  
و اعتصابهای خونین در خوزستان به وقوع پیوست ، ایل قشقای  
در فارس به سرکردگی ناصر قشقای و برادرانش یاغی شدند  
و ناصر قشقای استقلال فارس را اعلام کرد و بندر بوشهر را  
متصرف شد . قوام با انجام دادن مذاکره با ناصر قشقای  
مسأله‌ی فارس را به صورت مسألت آمیز حل کرد .

نیروهای دولتی از تهران به آذربایجان حرکت کردند ،  
دولت جعفر پیشه‌وری سقوط کرد و پیشه‌وری و سران حکومتش  
به شوروی گریختند و به کرملین پناهنده شدند . پایان غائله‌ی  
کردستان ، اعدام قاضی محمد و برادرانش که عاملان تجزیه‌ی  
کردستان بودند در مهاباد ، بی‌اثر شدن موافقتنامه‌ی ایجاد  
شرکت مختلط نفت ایران و شوروی که طرح آن به وسیله‌ی قوام داده  
شده بود ، انجام گرفتن انتخابات دوره‌ی پانزدهم و رد  
اعتبارنامه‌ی حسن ارسنجانی مدیر روزنامه‌ی داریا در آن مجلس ،  
تشکیل حزب دموکرات ایران و جشن صد روزه‌ی آن ، ترور احمد  
کسروی<sup>۱۲</sup> در بیستم اسفند ماه ۱۳۲۴ خورشیدی .

#### ۱۱- کابینه‌ی سوم ابراهیم حکیمی

از دی ماه ۱۳۲۶

تا فروردین ماه ۱۳۲۷

دوره‌ی پانزدهم قانون‌گذاری - این کابینه در ششم دی ماه  
۱۳۲۶ خورشیدی برابر با ۱۵ صفر ۱۳۶۷ هجری قمری  
( ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۷ میلادی ) به مجلس شورای ملی معرفی شد .

پس از برکناری احمد قوام از نخست وزیری، در روز یکشنبه ۲۵ آذر ماه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی از صد و هفت رای خود هفتاد و دو رای تمایل به نخست وزیری رضا حکمت (سردار فاخر) رئیس مجلس داد و با آن که فرمان نخست وزیری هم از طرف شاه به نام او صادر شد، مع ذلك وی از قبول مسوولیت نخست وزیری خود داری کرد و اعلام نمود که در سمت ریاست مجلس بیشتر می تواند به مملکت خدمت کند که در نتیجه وکلا ناچار شدند به نخست وزیری ابراهیم حکیمی ابراز تمایل نمایند. ابراهیم حکیمی در این کابینه با تظاهرات پیاپی مخالفان که از سوی حزب توده رهبری می شد و ناآرامیهایی در سراسر مملکت رو به رو بود و در هیچ امر قابل ذکری توفیق به دست نیاورد. در ۲۳ بهمن ماه ۱۳۲۶ محمد مسعود مدیر روزنامه ی مرد امروز به قتل رسید<sup>۱۳</sup>. همچنین در روز ۲۹ ژانویه برابر ۸ بهمن ماه ۱۳۲۶ مهاتما گاندی روحانی و پیشوای بزرگ هند را يك نفر هند وی متعصب ترور کرد.



۱۲- کابینه

عبدالحسین هژیر

از تیر ماه ۱۳۲۷

تا آبان ماه ۱۳۲۷

دوره ی پانزدهم قانون گذاری - این کابینه در اول تیرماه ۱۳۲۷ خورشیدی برابر ۱۴ شعبان ۱۳۶۷ هجری قمری (ژان ۱۹۴۸ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد. مردم، از همان ابتدای کار دولت هژیر، در تهران دست به تظاهرات گسترده ای زدند، علت آن هم بیشتر این بود که هژیر را منتخب شاه می دانستند و او را مسوول توطئه ها و نیرنگهای سیاسی می شناختند. در این کابینه مذاکرات نفت

با انگلستان تجدید می‌شود. شاه در حکومت هزیر به دعوت پادشاه انگلیس<sup>۱۴</sup> به لندن می‌رود و همین امر باعث می‌شود که تلفن بی‌سیم بین تهران و لندن گشایش یابد. تونل کوه‌رنگ اصفهان حفر شد. و هزیر که ضمناً به بهاییگری معروف شده بود، مورد حملات شدید در مجلس قرار گرفت.

#### ۱۳- کابینه‌ی دوم محمد ساعد

از آبان ماه ۱۳۲۷

تا فروردین ماه ۱۳۲۹

دوره‌ی پانزدهم قانون‌گذاری - این کابینه در روز ۳۰ آبان ماه ۱۳۲۷ خورشیدی برابر با ۱۹ محرم ۱۳۶۸ هجری قمری (نوامبر ۱۹۴۸ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد.

با تشکیل کابینه‌ی محمد ساعد، پس از سوءقصدی که در دانشگاه تهران<sup>۱۵</sup> در روز ۱۵ بهمن نسبت به شاه صورت می‌گیرد، شاه برای نخستین بار راساً در فعالیتهای سیاسی مداخله می‌کند.

حزب توده غیر قانونی اعلام و سپس منحل می‌شود. بیشتر روزنامه‌ها توقیف یا به دستور دولت تعطیل می‌شوند. با تشکیل مجلس موسسان و تجدید نظر در اصول ۴۴ و ۴۸ قانون اساسی، شاه اختیاراتی به دست می‌آورد و حق انحلال مجلسین را می‌گیرد. انتخابات اولین دوره‌ی مجلس سنا انجام می‌شود و عده‌ای از رجال سالخورده و قدیمی روانه‌ی این مجلس می‌شوند.

عبدالحسین هزیر که اکنون وزیر دربار شاه است، ترور می‌شود<sup>۱۶</sup> و حکومت نظامی مجدداً برقرار می‌گردد. آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی هم از کشور تبعید می‌شود.

با انجام یافتن محاکمه‌ی سران حزب توده<sup>۱۷</sup> افق سیاست رنگ دیگری به خود می‌گیرد و در همین احوال انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجلس آغاز می‌شود. ولی با حرکتی که دکتر محمد مصدق و طرفداران عقاید او آغاز می‌کنند، و در نتیجه به تحصن وی و عده‌های دیگر در دربار می‌انجامد، بسیاری از مردم

و خصوصا دانشجویان دانشگاه تهران به پشتیبانی از صدق مجدداً به صحنه باز می‌گردند و دولت به ناچار در برابر خواست مردم تسلیم می‌شود و بر ابطال انتخابات تهران صحنه می‌گذارد .

در این دوران با طرح پیشنهاد قرارداد الحاقی نفت ( معروف به قرارداد ساعد-گس یا گس-گلشایان ) از سوی دولت ساعد، که از طرف ایران عباسقلی گلشایان وزیر دارایی وقت و از سوی انگلستان ان.ای. گس به نمایندگی از طرف کمپانی نفت ایران و انگلیس آن را امضا کرده بودند به مجلس تقدیم می‌شود. برای مخالفت با این طرح جبهه‌ای در مجلس تشکیل می‌شود که ضمن مبارزه برای جلوگیری از تصویب قرارداد الحاقی، مسأله ملی شدن صنعت نفت در ایران به صورتی جدی‌تر از گذشته مطرح می‌شود .

در این کابینه خبر طلاق فوزیه همسر شاه رسماً اعلام می‌شود. امیرعبدالله نایب السلطنه‌ی عراق به ایران می‌آید . محمدظاهرشاه پادشاه افغانستان به دعوت شاه وارد ایران می‌شود . "جرج مکگی" معاون وزارت امور خارجه‌ی آمریکا برای بازدید و مذاکره به تهران می‌آید. شاه به دعوت پرزیدنت ترومن به آمریکا می‌رود. قرارداد ترانزیت کالابین ایران و ترکیه امضا می‌شود. شاه به پاکستان سفر می‌کند، ایران به سازمانهای فرهنگی و تربیتی سازمان ملل متحد و بهداشت جهانی ملحق می‌شود. \* انتخابات دوره‌ی شانزدهم پایان می‌گیرد و صدق و یاران او به مجلس راه می‌یابند. مجرمین غائله‌ی آذربایجان و کردستان عفو می‌شوند . اجازه‌ی تاسیس دانشگاه در شهرستانها داده می‌شود و اولین برنامه‌ی موقت اقتصادی هفت ساله به مرحله‌ی اجرا درمی‌آید .

---

\* منشور ملل متحد در تاریخ ۵ تیرماه ۱۳۲۴ (۲۶ ژوان ۱۹۴۵ میلادی) به امضا رسید و پس از تصویب پنج دولت بزرگ (آمریکا، بریتانیا، شوروی، فرانسه، و چین) و اکثریت سایر امضاکنندگان منشور، در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ دوم آبان ماه ۱۳۲۴ رسماً به وجود آمد و ایران یکی از بنیادگزاران آن بود .



۱۴- کابینه‌ی

## علی منصور (منصور الملک)



از فروردین ماه ۱۳۲۹  
تا تیر ماه ۱۳۲۹

دوره‌ی شانزدهم قانون‌گزاری - این کابینه در روز بیستم فروردین ماه ۱۳۲۹ خورشیدی برابر با ۲۲ جمادی الآخر ۱۳۶۹ هجری قمری ( آوریل ۱۹۵۰ میلادی ) به مجلس شورای ملی معرفی می‌شود.

دو روز پس از روشن شدن سرنوشت انتخابات تهران ، مجلس شانزدهم شروع به کار می‌کند و علی منصور سیاستمدار کارکشته مامور تشکیل کابینه می‌شود. علی منصور ( نخست وزیر دوران حمله‌ی متفقین به ایران ، و پدر حسنعلی منصور نخست وزیر ایران در آینده ) در اولین روزهای حکومت با مساله‌ی بزرگ نفت روبه رو است و می‌کوشد تا با خاموشی در برابر آن از جنجال و بحران برکنار باشد، اما با پرسشهای پیاپی نمایندگان مجلس این ترفند به جایی نمی‌رسد. تا آن جا که منصور ناچار می‌شود در پاسخ به این سوال که: " نظر دولت شما پیرامون مساله‌ی نفت چیست ؟ " شانه از زیر این بار سنگین خالی کند و بگوید :

" قرارداد الحاقی ، لایحه‌ای است که دولت قبلی به مجلس آورده است و این قرارداد با دولت من ارتباطی ندارد، این مجلس است که باید درباره‌ی این لایحه تصمیم بگیرد و سرنوشت نفت را روشن کند "

در پی اظهار این نظر، دولت خود را کنار می‌کشد و وکلای مجلس ابتکار عمل را به دست می‌گیرند .

در این موقع آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی در میان استقبال پرشور مردم بعد از حدود يك سال تبعید به تهران باز می‌گردد و دولت منصور نمی‌تواند از ناآرامیهای تهران و

حوادث پی در پی آن مصون بماند .  
 در ششم خرداد ماه "۱۳۲۹" احمد دهقان مدیر مجله‌ی  
 تهران منصور و نماینده‌ی مجلس ترور می‌شود و قاتل او حسن  
 جعفری پس از محاکمه ، اعدام می‌شود .  
 در کابینه‌ی منصور جسد رضاشاه از مصر به ایران آورده  
 می‌شود .

۱۵- کابینه‌ی

### حاجیعلی رزم آرا



از تیر ماه ۱۳۲۹

تا اسفند ماه ۱۳۲۹

دوره‌ی شانزدهم قانون‌گذاری- این کابینه در روزیازدهم  
 تیر ماه ۱۳۲۹ خورشیدی برابر با ۱۷ رمضان ۱۳۶۹ هجری  
 قمری (ژان ۱۹۵۰ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد .  
 رزم آرا که در مدت ریاست ستاد ارتش خود ( از سال  
 ۱۳۲۴ ) توانسته بود اطمینان وابسته‌های نظامی دول غرب  
 را به دست آورد، مخصوصا با وابسته‌ی نظامی سفارت آمریکا  
 طرح دوستی بسیار صمیمانه‌ای ریخته ، با روسای عشایر نزدیک  
 شده بود ، و دوستان فراوانی هم در طبقات مختلف مردم  
 داشت و با سران حزب توده در تماس نزدیک بود . رزم آرا با  
 اطمینان از حمایت دولتهای انگلیس و آمریکا وارد صحنه شد  
 و ظاهرا "دوهر" دبیر سفارت آمریکا در تهران برای ارتقای  
 او به مقام صد ارت بیشترین تلاش و مساعدت را کرد . سپهبد که  
 در آغاز زمامداری از حمایت شاه در برابر مصدق و یاران او  
 برخوردار بود، خود نیز در میان سناتورها و نمایندگان مجلس  
 دوستان فراوانی داشت و در سلسله‌ی علما ، آیت‌الله حاج میرزا  
 عبدالله مسیح تهرانی و آیت‌الله شیخ‌بهاء‌الدین نوری در حلقه‌ی

خاصان وی بودند .

باروی کار آمدن رزم آرا مجلس شورای ملی گزارش کمیسیون نفت را مبنی بر رد قرارداد الحاقی تصویب کرد . با طرح پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت ، از سوی طرفداران دکتر محمد مصدق ، مبارزه‌ی مردم ایران شکل گسترده‌ای به خود گرفت : در مورد طرح ملی شدن نفت ، دکتر مصدق بعدها در نامه‌ای چنین نوشت :

" اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده ، باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود سپاسگزاری کرد . و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است که روزی در خانه‌ی جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عده‌ی نمایندگان جبهه‌ی ملی حاضر در جلسه آن را به اتفاق آرا تصویب نمودند . رحمه الله علیه که در تمام مدت همکاری با اینجانب حتی یک ترک اولی هم از آن بزرگوار دیده نشد . "

در باب نحوه‌ی تشکیل کابینه‌ی رزم آرا سخن بسیار است ۱۸ ولی با معرفی کابینه ، افکار عمومی که نسبت به رزم آرا سخت عصبانی بود ، خشمگین‌تر شد و آمریکاییها که به وسیله‌ی او اکنون به صورت علنی در کارهای ایران دخالت می‌کردند ، نقاب از چهره برداشتند . ۱۹ رقابت انگلستان و آمریکا بر سر بهر مبردن هر چه بیشتر از منافع روزبه روز شدیدتر می‌شد تا آن جا که به گفته‌ی بعضی از نزدیکان وی ، " سپهبد سرانجام از میان دو یار دیرینه انگلستان را برگزید " . ۲۰ از آن روز حکومت وی قوس نزولی طی کرد ، حملات جراید و نطقهای شدید اللحن نمایندگان بر ضد او به جایی رسید که مجبور شد ملاقات محرمانه‌ای در منزل اللهیار صالح با دکتر مصدق داشته باشد . از آن ملاقات هم نتیجه‌ی معکوس حاصل شد ۲۱ و حمله‌ی وکلا به ناسزاگویی و بی‌احترامی هم تبدیل یافت و عاقبت جان بر سر نداشتن تجربه و خطبهای سیاسی گذاشت . ۲۲

رزم آرا در ۱۶ اسفند ماه ۱۳۲۹ به وسیله‌ی اسلحه‌ی گرم در مسجد شاه از پا درآمد و گفته شد : گلوله‌ی خلیل طهماسبی ۲۳ که بعد ستور فداییان اسلام و به هدایت آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و رهبری سید مجتبی میرلوحی (نواب صفوی) شلیک شده بود ، او را از پای در آورده است .

وقایع مهم در کابینه‌ی رزم‌آرا عبارت است از: طرح رسمی پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی\*، تشکیل کنفرانس اقتصادی کشورهای اسلامی در تهران، عقد قرارداد بین ایران و آمریکا برای استفاده از کمک مالی آمریکا. امضای موافقت‌نامه‌ی بازرگانی ایران و شوروی، ازدواج شاه با دوشیزه ثریا اسفندیاری، فرار سران حزب توده از زندان ۲۴، ورود آقاخان محلاتی پیشوای فرقه‌ی اسماعیلیه به تهران، تحصن عدّه‌ای از مدیران و نویسندگان روزنامه‌ها در مجلس شورای ملی.



۱۶- کابینه‌ی

حسین علاء

از اسفند ماه ۱۳۲۹

تا اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

دوره‌ی شانزدهم قانون‌گذاری - این کابینه در ۱۸ فروردین ماه ۱۳۳۱ خورشیدی برابر با دوم رجب ۱۳۷۰ هجری قمری (آوریل ۱۹۵۲ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد.

\* این طرح که قبلاً هم در مجلس شورای ملی عنوان شده بود، نخستین بار به وسیله‌ی غلامحسین رحیمیان نماینده‌ی قوچان (از یاران دکتر مصدق در آغاز راه) هنگام بحث بر سر نفت شمال و منع دولت (وزیران و نخست‌وزیر) از هرگونه مذاکره‌ی مستقیم در این باره، رسماً پیشنهاد گردید. رحیمیان پیشنهاد داده بود که تا تنور داغ است، نفت جنوب نیز ملی اعلام شود. رحیمیان ضمن این پیشنهاد، مستقیماً خواستار تأیید دکتر مصدق شد ولی دکتر مصدق به شدت آن را رد کرد.

پس از کشته شدن رزم‌آرا شاه که فکر می‌کرد باید رابطه‌ی خود را با آمریکا استحکام بخشد، برای جلوگیری از فشارهای روزافزون مخالفان، حسین علاء سیاستمداری را که سالها به عنوان سفیر در آمریکا خدمت کرده بود و ضمناً با انگلستان نیز روابط حسنه داشت برای نخست‌وزیری در نظر گرفت و با کمک اکثریت وکلای مجلس راه انتخاب او را به نخست‌وزیری هموار ساخت، در حالی که هیچ پیش‌بینی نمی‌شد که امواج سیل‌آسای نهضت ملی ایران حکومت حسین علاء را نیز خواهد بلعید و دولت او هم قادر به انجام دادن کاری نخواهد بود. علاء با این که برای مدت دو ماه اعلام حکومت نظامی کرد، ولی اقداماتش کوچکترین اثری در ادامه‌ی تظاهرات مردم نداشت، و به همین دلیل نیز سرانجام در ششم اردیبهشت ماه ناچار به کناره‌گیری شد.\* از وقایع مهم در کابینه‌ی علاء، ترور دکتر

---

\* دکتر مصدق در مورد علل سقوط کابینه‌ی علاء می‌گوید: این کابینه جنبه‌ی محلل داشت و زمینه را برای نخست‌وزیری سید ضیاء‌الدین طباطبایی مهیا می‌کرد تا بیاید و مساله‌ی ملی شدن نفت را به سبک خود منتفی سازد. به همین دلیل متولیان مجلس به این امید که من، نظیر دوره‌ی چهاردهم، نخست‌وزیری را نخواهم پذیرفت در جلسه‌ی خصوصی به زمامداری من ابراز تمایل کردند، در حالی که در هفان موقع سید ضیاء‌الدین در دربار منتظر بود تا فرمان به نامش صادر شود، اما من که نهضت را در خطر می‌دیدم، رای تمایل را بلافاصله تنها به شرط تصویب قانون طرح اجرای ملی شدن صنعت نفت پذیرفتم. تقریرات مصدق در زندان یادداشت شده به اهتمام سرهنگ جلیل بزرگمهر تنظیم شده به کوشش ایرج افشار صفحه‌ی ۱۲۱ از انتشارات سازمان کتاب. اما مخالفان مصدق (از جمله جمال امامی) معتقدند: تنها راه مقابله با مصدق این بود که مسوولیت عظیم اجرای طرح ملی شدن نفت بر گردن خود او گذاشته شود زیرا بی‌گمان در اجرای این برنامه درمی‌ماند و شکست می‌خورد، و اگر هم پیشنهاد نخست‌وزیری را نمی‌پذیرفت، باز تحصیل حاصل بود و عملاً از دور خارج می‌شد. (از جمله مراجعه کنید به مجموعه‌ی نطقهای جمال امامی در دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی.)

عبدالحمید زنگنه رییس وقت دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به وسیله‌ی نصرت اللقمی و درگذشت محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) بر اثر بیماری سل بود. بزرگترین اقدام انجام شده در حکومت علاء تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی بود.

۱۷- کابینه‌ی

### محمد مصدق (مصدق السلطنه)



از اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

تا تیر ماه ۱۳۳۱

دوره‌ی شانزدهم قانون‌گذاری- این کابینه در روز ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ خورشیدی برابر با ۲۷ رجب ۱۳۲۰ هجری قمری ( ماه مه ۱۹۵۱ میلادی ) تشکیل و در همان روز به مجلس شورای ملی معرفی شد .  
دکتر مصدق<sup>۲۵</sup> کابینه‌ی خود را در تاریخ پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ تشکیل داد و همان روز به مجلس معرفی کرد .

او در مجلس اعلام کرد : " برای حفظ قانون اساسی من آن قدر که تاب و توان تحمل رنج و مشقت و تبعید و زندان را داشته‌ام تا سرحد مرگ به ملت حق شناس ایران آزمایش وفاداری داد‌ام ، من از سنین جوانی تا امروز خدمت‌گزار مردم بود‌ام و به سهم ناچیز خویش برای حفظ اصول قانون اساسی رنج سخت‌ترین حوادث را بر خود خرید‌ام " .

دکتر غلامحسین مصدق فرزند دکتر محمد مصدق می‌گوید :  
" او خواستار آن بود که شاه سلطنت کند و نه حکومت ، و به شاه گفته بود : شما باید حساب خودتان را از حساب پدرتان جدا کنید زیرا اگر به کارهای او بخواهید ادامه بدهید ، ورشکست خواهید شد " .

دولت انگلستان زمامداری دکتر مصدق را باخبری بدین مضمون استقبال کرد، "انگلستان پس از نخست وزیر شدن دکتر مصدق روابط خود را فقط با اعلی حضرت برقرار می سازد" و این رویه را نیز تا کناره گیری مصدق ادامه داد.

رهبری حزب توده هم که از هر فرصتی برای حمله به جبهه ملی و سران آن تا قبل از زمامداری دکتر مصدق استفاده کرده بود، مبارزه خود را برضد دکتر مصدق تشدید کرد و در روزنامه ای ارگان خود نوشت: "دولت ضد ملی مصدق در راه ملت کشی، فاشیسم، دروغگویی و اطاعت از سیاست استعماری آمریکا گام نهاده است و روز به روز عمق توطئه ای بزرگی که دولت مصدق با الهام از منابع امپریالیستی برضد ملت ایران چیده است، آشکارتر می شود. دکتر مصدق برای این که محیط را آماده ی مذاکره تسلیم آمیز و چاکرانه با نمایندگی استعمار آمریکا سازد از هیچ دروغ پراکنی خودداری نمی کند." (روزنامه به سوی آینده) سرمقاله ی شماره ی ۳۲۷ مورخ ۴/۵/۱۳۳۰ از سوی دیگر ترکیب کابینه ی مصدق هم از ابتدای کار رضایت مردم را کاملاً جلب نکرد و نمایندگان مخالف وی در مجلس از این فرصت استفاده جستند و حمله به وی را آغاز کردند، و اولین شکافهای تفرقه در میان اعضای موسس جبهه ملی آغاز شد.

تظاهرات حزب توده و عناصر ارتجاعی و دیگر مخالفان موجب شد که مصدق برای بقای دولت خود به حکومت نظامی توسل جوید. مصدق در حالی حکومت نظامی اعلام کرد که در سراسر عمر خود، به عنوان نماینده ی مردم، توسل به حکومت نظامی را خلاف صریح قانون اساسی ایران دانسته بود و برضد آن مبارزه کرده بود. در نتیجه، همین مساله نیز وسیله ی دیگری در دست مخالفان شد تا او را عوام فریب و قدرت طلب معرفی نمایند.

عده ی کثیری از ماموران انتظامی هم که عملاً در اختیار او نبودند، و از درباریان و خصوصاً خواهر شاه، شاهدخت "اشرف" بیشتر اطاعت می کردند، با آزار و اذیت مردم محیط را برای ابراز مخالفت هر چه بیشتر آماده می ساختند. در این میان با فشاری که از طرف انگلستان وارد می شد، دربار همواره

تلاش می‌کرد تا هر چه زود تر مصدق را برکنار کند و حکومت را به شخص دیگری بسپارد. در بیست و سوم تیر ماه تظاهرات مردم در تهران به خون کشیده شد و ماموران که به هیچ وجه دستورهای خود را از مصدق دریافت نمی‌کردند، تظاهرکنندگان را در بعضی از نقاط خود سرانه به رگبار گلوله بستند. مصدق که اشرف را یکی از مسببین این واقعه می‌پنداشت، او را از مملکت اخراج کرد.

جریان مذاکرات نفت هم با مقامات انگلیسی پیشرفتی نداشت و مقامات انگلیسی در لندن در انتظار بودند که هر آن مصدق از کار کناره‌گیری کند و جانشین او آن چه را که انگلستان می‌خواهد به انجام برساند.

بدیهی است که در این جا از نقش آمریکا هم نمی‌توان غافل شد چون واشینگتن می‌خواست از هر فرصتی که می‌شود استفاده کند تا از این "نمد کلاهی هم برای خود فراهم آورد و انحصار بهربرداری از نفت ایران را از دست بریتانیا خارج سازد؛ البته در پی‌گیری این منظور، دوستی و رابطه‌ی نزدیک واشینگتن - لندن را هیچ‌گاه از نظر دور نمی‌داشت.

شوروی نیز از پرداخت و استرداد طلاها و مطالبات ایران سر باز می‌زد و حکومت مصدق در این گیر و دار بایستی مواظب توطئه‌ها و نیرنگهای دربار هم باشد. از طرف دیگر يك گروه مخالف (از جمله با شرکت عدّه‌ای از مرتجعین) که اکثریت در مجلس را نیز عملاً در اختیار داشت، در برابر هرگونه پیشنهاد مصدق سنگ می‌انداخت و عملاً جلسات مجلس را از فعالیت باز می‌داشت.

مصدق در برابر تمامی این مخالفتها و مشکلات عظیمی که دولت و ملت با آن روبه‌رو بودند، اعلام کرد که تصمیم به مقاومت دارد و گفت:

"می‌دانید که اگر سه ماه دیگر گذشت، مردم از فرط نداری می‌آیند و به مجلس و دولت هجوم می‌آورند و این را انگلیسیها خوب می‌دانند؛ و بعد حضرات می‌آیند و می‌گویند آقایان ما بیست میلیون لیره به شما می‌دهیم بیاوید و بگیرید و بعد قرارداد خود را به ما تحمیل می‌کنند. از آن جهت برای آن که ملت و دولت ایران به زانو در نیاید من قایل شدم به این که به دولت انگلیس به‌طور غیرمستقیم اعلام کنم که اگر تا پانزده روز



دیگر شما نیابید و مطابق عدالت عمل نکنید، دولت ایران تصمیم آخر را خواهد گرفت.

مصدق در پایان مهلت، خود در راس هیاتی برای شرکت در شورای امنیت به نیویورک رفت. پس از بازگشت از این سفر مصدق اقدام به شروع انتخابات دوره‌ی هفدهم کرد، ولی تظاهرات حزب توده و اقدامات مخالفان یک بار دیگر حوادثی به وجود آورد که در آن عده‌های کشته و مجروح شدند. هماهنگی حزب توده از یک سو و دستورهای فرماندهان نظامی که از دولت فرمان نمی‌بردند، از سوی دیگر، این جریان را به صورتی وسیع گسترش داد و یک بار دیگر دولت مصدق را در برابر عمل انجام شده‌های قرار داد.

در این بین مذاکراتی میان "چرچیل" که به تازگی دوباره نخست وزیر انگلستان شده بود با "ترومن" رئیس جمهوری آمریکا جریان داشت و نقشه‌هایی برای سرکوبی نهضت مردم ایران و سقوط حکومت مصدق می‌کشیدند. پس از پایان قسمتی از انتخابات، دکتر مصدق که از تقلبها و جریانهای سوء دیگر در بعضی از حوزه‌ها مطلع شده بود، تقاضای رسیدگی به کار آنها را کرد ولی در فروردین ماه سال ۱۳۳۱ حادثه‌ی دیگری به دست حزب توده رخ داد که موجبات ناراحتی مردم و دولت را فراهم آورد. در این حادثه که به صورت تظاهرات لگام گسیخته انجام گرفت، عده‌ی زیادی کشته و مجروح شدند.

در خرداد ماه، دکتر مصدق برای پاسخ‌گویی به شکایات دولت انگلستان به دادگاه "لاسه" رفت و بازگشت، و در تیر ماه مجلس (منتخب در زیر نظر دولت) افتتاح شد. در بیست و دوم تیرماه مصدق برای اصلاح امور مالی، اقتصادی، قضایی، بانکی و استخدامی و ایجاد سازمانهای ملی برای نخستین بار تقاضای اختیارات شش ماهه از مجلس کرد\* و از سوی دیگر از شاه خواست تا برای حل مشکلات، پست

---

\* بسیاری از نمایندگان (حتی بعضی از یاران قدیم دکتر مصدق) تقاضای نخست‌وزیر را معایر قانون اساسی می‌دانستند زیرا بدین سان اختیار

وزارت جنگ را نیز به وی بسپارد. شاه با این نظر دکر تصدق به شدت مخالفت کرد و گرچه مذاکره بر سر آن سه روز به طول انجامید مع ذلک باز شاه زیر بار نرفت و تصدق فرصت را مناسب دید و استعفا کرد.<sup>۲۶</sup> استدلال دکر تصدق چنین بود که من نخست وزیرم و طبق قانون اساسی، وزرا مسؤلیت مشترک در برابر مجلس دارند، پس باید وزیر جنگ را خود تعیین کنم و در اعمال او مستقیماً نظارت داشته باشم.

#### ۱۸- کابینه‌ی سوم احمد قوام<sup>۲۷</sup>

از ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۱

تا ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱

در بیست و ششم تیر ماه مجلس شورای ملی بدون حضور نمایندگان طرفدار دکر تصدق به نخست وزیری احمد قوام رای تمایل داد و شاه در پی رای تمایل مجلس، فرمان نخست وزیری را به نام او صادر کرد و لقب "جناب اشرف" را که به دنبال حوادث آن رایجان عملاً پس گرفته شده بود، به وی مسترد داشت.<sup>۲۸</sup> قوام هم بعد از دریافت فرمان نخست وزیری اعلامیه‌ی غلاظ و شدادی منتشر ساخت و در قسمتهایی از آن چنین گفت:

"ایران دچار دردی عمیق شده است و با داروهای مخدر درمان پذیر نیست... وای به حال کسانی که در اقدامات مصلحانه‌ی من اخلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند یا نظم عمومی را برهم بزنند. این گونه آشوبگران با شدیدترین عکس العمل از طرف من رویرو خواهند شد... به عموم اخطار می‌کنم که دوره‌ی عصیان سپری شده است و روز اطاعت از اوامر

---

قوه‌ی مقننه نیز به دست قوه‌ی مجریه می‌افتاد. در هر حال، چنین اختیاراتی به دکر تصدق داده شد و چون آن چه انتظار می‌رفت، برآورده نشد، شکاف تفرقه میان یاران مصدق گسترش بیشتری یافت و حالتی جدی‌تر به خود گرفت. این تفرقه در پی آن که دکر تصدق خواستار تمدید همان اختیارات تا شش ماه دیگر شد، از پرده بیرون افتاد..

و نواهی حکومت رسیده است... گشتیبان را سیاستی دگر آمد...  
 با اعلام خبر استعفای دکتر مصدق، سراسر شهر تهران تعطیل شد و بین مردم و قوای نظامی برخورد های پراکنده ای رخ داد. ماموران انتظامی در همه جا مردم را با کمک اسلحه متفرق می کردند. البته این تظاهرات و اعتراض منحصراً به تهران نبود و به خصوص از روز دوم موج اعتراض سراسر کشور را فراگرفت.

در روز ۲۸ تیر ماه قوام " برای اعاده ای امنیت " از شاه تقاضای اختیارات فوق العاده کرد. ولی از آن جا که قوام دیگر پیر و فرتوت شده بود، شاهدخت اشرف و شاهپور علیرضا خواهر و برادر شاه عملاً زمام قدرت نظامی و انتظامی کشور را در اختیار گرفته بودند و با فرامینی که صادر می کردند، سرکوبی مردم را از نیروهای انتظامی خواستار بودند. شاهپور علیرضا حتی شخصاً نیز در عملیات مداخله می کرد. از اولین ساعات روز ۳۰ تیر ماه، تهران که وضع یک شهر اشغال شده را داشت، در محاصره ای نیروهای پلیس و نظامی و تانکها و زرهپوشها بود ولی مردم هم بدون وا همه از نیروهای مسلح، به اتکای اعلامیه های آیت الله کاشانی، از تمام نقاط شهر به حرکت در آمده بودند. شهر یکپارچه تعطیل شد. ادارها، کارخانه ها و کارگاهها تعطیل گردید و در ساعت دوازده ظهر نشانه های شروع یک انقلاب تمام عیار در تهران به خوبی نمایان بود. دانشجویان دانشگاه تهران و کلیه مدارس نیز در صف مردم جای داشتند و در برابر نیروهای انتظامی مقاومت می کردند و با این که نیروهای نظامی و انتظامی برای پراکندن تظاهرکنندگان پیاپی شلیک می کردند، مقاومت مردم هر لحظه اوج می گرفت. از سوی دیگر سربازان نیز گروه گروه به صف مردم می پیوستند. در ساعت ۵ بعد از ظهر که این قیام (برضد قوام و به طرفداری از دکتر مصدق) به اوج خود رسیده بود، عده ای کشته و مجروح شدند. سرانجام با توجه به این نکته که ممکن بود نیروهای انتظامی عموماً به مردم روی آورند و در جهت آنها حرکت کنند، قوام از سمت خود استعفا کرد و شبانه ناپدید شد و ظاهراً تهران را ترک گفت. شاه با توجه به خواست مردم، اما بدون اطلاع دکتر مصدق، فرمان نخست وزیری را مجدداً به نام او صادر کرد و

این خبر لحظه به لحظه از رادیو خوانده می شد و به گوش همگان می رسید.<sup>۲۹۰</sup>

#### ۱۹- حکومت دوم دکتر مصدق

از تیر ماه ۱۳۳۱

تا مرداد ماه ۱۳۳۲

با پیروزی قیام سی تیر، طرفداران قوام السلطنه خانه نشین شدند، و جشن و سرور عمومی برپا شد. در شب سی و یکم تیر ماه خبر اعلام رای دیوان داورى لاهه مبنی بر عدم صلاحیت آن دادگاه در رسیدگی به شکایت دولت بریتانیا راجع به مسالهی نفت به تهران رسید. و این رای که حقانیت مردم ایران را در مبارزه با استعمار به ثبوت می رساند، پیروزی مردم را تکمیل کرد و بر جشن و سرور همگان افزود.\*

دکتر مصدق که اکنون عوامل موثر در توطئه‌ی سی تیر را به خوبی تشخیص داده بود، دستور داد مادر و خواهر شاه ( اشرف ) ایران را ترک کنند. دفتر کلیدی برادران و خواهران شاه را بست و تماس مستقیم آنها را با سازمانهای دولتی ممنوع کرد. مجلس هم در امر ادماه با تصویب ماده‌ی واحد های احمد قوام را مفسد فی الارض شناخت و کلیدی اموال او را مشمول مصادره قرار داد و ضمناً دو مین دور از اختیارات شش ماهه‌ی مورد درخواست دکتر مصدق را به ناچار تصویب کرد و امام جمعه‌ی تهران ( دکتر سید احمد امامی ) را که از هواخواهان سرسخت دربار و مخالفان جدی دولت بود، از ریاست خلع

---

\* گرچه قبل از ایران، دولت مکزیک منابع نفت خود را ملی کرده بود ولی با توجه به این که منابع نفت مکزیک عملاً خشک شده بود، اقدام این دولت در ملی کردن نفت چندان هیجانی به وجود نیاورد. اما اقدام قاطع ایران، موجی از احساس همدردی در مردم جهان، به خصوص قربانیان استعمار، را به سود ایران برانگیخت. بدین سان، اقدام ایران سرسلسله‌ی رویدادهای دگرگون کننده‌ی عظیمی در سراسر دنیا، خصوصاً در منطقه شد.

کرد و آیت الله کاشانی را به عنوان رییس برگزید .  
 در شهریور ماه "له وی هندرسن" سفیر آمریکا و "میدلتون"  
 کارد از سفارت انگلیس ( بریتانیا ) ، پیام مشترک ترومن و  
 "چرچیل" را به پیوست قرارداد مخصوص، تسلیم دکتر مصدق  
 کردند، اما این پیشنهاد و طرح قرارداد، چنان گستاخانه و  
 يك طرفه بود که دکتر مصدق پس از خواندن آن گفت: "من شرم  
 دارم این پیشنهاد را بخوانم تا چه رسد به قبول آن" و سپس  
 آرای خود را به دولت انگلیس اعلام کرد و چون انگلیسیها  
 از قبول در خواستهای مصدق خود داری کردند، قطع کامل  
 روابط ایران و انگلیس را اعلام داشت و کارمندان انگلیسی  
 ( بریتانیایی ) را که حاضر به همکاری با شرکت ملی نفت ایران ،  
 با همان دستمزد و مزایای سابق ، نشده بودند، ناگزیر از  
 ایران اخراج کرد و سفارتخانه و کنسولگری انگلیس بسته  
 شد .

دکتر مصدق با این اقدامات تند و در عین حال هماهنگ  
 با خواستهای شورانگیز مردم ، موجب شد که از يك طرف جناح  
 راست جبهه ملی و نیز هواخواهان آیت الله کاشانی چه  
 آشکار و چه پنهان رابطه خود را با مصدق قطع کنند .  
 عوامل و هواخواهان دربار هم از فرصت استفاده کردند و با  
 ایجاد آشوب و بلوا ، برتنگناهایی که دولت مصدق با آن  
 روبه رو بود ، افزودند . چون غالب این حرکات از سوی افسران  
 وفادار و متعصب به دربار انجام می گرفت ، مصدق عده ای از  
 آنها را بازنشسته کرد ، این جریانات باعث شد که انگلیس و  
 آمریکا با کمک يك ديگر طرح ( آجاكس ) \*<sup>۳۰</sup> را برای سقوط  
 مصدق تدارك ببینند .

---

\* یا آژاکس Ajax که در انگلیسی "ای جکس" تلفظ می شود . آژاکس یا  
 ای جکس نام دو قهرمان در اساطیر یونانی است که دوشادوش یونانیان  
 در جنگ تروا شرکت جستند . جنگ تروا همان جنگی است که یونانیان  
 در آن از خدعه بهره گرفتند و اسبی چوبین را پر از سربازان مسلح و  
 جنگاور به درون شهر فرستادند و دشمن فریب خورده را بدین سان  
 شکست دادند .

گرفتاریهای داخلی و فشارهای خارجی و توطئه‌ها چنان  
 مصدق را به خود مشغول کرده بود که از جریانات روز غالباً  
 بی اطلاع می ماند. از یک طرف اطرافیان دکتر مصدق سخت در  
 فکر کار و بار خود بودند و از سوی دیگر یاران دیروز او نیز  
 که معتقد بودند وی از راه اصلی و اولیه اش منحرف شده، هر  
 یک در توطئه‌ای برضد او مشغول و دست اندرکار بودند، و از  
 زیر تیشه برریشه‌ی حکومت وارد می کردند. در همین احوال  
 سرلشگر فضل الله زاهدی (وزیر کشور سابق کابینه‌ی مصدق)  
 با کمک اطرافیان و هواخواهان شاه که با توجه به خوابیدن  
 صنایع نفت، حکومت دکتر مصدق را عامل فاجعه‌های اقتصادی -  
 سیاسی برای ایران می دانستند، در فکر کودتا بود و  
 گروه‌های داخلی وابسته به خود را مسلح می کرد.<sup>۳۱</sup>

حزب توده و طرفدارانش نیز از پای ننشسته، خود را  
 "نایب مناب" شهدای سی ام تیر می دانستند و در صدد  
 بودند که بدین بهانه در سالگرد این روز قدرت نمایی کنند.<sup>۳۲</sup>  
 در احزاب وابسته به مصدق نیز اختلافات روز به روز آشکارتر  
 می شد و مجلس نیز خود را برای ساقط کردن مصدق آماده  
 می کرد. در این احوال دکتر مصدق به فکر انحلال مجلس و  
 همه پرسی افتاد،\* هواخواهان دربار نیز برای تضعیف هر  
 چه بیشتر مصدق اقدام به ربودن رییس شهربانی او - سرتیپ  
 افشار طوس<sup>۳۳</sup> - کردند.

در این گیر و دار اختلاف جناح آیت الله کاشانی و دکتر  
 مظفر بقایی کرمانی با دکتر مصدق روز افزون می شد و در تهران  
 و بیشتر نقاط ایران آشوبهایی به دستور وفاداران به دربار

---

\* این تصمیم دکتر مصدق حتی برای یاران وی نیز شگفتی انگیز بود زیرا  
 انتخابات این دوره از مجلس زیر نظر دولت دکتر مصدق انجام یافته  
 بود و از سوی دیگر دکتر مصدق مخالفت خود را با انحلال مجلس  
 همواره اعلام داشته بود و همه پرسی را نیز به کلی مغایر با قانون  
 اساسی می دانست. دکتر مصدق با اعلام این که مجلس این جا است  
 (در میان مردم کوچه و بازار که گردش را گرفته بودند) ناقوس مرگ  
 مجلس را به صدا درآورد.

انجام می‌گرفت. از سوی دیگر با انجام دادن همه پرس‌وپرسی‌ها به کنار رفته، هواخواهان مصدق و نیروهای ضد قانون اساسی و سلطنت، که عامل اساسی گرفتاریهای خود را شاه و دربار می‌دانستند، ناگهان آشکارا خواهان برچیده شدن بساط سلطنت شدند، و شعار جمهوری را جسته‌گریخته در اذهان مردم شوریده‌حال و احساساتی القا می‌کردند. در همین احوال حزب توده نیز آتش بیار معرکه شده بود و با انجام دادن عملیات تخریبی، سعی در نمایش قدرت خود داشت.

تظاهرات پیاپی خیابانی که از طرف دسته‌ها و حزبهای گوناگون و با شرکت اکثر کسانی که از قضایای پشت پرده چندان خبری نداشتند، برپا می‌شد شیرازه‌ی امور را از هم گسیخته بود و با اعلام انحلال مجلس از سوی دکتر مصدق (که مخالفان وی آن را عملی خلاف قانون خواندند) شاه هم فرمان عزل او را صادر کرد. "ولی بعدها گفته شد که این نقشه شبه‌کودتا بوده تا مصدق را سرگرم کنند و در اولین فرصت مناسب نقشه‌ی اصلی را به مرحله‌ی اجرا بگذارند" - با انجام یافتن این کودتا شاه از ایران خارج شد.

در همین زمان دکتر سید حسین فاطمی که به رغم جوانی به وزارت امور خارجه رسیده بود، بدون پنهانکاری و رعایت آداب، با صراحت نوشت: خیانتکاری که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد فرار کرد.

ولی بی‌توجه به این غلیان و فوران احساسات، عوامل طرح آجاکس همچنان در نهان مشغول کار خود بودند و مقدمات برنامه‌ی اصلی براندازی حکومت مصدق را فراهم می‌ساختند.

در بیست و هشتامرداد ماه ۱۳۳۲ کودتا انجام شد؛ حکومت دکتر مصدق تقریباً بدون درگیری جدی و چشمگیری، سقوط کرد. دکتر مصدق ناگزیر از فرار شد و سرلشگر فضل‌الله زاهدی به نخست‌وزیری رسید.<sup>۳۴۰</sup>

رویدادهای مهم در دوره‌ی حکومت دکتر مصدق عبارتند از:

خلع‌ید از شرکت نفت سابق (ایران و انگلیس) -

برداشتن نخستین گامها به امید اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت، آغاز برنامه‌ی لوله‌کشی آب تهران، و شروع عملیات ابتدایی ساختمان فاضل آب تهران، اعتصاب کارگران صنعت نفت در خوزستان و اغتشاش و خونریزی در آبادان به سرکردگی حزب توده، اعلام حکومت نظامی، ورود رزمناو انگلیسی موریشس به خلیج فارس به عنوان حفاظت از جان اتباع انگلیس، شکایت دولت انگلیس و شرکت نفت ایران و انگلیس از دولت ایران به دیوان داوری لاهه، به سبب رد تقاضای داوری انگلیس از طرف ایران در مورد اختلافات مربوط به امتیاز نفت - رای دیوان داوری لاهه در تایید حقانیت ایران - به رسمیت شناخته شدن اصل ملی شدن صنعت نفت ایران از طرف دولت انگلیس، اعزام استوکس مهربار سلطنتی انگلیس برای مذاکره با دولت ایران و رد پیشنهاد های وی ( از جمله عقد مناقصه‌ی معروف به پنجاه - پنجاه ) از سوی دولت ایران، خودکشی صادق هدایت در پاریس<sup>۳۵</sup>، شکایت انگلیس ( بریتانیا ) از ایران به شورای امنیت راجع به ملی کردن نفت به عنوان ایجاد مخاطره‌ای برای صلح جهان، تعطیل کنسولگریهای انگلستان در ایران، کشف مرکز مخفی چاپ و نشر روزنامه‌ی مردم ارگان حزب منحل‌ه‌ی توده، حمل شش تن طلای امانی پشتوانه‌ی اسکنا س ایران ( در بانکهای انگلیس، آفریقا و کانادا ) به آمریکا به دستور دولت، حرکت اولین کشتی نفتکش ایتالیایی حامل نهصد تن نفت ایران و توقیف آن در سواحل "عدن" به وسیله‌ی ناوگان انگلیس و تصرف محمولات آن، صدور رای دیوان داوری لاهه مبنی بر عدم صلاحیت آن دادگاه در مورد رسیدگی به شکایت انگلیس ( بریتانیا ) از ایران، تصویب قانون واگذاری اختیارات شش ماهه ( در دو نوبت ) از طرف مجلس شورای ملی به دکتر مصدق مبنی بر وضع و اجرای هر قانونی که جنبه‌ی آزمایشی داشته باشد تا شش ماه به وسیله‌ی نخست وزیر و هیات دولت، و تقدیم آن برای تصویب نهایی به مجلس شورای ملی، ورود دکتر شافت کارشناس اقتصادی آلمان به ایران، قطع رابطه‌ی سیاسی بین دولت ایران و انگلستان، پایان قرارداد ایران و شوروی راجع به شیلات و ملی شدن شیلات، دستور توقیف صد و هفتاد نفر



از مسوولان دولتی به دستور دکتر محمد مصدق - از جمله سرلشگر فضل الله زاهدی، اغتشاش در شیراز و غارت و آتش زدن اداره‌های وابسته به آمریکا، ریبون و کشتن سرتیپ افشار طوس رییس شهربانی، تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس، خروج زاهدی از مجلس و اختفای وی. همه پرسی از طرف دولت مصدق دایر به انحلال مجلس شورای ملی - اعلام انحلال "سنا" و مجلس شورای ملی، توقیف سرهنگ نعمت‌الله نصیری (این سرهنگ بعدها ارتشبد و رییس سازمان اطلاعات و امنیت کشور و سفیر ایران در پاکستان شد) و عده‌ی دیگری از افسران در رابطه با آن چه بعضیها شبه کودتایش می‌خواندند، صدور اعلامیه‌ی فرمانداری نظامی تهران در مورد پرداخت صد هزار ریال جایزه برای دستگیری سرلشگر زاهدی، هجوم عده‌ای از نیروهای وفادار به دربار به منزل دکتر مصدق برای قتل وی<sup>۳۶</sup>، تصویب ملی شدن و صادرات اموال احمد قوام (که هرگز حتی يك قدم به مرحله‌ی عمل نزدیک نشد و از قوه به فعل در نیامد\*)، تاسیس شرکت اتوبوسرانی تهران، تصویب اساسنامه‌ی شرکت سهامی تلفن ایران که اخیراً ملی (دولتی) شده بود. در این گیرودار با افزایش ناآرامی و گسترش هرج و مرج که دولت برای تسلط بر آنها درمانده بود، و به حکم اوضاع پیچیده‌ی ایران، محمد رضا شاه پهلوی همراه با همسرش (ملکه ثریا)، سوار بر هواپیمایی که خلبانی آن را خاتم (ارتشبد و فرمانده بعدی نیروی هوایی شاهنشاهی و مجری طرح تربیت همافران) برعهده داشت، خاک میهن را ترک گفت و پس از اقامتی کوتاه در بغداد، رهسپار رم شد.

\* مجلس با اکثریت عظیمی احمد قوام را مفسد فی الارض شناخت و به دولت ابلاغ کرد که در دستگیری او درنگ نکند. اما دولت متعذر به این بهانه می‌شد که از محل اختفای احمد قوام (قوام السلطنه) خبری ندارد. در همین گیرودار، عکسی از قوام پیر و فرسوده و خفته در بستر، همراه با پسر خردسالش - حسین - در پشت جلد مجله‌ی اطلاعات هفتگی چاپ شد. مخالفان می‌پرسیدند: آیا دولت در یافتن قوام از یک عکاس ناتوان‌تر است؟

۲۰- کابینه‌ی

۳۷  
فضل‌الله زاهدی



از مرداد ماه ۱۳۳۲

تا فروردین ماه ۱۳۳۴

دوره‌ی هفدهم قانون‌گذاری - عملیاتی که بسیاری آن را شبه‌کودتا خواندند - به ترتیبی که گفته شد و با اجرای "طرح آجاکس" آغاز شد. با اجرای مرحله‌ی دوم این طرح، شاه که از کشور خارج شده بود، به تهران بازگشت. حکومت کودتا ابتدا روابط سیاسی بین ایران و انگلیس را برقرار ساخت و سپس دکتر مصدق و یاران نزدیک او را - که همگی گریخته و پنهان شده بودند - دستگیر و زندانی کرد و با اعلام حکومت نظامی مشغول اقدام برای اجرای مراحل بعدی طرح آجاکس شد:

دولت‌های آمریکا و انگلیس کنسرسیومی مرکب از شرکتهای بزرگ نفتی آمریکا، فرانسه، هلند و شرکت سابق نفت ایران و انگلیس تشکیل دادند و برای نخستین بار آمریکا به صورت رسمی در بهره‌برداری از نفت ایران سهیم شد. تا پیش از این بریتانیایی (انگلیسی) ها بهره‌برداری از نفت ایران را در انحصار خود داشتند و خصوصاً جلو نفوذ آمریکاییها را در این قلمرو می‌گرفتند. در هر حال این دگرگونی بیش از همه به سود آمریکا پایان یافت و دکتر علی امینی وزیر دارایی دولت زاهدی در مقدمه‌ی نطق خود، در مجلس گفت: "ما موفق شدیم قرارداد را به این شکل تنظیم کنیم ولی در این شرایط امکانی جز آن چه تقدیم می‌شود، نبود."

و شاه در پاسخ پیامی که آیزنهاور رییس جمهوری آمریکا در مورد حل مسالهای نفت به ایران داد چنین گفت:

"مساعدت آمریکا نسبت به ما بسیار به موقع و مفید بوده است و آن حضرت می‌تواند اطمینان داشته باشند که کمکهای ذیقیمتی که حضرت رییس جمهوری

شخصاً و دولت آمریکا و سفیر کبیر شایسته‌ی آن لوی هندرسن به این منظور کرده‌اند، موجب سپاسگزاری است.

و ژنرال آیزنهاور، کسی که در پاسخ مصدق گفته بود :  
" هرگاه آمریکا بخواهد به میزان قابل ملاحظه‌ای از طریق  
اقتصادی به ایران کمک کند، در حق مودیان مالیاتی آمریکا  
شرط انصاف را رعایت نکرده است" با صدور اعلامیه‌ای چهل و  
پنج میلیون دلار به دولت زاهدی کمک فوری داد .

در این احوال زاهدی و پسرش ارد شیر زمام قدرت  
را در دست گرفته بودند، و یک تاز میدان سیاست به حساب  
می‌آمدند. از همین روی شاه پس از مسافرت به آمریکا، در سال  
۱۳۳۳ در فروردین ماه سال ۱۳۳۴ حسین علاء را به  
نخست وزیر گماشت و زاهدی را که برای خودش حق آب و  
گل قایل بود، از کار برکنار نمود .

رویدادهای مهم در کابینه‌ی زاهدی عبارت بود از :  
ارتقای زاهدی به درجه‌ی سپهبدی، دستگیری و  
محاكمه‌ی دکتر مصدق و همکاران او، کشف شبکه‌های حزب  
توده‌ی ایران، برقرار کردن دوباره‌ی روابط سیاسی بین  
دولتین ایران و انگلیس، صدور فرمان انحلال مجلسین، ورود  
ریچارد نیکسون معاون رییس جمهوری آمریکا به تهران، ورود  
" استیونسون " نماینده‌ی سیاسی و سفیر انگلیس به تهران،  
تشکیل کنفرانس کاخ سفید برای حل مسالهی نفت، تاسیس  
صندوق مشترك ایران و آمریکا، عقد قرارداد استخراج نفت  
با کنسرسیون - کشف سازمان نظامی حزب توده، سقوط هواپیما  
مرگ مرموز علیزضا برادر تنی شاه، مسافرت شاه به آمریکا،  
انگلستان، آلمان، ایتالیا، ورود جرج آلن معاون وزارت امور  
خارجه‌ی آمریکا به اتفاق هیاتی از نمایندگان کنگره‌ی آمریکا به  
تهران، آغاز بهربرداری مجدد از نفت جنوب به وسیله‌ی  
کنسرسیون و دوباره به چرخش در آمدن صنایع نفت - محکومیت  
دکتر مصدق به سه سال زندان، اعدام دکتر حسین فاطمی  
آخرین وزیر امور خارجه‌ی دکتر مصدق، اعدام چهارده نفر از  
افسران ارتش که در سازمان نظامی حزب توده عضویت  
داشتند، دستگیری دکتر یزدی و مهندس شرمینی از سران حزب  
توده، محکومیت دکتر سیدعلی شایگان<sup>۲۸</sup> و مهندس احمد رضوی

از همکاران دکتر مصدق به زندان ، وقوع سیل شدید در خرمشهر ، وقوع سیل شدید در نقاط شمالی تهران و نیز در امامزاده داود تهران که باعث مرگ يك هزار نفر و خسارت بسیار گردید ، امضای پروتکل تحویل زندانیان ایرانی در شوروی و آغاز تحویل زندانیان در مرز باجگیران ( خراسان ) - کشف سازمان جوانان حزب توده و بازداشت ۶۸ نفر از اعضای آن .

## ۲۱- کابینه‌ی دوم حسین علاء

از فروردین ماه ۱۳۳۴

تا فروردین ماه ۱۳۳۶

دوره‌ی هیژده‌م قانون‌گذاری- با این که حسین علاء با نظر و موافقت شاه به نخست‌وزیری انتخاب شده بود ، مع ذلک شاه اکنون می‌خواست هر چه بیشتر کسانی مأمور اجرای کارها بشوند که از هر جهت فرمانبردار شخص او باشند و تجربیات گذشته تکرار نشود . به همین دلیل در فکر چاره بود تا این که بالاخره دکتر منوچهر اقبال را برای احراز سمت نخست‌وزیری برگزید : رویدادهای مهم در کابینه‌ی حسین علاء ، اشغال حوضه مقدس مرکز تبلیغات فرقه‌ی بهاییان در تهران به دستور سرلشگر باتمانقلیچ و با مشارکت محمدتقی فلسفی واعظ ، تحویل یازده تن طلای امانتی ایران در مرز جلفا از طرف دولت شوروی ، حریق بزرگ در انباردخانیات و انبارغله در تهران با ۵۷ نفر تلفات ، مسافرت شاه به مسکو ، مرگ احمد قوام ( قوام‌السلطنه ) در ۷۷ سالگی ، اعدام شش افسر ارتش عضو سازمان نظامی حزب توده ، ورود جلال بایار رییس جمهوری ترکیه به تهران ، الحاق ایران به پیمان دفاعی بغداد<sup>۳۹</sup> ، اعتراض دولت شوروی به الحاق ایران در پیمان بغداد ، تیراندازی به طرف حسین علاء نخست‌وزیر<sup>۴۰</sup> ، بازداشت و اعدام نواب صفوی و واحدی و دو تن از یاران ایشان<sup>۴۱</sup> ، تخفیف مجازات اعدام دکتر یزدی یکی از سران حزب توده به حبس ابد . به دستور شاه ، مسافرت شاه به هندوستان ، درگذشت علامه علی‌اکبر دهخدا<sup>۴۲</sup> ، بازداشت و سپس اخراج کوزنتسف معاون وابسته‌ی نظامی

شوروی از ایران به عنوان جاسوس ، ورود سلوین لوید وزیر امور خارجهی انگلیس به تهران ، انتشار رسمی اسناد حاکمیت ایران بر جزایر بحرین از سوی دولت ایران ، بازدید نخست وزیر عراق ، وزیر دفاع انگلیس و معاون وزارت امور خارجهی آمریکا و فرمانده نیروهای آمریکا در مدیترانهی شرقی از تهران ، ورود عدنان مندرس نخست وزیر ترکیه و چودری محمدعلی نخست وزیر پاکستان به تهران برای تشکیل اولین شورای پیمان بغداد ، الحاق آمریکا به کمیتهی اقتصادی پیمان بغداد ، مسافرت شاه به ترکیه ، ورود ژنرال اسکندرمیرزا رییس جمهوری پاکستان به تهران ، آتش گرفتن چاه نفت در نزدیکی شهر قم و مهار کردن آن به وسیلهی کینلی متخصص آمریکایی ، ورود کامیل شمعون رییس جمهوری لبنان به تهران ، گرفتن جشن وافور سوزان از طرف نخست وزیر و وزیر بهداشتی "دکتر جهانشاه صالح" برای مبارزه با اعتیاد ، برگزاری سرشماری عمومی در کشور ، اعلام خبر نامزدی شاهدخت شهناز دختر شاه با اردشیر زاهدی ، ورود هیات پارلمانی شوروی به اتفاق معاون رییس جمهوری شوروی و رییس جمهوری ارمنستان به تهران ، اعلام رسمی دولت آمریکا مبنی بر این که "حمله به خاک ایران به منزلهی حمله به خاک آمریکا است" ، گشایش نمایشگاه اتم و هدیهی سیصد و پنجاه هزار دلار برای خرید راکتور اتمی به دانشگاه تهران از طرف دولت آمریکا ، مسافرت شاه به عربستان سعودی .



۲۲- کابینهی

منوچهر اقبال

از فروردین ماه ۱۳۳۶

تا شهریور ماه ۱۳۳۹

دورهی نوزدهم قانونگزاری - با انتصاب دکتر منوچهر

اقبال به نخست وزیری، شاه دیگر دغدغهی خاطری از این نداشت که نخست وزیر شخصا با مقامات خارجی در تماس باشد و بدون نظر او تصمیمهایی اتخاذ گردد، ولی ضمنا این را نیز می دانست که تضاد سه دولت انگلستان، آمریکا و شوروی از يك طرف، و ورود سایر کشورهای اروپایی و ژاپن از سوی دیگر، به صحنهی اقتصادی ایران ممکن است جوی رابه وجود آورد که مشکلاتی برای شخص او فراهم کند ولی از آن جا که در این سالها تمام رجال صاحب نفوذ قبلی را از صحنه خارج کرده، هر يك را به کاری مشغول داشته بود، چندان نگرانی نداشت و چون سر رشتهی روابط سیاسی خارجی را شخصا در دست گرفته بود، راضی به نظر می رسید. از این رو با کمک اقبال به فکر تشکیل حزب افتاد تا شاید بدین وسیله تمام علاقه مندان به سیاست را سرگرم حزب بازی کند. ولی کودتای عراق و سقوط رژیم سلطنتی در عراق شاه را بیمناک و نگران کرد. به همین مناسبت تصمیم گرفت با تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور با هر مساله ای که احتمالا به زیان ثبات حکومتش باشد، از قبل به مبارزه برخیزد. با شروع انتخابات از سوی دولت دکترا منوچهر اقبال و اقتضاحاتی که به وجود آمد، شاه دیگر امکان ادامه ی خدمت اقبال را ضروری ندانست و مهندس سید جعفر شریف امامی را به نخست وزیری منصوب کرد. شریف امامی ضمنا استاد اعظم لژهای فراماسونری بود.

وقایع مهم کابینه منوچهر اقبال: مسافرت شاه به اسپانیا، وقوع زلزله ی شدید در مناطق شمالی ایران و کشته شدن هزاران نفر، دستگیری و اعدام خسرو روزه از رهبران فعال حزب تودمی ایران، درگذشت آقاخان محلاتی رهبر فرقه ی اسماعیلیه، رسیدن میزان استخراج نفت ایران به متجاوز از سه میلیون تن در ماه، ورود "گرونکی" رئیس جمهوری ایتالیا به تهران، ازدواج شاهدخت شهنواز با ارد شیر زاهدی، ورود ملک فیصل پادشاه و امیر عبدالله نایب السلطنه ی عراق به تهران. وقوع زلزله در کردستان با تلفات جانی بسیار، درگذشت ابوالحسن صبا استاد موسیقی در ۵۷ سالگی، سرکوبی دادشاه و برادرش در بلوچستان، ورود "جان فاستر دالس" وزیر امور

خارجی آمریکا به تهران، اعلام جدایی شاه از ثریا، آتش‌سوزی در مخزنهای نفت آبادان، آتش‌گرفتن چاه شماره‌ی شش نفت اهواز، گشایش راه آهن تهران - تبریز، مسافرت شاه به فرمز (تایوان - چین ملی) به دعوت چیانگ کای شک، محاکمه‌ی سرلشگر ولی‌الله قونی رئیس سابق رکن دوم ستاد ارتش به اتهام سوء استفاده از اختیارات قانونی و توطئه‌ی کودتا و محکومیت وی به دو سال زندان و اخراج از ارتش. مسافرت شاه به آمریکا و ژاپن، وقوع کودتای نظامی در عراق و قتل ملک فیصل و نایب السلطنه‌ی او، به فجیع‌ترین صورت ممکن. نوری سعید پاشا کارگردان اصلی سیاست عراق نیز در کشاکش همین کودتا کشته شد و کودتاگران جنازه‌ی او را هم در کوچه و خیابان کشیدند. در این کودتا سرتیپ عبدالکریم قاسم با کمک برادران عارف (عبدالرحمان و عبدالسلام) به قدرت رسید.

به رسمیت شناختن دولت جدید عراق، ورود شیخ سالم الصباح امیرکویت به تهران، سفر شاه به ایتالیا، برکناری ابوالحسن ابتهاج رئیس سازمان برنامه، آتش‌سوزی در پالایشگاه آبادان، اعتراض رسمی ایران به دولت رومانی در مورد پخش تبلیغات ضدایرانی از رادیو بخارست، اعطای ۹/۳ میلیون دلار وام از طرف بانک صادرات و واردات آمریکا به ایران، آغاز حملات رادیو مسکو به ایران، نصب بلندگو در مرز شمالی برای پاسخ‌گویی به حملات رادیو مسکو، اعتراض وزارت امور خارجه‌ی ایران به شوروی در مورد پرواز غیرمجاز شش فروند هواپیمای جت شوروی برفراز مناطق شمال غربی ایران، مسافرت شاه به انگلستان، دانمارک و هلند، ورود لودویگ ارهارد وزیر اقتصاد آلمان غربی به تهران،\* پناهندگی پنج هزار عراقی به

---

\* در جلسه‌ی معارفه و مصاحبه‌ای که برای لودویگ ارهارد در اتاق بازرگانی تشکیل شده بود، از او پرسیدند چرا غرب ذوب‌آهن در اختیار ایران قرار نمی‌دهد؟ ارهارد دوبار از دادن پاسخ مستقیم به این سوال طفره رفت و سرانجام در سومین باری که با این پرسش روبه‌رو شد، گفت: "اگر ایران صاحب ذوب‌آهن بشود، بلژیک و آلمان غربی چه بکنند؟ بمیرند!"

سرکردگی شیخ رشید به ایران پس از جنگ با قوای عراقی و اکواد بارزانی، توقیف سرنشینان جیب متعلق به سفارت شوروی هنگام پخش اوراق تبلیغاتی در تهران، اعطای ۷۲ میلیون دلار وام از طرف بانک جهانی به ایران، اعدام مهندس محمد علوی عضو کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران، تظاهرات مردم در تهران بر ضد تبلیغات شورویها، ورود ویلیام مکدونالد فرمانده نیروی هوایی انگلستان به تهران، اعلام جدایی شاهدخت فاطمه خواهرشاه از شوهر آمریکاییش: علی هیلر، ایجاد اختلاف بین ایران و ژاپن و ایران و آلمان در مورد روابط اقتصادی، تبدیل نام پیمان بغداد به سنتو به علت خارج شدن عراق از این پیمان، شروع مذاکره بین ایران، پاکستان و ترکیه برای تسریع در اتصال راههای بین کشورها، دیدار شیخ راشد حاکم دومی از تهران، آغاز حفاری چاههای نفت در آبهای خلیج فارس، دیدار جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند از ایران، قطع تبلیغات مسکو و تهران بر ضد یک دیگر، دیدار هیات نظامی پاکستان از ایران، اطمینان دادن دولت آمریکا به وسیله‌ی سفیر خود به دولت ایران که "آیزنهاور رییس جمهوری آمریکا در آستانه‌ی ملاقات با خروشچف نخست وزیر شوروی با صراحت اعلام داشته است که آمریکا توافقی به ضرر ایران با شوروی نخواهد کرد".

وقوع زلزله در گرگان و مشهد، مسافرت دکتر منوچهر اقبال نخست وزیر به نیویورک برای شرکت در کنفرانس سنتو، گشایش دومین دوره‌ی اجلاس هی سنا در ساختمان نو بنیادی که به مبلغ چهل و پنج میلیون تومان به اتمام رسید ( محل کنونی مجلس شورای اسلامی )، درگذشت ابراهیم حکیمی نخست وزیر اسبق در ۹۱ سالگی، دیدار کریم آقاخان چهارم رهبر فرقه‌ی اسماعیلیه از ایران و اهدای پنجاه هزار لیره به دانشگاه تهران، وقوع سیل در مازندران، دیدار آنتوان پینه وزیر دارایی فرانسه از تهران، ورود شیخ علی ابن عبدالله حاکم قطر به تهران، مسافرت شاه به اردن، ورود مارشال ایوب خان رییس جمهوری پاکستان به تهران، دیدار جیمز هاگوتی مشاور رییس جمهوری آمریکا از تهران، دیدار عدنان مندرس نخست وزیر ترکیه از تهران، تشکیل کنفرانس پیمان سنتو به



ریاست شاه در تهران ، ازدواج شاهدخت فاطمه‌ی پهلوی خواهر شاه با سرلشکر (ارتشبد بعدی) محمد خاتم<sup>۴۳</sup>، تیرگی روابط ایران و عراق به سبب اظهارات "عبدالکریم قاسم" رئیس جمهوری حکومت نظامی عراق و ادعای او در مورد مالکیست قسمتی از اراضی ایران ، دیدار پنج ساعته‌ی آیزنهاور رئیس جمهوری آمریکا از تهران ، برگزاری مراسم عقد و ازدواج شاه با دوشیزه فرح دیبا ، ورود میسیون نظامی آمریکا به ریاست "چارلز پالمر" معاون فرماندهی کل نیروهای آمریکا به تهران ، تجدید و تشدید تبلیغات رادیوهای شوروی ، چین کمونیست ، افغانستان ، عراق و رادیوهای مخفی دیگر برضد ایران ، انتصاب اردشیر زاهدی به سمت سفیر ایران در آمریکا ، افزودن یک کرسی وکالت برای بحرین در جدول جدید انتخابات کشور ، مسافرت شاه به کراچی برای شرکت در کنفرانس سنتو ، اعطای چهل و دو میلیون دلار وام از طرف بانک جهانی به ایران ، محکومیت سه هزار و هفتصد نفر از کارمندان دولت به انفصال از خدمت به سبب اختلاس و ارتشا ، تشکیل یک جبهه ضد شاه به وسیله‌ی جمال عبدالناصر<sup>۴۴</sup> و عبدالکریم قاسم ، و جعل نام عربستان به جای خوزستان ، مذاکره با دولت اسرائیل برای ایجاد روابط دوفاکتو ، تشکیل جلسات کمیته‌ی نظامی پیمان سنتو در تهران ، قطع حملات تبلیغاتی بین تهران و بغداد ، ورود ملک حسین پادشاه اردن به تهران ، وقوع زلزله در لار با خسارات بسیار ، اعدام پنج نفر از کمونیستهای آذربایجان ، مسافرت شاه به بلژیک ، سوئد ، و اتریش ، ورود ژنرال "هیدن" رئیس جدید گروه مستشاری نظامی آمریکا به تهران ، کودتا در ترکیه و به رسمیت شناختن دولت جدید به ریاست ژنرال "گورسل" از سوی ایران ، امضای موافقت‌نامه‌ی بازرگانی بین ایران و شوروی و تعیین حجم مبادلات کالا به میزان چهار میلیارد ریال در سال ، آغاز مذاکره با عراق برای تجدید روابط ، عقد قرارداد ایجاد ذوب آهن بین ایران و شرکتهای ماک و کروپ ، حمله‌ی جمال عبدالناصر به ایران در یک نطق رادیویی در مورد شناسایی دوفاکتو اسرائیل از طرف دولت ایران و قطع روابط سیاسی مصر با ایران ( ترکیه از این حملات مصون ماند ، در حالی که

این کشور مسلمان اسراییل را نه به صورت دوافکتوکه به شکل کامل به رسمیت شناخته بود ، اعلام جرم از طرف چند نفر از نامزدها در مورد تقلب در انتخابات که تازه پایان یافته بود .

۲۳- کابینه‌ی

**جعفر شریف‌امامی**

از شهریور ماه ۱۳۳۹

تا اردیبهشت ماه ۱۳۴۰



فترت بین دوره‌ی نوزدهم و بیستم قانون‌گذاری- از واسط حکومت اقبال که با ورود ایران به پیمان سنتو خط مشی مشخصی از سوی شاه در ارتباط با بلوک غرب تعیین شده بود و آمریکا در امور ایران از لحاظ اقتصادی و نظامی بیش از دیگر ممالک می‌اندازد بود، دولت شوروی شروع به اقداماتی برضد شاه و دولت او کرد تا بدین وسیله بتواند منافع خود را در ایران که بعد از سقوط دولت دکتر مصدق در حال از بین رفتن بود، به دست آورد و برای انجام دادن این کار از عوامل داخلی و خارجی خود کمک می‌گرفت: آمریکا و انگلستان نیز که از جریان واهد اف شوروی کاملاً آگاه بودند، برای نفوذ هرچه بیشتر در ایران و حفظ مقام خود به عنوان شرکای شماره‌ی یک ایران در بهره‌برداری از منابع اقتصادی ، از تلاش باز نماندند، و گاهی با وساطت آنها و دادن امتیازاتی به شوروی در ایجاد روابط منفی بین شاه و سران شوروی اقدام می‌کردند و هرگاه تضادی بین آمریکا و دوستان اروپاییش خصوصاً انگلستان بر سر تقسیم منافع به وجود می‌آمد، شوروی بی‌درنگ دوباره شروع به چانه زدن می‌کرد و سرانجام شاه بر اثر فشار لندن و مسکو، به رغم روابط حسنه‌ی خود با آمریکا ناچار شد

يك مهره‌ی طرفدار سياست انگلستان يعنى مهندس سيد جعفر شريف امامی را مامور تشكيل دولت كند.

وقایع مهم در کابینه‌ی سید جعفر شریف امامی : صدور دستور مبنی بر متوقف ساختن انتخابات در سراسر کشور، استعفای کلیه‌ی نمایندگان انتخاب شده بر اثر دستور شاه، و تجدید انتخابات در کشور، مبادله‌ی پیام بین شاه و " نیکیتا خروشچف " نخست وزیر شوروی و آغاز مذاکره بین تهران و مسکو، تولد رضا نخستین فرزند پسر شاه و فرح، دیدار ولیعهد ژاپن از ایران، مسافرت سید جعفر شریف امامی به کابل، خرید دویست هزار تن گندم از آمریکا، اعطای ۲۶ میلیون دلار وام از طرف آمریکا زیر نظر شرکت " کامپاکس " به ایران، تظاهرات دانشجویان و تعطیل دانشگاه، اعتصاب معلمان و کشته شدن دکتر " خانعلی " یکی از معلمان، ادامه‌ی اعتصابات در سراسر کشور، ورود ملکه‌ی انگلستان و شوهرش به تهران، درگذشت آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین بروجردی مرجع مسلم تقلید شیعیان جهان، گشایش دانشگاه پس از شصت و شش روز تعطیل، عقد پیمان بازرگانی ایران و هند و موافقتنامه‌ی جدید بازرگانی ایران و شوروی که هر يك از طرفین را مجاز به صدور معادل ۲ / ۵ میلیارد ریال کالا به کشورهای يك دیگر در عرض سال می‌کرد .

۲۴ - کابینه‌ی

علی امینی

از اردیبهشت ماه ۱۳۴۰

تا تیر ماه ۱۳۴۱



دوره‌ی بیستم قانون‌گذاری - نخست وزیر شریف امامی که باعث ایجاد نفوذ سیاسی انگلستان از يك سو و دادن امتیازات

بیشتری به شوروی ازسوی دیگر بود، واشینگتن رابه خشم آورد و به واکنش وادار ساخت. این بار با فشاری که آمریکا به ایران وارد کرد و در نتیجهی مزیقه‌هایی که ایران با آن زوبه روگشت، شاه ناچار به قبول نخست‌وزیری امینی و برکناری شریف‌امامی شد. وقایع مهم کابینه‌ی دکتر علی‌امینی: انحلال مجلسین طبق ماده‌ی ۴۸ اصلاحی قانون اساسی، توقیف ۵ نفر از امرای ارتش (سپهبد حاجی علی‌کیا، سپهبد مهدی‌قلی‌علسوی‌مقدم، سرلشگر علی‌اکبر ضرغام، سرتیپ فرج‌الله‌نویسی و سرتیپ آجودانی) به جرم اختلاس، پایان اعتصاب معلمان و انتخاب محمد درخشش - رئیس جامعه‌ی لیسانسیه‌های دانشسرای عالی و مدیر روزنامه‌ی مهرگان - به عنوان وزیر فرهنگ، مسافرت شاه به نروژ، میتینگ جبهه‌ی ملی در میدان جلالیه و تقاضای انجام گرفتن فوری انتخابات، اعلام محدودیت واردات ازسوی دولت، اعلام محدودیت مسافرت به خارج از کشور، وقوع زلزله در لار، توقیف سپهبد آزموده رئیس سابق دادرسی ارتش، امضای قرارداد بازرگانی بین ایران و لهستان، بازداشت احمد آرامش<sup>۴۵</sup> وزیر مشاور کابینه‌ی شریف‌امامی، اعتراض به دولت شوروی در مورد اظهارات رادیو مسکو برضد ایران، توقیف سران جبهه‌ی ملی به مناسبت برگزاری میتینگ و سپس آزادی آنها، اعزام يك هیات اقتصادی از طرف دولت به آلمان، موافقت دولت آلمان با پرداخت دو بیست میلیون مارک وام به ایران، اعلام این مطلب ازسوی دولت که ایران تبدیل به يك پایگاه اتمی برضد شوروی نخواهد شد، دیدار "تالیوت" معاون وزارت امور خارجه‌ی آمریکا، دیدار صدر اعظم افغانستان "سردار محمد داودخان" از تهران، محدودیت اعزام دانشجو به خارج، ایجاد روابط سیاسی با دولت کویت، ایجاد بنیاد پهلوی با سرمایه‌ی ده میلیارد ریال زیر نظر امیر اسدالله علم، شناسایی دولت جدید سوریه پس از برهم خوردن اتحاد آن با مصر، اعطای اسناد مالکیت املاک پهلوی به کشاورزان، مسافرت شاه به فرانسه، ورود "ایوول هریمین" وزیر کشاورزی آمریکا به تهران، گشایش سد کرج، بازداشت ابوالحسن ابتهجاج مدیرعامل اسبق سازمان برنامه به اتهام حیف و میل ۶۹ میلیون دلار، کشف شبکه‌ی حزب توده در

اصفهان، دستور شاه خطاب به "دکتر امینی" در مورد تشکیل انجمنهای ده، شهر، ایالت و ولایت، اعلان جنگ دکترعلی امینی به همطبقه‌های خود در یک سخنرانی تبلیغاتی، ورود رییس جمهوری آرژانتین به تهران، ورود حاکم شارجه به تهران، امضای موافقت‌نامه‌ی اقتصادی و فنی بین ایران و آمریکا، پرداخت بیست میلیون دلار وام از طرف آمریکا به ایران، دیدار پادشاه دانمارک از ایران، تعطیل دانشگاه به علت تظاهرات دانشجویان، حمله‌ی پلیس به دانشگاه و اعلام این مطلب از سوی دولت که تظاهرات به تحریک مالکان بوده است و عوامل کمونیست هم در آن شرکت داشته‌اند، بازداشت مجدد سران جبهه‌ی ملی، اعطای هیژده میلیون دلار کمک برای اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی از سوی آمریکا، خروج سپهد تیمور بختیار<sup>۴۶</sup> از ایران، اعتراض دولت ایران به شوروی در مورد وقایع دانشگاه تهران، ورود "چستر یاولز" مشاور کنونی رییس جمهوری آمریکا به تهران، درگذشت سیدعلی‌نصر از بنیان‌گذاران تأثر ایران در شصت و شش سالگی، ورود "هانری فور" فرستاده‌ی مخصوص ژنرال دوگل به تهران، دریافت بیست میلیون دلار وام از آمریکا، سفر دکتر امینی به بلژیک، فرانسه، انگلیس و آلمان غربی. در این سفر امینی اعلام کرد: "اگر دولت ایران در اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی شکست بخورد کمونیستها در ایران نیرومند خواهند شد".

اجرای اولین مرحله‌ی قانون اصلاحات ارضی، درگذشت آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، ورود ژاکلین کندی همسر رییس جمهوری آمریکا به تهران، درگذشت کاظم‌زاده ایرانشهر فیلسوف و نویسنده‌ی شهیر ایرانی در سوئیس، تشکیل شرکت هواپیمایی ملی ایران (هما)، گشایش دانشگاه تهران پس از هفتاد و دو روز تعطیل، مسافرت شاه به آمریکا، بازداشت چهارتن از افسران ارتش (سرلشکر دفتری، سرلشکر خزاعی، سرهنگ شبپره و سرهنگ نیاکان) به جرم اختلاس، انتشار اعلامیه‌ی مشترک شاه و کندی مبنی بر تأیید پیمان دفاعی دو جانبه بین ایران و آمریکا، گشایش سد سفیدرود، مسافرت برادر شاه (غلامرضا) به مسکو، آزادی ابوالحسن ابتهاج پس از هشت ماه بازداشت، سفر شاه به پاکستان، استقلال کشور الجزایر.

در روزهای پایان دولت دکتر علی امینی ، آمریکا اعلام کرد، طی چهارده ماه زمامداری امینی ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار به دولت او کمک مالی کرده است .



۲۵- کابینه‌ی

اسدالله علم

از تیر ماه ۱۳۴۱

تا اسفند ماه ۱۳۴۲

فترت بین دوره‌های بیستم و بیست و یکم قانون‌گذاری - پس از بازگشت موفقیت آمیز شاه از سفر آمریکا ، در روز ۲۸ تیر ماه ، شاه هنگامی فرمان نخست وزیری علم را صادر و به او ابلاغ کرد که دکتر امینی غافل از همه جا در مورد ادامه‌ی برنامه‌های خود داد سخن داده بود <sup>۴۷</sup> .

باتشکیل کابینه‌ی علم که اعضای آن را افرادی از جناح‌های مختلف تشکیل داده بودند <sup>۴۸</sup> ، "حسنعلی منصور" ( فرزند علی منصور نخست وزیر اسبق ) اقدام به تشکیل گروه مترقی نمود <sup>۴۹</sup> و عدای از این گروه روانه‌ی مجلس شورای ملی شدند . وقایع مهم در کابینه‌ی امیر اسدالله علم :

مسافرت شاه به افغانستان ، برای میانجیگری بین افغانستان و پاکستان ، اعلام رسمی تقلیل بودجه‌ی ارتش ایران تا ۱۵ درصد ، امضای قرارداد بازرگانی بین ایران و چکوسلواکی ، امضای قرارداد بین ایران و شوروی ، دیدار "لیندن جانسون" رئیس جمهوری آمریکا از ایران ، بازداشت ارتشبد عبدالله هدایت <sup>۵۰</sup> و رحیمعلی خرم مقاطعه کار ، وقوع زلزله در قزوین و به هلاکت رسیدن بیش از بیست هزار نفر ، مبادله‌ی یادداشت بین ایران و شوروی در مورد رفع اختلافات ، درگذشت محسن صدر ( صدرا لاشراف ) نخست وزیر اسبق در ۹۱ سالگی ، و

به روایتی ۱۰۴ سالگی ، مسافرت شاه به ترکیه ، درگذشت صبحی مهندی داستانگو ، اعلام حکومت نظامی در فارس ، قیام ۱۵ خرداد ۵۱ ، مسکوت گذاشتن قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی بر اثر فشار روحانیون ، اعلامیهی رسمی خروشچف مبنی بر این که روابط ایران و شوروی عمیقاً بهبود یافته است . انتشار مواد شش گانه از سوی شاه به عنوان انقلاب سفید . اجرای همه پرسی برای تصویب مواد شش گانه ، سفر شاه به قم و سخنرانی برضد روحانیون مخالف انقلاب سفید ، بازداشت عد های از روحانیون و سران جبهه ملی ، بازداشت مهندس مهدی بازرگان و آیت الله سید محمود طالقانی و یاران آنان ، پیام جان.اف. کندی رییس جمهوری آمریکا به شاه در مورد پیروزی همه پرسی و تصویب مواد انقلاب سفید ، به رسمیت شناختن رژیم جدید عراق به ریاست عبدالسلام عارف که حکومت عبد الکریم قاسم را پس از کشته شدن او در دست گرفته بود ( سرچرید هی قاسمیه وسیلهی تلویزیون عراق به نمایش درآمد ) . تعبیر علم ، نخست وزیر ، مبنی بر این که : مواد شش گانهی شاه قانون اساسی جدید ایران است و وظیفهی استناداران و فرمانداران اجرای دقیق آن است ، دستگیری آیت الله روح الله الموسوی خمینی و تظاهرات در کلیهی شهرستانها . سفر ملکهی هلند ، رییس جمهوری هند ، پادشاه دانمارک ، ریاست جمهوری آلمان و وزیر امور خارجهی انگلیس به ایران ، شورش عشایر در فارس .



۲۶- کابینهی

۵۲  
حسنعلی منصور

از اسفند ماه ۱۳۴۲

تا بهمن ماه ۱۳۴۳

منصور در ابتدا ای کار عوامل مختلفی را برای اجرای مقاصد

از قبل تعیین شده به همکاری گرفت و در ترکیب کابینه که با نظر و صوابدید شاه تشکیل شده بود از چهره‌های شناخته شده‌های استفاده کرد، او با طرح لوایح و پیشنهادهایی که به مجلس می‌داد ( از آن جمله لایحه اجرای کاپیتولاسیون در مورد نظامیان آمریکایی که در خدمت ایران بودند ) علاقه‌مندیش را به سیاست آمریکا و دوری از سیاست بریتانیا ( انگلستان ) بدون هیچ گونه پنهانکاری نشان داد .

شاه که در این موقع خود را از هر جهت حاکم مطلق به حساب می‌آورد از يك موضوع در رنج بود و آن هم وجود تشکیلات فراماسونها بود که در نهایت به دنبال مقاصد خویش بودند و به آرای او باطنا اعتنایی نداشتند <sup>۵۳</sup> و منصور هم از آنها دل خوشی نداشت .<sup>۵۴</sup>

منصور در مدتی که نخست وزیر بود، بیشترین هم خود را مصروف اجرای برنامه‌هایی می‌کرد که به او داده شده بود، تا این که در روز پنجشنبه اول بهمن ماه ۱۳۴۳ در مقابل مجلس شورای ملی ترور شد .<sup>۵۵</sup> مرگ منصور پس از برگزاری مراسم مربوط به بزرگداشت سالروز انقلاب سفید رسماً اعلام شد .

شاه با ترور منصور و پس از اعلام رسمی خبر درگذشت وی، وزیر دارایی کابینه‌ی او یعنی امیرعباس هویدا را در روز هفتم بهمن ماه ۱۳۴۳ به نخست وزیری گماشت که برنامه‌های منصور را ادامه دهد .

هویدا که در کابینه‌ی منصور سمت وزارت داشت چهره‌ی سرشناسی نبود و کمتر کسی به درستی او را می‌شناخت و جز در بین درباریان و محافل بهایی (به سبب آن که پدرش به این فرقه منسوب بود ) و فراماسونها، چندان آشنایی با او و سابقه‌ی خانوادگیش نداشتند، از همین رو همگان را عقیده بر آن بود که دولت او يك کابینه‌ی موقتی است و به زودی جای خود را به دیگری خواهد سپرد . ولی این پیش‌بینی با حقیقت سازگار نشد و امیرعباس هویدا بیش از سیزده سال در مقام نخست وزیر ایران ماند .



## توضیحات

۱- متن استعفای رضاشاه :

"نظر به این که من همه‌ی قوای خود را در این چندساله مصروف امور کشور کرده‌ام و ناتوان شده‌ام، حس می‌کنم که اینک وقت آن رسیده است که قوه و بنیه‌ی جوان‌تری به کارهای کشور که مراقبت دایم لازم دارد بپردازد که اسباب سعادت ملت را فراهم آورد، بنابراین امور سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض کردم و از کارکنان کناره نمودم. از امروز که روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشگری ولیعهد و جانشین قانونی مرا به سلطنت بشناسند و آن‌چه از پیروی مصالح کشور نسبت به من می‌گردند نسبت به ایشان منظور دارند." سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۲۰

۲- مرحوم احمدعلی سپهر (مورخ الدوله) نقل می‌کند : در یکی از روزهای تابستان سال ۱۳۲۴ در وزارت امور خارجه که در آن موقع نخست‌وزیری در آن جا مستقر بود، با قوام ناهار می‌خوردم، اکبرخان مستخدم مخصوص قوام وارد شد و اطلاع داد طبق دستوری که داده بودید، رییس شهربانی آمده است. قوام اجازه‌ی ورود داد و سرتیپ صفاری وارد شد. قوام بدون هیچ مقدمه‌ای گفت فوراً بروید و این میرزا کریم‌خان رشتی را توقیف کنید و خبر آن را هم به من بدید :

"میرزا کریم‌خان رشتی یکی از رجال طرف اعتماد شاه و پدر خانواده‌ی اکبر بود. اعضای خانواده‌ی اکبر سالها در مقامات مختلف مملکتی صاحب مقام بودند. سرتیپ صفاری نقل می‌کند هنگامی که میرزا کریم‌خان در سال ۲۶ درگذشت از او تجلیل فوق‌العاده‌ای به عمل آمد و شاه به همراه حسین فردوست (سپهد) با یک هواپیمای دوموتوره از بالا در این مراسم شرکت کرد و این خبر در تمام شهر منتشر گردید. میرزا کریم‌خان هیچ‌گاه مقام دولتی نداشت، و از زمان رضاشاه و محمدرضا شاه تا هنگامی که زنده بود، از کارگردانهای سیاست ایران به حساب می‌آمد و از فراماسونهای صاحب‌مقام بود."

سرتیپ صفاری با ادای احترام اتاق را ترک کرد. ولی هنوز لحظاتی نگذشته بود که اکبرخان وارد شد و گفت: قربان رییس شهربانی اجازه‌ی شرفیابی می‌خواهد! قوام در پاسخ گفت: "او که همین حالا رفت چه می‌خواهد! بگو بیاید! ..."

سرتیپ صفاری وارد شد و با احترام و کمی هم تردید گفت: "قربان حکومت نظامی است، در صورتی که قرار باشد کسی توقیف شود بایستی از طرف آنها اقدام گردد، من رییس شهربانی هستم، من چه کاره‌ام که بتوانم کسی را توقیف کنم" و بعد با احترام ساکت ایستاد...

قوام در حالی که کاملاً عصبانی به نظر می‌رسید، دسته‌ی یادداشتی را که روی میز بود برداشت و خطاب به صفاری مطلبی نوشت و سپس نوشته را که هنگام جدا شدن از دسته‌ی یادداشت "مارک" آن پاره شد به طرف صفاری دراز کرد و گفت: طبق این دستور کتبی "نخست وزیر" شما باید او را توقیف کنید. صفاری هم یادداشت را گرفت و پس از ادای احترام نظامی اتاق را ترک کرد...

مرحوم سپهر همچنین می‌گفت که از تصادف روزگار، حدود يك ماه بعد روز دیگری من و مرحوم میرزا محمدصادق طباطبایی رییس مجلس شورای ملی با قوام ناهار می‌خوردیم. ساعت حدود دو بعد از ظهر بود. قوام گفت امروز باید به دربار بروم، شاه خواسته او را ببینم و بعد در این مورد گفت: امروز شاه خواسته است که به دیدنش بروم چون می‌دانم کاری ندارد و تنها هم نمی‌خواهم باشم شماها هم بیایید.

با این که ماعتقای به این همراهی نشان ندادیم مع ذلک قوام اصرار کرد که همراه او برویم.

هنگام ورود به دفتر، شاه از این که قوام دو نفر را همراه آورده بود، بسیار ناراحت شد و به همین دلیل پس از مدتی صحبت‌های مختلف روی به قوام کرد و گفت: من با جناب اشرف کاری خصوصی دارم. در صورتی که آقایان (اشاره به ما) مطلب خاصی ندارند، اجازه بدهید خودمان صحبت کنیم. در حالی که ما عزم حرکت کرده بودیم، قوام به تندی گفت: "ما مطلب خصوصی نداریم".

"آقایان بامن آمد ماند و من با آنها کار دارم اگر مطلبی هست بفرمایید، این آقایان که غریبه نیستند" و بعد هم با اشاره به ما گفت:

"ایشان که وزیر هستند و ایشان هم که رییس مجلس و هر دو مورد اعتماد..."

به هر حال ملاقات در يك محیط سرد مدتی دیگر ادامه پیدا کرد تا سرانجام قوام از جای خود بلند شد و گفت: اگر فرمایشی ندارید مرخص می‌شویم، و بدون آن که توجهی به شاه بکند به راه افتاد...

مرحوم سپهر می‌گفت: رسم تشریفات این بود که شاه بایستی در جلو و ما پشت سر او حرکت می‌کردیم. به همین جهت وی (شاه) ناچار شد از جای خود برخیزد و در جلو ما به راه افتد و همین کار را هم کرد.

ولی هنگامی که به درگاه اتاق دفتر رسیدیم، توقف کرد و در حالی که دو دست خود را به دو طرف در گرفته بود و مانع خروج قوام از اتاق می‌شد، گفت: "من از جناب اشرف خواهشی دارم که می‌خواهم قبل از بیان آن، قول مساعد در پذیرفتن آن را بدهید."

ولی قوام بدون تامل دست شاه را کنار زد و در حال عبور گفت:

"من تا خبری را ندانم نمی‌توانم قولی بدهم، و به راه خود ادامه داد، که شاه ناچار دوباره جلو افتاد و این بار در مدخل سالنی که باید ما را ترک می‌کرد يك بار دیگر خواهش خود را تکرار کرد، و گفت "اطمینان دارم جناب اشرف" ... "که قوام حرف را قطع کرد و گفت: من می‌دانم شما چه می‌خواهید. آن آدم با مادر و خواهر شما برضد من تحریک می‌کند، همان بهتر که در توقیف باقی بماند و سپس با سردی با شاه دست داد... ما هم ادای احترام کردیم و از کاخ خارج شدیم."

مرحوم سپهر می‌گفت: "هیچ وقت قیافه‌ی شاه را فراموش نمی‌کنم که چه‌گونه درخواست می‌کرد و قوام کوچکترین اعتنایی به حرف او نکرد... به هر حال پس از سوار شدن به ماشین قوام گفت: او می‌خواهد من، کریم رشتی را رها کنم که برضد من توطئه کند ولی من فعلا این کار را نخواهم کرد و او هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند!

۳- نقل قولهایی که در این کتاب آمده، بیشتر مطالبی است که شخصا از افراد مسوول و مطلع و دست‌اندرکار امور

دولتی شنید مام و با کسب اجازه از گوینده یادداشت کرد مام .

۴- محمدعلی فروغی کابینه‌ی خود را در تاریخ ۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ تشکیل داد و در تاریخ ششم شهریور ماه ۱۳۲۰ به مجلس معرفی کرد ولی پس از استعفای رضاشاه و معرفی پادشاه جدید، فروغی کابینه‌ی خود را با تغییراتی مجدد به مجلس معرفی کرد .

۵- دکتر تقی ارانی مسبب اصلی دستگیری ۵۲ نفر دیگر بود و شخص او بود که با نشر افکار مارکسیستی، آغازگر فعالیت کمونیستها در ایران شده بود، ولی هنگامی که ۵۲ نفر آزاد شدند از دکتر تقی ارانی خبری نبود و علت هم بیماری و مرگ زودرس او در زندان بود ."

اسامی پنجاه و سه نفر و رای دادگاه درباره‌ی آنها

- ۱- دکتر تقی ارانی ۱۰ سال حبس مجرد .
- ۲- عبدالصمد کامبخش ۱۰ سال حبس مجرد .
- ۳- محمد شورشیان ۱۰ سال حبس مجرد .
- ۴- دکتر محمد بهرامی ۱۰ سال حبس مجرد .
- ۵- محمود بقراطی ۱۰ سال حبس مجرد .
- ۶- علی صادق پور ۱۰ سال حبس مجرد .
- ۷- ضیاء الموتی ۱۰ سال حبس مجرد .
- ۸- عباس آذری ۱۰ سال حبس مجرد .
- ۹- محمود پژوه ۱۰ سال حبس مجرد .
- ۱۰- محمد باقر فرجامی ۱۰ سال حبس مجرد .
- ۱۱- بزرگ علوی ۷ سال حبس مجرد .
- ۱۲- مهدی رسائی ۶ سال حبس مجرد .
- ۱۳- نصرت الله اعزازی ۶ سال حبس مجرد .
- ۱۴- انور خامه‌ای ۶ سال حبس مجرد .
- ۱۵- ایرج اسکندری ۵ سال حبس مجرد .

- ۱۶- دکتر مرتضی یزدی ۵ سال حبس مجرد.
- ۱۷- دکتر رضا زادمنش ۵ سال حبس مجرد.
- ۱۸- مهدی لاله ۵ سال حبس مجرد.
- ۱۹- نصرت الله جهانشاهلو ۵ سال حبس مجرد.
- ۲۰- دکتر علینقی حکمی ۵ سال حبس مجرد.
- ۲۱- محمد رضا قدوه ۵ سال حبس مجرد.
- ۲۲- عزت الله عتیقه چی ۵ سال حبس مجرد.
- ۲۳- اکبر افشار متولی ۵ سال حبس مجرد.
- ۲۴- مجتبی احمد سجادی ۵ سال حبس مجرد.
- ۲۵- دکتر مرتضی سجادی ۵ سال حبس مجرد.
- ۲۶- رحیم الموتی ۵ سال حبس مجرد.
- ۲۷- زکی خواجهوی ۵ سال حبس مجرد.
- ۲۸- نورالدین الموتی ۵ سال حبس مجرد.
- ۲۹- انا قلیچ خضر بابا ۵ سال حبس مجرد.
- ۳۰- مرتضی رضوی ۵ سال حبس مجرد.
- ۳۱- خلیل انقلاب آذر ۵ سال حبس مجرد.
- ۳۲- شعبان زمانی ۵ سال حبس مجرد.
- ۳۳- تقی شاهین ۵ سال حبس مجرد.
- ۳۴- رضا ابراهیمزاده ۵ سال حبس مجرد.
- ۳۵- فریدون منو ۵ سال حبس مجرد.
- ۳۶- میرعماد الموتی ۵ سال حبس مجرد.
- ۳۷- تقی مکی نژاد ۴ سال حبس مجرد.
- ۳۸- دکتر سید حسین سجادی ۴ سال حبس مجرد.
- ۳۹- مهندس ابوالقاسم اشتری ۴ سال حبس مجرد.
- ۴۰- فضل الله گرکانی ۴ سال حبس مجرد.
- ۴۱- علی اکبر شاندرمنی ۴ سال حبس مجرد.
- ۴۲- رجبعلی نسیمی ۴ سال حبس مجرد.
- ۴۳- بهمن شمالی ۴ سال حبس مجرد.
- ۴۴- سید جلال حسن نایینی ۴ سال حبس مجرد.
- ۴۵- سیف الله سیاح سجادی ۴ سال حبس مجرد.
- ۴۶- یوسف ثقفی ۴ سال حبس مجرد.
- ۴۷- خلیل ملکی ۴ سال حبس مجرد.
- ۴۸- حسین تربیت ۴ سال حبس مجرد.

۴۹- احسان الله طبری ۳/۵ سال حبس مجرد.

۵۰- عباس نراقی ۳ سال حبس مجرد.

۵۱- حبیب الله منصوری ۳ سال حبس مجرد.

۵۲- سید حسن حبیبی تبرئه ولی ۱۸ ماه در زندان بود.

۵۳- مهدی دانشور تبرئه ولی ۱۸ ماه در زندان بود.

۶- دکتر آرتور میلسپو و هیات همراه او یک بار دیگر هم در گذشته به دعوت دولت وقت به ایران آمده بودند که پس از چندی با تصویب مجلس قرارداد آنها لغو شد و از ایران رفتند.

۷- روز ۲۵ نوامبر ۱۹۴۳ مارشال استالین از مسکو و در ۲۶ نوامبر وینستن چرچیل و پرزیدنت روزولت به اتفاق همراهان پس از برگزار کردن کنفرانس قاهره وارد تهران شدند و روز بعد (هفتم آذر ماه ۱۳۲۲) کنفرانس تهران میان سران سه کشور به مدت چهار روز منعقد گردید. تاریخ روابط خارجی در ایران، عبدالرضا هوشنگ مهدوی ۱۳۴۹ امیرکبیر صفحه ۲۳۴.

۸- دکتر فریدون کشاورز، شهاب فردوس، دکتر رضا رادمش، ایرج اسکندری، عبدالصمد کام بخش، محمد پروین گنابادی، آرداش آوانسیان (معروف به اردشیر و فولاد)\*، تقی فداکار.

۹- فرقه‌ی دموکرات آذربایجان در حالی که اعضای حزب توده در متن آن فعالیت می‌کردند، بی‌اطلاع کمیته‌ی مرکزی حزب توده، پس از ملاقات سیدجعفر پیشه‌وری با میرجعفر باقراوف رئیس جمهوری آذربایجان شوروی در باکو با صلاحدید

---

\* آرداش آوانسیان از رهبران حزب توده بود که در دوران انقلاب اسلامی دستگیر شد و به زندان افتاد. او مقالات خود را معمولاً با نام اردشیر یا فولاد امضا می‌کرد. آوانسیان نام مستعار فولاد را به تقلید از لقب استالین (استال در زبان روسی یعنی آهن و فولاد) انتخاب کرده بود.

دولت شوروی و پشتیبانی و مساعدت مادی و معنوی ماموران آن دولت در آذربایجان تشکیل شد - پیشه‌وری در روز ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۴ اکابینه‌ی خود را به این شرح به مجلس ملی آذربایجان معرفی کرد - سید جعفر پیشه‌وری باش‌وزیر، دکتر سلام‌الله جاوید وزیر کشور، جعفر گاوایان وزیر قشون خلق، دکتر جاوید مهتاش وزیر کشاورزی، محمد بی‌ریا وزیر فرهنگ، دکتر حسن اورنگی وزیر بهداشت، یوسف عظیمی وزیر دادگستری، غلامرضا الهامی وزیر دارایی، رضا رسولی وزیر تجارت و اقتصاد، ربیع‌کبیری وزیر راه و پست و تلگراف و تلفن.

مسئولیت وزارت کار نیز به عهدی سید جعفر پیشه‌وری (باش‌وزیر) بود.

۱۰- در روز ۲۴ آذر ماه ۱۳۲۴ قاضی محمدطی تظاهرات وسیعی تشکیل حکومت کردستان را رسماً اعلام نمود و در دوم بهمن ماه همان سال مجلس ملی کردستان منعقد شد و قاضی محمد را به سمت صدر حکومت ملی انتخاب کرد. ضمناً حسین سیف‌تاختی به سمت وزیر جنگ منصوب گردید و ملا مصطفی بارزانی و عمرخان شکاک و عده‌ی دیگری از روسای قبایل کرد به مقام ژنرالی نایل آمدند، در اس‌نیروهای مسلح کرد قرار گرفتند.

تشکیل حکومت ملی کردستان نیز مانند حکومت ملی آذربایجان متعاقب ملاقات قاضی محمد با میرجعفر باقراوف در باکو و با مساعدت و پشتیبانی مادی و معنوی دولت شوروی انجام پذیرفت.

۱۱- دکتر فریدون کشاورز وزیر فرهنگ، دکتر مرتضی یزدی وزیر بهداشت، ایرج اسکندری وزیر پیشه و هنر.

۱۲- احمد کسروی نویسنده‌ی تاریخ مشروطیت ایران و بسیاری آثار تاریخی دیگر، در ابتدا فقط در نوشته‌های خود به مطالب تاریخی می‌پرداخت ولی بعدها در مسایل دینی هم کتب و رسالاتی منتشر کرد و عده‌ای از جوانان را هواخواه خویش ساخت. او شدیداً عزاداری حسینی و اعمال مربوط به آن را مردود می‌دانست و برضد معتقدات اسلامی و شیعی

نیز مطالبی منتشر کرد و به همین سبب به دست سید حسین امامی یکی از افراد فداییان اسلام به عنوان مرتد کشته شد .

۱۳- محمد مسعود مدیر روزنامه‌ی مرد امروز، نویسنده‌ی با قلم تند و تیز و سرکش بود. او در سر مقاله‌های روزنامه‌ی خود بی‌محابا به صاحبان جاه و مقام حمله می‌کرد و از هیچ‌کس ابایی نداشت . در مورد عاملین قتل او روایت‌های مختلفی نقل شده :

حزب توده ( تا پیش از اعترافات سران آن ) مدعی بود که او به دست درباریان و خصوصا شاهدخت اشرف‌خواهر شاه کشته شده ، ولی دکتر مظفر بقائی کرمانی عقیده دارد او چون از ارتباط حزب توده با رزم‌آرا مطلع شده بود، به قتل رسید . دکتر فریدون کشاورز یکی از سران قبلی حزب توده عقیده دارد او به وسیله‌ی گروه ترور حزب توده به سر دستگی کامبخش و کیانوری کشته شد . با اعترافات سران حزب توده ، دو نظریه‌ی اخیر ( عقیده‌ی دکتر مظفر بقائی کرمانی و دکتر کشاورز ) تایید شد .

۱۴- در این سفر، که به دعوت جرج ششم انجام گرفت ، شاه برای اولین بار کوشش می‌کند شخصا رابطه‌ی لازم را با مقامات انگلیسی برقرار کند که توفیق هم به دست می‌آورد .

۱۵- تیراندازی به وسیله‌ی شخصی به نام ناصر فخرآرایی انجام شد که در دم به وسیله‌ی اطرافیان شاه کشته می‌شود . در مورد انگیزه‌ی او در این کار و عواملی که مسبب انجام این عمل بودند اقوال مختلفی وجود دارد .

عده‌ای آن را از سوی مذهبیون دانستند ، عده‌ای انگیزه‌ی شخصی را موجب این عمل خواندند . دکتر فریدون کشاورز در کتاب من متهم می‌کنم انتشارات توس ۱۳۵۲ صفحه‌ی ۱۰۶ چنین گفته است :

روز یاد بود مرگ دکتر تقی ارانی ۱۴ بهمن است نه ۱۵ بهمن و در آن روز معمولا هر سال جمعیت زیادی در امامزاده



عبدالله جمع می‌شدند ولی در سال ۱۳۲۷ یعنی تیراندازی به شاه دکتر کیانوری چند روز قبل از تاریخ فوت ارانی به کمیته‌ی مرکزی پیشنهاد کرد که چهارده بهمن را به ۱۵ بهمن تبدیل کنیم تا یاد بود به روز جمعه نیفتد، به این بهانه که جمعیت بیشتری خواهد آمد. این اولین باری بود که از ۱۳۲۰ یعنی تاسیس حزب چنین تغییری در روز یاد بود داده می‌شد. بنا به گفته‌ی قاسمی و بقراطی برای همه‌ی ما روشن شد که کیانوری این پیشنهاد را با علم به این که روز جمعه به شاه تیراندازی خواهد شد به کمیته‌ی مرکزی داد، و تنها کیانوری و کامبخش در این جریان وارد بودند.

در تکمیل این اعتراف بایستی توجه خواننده را به اعترافات انکارناپذیر سران حزب توده خصوصاً نورالدین کیانوری دبیرکل حزب و دکتر حسین جودت یکی از اعضای کمیته‌ی مرکزی که در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه می‌شدند و جریان آن مستقیماً از رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شد و در مطبوعات روز نیز انتشار یافت، معطوف کنم. این افراد صراحتاً اعتراف کردند که: اکثر ترورهای سیاسی از شهریور ماه ۱۳۲۰ خورشیدی تا سال ۱۳۵۷ به دستور مستقیم رهبری حزب توده صورت می‌گرفت و در تمام این برنامه‌ها هدف، ملکوت کردن دیگران بوده است.

۱۶- هژیر به وسیله سیدحسین امامی یکی از افراد فداییان اسلام که قبلاً احمد کسروی را نیز به قتل رسانده بود، کشته شد.

۱۷- در دو محکمه دو دسته از سران حزب توده محاکمه شدند که عبارت بودند از:

الف: دکتر مرتضی یزدی، دکتر حسین جودت، اکبر شهبابی، غفور رحیمی، امیر عبدالمکمل پور، عبدالحسین نوشین، ضیاءالدین الموتی، محمدعلی جواهری، محمدعلی شریفی، احمد قاسمی، محمد شورشیان، صدحکیمی و نورالدین کیانوری.

ب: بانو اخترکیانوری (خواهر نورالدین) همسر عبدالصمد کامبخش، محمد شهریاری، جواد معینی، کولیا خاچاطور، آرزو مانیانس، محمود هرمز، ابراهیم محضری، نوروزعلی غنچه، علی اکبر شاندرمنی، احمد میر احمدی، مهندس علوی.

ضمناً عدمای از سران حزب توده مخفی شدند و بعداً فرار کردند، از آن جمله: فریدون کشاورز، رضا رادمنش و احسان طبری را باید نام برد.

۱۸- در باب تشکیل کابینه می دانستم که مستردوهر لیستی از جوانان به او تسلیم کرده است و وقتی از من پرسید آیا برای خدمات دولتی به جوانان بیشتر معتقدم یا به پیران؟ به شوخی گفتم: هرگاه هوانورد بخواید خوب است از میان جوانان و چنان چه وزیر یا سفیر بخواید از بین اشخاص معمر انتخاب نمایید.

مقالات سیاسی صفحه ۱۳ ناشر مطبوعاتی عطایی ۱۳۴۱.  
مورخ الدوله سپهر (گردآوری احمد سمیعی).

۱۹- رقابت تندی میان آمریکاییها وانگلیسیها بروز کرده بود. يك نفر آمریکایی به نام ترن برگ، که ظاهراً رییس مهند سین ماورای بحار در سازمان برنامه بود و باطناید طولایی درمیدانهای نفت شیخ نشینهای خلیج فارس داشت يك مرتبه نقاب از چهره برگرفت و باکمک، دوهر، به نخست وزیر فشار آوردند که در مقابل اجحافات شرکت نفت جنوب ایستادگی کند و بهره‌ی زیادتری برای این مطالبه نماید. رزم آرا خود ترن برگ را مامور این اقدام نمود و مشارالیه به لندن رفت ولی انگلیسیها او را به سردی پذیرفتند و مدعی شدند که دولت ایران تنها از مجاری دیپلماتیک می‌تواند چنین مذاکراتی را آغاز نماید نه از طریق اتباع دولت ثالث.

همان ماخذ صفحه ۱۵.

۲۰- ترن برگ به تهران بازگشت و کمر به لغو امتیاز نفت جنوب بست انگلیسیها نیز اخراج او و سایر مهند سین ماورای بحار را از خدمت سازمان برنامه خواستار شدند. رزم آرا در محظور عجیبی گیر کرده بود تا سرانجام پس از چند روز دودلی و بی‌تکلیفی تصمیم به عزل مهند سین ماورای بحار گرفت و از آن روز ابری تیره در آسمان روابط او با سفارت آمریکا پدیدار شد.

همان ماخذ صفحه ۱۶.

۲۱- نطقهای شدید اللحن نمایندگان برضد او به جایی رسید که مجبور شد...

همان ماخذ صفحهی ۰۱۶

۲۲- به موجب سند محرمانه‌ی مکشوفه از خانه‌ی سدان، رزم‌آرا در ماه فوریه‌ی ۱۹۵۲ آرای کارشناسان انگلیسی را به عنوان نظر دولت خود برای کمیسیون نفت خواند. این مدرک مهم را دولت ایران به شورای امنیت برد و فتوکپی آن در بایگانی شورای امنیت ضبط است. اسرارخانه‌ی سدان، اسماعیل رایین، امیرکبیر ۱۳۵۸ صفحه‌ی ۰۴۹

۲۳- آیت‌الله کاشانی در یک مصاحبه در پاسخ به خبرنگاری درباره‌ی ترور رزم‌آرا گفت: " این عمل به نفع ملت ایران بود و این گلوله و ضربه عالی‌ترین و مفیدترین ضربه‌ای بود که به پیکر استعمار و دشمنان ملت ایران وارد آمد. قاتل رزم‌آرا باید آزاد شود زیرا این اقدام او در راه خدمت به ملت ایران و برادران مسلمانش بوده است. ایران و کوه آتشفشان، حسنین هیکل، ترجمه‌ی سید محمد اصفیایی، قسمت ضمائم، صفحه‌ی ۰۱۸۴

۲۴- در شب شنبه ۲۵ آذر ماه سال ۱۳۲۹، سروان خسرو روزبه به اتفاق نه نفر دیگر: دکتر مرتضی یزدی، دکتر جودت، بقراطی، دکتر کیانوری، عبدالحسین نوشین، احمد قاسمی، شاندرمنی، حکیمی و مهندس علوی از زندان فراری داده شدند. در مورد عوامل موثر در اجرای عملیات مربوط به این فرار، اقوال مختلفی وجود دارد ولی به هر حال در پایان کار، رزم‌آرا از این اقدام که به دست هرکس نقشه‌ی آن می‌توانست طرح شده باشد، سودی نبرد، گرچه عده‌ای هم مسبب این اقدام را خود او می‌دانستند زیرا با تودهایها رابطه‌ی نزدیک داشت. دکتر مظفر بقایی کرمانی نقل کرد: محمد مسعود گفته بود از ملاقاتی که بین سروان خسرو روزبه و رزم‌آرا انجام شده، مقاله‌ای در دست نوشتن دارد که پس از انتشار چون بمب منفجر خواهد شد ولی وی قبل از آن که این مقاله چاپ شود، کشته شد.

۲۵- دکتر محمد مصدق ( مصدق السلطنه ) فرزند میرزا هدایت‌الله از خانواده‌های آشتیانی بود. وی اولین فعالیت آزاد یخواهانه‌ی خود را در دوران مشروطیت و سلطنت محمدعلی‌شاه انجام داد و چون محمدعلی‌شاه برآزاد یخواهان چیره شد، مصدق نیز به اروپا تبعید گردید و در آن جا با استفاده از فرصت به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. مصدق در دولت حسن پیرنیا (مشیرالدوله) که با حمایت افکار عمومی برای مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و رد آن بر سرکار آمد، سمت وزیر عدلیه را داشت و هنگام کودتای ۱۲۹۹ در مقام استانداری فارس بود. همین که سیدضیاء الدین باکمک انگلستان دست به کودتا زد، دکتر مصدق از اولین کسانی بود که به مخالفت با کودتاچیان برخاست. پس از سقوط سیدضیاء و رد قرارداد ۱۹۱۹، مجلس چهارم جهت موازنه‌ی بودجه و اصلاح و تصفیه‌ی تشکیلات وزلهرت مالیه اختیاراتی به مدت سه ماه به دکتر مصدق داد.

در دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی از تهران به نمایندگی انتخاب شد و در نهم آبان ماه ۱۳۰۴ با تفویض پادشاهی به رضاخان سردار سپه طی نطقی در مجلس مخالفت کرد. مصدق گفت: "خوب اگر آمدیم گفتیم قاجار به بد، خیلی خوب کسی منکر نیست، باید تغییر کند خیلی خوب، کی باید بیاید؟ البته امروز کاندیدای مسلم ما آقای رییس الوزرا است. خیلی خوب رییس الوزرا رفت مسند سلطنت را اشغال کرد آیا امروز در قرن بیستم می‌شود گفت يك مملکتی مشروطه است و پادشاهش مشغول کار است؟ که می‌تواند بگوید؟ آقایان درس خوانده‌ی اروپا دیده می‌توانند چنین چیزی بگویند؟ اگر ما سیر قهقرایی بکنیم، پادشاه، رییس الوزرا، وزیر جنگ و رییس عالی کل قوا يك نفر را بدانیم این استبداد صرف نیست؟ من اگر سرم را ببرند، قطعه قطعه و ریز ریزم کنند به این شکل حکومت رای نخواهم داد. (مجله‌ی آینده شماره‌ی ۴ آبان ماه ۱۳۰۴ صفحه‌ی ۲۲۸) .

در پایان همین مخالفت بود که رضاشاه بعداً دکتر مصدق را توقیف و به بیرجند تبعید کرد و پس از چندی با وساطت

محمد رضا پهلوی که ولیعهد بود به احمدآباد ملك شخصی خود در نزدیک تهران منتقل شد و در همان جا تا سال ۱۳۲۰ تحت نظر بود. پس از حوادث شهریور ماه ۱۳۲۰ دکتر مصدق مانند سایر زندانیان سیاسی آزاد گردید و با شرکت در انتخابات دوره چهاردهم فعالیت سیاسی خود را از نو آغاز کرد.

۲۶- چون در نتیجهی تجربیاتی که در دولت سابق به دست آمده پیشرفت کار در این موقع حساس ایجاب می‌کند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصا عهد دار شود و این کار مورد تصویب شاهانه واقع نشده، البته بهتر آن است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملا مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند. با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه‌ای را که ملت ایران شروع کرده است، پیروزمندانه خاتمه دهد. ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۱ فدوی دکتر محمد مصدق.

۲۷- درباره‌ی نخست‌وزیری قوام: روزنامه‌ی فرانسوی "پاری پوس" بیست روز قبل از وقایع سی‌تیر ضمن بحث از نامزد های نخست‌وزیری در ایران نوشت: انگلیسیها و آمریکاییها بیشتر از همه به قوام السلطنه معتقد اند زیرا به عقیده‌ی دیپلماتهای انگلیسی پس از سقوط مصدق فقط يك مرد قوی مانند قوام می‌تواند آتش احساسات مردم را فرونشاند و با دول غرب سازش کند.

۲۸- بازیگر پشت پرده‌ی این حادثه، اشرف، خواهرشاه بود. او که چند روز قبل از بیست و پنجم تیر ماه وارد تهران شده بود با قوام تماس گرفت و با نمایندگان مجلس برای زمینه‌سازی و تحمیل حکومت قوام وارد گفت‌وگو شد و فرمانداری نظامی که مستقیما به دستور دربار عمل می‌کرد، اعلامیه‌ی شدیدالحنی برای حفظ انتظامات صادر کرد و سپس ماموران انتظامی با تانک و زرمپوش به خیابانها ریختند و مجلس را محاصره کردند.

۲۹- در این جا بیان این واقعیت ضرورت دارد که آن چه موجب انسجام و وحدت مردم گردید، هماهنگی و اتحاد کلیه رهبران مذهبی، سیاسی و اجتماعی بود. آیت الله کاشانی با اطلاعیه‌ای که در پاسخ به اعلامیه قوام صادر کرد، چنین گفت:

"احمد قوام باید بداند در سرزمینی که مردم رنج دیده‌ی آن پس از سالها رنج و تعب شانه از زیر دیکتاتوری بیرون کشیده‌اند نباید رسماً اختناق افکار و عقاید را اعلام و مردم را به اعدام دسته جمعی تهدید نماید. من صراحتاً می‌گویم برعموم برادران مسلمان لازم است که در این جهاد اکبر کمر همت محکم بزنند و برای آخرین مرتبه به صاحبان سیاست استعمار ثابت کنند که تلاش آنها در به دست آوردن قدرت و سیطره‌ی گذشته محال است."

این انسجام در رهبری و خصوصاً هم‌رزمی توده‌های روشنفکر اعم از کارمند و دانشجو با بازاری و کارگر و کشاورز موجب شد که شاه ناچار در مقابل مصدق سرتسلیم فرود آورد و به خواست او پاسخ مثبت دهد.

۳۰- قصد از برنامه‌ی "آزاکس" يك اقدام مشترك بود. این برنامه شاه، وینستن چرچیل و آنتونی ایدن، نخست وزیر و وزیر امور خارجه‌ی انگلیس، آیزنهاور و جان فاستر دالس، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، و "سیا" را در برمی‌گرفت. "کرمیت روزولت" (نوه‌ی تیمودور روزولت رییس جمهوری پیشین آمریکا) طراح و عامل اصلی این طرح می‌نویسد: مقصود این اتحاد برانداختن نخست وزیر ایران دکتر محمد مصدق بود. نقل از کتاب: کودتا در کودتا نوشته‌ی کرمیت روزولت صفحه‌ی ۶ ناشر انتشارات جاما ۱۳۵۹.

۳۱- در روز ۲۶ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ نگارنده به نمایندگی "جمعیت آزادی مردم ایران" برای ملاقات سرهنگ اشرفی به فرمانداری نظامی رفته بودم، متأسفانه وی در اتاق

خودش نبود. معاونش سرهنگ دوم وانقی\* در پشت میز در حالی که پشت به در داشت با کسی مشغول صحبت تلفنی بود. من که وارد شدم متوجه نشد و به مکالمه‌ی خود ادامه داد. او دستورهایی برای تدارک یک حمله می‌داد و می‌گفت چه میزان لباس سربازی و تفنگ آماده‌ی تحویل است، نمایندگی خودتان را برای دریافت بفرستید. موقعی که متوجه حضور من در اتاق شد، در حالی که بسیار نگران بود، پرسید: خیلی وقت است تشریف دارید؟ من گفتم خیر، همین حالا وارد شدم. یکی دو دقیقه‌ای با او صحبت کردم و سراغ سرهنگ اشرفی را گرفتم و سپس او را ترک کردم. از آن جا به دفتر نخست‌وزیری که در شمس‌العماره بود رفتم و به "آقای قاسم توپسرگانی" مدیرکل دفتر نخست‌وزیری جریان را گفتم... او گفت باید مطلب به دکتر مصدق اطلاع داده شود. شخصا با وسیله‌ای که در اختیارم گذاشته شد، به خانه‌ی دکتر مصدق رفتم و پس از مذاکره با رییس دفترش به اتاق خواب و کار دکتر مصدق وارد شدم. پس از احوال‌پرسی عین جریان را برای ایشان بازگو کردم. او که روی تخت استراحت می‌کرد، از جای برخاست، مقداری "گز" در مقابل من گذاشت و گفت: از این مسایل زیاد است ولی شما نگران نباشید. اینها "هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند" بعد هم من از منزل ایشان خارج شدم ولی هنوز هم با خودم راجع به "هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند" فکر می‌کنم چون وقایع درست خلاف نظر دکتر مصدق اتفاق افتاد.

۳۲- طبق دعوت فرمانداری نظامی تهران دیروز ساعت هشت صبح نمایندگان جامعه‌ی اصناف و بازرگانان، جمعیت آزادی مردم ایران، حزب ایران، حزب ملت ایران و نیروی سوم در محل فرمانداری نظامی اجتماع کردند. منظور از این دعوت تهیه‌ی مقدمات جریان روز سی‌ام تیر بود ولی از آن جهت که بین نمایندگان احزاب و سرهنگ اشرفی فرماندار نظامی در مورد جریان تظاهرات توافقی حاصل نشد، طبق تصمیم قرار

\* این شخص بعد از کودتای رییس شهربانی شهرری شد.

شد این آقایان: داریوش فروهر، احمد سمیعی، اصغر گیتی‌بین، حاج محمود مانیان، حاج قاسمیه و اطمینانی با آقای دکتر مصدق ملاقات نمایند.

پس از حضور، آقای فروهر در پی مقدمای گفت: در شرایط کنونی دولت بایستی اقدامی بنماید که احزاب ملی جواب‌گوی آن باشند و برای این منظور در شرایطی که انگلستان می‌کوشد با تمام قوا جریان مبارزات ملت ایران را یک جنبش کمونیستی جلوه دهد، بجا است که دولت در تقویت احزاب ملی بکوشد و اجازه‌ی اخلال‌گری به عناصر بیگانه پرست داده نشود. نخست وزیر پس از شمه‌ای که در مورد جریان سی‌ام تیر بیان داشتند متذکر شدند این تظاهرات مخصوص یک دسته‌ی معین نیست. تمام مردم ایران در جریان سی‌ام تیر سهیم بودند و در برقراری یاد بود شهید ای سی‌ام تیر هم بایستی همه‌ی مردم ایران شرکت نمایند. آقای احمد سمیعی نماینده‌ی جمعیت آزادی مردم ایران اظهار داشت: بنده نظر آقای نخست‌وزیر را به این موضوع جلب می‌نمایم که در جریان سی‌ام تیر و در مراحل مختلف مبارزه‌ی ضد استعماری، حساب مردم ایران از اجرا کنندگان شناخته شده‌ی سیاست اجنبی جدا بوده است و هست و در دو ساله‌ی زمامداری شمانه تنها عناصر معروف به "تودمای" اقدام اساسی در راه پیشرفت مقاصد ملی ننموده‌اند، بل همیشه از عوامل موثر تخریب شناخته شده‌اند و به همین جهت امروز ما می‌خواهیم دولت اجازه ندهد آنها که همیشه در راه ملت سنگ انداخته‌اند و علاقه به آزادی و استقلال میهن عزیز نداشته‌اند، در صف مردم جای بگیرند.

"روزنامه‌ی مردم ایران ارگان جمعیت آزادی مردم ایران سال دوم شماره‌ی ۳۷ یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۳۲."

۳۳- گرچه افشارطوس گذشته‌ی درخشانی نداشت، مع ذلک نحوه‌ی ربودن او و طرز کشتنش چنان نفرتی از این اقدام در میان مردم برانگیخت که دوست و دشمن گذشته‌ی او را فراموش کردند و در ردیف شهید ای راه میهن قلمداد شد. سازمان محرمانه‌ی انگلیس با اجرای موفقیت‌آمیز عملیات "چکمه" موجبات این قتل فجیع را فراهم آورد. برای اطلاع



بیشتر به کتاب "پیشه‌ی من خیانت است" از انتشارات شباویز  
مراجعه فرمایید .

۳۴- اسامی افسران و افرادی که در تدارک و اجرای عملیات  
کودتای بیست و هشت امرداد مشارکت داشتند: بدیهی است  
امکان دارد نام عده‌ای در این فهرست نیامده باشد و یا  
نامهایی بدون ارتباط با کودتا در این لیست ذکر گردیده  
باشد .

سرهنگ نعمت‌الله نصیری ( ارتشبد ) ، سرلشگر نادر  
باتمانقلیچ ( سپهبد ) ، سرتیپ فرهاد دادستان ( سرلشگر ) ،  
سرگرد پرویز خسروانی ( سپهبد ) ، سرهنگ اسکندر آزموده  
( سپهبد ) ، سرهنگ حسین آزموده ( سپهبد ) ، ستوان یکم  
نراقی ( سرتیپ ) ، سرگرد جاوید پور ( سرتیپ ) ، سرهنگ  
مصطفی امجدی ( سپهبد ) ، سرهنگ بابا امجدی ( سرتیپ ) ،  
سرهنگ فرهنگ خسروپناه ( سرلشگر ) ، سرگرد واثقی  
( سرتیپ ) ، سرهنگ اردوبادی ( سرلشگر ) ، سروان کاظم  
خزاعی ( سرلشگر ) ، سرهنگ عزیزاله رحیمی \* ، سرلشگر  
گیلان‌شاه ( سپهبد ) ، سروان جهانبانی ( سرلشگر ) ، سرهنگ  
نوذری ( سرلشگر ) ، سروان وجدانی ( سپهبد ) ، سروان  
معتضد ( سپهبد ) ، سروان مصطفی مجلسی ( سرهنگ ) ،  
سروان اسماعیل یاوری ( سرهنگ ) ، سروان بیوک ساعدی  
( سرتیپ ) ، سروان محمد اسکویی ( سرهنگ ) ، سروان  
نوشین زاد ( سرلشگر ) ، ستوان یکم ریاحی ( سرلشگر ) ، سروان  
کاووسی ( سرتیپ ) ، سروان نجمی مرعشی ( سرهنگ ) ، سروان

---

\* بعد از انقلاب بیست و دوم بهمن سرتیپ شد و فرمانده دژبان مرکز  
گردید ، وی پس از بیست و هشت امرداد در کابینه‌ی علاء هنگامی که  
قرار می‌شود لباس ارتشپها تغییر کند و به فرم لباس افسران آمریکا  
تبدیل شود و مقداری هم لباس از آمریکا برای ارتش ایران آورده  
می‌شود، شدیداً به این موضوع اعتراض می‌کند، به همین جهت بازنشسته  
می‌شود و بعداً در محاکمهی مهندس بازرگان و آیت‌اله طالقانی وکالت  
آنها را برعهده می‌گیرد .

مهدی رحیمی ( سپهبد ) ، سروان عباس شقاقی ( سرلشگر ) ،  
 سروان صیادیان ( سرلشگر ) ، سروان اکبر زند ( سرهنگ ) ،  
 سرتیپ علی اکبر سیاسی ( سرلشگر ) ، سرهنگ تیمور بختیار  
 ( سپهبد ) ، سرهنگ شاه خلیلی ( سرتیپ ) ، سرتیپ محمد  
 دفتری ( سرلشگر ) ، سروان منوچهر خسروداد ( سرلشگر ) ،  
 سروان هوشنگ امیرقهاری ( سرهنگ ) ، سرهنگ حسین فردوست  
 ( سپهبد ) ، سرهنگ غلامعلی اوپسی ( ارتشید ) ، سروان  
 پژمان ( سپهبد ) ، سروان بیگلری ( سرلشگر ) ، سروان نشاط  
 ( سرلشگر ) ، ستوان یکم جعفریان ( سرتیپ ) ، سرتیپ ولی الله  
 قرنی ( سرلشگر ) \* ، سرهنگ مجیدی ( سپهبد ) ، سرهنگ علی  
 محمد روحانی ( سپهبد ) ، سروان جناب ( سرلشگر ) ، سرلشگر  
 عبد الله هدایت ( ارتشید ) ، سرهنگ زاهدی ( سپهبد ) ،  
 سرگرد ایلیخانی ( سرلشگر ) ، سرگرد سبحانی ( سرتیپ ) ،  
 سرهنگ منصور اختیار ( سرتیپ ) ، سروان نودری بقا ( سرلشگر ) ،  
 سرهنگ خواجه نوری ( سپهبد ) ، سرهنگ حسن اخوی ( وزیر  
 راه شد ) ، سرتیپ مزینی ، رضا جعفری ( وزیر شد ) ، سرلشگر  
 ( سپهبد ) فضل الله زاهدی ( نخست وزیر شد ) ، اردشیر  
 زاهدی ، سرتیپ بایندر ، سرلشگر عباس گرزن ، فتح الله  
 امیرعلایی ، مصطفی کاشانی ، سرتیپ رامندی ، دکتر جهانشاه  
 صالح ، سرتیپ عباس فرزندگان ( وزیر شد ) ، سرتیپ دکتر  
 منزله ، حسین خطیبی ، ابوالقاسم پناهی ، سرتیپ شعری  
 ( استانداری اصفهان شد ) ، ابوالفتح آتابای ، امیرحسین  
 ایلیخان ظفر بختیار ، شعبان جعفری ، هیراد ، سرهنگ  
 وزیری ، دکتر محمد سجادی ، ملکهی اعتضادی ، امیراسد الله  
 علم ، سرلشگر کیهان خدیو ، سرلشگر محمد حسین  
 جهانبانی ، پری آزدان قزی ، دکتر منوچهر اقبال ، سرگرد  
 الهیاری ، غلامرضا فولادوند ، سید مهدی میراشرفی ، دکتر  
 علی امینی ، سروان هوشنگ میردامادیان ، موسی سرابندی ،

---

\* قرنی بعداً به جرم این که مقدمات کودتایی را برضد شاه فراهم می کند ،  
 از ارتش اخراج می شود . قرنی پس از انقلاب رییس ستاد ارتش گشت و  
 پس از چندی هم ترور شد .

سرهنگ وحدانیان (سپهبد)، محمدعلی مسعودی، اسدالله رشیدیان و برادران، ابوالحسن حایری زاده (سفیر سیار در اروپا شد)، سرتیپ مجیدی، سرتیپ دیهیمی، سروان مهدی همایون، سرهنگ عباس نفیسی، سرتیپ منصور مزین، سرتیپ یآوری، سروان حمید خیرخواه، سروان صالح (سپهبد)، امیر زرین کیا (معروف به امیر موبور)، نصرت الله معینیان، سرگرد ایلخانی (سرلشگر)، مهندس خلیل طالقانی، شمس قنات آبادی، جعفر بهبهانیان، سرهنگ عزیز فرزانگان، سرلشگر جوادی، حسین مکی، حاجبی، محمد تقی "واعظ"، سرهنگ مبصر (ارتشبد)، سرهنگ زند کریمی (سرلشگر)، سرتیپ خردمند، اشرف پهلوی، سرگرد محمد خاتم (ارتشبد و فرمانده نیروی هوایی)، عده‌های از روحانیون معروف... علیرضا پهلوی، احمد شفیق، ارنست پرون، سرهنگ اشرفی (فرماندار نظامی)، سرهنگ نادری (رییس آگاهی)، سرهنگ شاه‌رخی، سرهنگ علی پارسا، سرتیپ عطاءالله کیانی و سرلشگر دفتری رییس شهربانی (مقامات انتظامی دولت) .

۳۵- در مورد علت خودکشی صادق هدایت تحقیقات فراوان شده است و اهل قلم در این مورد آرای گوناگونی ابراز کرده‌اند، او بزرگ‌ترین داستان‌نویس عصر ما بود که آثارش تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است و به غالب زبانهای زنده‌ی دنیا ترجمه گردیده است. تنها اثر هدایت که فقط یک بار در پاریس به چاپ رسید، و تاکنون ناشران در ایران موفق به طبع آن نشده‌اند، جزوه‌ای است با نام ("افسانه‌ی آفرینش" خیمه شب بازی در سه پرده) صورتها در این نمایشنامه عبارتند از: خالق اف، جبرائیل پاشا، میکائیل افندی،

---

این دو نفر (سروان مهدی همایون و سروان حمید خیرخواه) از افسران شبکه‌ی حزب توده بودند که با کودتا همکاری می‌کرده‌اند. در مورد افرادی که مشاغل آنها ذکر نشده باید گفته شود که اینها به دو دسته تقسیم می‌شوند دسته‌ای که معرفیت تام دارند و کاملاً شناخته شده‌اند و عده‌ای که از کود سیاست خارج شده، به کار تجارت پرداختند.

ملا عزراییل ، اسرافیل بیک ، مسیو شیطان ، بابا آدم ، ننه  
حوا ، حوریها ، غلمانها ، فیل و شترمرغ ( آدرین مزون نو پاریس  
۱۹۴۶ ) .

۳۶- سپهد شاهبختی ، سپهد امیراحمدی ، شعبان جعفری  
و جمعی از افسران شاغل و بازنشسته ...

۳۷- کریمت روزولت اجراکننده‌ی طرح "آژاکس" می‌نویسد:  
پس از خروج شاه از تهران و عزیمتش به رامسر ، دو کار  
باقی مانده بود که شاه انجام دهد . یکی بایستی فرمان عزل  
مصدق را امضا می‌کرد و دیگر فرمان نخست‌وزیری زاهدی را ،  
ما این دو فرمان را در تهران تهیه کردیم و سپس با  
وسایلی به رامسر فرستادیم که شاه امضا کرد و برای  
ما فرستاد .  
از کتاب: کودتا در کودتا ( صفحه‌ی ۱۸۳ ) .

۳۸- دکتر سیدعلی شایگان پس از مدتی از زندان نامهای  
به شاه نوشت و به علت بیماری تقاضای عفو کرد ، که  
مورد قبول واقع شد و پس از آزادی از زندان به آمریکا  
رفت و تا آغاز انقلاب در آن جا بود . بعد از انقلاب به  
ایران بازگشت و نامزد ریاست جمهوری شد ، ولی مورد  
شمسخر قرار گرفت و مجدداً به آمریکا رفت و در سال ۱۳۵۹  
در گذشت .

۳۹- پیمان بغداد عبارت از يك خط دفاعی بود در برابر  
تهدید شوروی ، که انگلستان ، پاکستان ، عراق و  
ترکیه و ایران تشکیل دهند . آن بودند ، ( و آمریکا به عنوان  
میهمان و ناظر در آن شرکت داشت ) پس از سقوط رژیم  
سلطنتی عراق و خروج حکومت جدید از پیمان ، نام آن به  
سنتو تبدیل شد .

۴۰- ضارب یکی از فداییان اسلام به نام ذوالقدر  
بود .

۴۱- در مورد فداییان اسلام کتب و رسالات بسیار منتشر شده است، ولی بیان این نکته ضرورت دارد که به محض اعلام نخست وزیری حسین علاء، نواب صفوی رهبر فداییان اسلام در اعلامیه‌ی شدیدالحنی به علاء اخطار کرد اگر فوراً از نخست وزیری کناره‌نبرد، به سزای عملش خواهد رسید.

روزنامه‌ی نبرد ملت فروردین ماه ۱۳۳۱.

۴۲- علامه علی‌اکبر دهخدا یکی از آزاد یخواهان معروف ایران بود. او نویسندگی مقالات چرند و پرند با امضای دخو، و گردآورنده‌ی امثال و حکم، و مولف فرهنگ بزرگ فارسی است.

۴۳- سرلشکر محمد خاتم که بعداً ارتشبد شد، همان افسری است که خلبانی شاه را در ۲۶ امرداد ماه ۱۳۳۲ هنگام خروج از ایران به بغداد و از آن جا به ایتالیا به عهده داشت. او سالها فرمانده نیروی هوایی بود و تشکیلات همافران را پایه‌گذاری کرد. او هنگام پرواز با کایت در حوالی سد دز (دزفول) کشته شد.

۴۴- پیر سالدینجر در کتاب "آمریکا در بند" (ترجمه‌ی فیروزه خلعت بری، صفحه‌ی ۹۸) در این باره می‌نویسد: "دشمنی خاص میان محمدرضا پهلوی و آیت‌الله خمینی به بازگشت شاه پسر از کودتای ۱۳۳۲ برمی‌گردد. چند نفری در جریان بازگردانیدن شاه به تخت طاووس کشته شدند. در مقابل این عمل، آیت‌الله نامه‌ای برای رهبران مسلمان کشورهای عرب فرستاد و برای قربانیان آن چه وی آن را قساوت شاه نامید، یاری طلبید. در میان تمام رهبرانی که آیت‌الله با آنها تماس گرفت، فقط یک نفر پاسخ داد و او هم جمال عبدالناصر سرهنگ ارتش مصر بود که سال پیش از آن ملک فاروق را سرنگون کرده بود."

۴۵- احمد آرامش پس از آزادی از زندان شروع به فعالیتهای سیاسی کرد، و با رژیم به مبارزه پرداخت و در نتیجه به هفت سال زندان محکوم شد. پس از آزادی از زندان در ۲۶ مهر ماه ۱۳۵۲ در پارک فرح تهران به وسیلهی ماموران امنیتی کشته شد. همسر او خواهر مهندس شریف امامی بود که در سالهایی که آرامش در زندان بود، از او طلاق گرفت.

۴۶- تیمور بختیار در سال ۱۳۳۳ بعد از سرتیپ دادستان به فرمانداری نظامی تهران منصوب شد و درجهی سرتیپی گرفت. او عامل اساسی کشتار و شکنجههای بعد از کودتا بود، سپس با درجهی سرلشگری سازمان اطلاعات و امنیت را ایجاد کرد. شاه به او درجهی سپهبدی داد ولی بختیار ادعاهای دیگری داشت تا سرانجام مورد غضب قرار گرفت و از ایران به بغداد رفت، در آنجا آزاد یخواه شد و برضد شاه و رژیم شروع به مبارزه کرد، و عاقبت به دستور سازمانی که خود بنیاد نهاده بود، به قتل رسید.

۴۷- هنگامی که فرمان انتصاب علم به نخست وزیر از رادیو اعلام شد، دکتر علی امینی در محل ادارهی روزنامهی اطلاعات به عنوان نخست وزیر مشغول سخنرانی بود و برنامههای آتی خود را شرح می داد.

۴۸- در کابینهی علم، دکتر محمد باهری و دکتر پرویز خانلری از چپ روهای گذشته، عباس آرام و مهدی پیراسته از مشاهیر برخوردار از حمایت سیاست انگلستان، دکتر علینقی عالیخانی مدیر کل مالی ساواک، حسن ارسنجانی سیاست باز همه فن حریف، و بعدا جهانگیر تفضلی و جمعی از فراماسونهای معروف شرکت داشتند. این کابینه را آن روزها اهل نظر به سالاد روسی تشبیه می کردند.

از جمله اقدامات تفضلی در این دولت لغو امتیاز

اکثر روزنامه‌هایی بود که آن روزها در مملکت منتشر می‌شدند .

۴۹- با عنوان گروه مترقی ، متشکل از تحصیلکردمهای آمریکا و اروپا و سپس کانون مترقی و بعدا حزب ایران نوین ، وارد صحنه‌ی سیاست شد .

۵۰- عبدالله هدایت اولین ارتشبد در ارتش شاهنشاهی ایران بود ، که پس از بازداشت ، خلع درجه شد و هنگامی که تحت نظر بود در گذشت .

۵۱- چون در مورد قیام ۱۵ خرداد و نتایج حاصل از آن مطالب متنوع و گوناگونی به صورت مقاله جزوه و کتاب منتشر شده است ، در این جا از تکرار وقایع و حوادث آن روز خودداری شد .

۵۲- حسنعلی منصور پس از تشکیل کانون مترقی در تابستان سال ۱۳۴۲ از تهران وکیل شد و پس از گشایش مجلس ، حزب ایران نوین را بنیان‌گذاری کرد و بیشتر اعضای کابینه را از میان افراد حزب خود برگزید .

۵۳- شاه از ابتدای سلطنت از فعالیتهای فراماسونها در ایران اطلاع داشت ولی هیچ‌گاه تا سال ۱۳۴۲ این امکان را نیافت که بتواند در اداره‌ی این تشکیلات شخصا صاحب نظر باشد . هنگامی که در سال ۱۳۴۲ قدرت مطلق را در ایران به دست آورد و ارتش را آن طور که مورد نظرش بود زیر فرمان گرفت ، این فکر در او پیدا شد که این تشکیلات را هم در اختیار بگیرد . به همین دلیل از سیدجعفر شریف‌امامی که دارای عالی‌ترین منصب در لژهای فراماسونری بود خواست که سمت خود را به او تفویض کند . ولی شریف‌امامی با کمک دیگر فراماسونها ، شاه را از این نظر منصرف ساخت و به او پیشنهاد کرد که شخصا لژی ترتیب بدهد تا

پس از تصویب آن در مراجع بین‌المللی ماسونها، این مقام رسماً به او داده شود.

شاه در ابتدا به این امر راضی می‌شود و به برادرش غلامرضا دستور می‌دهد نسبت به انجام این کار اقدام نماید. ضمناً بخشنامه‌ای محرمانه هم به کلیه سازمانهای دولتی صادر می‌شود تا افرادی که در مشاغل "بالا" هستند و تا آن روز عضو فراماسونری نبودند در این "لژ" نام‌نویسی کنند که این بخشنامه شامل امرای ارتش هم می‌شود.

به این ترتیب "لژ" پهلوی تشکیل می‌شود و مدارک لازم را نیز تدارک می‌بینند، ولی مدتی می‌گذرد و این لژ از طرف مراجع بین‌المللی فراماسونری به رسمیت شناخته نمی‌شود. شاه که از این طریق موفق نمی‌شود، دستور می‌دهد کلیه کسانی که در لژهای فراماسونری فعالیت و عضویت دارند بایستی پرسش‌نامه‌هایی را پر کنند و به ساواک بدهند و این کار انجام می‌گیرد که از همین پرسش‌نامه‌ها و اطلاعات دیگری که افراد به علت ترس از فاش شدن اسرار، پیشقدم شده خودشان در اختیار می‌گذارند، مدارک لازم برای تهیه کتاب فراماسونری در ایران تألیف اسماعیل رایین فراهم می‌شود. این کتاب که بار اول در سه جلد با تیراژی محدود در ایتالیا چاپ شد، مطالبی دارد که در چاپهای بعدی آن حذف گردید. "رایین" در صفحه‌ی ۶۹۲ جلد اول چاپهای دوم و سوم این کتاب ( فراموشخانه یا فراماسونری در ایران ۱۳۵۷ انتشارات امیرکبیر) می‌نویسد: "در چاپ دوم کتاب باکمال تأسف مجبور شدیم فصل چهاردهم آن را حذف کنیم و بعد توضیح می‌دهد: "در این فصل اعمال و کردار برخی از فراماسونهاى ایرانی که در قرون گذشته سبب سیه‌روزی هم میهنان و جدایی قسمتی از خاک ایران شده بودند، کاملاً تشریح شده بود و سعی کرده بودیم این افراد میهن‌فروش و ضعیف‌النفس را به مردم میهن‌خود بشناسانیم. در همین فصل اقدامات و عملیات تنی چند از فراماسونهاى زشت‌کردار که بازماندگان آنها هم‌اکنون در لژهای ماسونی و سازمانها فعالیت می‌کنند، تشریح شده



است که باکمال تأسف ناگزیر به حذف قسمتهای مذکور در چاپ دوم گردیدیم و بدین وسیله از هم میهنان عزیز پوزش می‌طلبیم.<sup>۲۰</sup> در این جا بیان این نکته هم ضرورت دارد که چاپ اول کتاب هم با حذف فصل چهاردهم به تهران می‌رسد و کسی از مفاد آن فصل آگاهی حاصل نمی‌کند.

پس از انتشار کتاب مورد بحث، فراماسونها انسجام سابق را از دست می‌دهند و در بسیاری از موارد برادران، به جان یک دیگر می‌افتند، تا آن جا که دشمنی علنی هم با یک دیگر می‌کنند.

در حالی که ماسونهای اولیه از جمله تقی‌زاده و حکیم‌الملک چنان با یک دیگر صمیمی و برادر بودند که حتی برای احراز عالی‌ترین مقامات دولتی به خاطر هم حاضر به گذشت بودند.<sup>۲۰</sup> صوخرالدوله سپهر نقل می‌کرد: هنگامی که تقی‌زاده پس از بهبودی حالش از اروپا به تهران بازگشت، حکیمی ریاست سنا را عهده دار بود، یعنی مدتی چانشین تقی‌زاده شده بود. در فرودگاه حکیمی در حضور جمع پس از روبوسی با تقی‌زاده در حالی که دست او را می‌بوسید اعلام کرد، از جلسه‌ی آینده‌ی سنا، استاد ریاست را به عهده خواهید داشت. مطلبی که در آن روز تعارف به حساب آمد، ولی این امر به همین صورت در اولین جلسه‌ی سنا تحقق یافت یعنی حکیم‌الملک از سمت خود استعفا کرد و تقی‌زاده به ریاست سنا انتخاب شد.<sup>۲۰</sup>

۵۴- حسنعلی منصور در هیچ‌یک از لژهای فراماسونری پذیرفته نشد، حتی در لژی که امیرعباس هویدا و برادرش جواد منصور عضویت آن را داشتند.<sup>۲۰</sup> فراماسونری در ایران چاپ سوم نوشته‌ی اسماعیل رایین جلد سوم زیرنویس صفحه‌ی ۶۷۴.

۵۵- حسنعلی منصور به وسیله‌ی افرادی که تحت تاثیر شدید افکار مذهبی فعالیت می‌کردند، کشته شد.<sup>۲۰</sup> برای اطلاع بیشتر در این باب بایستی به کتب و رسالات منتشر شده در این باب مراجعه شود.<sup>۲۰</sup>

## تذکر لازم جهت آگاهی :

اسامی وزرای هر کابینه و تغییرات بعدی آن را به این ترتیب مشخص کرده ایم :

الف : وزرایی که در ابتدای کار از طرف هر نخست وزیر معرفی شده اند با شماره‌ی ردیف مشخص گردید مانند .

ب : تغییراتی که در هر وزارتخانه به عمل آمده در مقابل نام اولین وزیر به ترتیب ثبت شده است .  
مثال : وزیر دادگستری مجید آهی - عباسقلی گلشایبان در معرفی اولیه آهی و بعد از مدتی گلشایبان به این سمت انتخاب شده است .

پ : در صورتی که وزرایی برای وزارتخانه‌های جدید التاسیس پس از معرفی اولین کابینه ، معرفی شده اند ، در همان ردیف اول اسامی آنها آمده است ولی بدون ذکر شماره و با علامت \* .

اسامی وزیران کابینه‌های بعد از شهریورماه ۱۳۲۰ خورشیدی با تغییرات تا کابینه‌ی حسنعلی منصور سال ۱۳۴۳ .

۱- کابینه‌ی محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا اسفند ماه ۱۳۲۰ .

دوره‌ی دوازدهم قانون‌گذاری - محمدعلی فروغی کابینه‌ی خود را در تاریخ پنجم شهریور ماه ۱۳۲۰ بعد از واقعه‌ی سوم شهریور ( حمله به ایران ) تشکیل داد و در تاریخ ششم شهریور ماه ۱۳۲۰ به مجلس شورای ملی معرفی کرد . افراد این کابینه به این شرح معرفی شدند :

- ۱ . وزیر دادگستری : مجید آهی .
- ۲ . وزیر امور خارجه : علی سهیلی .
- ۳ . وزیر کشور : جواد عامری .
- ۴ . کفیل وزارت دارایی : عباسقلی گلشایبان .

- ۵ . کفیل وزارت جنگ : سرلشگر احمد نخبجوان .
  - ۶ . وزیر فرهنگ : اسماعیل مرآت .
  - ۷ . وزیر راه : دکتر محمد سجادی .
  - ۸ . وزیر پست و تلگراف : ابراهیم علم .
  - ۹ . کفیل وزارت بازرگانی : صادق وثیقی .
  - ۱۰ . رییس کل کشاورزی : مصطفی قلی رام .
- ولی پس از اعلام استعفای رضاشاه و معرفی پادشاه جدید فروغی کابینه‌ی خود را به این شرح در یکشنبه سیام شهریور ماه ۱۳۲۰ خورشیدی برابر با ۲۸ شعبان ۱۳۶۰ هجری قمری و سپتامبر ۱۹۴۱ میلادی مجدداً به مجلس معرفی می‌کند .
- ۱ . وزیر دادگستری : مجید آهی - عباسقلی گلشایان
  - ۲ . وزیر امور خارجه : علی سهیلی .
  - ۳ . وزیر کشور : سرلشگر امان‌الله جهانبانی - سپهبد احمد امیر احمدی - باقر کاظمی .
  - ۴ . وزیر جنگ : سرلشگر احمد نخبجوان - محمد علی فروغی .
  - ۵ . وزیر دارایی : دکتر حسن مشرف نفیسی - یدالله عضدی .
  - ۶ . وزیر فرهنگ : دکتر عیسی صدیق - سید محمد تدین - مصطفی عدل .
  - ۷ . وزیر راه : دکتر محمد سجادی - سرلشگر امان‌الله جهانبانی .
  - ۸ . وزیر بهداری : اسماعیل مرآت - باقر کاظمی - علی اصغر حکمت .
  - ۹ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : حمید سیاح - حسنعلی کمال هدایت .
  - ۱۰ . وزیر پیشه و هنر : علی اصغر حکمت - عباسقلی گلشایان - عبدالحسین هزیر .
  - ۱۱ . وزیر بازرگانی و اقتصاد ملی : عباسقلی گلشایان .
  - ۱۲ . وزیر کشاورزی : علی اکبر حکیمی .
  - ۱۳ . وزیر کشاورزی و اقتصاد و خواربار : مجید آهی .

## ۲- کابینہ علی سہیلی

- ۱ . وزیر داد گستری : مجید آہی .
- ۲ . وزیر امور خارجہ : علی سہیلی - محمد ساعد .
- ۳ . وزیر کشور : علی سہیلی - سید مہدی فرخ .
- ۴ . وزیر جنگ : سرلشگر امان اللہ جہانبانی .
- ۵ . وزیر دارایی : محمود بدر .
- ۶ . وزیر فرهنگ : مصطفی عدل .
- ۷ . وزیر راہ : ید اللہ عضدی .
- ۸ . وزیر بہداری : علی اصغر حکمت .
- ۹ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : فضل اللہ بہرامی .
- ۱۰ . وزیر پیشہ و ہنر و بازرگانی : عبدالحسین ہژیر .
- ۱۱ . وزیر کشاورزی : احمد حسین عدل .

## ۳- کابینہ احمد قوام

- ۱ . وزیر داد گستری : علیرضا قرہ گوزلو - جواد عامری .
- ۲ . وزیر امور خارجہ : محمد ساعد .
- ۳ . وزیر کشور : باقر کاظمی - جواد عامری - فضل اللہ بہرامی .
- ۴ . وزیر جنگ : احمد قوام - سپہبد امیر احمدی .
- ۵ . وزیر دارایی : سید حسن تقی زاد - باقر کاظمی - اللہیار صالح .
- ۶ . وزیر فرهنگ : دکتر علی اکبر سیاسی .
- ۷ . وزیر راہ : ید اللہ عضدی - علی معتمدی .
- ۸ . وزیر بہداری : دکتر اسماعیل مرزبان - نصر اللہ انتظام .
- ۹ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : حمید سیاح - محسن رییس .
- ۱۰ . وزیر پیشہ و ہنر و بازرگانی : عبدالحسین ہژیر .
- ۱۱ . وزیر کشاورزی : احمد حسین عدل .

- ۱۲ • وزیر مشاور : صادق صادق •
- ۱۳ • وزیر مشاور : ابراهیم حکیمی •
- ۱۴ • معاون نخست وزیر : دکتر علی امینی •
- \* وزیر خواربار : مهدی فرخ •

#### ۴- کابینہی دوم علی سہیلی

- ۱ • وزیر دادگستری : علی اصغر حکمت - محسن صدر •
- ۲ • وزیر امور خارجه : محمد ساعد •
- ۳ • وزیر کشور : علی سہیلی - حسین سمعی •
- ۴ • وزیر جنگ : سپہبد احمد امیر احمدی •
- ۵ • وزیر دارایی : اللہیار صالح - مرتضی قلی بیات •
- ۶ • وزیر فرهنگ : دکتر علی اکبر سیاسی •
- ۷ • وزیر راه : عبدالحسین ہزیر •
- ۸ • وزیر بہداری : امان اللہ اردلان •
- ۹ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : نصر اللہ انتظام •
- ۱۰ • وزیر پیشہ و ہنر و بازرگانی : محمود بدر •
- ۱۱ • وزیر مشاور : حسین سمعی •
- \* وزیر خواربار : محمد تدین •
- \* وزیر کشاورزی : احمد اعتبار •
- \* معاون پارلمانی نخست وزیر : زین العابدین رهنما •
- \* وزیر مشاور : خلیل فہیمی •
- \* وزیر مشاور : محمد تدین •

#### ۵- کابینہی اول محمد ساعد

- ۱ • وزیر دادگستری : اسد اللہ معقانی - اللہیار صالح •
- ۲ • وزیر امور خارجه : محمد ساعد •
- ۳ • وزیر کشور : عبدالحسین ہزیر - محمد سروری •
- ۴ • وزیر جنگ : ابراهیم زند - سرلشگر محمد حسین فیروز ، کفیل وزارت جنگ : سرتیپ عبد اللہ ہدایت •

- ۵ • وزیر دارایی : محمود نریمان - ابوالقاسم فروهر -  
علی اصغر زرین کفش •
- ۶ • وزیر فرهنگ : سرلشگر علی ریاضی - دکتر قاسم غنی -  
باقدر کاظمی •
- ۷ • وزیر راه : حمید سیاح - محمود نریمان •
- ۸ • وزیر بهداشت : دکتر قاسم غنی - دکتر سعید مالک،  
کفیل وزارت بهداشت : دکتر منوچهر اقبال •
- ۹ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : ابوالقاسم فروهر -  
یوسف مشار •
- ۱۰ • وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : امان الله اردلان -  
دکتر محمد نخعی •
- ۱۱ • وزیر کشاورزی : محمود فاتح - ناصر اعتمادی •
- ۱۲ • وزیر مشاور : مصطفی عدل •
- ۱۳ • وزیر مشاور : مرتضی قلی بیات - خلیل فهمی •
- \* معاون پارلمانی : دکتر محمد نخعی - غلامحسین  
اشرفی •

۶- کابینه‌ی مرتضی قلی بیات

- ۱ • وزیر دادگستری : مصطفی عدل •
- ۲ • وزیر امور خارجه : محسن رییس - نصرالله  
انتظام •
- ۳ • وزیر کشور : محمد سروری •
- ۴ • وزیر جنگ : ابراهیم زند •
- ۵ • وزیر دارایی : امان الله اردلان •
- ۶ • وزیر فرهنگ ، دکتر عیسی صدیق •
- ۷ • وزیر راه : عبدالله انتظام •
- ۸ • وزیر بهداشت : دکتر سعید مالک •
- ۹ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : نادر آراسته •
- ۱۰ • وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : حسنعلی کمال  
هدایت •
- ۱۱ • وزیر کشاورزی : مرتضی قلی بیات •
- ۱۲ • وزیر مشاور : دکتر علی اکبر سیاسی - خلیل  
فهمی •

#### ۷- کابینه‌ی اول ابراهیم حکیمی

۱. وزیر دادگستری : اللهیار صالح .
۲. وزیر امور خارجه : انوشیروان سپهبدی .
۳. وزیر کشور : ابراهیم حکیمی .
۴. وزیر جنگ : ابراهیم زند .
۵. وزیر دارایی : عبدالحسین هژیر .
۶. وزیر فرهنگ : غلامحسین رهنما .
۷. وزیر راه : نادر آراسته .
۸. وزیر بهداری : دکتر اسماعیل مرزبان .
۹. وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : ابوالقاسم نجم .
۱۰. وزیر کشاورزی : نصرالله خلعت بری .
۱۱. وزرای مشاور : حسنعلی کمال هدایت - مصطفی عدل .

#### ۸- کابینه‌ی محسن صدر

۱. وزیر دادگستری : حسنعلی کمال هدایت .
۲. وزیر امور خارجه : انوشیروان سپهبدی .
۳. کفیل وزارت کشور : احمد فریدونی .
۴. وزیر جنگ : ابراهیم زند .
۵. وزیر دارایی : محمود بدر .
۶. وزیر فرهنگ : غلامحسین رهنما .
۷. وزیر راه : نادر آراسته .
۸. وزیر بهداری : دکتر سعید مالک .
۹. وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : عباسقلی گلشایبان .
۱۰. وزیر کشاورزی : دکتر محمد نخعی .
۱۱. وزیر مشاور : مصطفی عدل .

#### ۹- کابینه‌ی دوم ابراهیم حکیمی

۱. وزیر دادگستری : امان الله اردلان .
۲. وزیر امور خارجه : ابوالقاسم نجم .
۳. وزیر کشور : خلیل فهیمی - اللهیار صالح .
۴. وزیر جنگ : سرلشگر علی ریاحی .
۵. وزیر دارایی : عبدالحسین هژیر .

- ۶ • وزیر فرهنگ : غلامحسین رهنما •
- ۷ • وزیر راه : سرلشگر محمد حسین فیروز •
- ۸ • وزیر بهداری : دکتر سعید مالک •
- ۹ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : محمود نریمان •
- ۱۰ • وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : ابراهیم حکیمی - هاشم صہبا •
- ۱۱ • وزیر کشاورزی : احمد حسین عدل •
- ۱۲ • وزرای مشاور : حسنعلی کمال ہدایت - اللہیار صالح •

۱۰- کابینہی دوم احمد قوام

- ۱ • وزیر دادگستری : انوشیروان سپہبدی - اللہیار صالح - علی اکبر موسوی زادہ - مصطفی عدل •
- ۲ • وزیر امور خارجه : احمد قوام - انوشیروان سپہبدی - موسی نوری اسفند یاری •
- ۳ • وزیر کشور : احمد قوام - سرلشگر فرج اللہ آق اولی •
- ۴ • وزیر جنگ : سپہبد امیر احمدی - احمد قوام - سپہبد امیر احمدی - محمود جم •
- ۵ • وزیرد ارایی : مرتضی قلی بیات - عبدالحسین ہژیر •
- ۶ • وزیر فرهنگ : محمد تقی بہار - دکتر فریدون کشاورز - دکتر علی شایگان - دکتر عیسی صدیق •
- ۷ • وزیر راه : سرلشگر محمد حسین فیروز - ابوالحسن صادق - غلامحسین فروہر •
- ۸ • وزیر بہداری : دکتر منوچہر اقبال - دکتر مرتضی یزدی - دکتر منوچہر اقبال •
- ۹ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : سہام الدین غفاری - دکتر منوچہر اقبال - اعزاز نیک پی - سیدعلی نصر - جواد بوشہری •
- ۱۰ • وزیر پیشہ و ہنر : احمد علی سپہر - ایرج اسکندری - حمید سیاح - ابوالحسن صادق •
- ۱۱ • وزیر کشاورزی : شمس الدین امیرعلایی - احمد حسین عدل •
- ۱۲ • معاون سیاسی و پارلمانی : مظفر فیروز •
- ۱۳ • نایب نخست وزیر : مرتضی قلی بیات •



- \* وزیر کار و تبلیغات: مظفر فیروز- محمد ولی
- فرمانفرمایان - سلمان اسدی .
- \* وزیر مشاور: انوشیروان سپهبدی .
- \* وزرای مشاور: علی اصغر حکمت - سیدعلی اکبر
- موسوی زاده - محمد علی همایون جاه .
- \* وزیرپیشه و هنر و بازرگانی: دکتر محمد سجادی .
- \* وزرای مشاور: دکترعلی شایگان - سید جلال الدین
- تهرانی .

#### ۱۱- کابینه سوم ابراهیم حکیمی

- ۱ . وزیر کشور: سرلشگر فرج الله آق اولی- سپهبد
- امیر احمدی .
- ۲ . وزیر جنگ: سپهبد مرتضی یزدان پناه .
- ۳ . وزیر دارایی: ابوالقاسم نجم .
- ۴ . وزیر فرهنگ: دکترعلی اکبر سیاسی .
- ۵ . وزیر راه: علی معتمدی- امان الله اردلان .
- ۶ . وزیر بهداری: دکتر سعید مالک .
- ۷ . وزیرپست و تلگراف و تلفن: محمدعلی وارسته .
- ۸ . وزیر اقتصاد ملی: دکتر محمد سجادی .
- ۹ . وزیر کار و تبلیغات: دکتر محمد سجادی .
- ۱۰ . وزیر مشاور: مصطفی عدل .
- \* وزیر امور خارجه: باقر کاظمی- موسی نوری اسفندیاری .
- \* وزیر کشاورزی: باقر شاهرودی .
- \* وزیر مشاور: عبدالحسین هژیر- علی سهیلی .
- \* معاون پارلمانی: دکتر عبد الحمید زنگنه .

#### ۱۲- کابینه عبدالحسین هژیر

- ۱ . وزیر دادگستری: محمدعلی نظام مافی- عباسقلی
- گلشایبان .
- ۲ . وزیر امور خارجه: موسی نوری اسفندیاری .
- ۳ . وزیر کشور: خلیل فهیمی- عبدالحسین هژیر .
- ۴ . وزیر جنگ: سپهبد احمد امیر احمدی .
- ۵ . وزیر دارایی: امان الله اردلان - محمدعلی وارسته .

- ۶ • وزیر فرهنگ : دکتر منوچهر اقبال •
- ۷ • وزیر بهداشت : دکتر عباس ادهم •
- ۸ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : نادر آراسته •
- ۹ • وزیر اقتصاد ملی : دکتر فخرالدین شادمان -  
آقاخان اشرفی •
- ۱۰ • وزیر کشاورزی : جواد بوشهری - دکتر فخرالدین  
شادمان •
- ۱۱ • وزرای مشاور : مصطفی عدل - جمال امامی •
- \* معاون پارلمانی : لطفعلی معدل •

### ۱۳- کابینه‌ی دوم محمد ساعد

- ۱ • وزیر ادگستری : محسن صدر - دکتر محمد سجادی •
- ۲ • وزیر جنگ : سپهبد امیراحمدی - سپهبد یزدان پناه •
- ۳ • وزیر دارایی : عباسقلی گلشایبان •
- ۴ • وزیر امور خارجه : علی اصغر حکمت - حسین علاء،  
کفیل وزارت امور خارجه : دکتر علیقلی اردلان •
- ۵ • وزیر فرهنگ : دکتر محمد سجادی - دکتر  
عبدالمجید زنگنه •
- ۶ • وزیر بهداشت : دکتر امیراعلم - دکتر منوچهر اقبال -  
دکتر عباس ادهم •
- ۷ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : نادر آراسته - سید  
جلال الدین تهرانی •
- ۸ • وزیر اقتصاد ملی : آقاخان اشرفی - دکتر تقی نصر •
- ۹ • وزیر کشاورزی : دکتر احمد مقبل - اسدالله علم •
- ۱۰ • وزرای مشاور : جمال امامی - دکترهادی طاهری •
- \* وزیر راه : دکتر محمد سجادی - نادر آراسته -  
حمید سیاح - دکتر منوچهر اقبال •
- \* معاون پارلمانی : سید محمد طباطبایی •
- \* وزرای مشاور : مصطفی عدل - خلیل فهیمی - علی  
اصغر حکمت •
- \* وزیر کشور : دکتر منوچهر اقبال - ابراهیم زند •
- \* معاون نخست وزیر : دکتر مشیر فاطمی •
- \* وزیر کار : دکتر محمد نخعی •

۱۴- کابینه‌ی علی منصور

- ۱ • وزیر دادگستری: علی هیات
- ۲ • وزیر امور خارجه: حسین علاء. کفیل وزارت امور خارجه: دکتر علیقلی اردلان
- ۳ • وزیر کشور: ابراهیم زند. امان الله اردلان
- ۴ • وزیر جنگ: سپهبد یزدان پناه
- ۵ • وزیر دارایی: علی منصور- محمد علی وارسته- دکتر محمد سجادی
- ۶ • وزیر فرهنگ: مسعود کیهان
- ۷ • وزیر راه: دکتر منوچهر اقبال
- ۸ • وزیر بهداری: محمد علی وارسته
- ۹ • وزیر پست و تلگراف و تلفن: سید جلال الدین تهرانی
- ۱۰ • وزیر اقتصاد ملی: دکتر علی امینی- صادق وثیقی
- ۱۱ • وزیر کشاورزی: اسد الله علم
- ۱۲ • وزیر کار: دکتر محمد نخعی

۱۵- کابینه‌ی سپهبد حاجی علی رزم‌آرا

- ۱ • وزیر دادگستری: محمد علی بوذری
- ۲ • کفیل وزارت امور خارجه: محمود صلاحی. وزیر امور خارجه: محسن رییس
- ۳ • وزیر کشور: سپهبد رزم‌آرا- امان الله اردلان
- ۴ • وزیر جنگ: سرلشگر عبد الله هدایت
- ۵ • وزیر دارایی: دکتر تقی نصر- غلامحسین فروهر
- ۶ • وزیر فرهنگ: دکتر شمس الدین جزایری- دکتر عبد المجید زنگنه
- ۷ • وزیر بهداری: دکتر جهان‌شاه صالح
- ۸ • وزیر اقتصاد ملی: دکتر مرتضی آزموده- دکتر عبد الله دفتری
- ۹ • وزیر کشاورزی: مهندس ابراهیم مهدوی
- ۱۰ • وزیر کار: دکتر محمد نخعی- غلامحسین فروهر- اسد الله علم
- \* وزیر راه: مهندس جعفر شریف امامی

- \* وزیر پست و تلگراف و تلفن : مهندس اشراقی .
- \* وزیر مشاور : خلیل فهیمی .

#### ۱۶- کابینه‌ی اول حسین علا

- ۱ . وزیر دادگستری : شمس‌الدین امیرعلایی .
- ۲ . وزیر امور خارجه : عبدالله انتظام ، کفیل وزارت امور خارجه : حسین قدس نخعی .
- ۳ . وزیر کشور : سرلشگر فضل‌الله زاهدی .
- ۴ . وزیر جنگ : سپهبد نقدی .
- ۵ . وزیر دارایی : محمدعلی وارسته .
- ۶ . وزیر فرهنگ : حبیب‌الله آموزگار .
- ۷ . وزیر راه : سرلشگر حسن ارفع .
- ۸ . کفیل وزارت بهداشت : دکتر عباس نفیسی ، وزیر بهداشت : دکتر عباس نفیسی .
- ۹ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : مهندس احمد زنگنه .
- ۱۰ . وزیر اقتصاد ملی : دکتر جمشید مفخم .
- ۱۱ . وزیر کشاورزی : ضیاء‌الملک فرمند .
- ۱۲ . وزیر کار : مهندس حبیب نفیسی .
- ۱۳ . وزیر مشاور : علی دشتی .

#### ۱۷- کابینه‌ی اول دکتر محمد مصدق

- ۱ . وزیر دادگستری : علی‌هیات - شمس‌الدین امیرعلایی .
- ۲ . وزیر امور خارجه : باقر کاظمی .
- ۳ . وزیر کشور : سرلشگر فضل‌الله زاهدی - شمس‌الدین امیرعلایی - امیر تیمور کلالی .
- ۴ . وزیر جنگ : سپهبد نقدی - سپهبد یزدان پناه .
- ۵ . وزیر دارایی : محمدعلی وارسته - محمود نریمان ، کفیل وزارت دارایی : علی اصغر فروزان\* .

\* ۱- در تاریخ ۱۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۰ فروزان سرپرست شهرداری تهران بود و هنگام پرده‌برداری از مجسمه‌ی رضاشاه در میدان ۲۴ اسفند

نطقی به این شرح ایراد کرد: " خلاصه شده "  
"سپاسگزاری و قدردانی غریزه‌ای است که طبیعت در نهاد بشر به  
و دیعت گذارده ... چون همه‌ی اعمال یکسان نیست طبعاً نحوه‌ی  
قدردانی هم متفاوت است ... کشور ما به علت نبودن سرپرست مقتدر  
می‌رفت که آخرین نفس حیات را بکشد که ناله‌ی سوزنده‌ی قلب بیمار  
به هدف اجابت رسید ... آفتاب اقبال ایران درخشیدن گرفت. ایران  
به دست عزیزترین فرزندش از ذلت و پریشانی‌های یافت ... افراد  
در قبال این معجزه ... از فرط عشق و علاقه به ناجی حقیقی خویش  
تمثال مبارکش را زینت مساکن خود نمودند و هر صبح و شام در مقابلش  
زانوی بندگی و عبودیت خم کردند . غبطه بود که بیرون خانه معبود  
حقیقی از نظرشان دور باشد . پیکر مقدسش را برفرق خود جای دادند و  
در شمال شهر زینت بخش پایتخت نمودند . ... این افتخار نصیب  
شهرداری تهران شد . " (از روزنامه‌ی تجدد ایران شماره‌ی ۳۱۴۸ به  
تاریخ ۱۷/۲/۱۳۲۵)

۲- فروزان در تاریخ اول مهرماه ۱۳۲۵ گزارشی از وضع شهرداری تهران  
را به انجمن شهر می‌دهد: " خلاصه شده "

" در این موقع که از طرف دولت اقداماتی برای استرداد مطالبات  
خود از دربار سابق به عمل می‌آید، شهرداری تهران نیز به نوبه‌ی خود  
لازم دید نسبت به حقوق خود و هزینه‌هایی که برای ساختمانها و  
غیره‌ی دربار سابق نموده است آقایان نمایندگان شهر را متذکر نماید  
که نسبت به دعاوی شهرداری تصمیم قطعی و فوری اتخاذ نمایند ...  
ضمناً فهرستی از دعاوی شهرداری و اقداماتی که برای ساختمانهای  
دربار سابق نموده است و تا این ساعت به نظر رسید، برای استحضار  
آقایان ارسال می‌دارد ...

به طوری که هزینه‌هایی که شهرداری برای ساختمانهای دربار از سال  
۱۳۰۵ به بعد بر حسب اجبار عهده‌دار بوده به سه قسمت تقسیم  
می‌شود ... اقلامی که بابت ساختمانهای دربار متحمل شده ... از  
جمله ساختمان کاخ شهری ملکه ... ساختمان دو کاخ بزرگ والاحضرتها  
اشرف و شمس ... ساختمان کاخ بیلاقی والاحضرت، کاخهای بیلاقی  
والاحضرتها شمس و اشرف با استخر و میدان تنیس ... میهمانخانه‌های

- ۷ • وزیر راه : جواد بوشهری •
- ۸ • وزیر بهداشت : دکتر حسن ادهم - دکتر محمد علی ملکی •
- ۹ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : یوسف مشار - دکتر غلامحسین صدیقی •
- ۱۰ • وزیر کشاورزی : ضیاء الملك فرمند - مهندس خلیل طالقانی •
- ۱۱ • وزیر کار : امیر تیمور کلالی •
- \* وزیر اقتصاد ملی : شمس‌الدین امیر علایی - دکتر علی امینی •
- \* معاون پارلمانی : دکتر حسین فاطمی •

جدید آبعلی ، دربند ، مبارک‌آباد ، گچسر و کلیه‌ی لوازم و اثاث آنها و تعمیر سایر قصرهای متعلق به دربار ... در خاتمه استحضار می‌دهد که دعاوی شهرداری نسبت به دربار سابق برحسب همین گزارش متجاوز از "۳۵۰" میلیون ریال است . در سال حاضر شهرداری تقریباً تمام اعتبارات خود را به مصرف امور ساختمانی دربار رسانیده است و با نکت درآمدی که در نتیجه‌ی وضعیت حاضر پیش آمده ، تمام کارهای فوری و ضروری شهرداری به علت نداشتن وجه معطل و راكد گردیده ...

کفیل شهرداری تهران فروزان (نقل از روزنامه‌ی کوشش شماره‌ی ۴۷۱۵ به تاریخ ۷/۳/۱۳۲۰)

۳- فروزان در کفالت وزارت دارایی حکومت دکتر مصدق در سال ۱۳۳۰ این بخشنامه را صادر می‌کند :

محرمانه مستقیم ۱۳۳۰/۱۰/۹

جناب آقای رییس اداره‌ی دارایی شهرستان رشت .

بنا به امر جناب آقای نخست‌وزیر و توصیه‌ی حضرت آیت‌الله کاشانی به مجرد دریافت این نامه مقرر دارید که کارمندان کلیه‌ی دوایر و بنگاههای تابعه از تبلیغات و فعالیت انتخاباتی که برخلاف مصالح کاندیداهای ملی تشخیص داده شود، جلوگیری و با استفاده از بودجه‌ی ترفیعات و اضافات کارمندان دولت توصیه فرمایید که کارمندان آرای خود را به نفع کاندیداهای ملی به صندوق بریزند. از طرف وزیر دارایی فروزان (روزنامه‌ی به‌سوی آینده شماره‌ی ۴۶۶ به تاریخ ۲۵/۱۰/۱۳۳۰).

- \* کفیل نخست وزیر : باقر کاظمی .
- \* وزیر مشاور : دکتر حسن ادهم .

#### ۱۸- کابینه‌ی سوم احمد قوام

دولت قوام جمعاً شش روز عمر کرد و موفق به تعیین کابینه نشد و باقیام سیام تیرناچار به کنارگیری گردید. در این شش روز دکتر حسن ارسنجانی به عنوان معاون سیاسی و پارلمانی نخست وزیر فعالیت می‌کرد. وی جزوهای باعنوان "وقایع حکومت شش روزه‌ی احمد قوام" ابتدا در روزنامه‌ی بامشاد و سپس جداگانه منتشر کرد .

در این جزوه ارسنجانی درباره‌ی اعلامیه‌ی "کشتیبان را سیاست دگر آمد" چنین نوشت:

"وارد اتاق کار قوام شدم و اعلامیه‌ی را که برای خواندن در رادیو تهیه کرده بودم با خود داشتم ولی متوجه حضور مورخ الدوله سپهر شدم که مشغول نوشتن بود. من سخنی نگفتم ولی قوام به من رو کرد و گفت:

- چند دقیقه‌ی دیگر بیاید. اعلامیه‌ی دولت را نوشته‌ام به شما بدهم که در رادیو خوانده شود .  
 بعدا که مراجعه کردم قوام اعلامیه‌ی را به من داد، مورخ الدوله حضور نداشت و من پس از خواندن اعلامیه گفتم: خیلی تند است... ولی قوام گفت: خوب است.  
 ارسنجانی اظهار نظر می‌کند که: اعلامیه را مورخ الدوله نوشته بود و به این ترتیب می‌خواست تلافی گذشته را در مورد قوام در آورد... \*

مورخ الدوله در پاسخی که به نوشته‌ی ارسنجانی داد (در مجله‌ی سپید و سیاه) و بعدها نیز برای نویسنده بازگو کرد، گفت: "قوام السلطنه خود اهل قلم بود و احتیاج نداشت

---

\* احمد قوام در حالی که سپهر وزیر پیشه و هنر در کابینه‌ی او بود (سال ۱۳۲۴) دستور دستگیری او را می‌دهد و سرتیپ صفاری هم که رئیس شهربانی است مأمور اجرای حکم می‌شود. مورخ الدوله به کاشان تبعید می‌شود، و بعدها با قوام آشتی می‌کند...

به من بگوید چیزی برای او بنویسم. ضمناً ملاقات من با او بیش از ربع ساعت ادامه نداشت و فرضاً اگر او می‌خواست من اعلامیه‌های تهیه‌کنم در این فرصت مجال نبود. موضوع این طور بود، قوام اعلامیه‌ی خود را برای من خواند و از من خواست در صورتی که ضروری بدانم شعری که مناسب باشد برای اضافه کردن به متن برایش نقل‌کنم و من بدون توجه به این که او با این شعر چه خواهد کرد خواندم :

عمر خوش دختران رز به سر آمد

کشتنیان را سیاستی دگر آمد  
 بعد هم به او گفتم : به نظر من این اعلامیه با شرایط روز سازگار نیست ( ولی قوام که خیال می‌کرد اوضاع همان اوضاع گذشته است ) گفت نه . بسیار هم خوب است ...  
 هنگامی که اعلامیه از رادیو خوانده شد متوجه شدم از آن " بیت " این مضمون را ساخته ، نوشته است " کشتنیان را سیاستی دگر آمد ... "

#### ۱۹- کابینه‌ی دوم دکتر محمد مصدق

- ۱ . وزیر دادگستری : عبدالعلی لطفی .
- ۲ . وزیر امور خارجه : حسین نواب - دکتر حسین فاطمی .
- ۳ . وزیر کشور : دکتر غلامحسین صدیقی .
- ۴ . وزیر دفاع ملی : دکتر محمد مصدق .
- ۵ . وزیر دارایی و نایب نخست وزیر : باقر کاظمی .  
 کفیل وزارت دارایی : مبشر .
- ۶ . وزیر فرهنگ : دکتر مهدی آذر .
- ۷ . وزیر راه : مهندس داود رجبی - مهندس جهانگیر حق شناس .
- ۸ . کفیل وزارت بهداشت : دکتر جبار فرمانفرمایان ،  
 وزیر بهداشت : دکتر محمد علی ملکی .
- ۹ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : مهندس سیف‌الله معظمی .
- ۱۰ . وزیر اقتصاد ملی : دکتر علی اکبر اخوی .
- ۱۱ . وزیر کشاورزی : مهندس خلیل طالقانی . کفیل



- وزارت کشاورزی: مهندس منصور عطایی .
- ۱۲ . وزیر کار: دکتر ابراهیم عالمی . کفیل وزارت کار:  
دکتر شاپور بختیار .
- \* معاون پارلمانی: دکتر محمد حسین علی آبادی .
- \* معاون سیاسی و پارلمانی: دکتر ملک اسماعیلی .
- \* وزیر مشاور: مهندس داود رجیبی .
- ۲۵- کابینهی سپهبد فضل الله زاهدی
- ۱ . وزیر دادگستری: جمال الدین اخوی - دکتر سید  
فخر الدین شادمان .
- ۲ . وزیر جنگ: سرلشگر عبد الله هدایت .
- ۳ . وزیر دارایی: دکتر علی امینی .
- ۴ . کفیل وزارت فرهنگ: رضا جعفری، وزیر فرهنگ:  
رضا جعفری .
- ۵ . وزیر راه: غلامعلی میکده - سرلشگر عباس  
گرزن .
- ۶ . وزیر بهداری: دکتر جهانشاه صالح .
- ۷ . کفیل وزارت پست و تلگراف و تلفن: سرتیپ عباس  
فرزندگان . وزیر پست و تلگراف و تلفن: سرتیپ  
عباس فرزندگان .
- ۸ . وزیر اقتصاد ملی: دکتر علی اصغر پور همایون -  
دکتر فخرالدین شادمان .
- ۹ . وزیر کشاورزی: احمد حسین عدل .
- ۱۰ . وزیر کار: ابوالقاسم پناهی - مسعود ملکی .
- ۱۱ . وزیر مشاور: علی اصغر حکمت - امیر حسین  
ایلخان ظفر بختیار - دکتر محمد سجادی .
- \* وزیر امور خارجه: عبد الله انتظام .
- \* وزیر کشور: سپهبد فضل الله زاهدی . (معاون  
سرتیپ محمد حسین جهانبانی) .
- \* وزیر مشاور: محمد حسین جهانبانی - محمد  
نمازی .
- \* معاون پارلمانی: غلامرضا فولادوند .
- \* معاون اداری: موسی سرابندی .

۲۱- کابینه‌ی دوم حسین علا

- ۱ • وزیر دادگستری : حسین علا- دکتر علی امینی - جمال اخوی- عباسقلی گلشایبان •
- ۲ • وزیر امور خارجه : عبد الله انتظام- دکتر علیقلی اردلان •
- ۳ • وزیر کشور : اسد الله علم •
- ۴ • وزیر جنگ : سپهبد عبد الله هدایت- سرلشگر احمد وثوق •
- ۵ • وزیر دارایی : دکتر علی امینی . کفیل وزارت دارایی : علی اصغر فروزان - دکتر محمد سجادی - غلامحسین فروهر •
- ۶ • وزیر فرهنگ : دکتر محمود مهران •
- ۷ • وزیر راه : سرلشگر ولی انصاری •
- ۸ • وزیر بهداری : دکتر جهانشاه صالح •
- ۹ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : مهندس امیر قاسم اشراقی •
- ۱۰ • وزیر اقتصاد ملی : ابراهیم کاشانی •
- ۱۱ • وزیر کشاورزی : مهندس خلیل طالقانی- محمود ناصری •
- ۱۲ • وزیر کار : محسن نصر •
- ۱۳ • وزرای مشاور : علی معتمدی- حاج محمد نمازی •
- ۱۴ • معاون نخست وزیر : محمود هدایت - ناصر ذوالفقاری - مهندس خسرو هدایت •
- \* نایب نخست وزیر و وزیر امور خارجه : عبد الله انتظام • وزیر صنایع و معادن : دکتر علیقلی اردلان - غلامحسین فروهر- مهندس رضا گنجمای •
- \* وزیر بازرگانی : ابراهیم کاشانی •
- \* نایب نخست وزیر و وزیر مشاور : عبد الله انتظام •
- \* وزیر مشاور : دکتر علیقلی اردلان - مهندس خلیل طالقانی- دکتر احمد مقبل •

۲۲- کابینه‌ی دکتر منوچهر اقبال

- ۱ • کفیل وزارت دادگستری : محمد مجلسی • وزیر

- دادگستری: دکتر محمد علی هدایتی .
- ۲ . وزیر امور خارجه: دکتر علیقلی اردلان - علی اصغر حکمت - دکتر جلال عبده - عباس آرام .
- ۳ . وزیر کشور: دکتر فتح الله جلالی - سپهبد نادر باتمانقلیچ - رحمت اتابکی .
- ۴ . وزیر جنگ: سرلشگر احمد وثوق .
- ۵ . وزیر دارایی: علی اصغر ناصر - سرلشگر علی اکبر ضرغام .
- ۶ . وزیر فرهنگ: دکتر محمود مهران .
- ۷ . وزیر راه: سرلشگر ولی انصاری .
- ۸ . وزیر بهداری: دکتر عبدالحسین راجی ، دکتر محمد حسین ادیب .
- ۹ . وزیر پست و تلگراف و تلفن: مهندس امیر قاسم اشراقی .
- ۱۰ . وزیر بازرگانی: مصطفی تجدد - عباسقلی نیساری - حسنعلی منصور .
- ۱۱ . وزیر کشاورزی: سرتیپ حسن اخوی - دکتر جمشید آموزگار .
- ۱۲ . وزیر کار: آقاخان بختیار - دکتر جمشید آموزگار - حسنعلی منصور - مهندس علیرضا انصاری .
- ۱۳ . وزیر صنایع و معادن: جعفر شریف امامی .
- ۱۴ . وزیر گمرکات و انحصارات: سرتیپ علی اکبر ضرغام . کفیل وزارت گمرکات و انحصارات: موسی خطاطان . وزیر گمرکات و انحصارات: موسی خطاطان .
- ۱۵ . وزیر مشاور: مهندس خلیل طالقانی .
- ۱۶ . معاون پارلمانی: ناصر ذوالفقاری - دکتر غلامرضا کیان .
- ۱۷ . معاون اداری: اشرف احمدی .
- ۱۸ . معاون پارلمانی و قائم مقام نخست وزیر در سازمان برنامه: خسرو هدایت .
- ۱۹ . معاون نخست وزیر و رییس سازمان امنیت و اطلاعات کشور: سرلشگر تیمور بختیار .
- \* وزیر مشاور: دکتر نصرت الله کاسمی ، وزیر مشاور

- در سازمان برنامه : خسرو هدایت .
- \* کفیل نخست وزیر و وزیر صنایع و معادن : جعفر شریف امامی .
- \* معاون در امور بازرسی : دکتر مصطفی الموتی .
- \* معاون و سرپرست تبلیغات : نصرت الله معینیان .

### ۲۳- کابینهی مهندس جعفر شریف امامی

- ۱ . وزیر دادگستری : دکتر محمدعلی هدایتی- محمد علی ممتاز .
- ۲ . وزیر امور خارجه : ید الله عضدی- حسین قدس نخعی .
- ۳ . وزیر کشور : سپهبد مهد یقلی علوی مقدم- سپهبد صادق امیر عزیزی .
- ۴ . وزیر دارایی : سرتیپ علی اکبر ضرغام- عبدالباقی شعاعی .
- ۵ . وزیر فرهنگ : دکتر محمود مهران - دکتر عیسی صدیق - دکتر جهانشاه صالح .
- ۶ . وزیر راه : سرلشگر ولی انصاری - مهندس ابوالحسن بهنیا .
- ۷ . وزیر بهداری : دکتر جهانشاه صالح- دکتر جواد آشتیانی .
- ۸ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : دکتر عبدالحسین اعتبار .
- ۹ . وزیر بازرگانی : دکتر علی اصغر پور همایون .
- ۱۰ . وزیر کشاورزی : ابراهیم مهدوی .
- ۱۱ . وزیر کار : دکتر احمد علی بهرامی .
- ۱۲ . وزیر صنایع و معادن : دکتر طاهر ضیایی .
- ۱۳ . وزیر گمرکات و انحصارات : محمد رضی ویشکایی .
- ۱۴ . نایب نخست وزیر و وزیر مشاور و سرپرست وزارت بازرگانی : دکتر محمد سجادی .
- ۱۵ . وزیر مشاور و قائم مقام نخست وزیر در سازمان برنامه : مهندس خسرو هدایت - احمد آرامش .
- ۱۶ . وزیر مشاور : اشرف احمدی .

- \* وزیر جنگ : سپہبد علی اصغر نقدی .
- \* وزیر مشاور و معاون نخست وزیر : حسن نبوی .

#### ۲۴- کابینہی دکتري علي اميني

- ۱ . وزير دادگستري : نورالدين الموتى .
- ۲ . وزير امور خارجه : حسين قدس نخعی - عباس آرام .
- ۳ . وزير کشور : سپهبد صادق امير عزيزي .
- ۴ . وزير جنگ : سپهبد علي اصغر نقدي .
- ۵ . وزير دارايي : عبدالحسين بهنيا .
- ۶ . سرپرست وزارت گمرکات : عبدالحسين بهنيا .
- ۷ . وزير فرهنگ : محمد درخشش .
- ۸ . وزير راه : مهندس جمال گنجی .
- ۹ . وزير بهداشت : دکتري عبدالحسين طبا .
- ۱۰ . وزير بهداشت : دکتري ابراهيم رياحي .
- ۱۱ . وزير پست و تلگراف و تلفن : مهندس هوشنگ سمیعی .
- ۱۲ . وزير بازرگاني : جهانگیر آموزگار .
- ۱۳ . وزير کشاورزي : دکتري حسن ارسنجاني .
- ۱۴ . وزير کار : عطا الله خسرواني .
- ۱۵ . وزير صنايع و معادن : مهندس غلامعلی فریور - مهندس تقی سرک .
- ۱۶ . وزير مشاور و سرپرست امور اقتصادي : دکتري علي اصغر پور همايون .
- ۱۷ . وزير مشاور : هادي اشتری - ناصر ذوالفقاری - دکتري تقی نصر .

#### ۲۵- کابینہی اسدالله علم

- ۱ . وزير دادگستري : دکتري غلامحسين خوشبين - دکتري محمد باهري .
- ۲ . وزير امور خارجه : عباس آرام .
- ۳ . وزير کشور : سپهبد صادق امير عزيزي - دکتري مهدي پيراسته .
- ۴ . وزير جنگ : سپهبد علي اصغر نقدي . کفيل

- وزارت جنگ : سپهبد اسد الله صنيعی .
- ۵ . وزير دارايی : عبد الحسين بهنيا .
- ۶ . وزير فرهنگ : دكتور پرويز ناتل خانلری .
- ۷ . وزير راه : مهندس د اود رجبی - نصرت الله معينيان - مهندس حسن شالچيان .
- ۸ . وزير بهداری : دكتور ابراهيم رياحی .
- ۹ . وزير پست و تلگراف و تلفن : مهندس هوشنگ سمیعی .
- ۱۰ . وزير بازرگانی : دكتور غلامحسين جهانشاهی .
- ۱۱ . وزير کشاورزی : دكتور حسن ارسنجانی - سپهبد اسماعیل رياحی .
- ۱۲ . وزير کار و خدمات اجتماعی : عطاء الله خسروانی .
- ۱۳ . وزير صنايع و معادن : دكتور طاهر ضیایی .
- ۱۴ . وزير مشاور : نصرالله انتظام - مسعود فروغی - دكتور غلامحسين خوش بين - سپهبد صادق امير عزيزی .
- ۱۵ . قايم مقام نخست وزير در سازمان برنامه : مهندس صفی اصفیا .
- \* وزير بازرگانی و صنايع و معادن : دكتور علینقی عالیخانی .
- \* معاون نخست وزير و مسوول وزارت دارایی : غلامرضا بزرگر .
- \* وزير مشاور و سرپرست انتشارات و رادیو : جهانگیر تفضلی - نصرت الله معينيان .
- \* معاون نخست وزير و سرپرست سازمان اطلاعات و امنیت کشور : سرلشگر حسن پاکروان .
- \* معاون نخست وزير در شورای استخدام : دكتور منوچهر گودرزی .
- \* معاون نخست وزير و رییس جلب سیاحان : مهندس مهدی شیبانی .
- \* معاون نخست وزير : دكتور علینقی کنی .

۲۶- کابینه‌ی حسنعلی منصور

- ۱ . وزير دادگستری : دكتور باقر عاملی .

- ۲ • وزیر امور خارجه : عباس آرام •
- ۳ • وزیر کشور : دکتر جواد صدر •
- ۴ • وزیر جنگ : سپهبد اسدالله صنیعی •
- ۵ • وزیر دارایی : امیرعباس هویدا •
- ۶ • وزیر فرهنگ : دکتر عبدالعلی جهانشاهی •
- ۷ • وزیر راه : دکتر محمود کشفیان •
- ۸ • وزیر بهداشت : دکتر جمشید آموزگار •
- ۹ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : دکتر فرهنگ شفیعی - مهندس فتح الله ستوده •
- ۱۰ • وزیر اقتصاد : دکتر علینقی عالیخانی •
- ۱۱ • وزیر کشاورزی : سپهبد اسماعیل ریاحی •
- ۱۲ • وزیر کار و خدمات اجتماعی : عطاءالله خسروانی •
- ۱۳ • وزیر اطلاعات : نصرت الله معینیان •
- ۱۴ • وزیر آبادانی و مسکن : دکتر هوشنگ نهاوندی •
- ۱۵ • وزیر آب و برق : مهندس منصور روحانی •
- ۱۶ • وزیر مشاور در امور استخدامی : دکتر منوچهر گودرزی •
- ۱۷ • وزیر مشاور و معاون پارلمانی : دکتر ناصر یگانه •
- ۱۸ • وزیر مشاور : دکتر محمد نصیری - دکتر هادی هدایتی - دکتر عبدالعلی جهانشاهی - دکتر محمود کشفیان - مهندس حسن شالچیان •
- ۱۹ • معاون نخست وزیر در هنرهای زیبا : مهرداد پهلبد •
- ۲۰ • معاون نخست وزیر و رییس سازمان امنیت و اطلاعات کشور : سرلشگر حسن پاکروان •
- ۲۱ • معاون نخست وزیر و رییس سازمان جلب سیاحان : دکتر قاسم رضایی •
- \* وزیر فرهنگ و هنر : مهرداد پهلبد •
- \* وزیر آموزش و پرورش : دکتر هادی هدایتی •





در این بخش این مطالب را می‌خوانید:

- دولتهای امیرعباس هویدا در سیزده سال زمامداری
- وقایع مهم دردولتهای هویدا
- دولت دکتر جمشید آموزگار و وقایع مهم آن
- توضیحات متن
- آتشیهای زیر خاکستر
- اسامی وزرای کابینههای هویدا و آموزگار



الف - کابینه‌ی

## امیرعباس هویدا

از بهمن ماه ۱۳۴۳

تا مرداد ماه ۱۳۵۶

امیرعباس هویدا\* که در آغاز به نظر می‌رسید محلی بیش نباشد، به طور قطع در تاریخ حکومت مشروطه‌ی ایران و احتمالاً در قرون اخیر تاریخ ایران بیش از هر صدر اعظم دیگری بی‌وقفه برمسند صدارت تکیه زد، او که فرزند حبیب‌الله آل‌رضا (عین‌الملک) کارمند وزارت امور خارجه و از مبلغین فرقه‌ی بهایی بود، در سال ۱۲۹۶ زاده شد. عدما‌ی معتقدند که پدر امیرعباس هویدا به اصرار همسرش مادر امیرعباس و

---

\* برای اطلاع بیشتر در باب هویدا به کتاب (هویدا گماشته‌ی امیرالایم و صهیونیسم) نوشته‌ی ابوالفضل قاسمی مراجعه شود. نشریه‌ی حزب ایران ۱۳۵۷.

فریدون هویدا از بهاییگری تبری جست. البته در این مورد هیچ‌گونه مدرک مستندی در دست نیست. به هر حال مادر امیر عباس هویدا مسلماً در این فرقه عضویت نداشت و خود هویدا نیز وابستگیش را به بهاییان همواره تکذیب می‌کرد. هویدا در مدرسه‌ی فرانسوی بیروت و دانشگاه‌های پاریس و بروکسل در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد و تاریخ درس خواند و در مجموع شخص زیان‌دان و آگاهی بود. وی زمانی عضو حزب کمونیست لهستان بود و بعداً به یکی از لژهای فراماسونری پیوست. در بیست و دو سالگی پس از پایان خدمت افسری و وظیفه وارد خدمت وزارت امور خارجه شد و به سمت وابسته‌ی مطبوعاتی سفارت ایران در پاریس منصوب گردید. در همان جا با حسنعلی منصور طرح دوستی می‌ریزد و سالها بعد به اتفاق او "گانون مترقی" و سپس حزب ایران نوین را تشکیل می‌دهد و هنگامی که منصور به نخست‌وزیری می‌رسد، پست مهم وزارت دارایی را به او می‌دهد.

به طور قطع خود شاه نیز هنگامی که پس از گلوله خوردن منصور، هویدا اداره‌ی جلسات کابینه را عهده‌دار شد او را به درستی نمی‌شناخت و نمی‌دانست که بعد از آن ایام پر حادثه، این مرد همیشه متبسم، شیکپوش، خوش محضرو خواننده‌ی دایمی تازه‌ترین کتابهای منتشر شده در اروپا و ایران، سیزده سال آزرگار همچنان لایحه‌ی بودجه‌ی سال بعد را به مجلس خواهد برد و هر سال هم اظهار اطمینان خواهد کرد که لایحه‌ی بودجه‌ی سال بعد را نیز خودش به مجلس خواهد داد.

"ضمناً این حقیقت را نمی‌توان منکر شد که امیرعباس هویدا یکی از اعضای فراماسونری بود و در بهایی بودن پدرش هم شکی باقی نیست" (هویدا گماشته‌ی امپریالیسم نوشته‌ی قاسمی صفحه‌ی ۷۸) اگر چه به نظر می‌رسد خود امیرعباس اصولاً پایبند هیچ آیین الهی یا فرقه‌ای نبود.

هویدا در سالهایی نخست وزیر ایران بود که با وجود شاه هیچ یک از قدرتهای خارجی اصولاً نیازی به داشتن ارتباط خصوصی با نخست‌وزیر نداشتند، اما هویدا هرچه بیشتر در مسند صدارت

ماند، قوی تر شد .

هویدا در آغاز کار آشنایی چندانی با دولت‌مردان ایران نداشت و شاید هم در خود چنین تمایلی به این آشناییها چنان که رسم آن روزگار بود، نمی‌دید. تنها کسانی که طرف مشورت دایمی او بودند: "علی منصور" ( پدر حسنعلی و جواد) نخست وزیر رضاشاه در آستانه‌ی شهریور ماه ۱۳۲۰ و رییس دولت قبل از حکومت دکتر مصدق و زین‌العابدین رهنما - بود که دو فرزندش در کابینه‌های هویدا وزیر شدند ( مجید و حمید ) .

هویدا به وسیله‌ی علی منصور با آن دسته از رجالی که بایستی آشنا شود، ارتباط برقرار کرد و از سوی دیگر چون در زمان خدمت خود در شرکت نفت کارمند عبدالله انتظام بود ، از آن شاخه هم مشغول میوه چینی شد .

هویدا پس از چندی که از معرفی اولین کابینه‌اش می‌گذرد متوجه این موضوع می‌شود که وزرا باید از نخست وزیر حرف شنوی داشته باشند و با شاه فقط خود او در ارتباط مستقیم باشد. به همین دلیل يك يك کسانی را که به نظر او با شاه در ارتباط بودند از کارهای حساس برکنار کرد و کسانی را بر جای آنها گماشت که چون خود او که فرمانبردار شاه بود آنها هم فرمانبردار او باشند، البته در همه‌ی موارد در این امر توفیق حاصل نکرد ولی از تلاش هم باز نماند. در این بیان این نکته هم ضرورت دارد که در ابتدا ای کار هویدا، چون شاه آشنایی لازم با روحیات او نداشت، وی را در محاصره‌ی اطرافیان قرار می‌دهد و حتی ترتیبی به کار می‌گیرد که هویدا همیشه خود را در میان دو و یا سه رقیب پر قدرت تر از خویش احساس نماید . ولی او که خود را آماده‌ی اجرای نقشی طولانی کرده بود، بیدی نبود که از این بادها به لـرزه در آید، و تنها ارد شیر زاهدی بود که با او واقعا پنجه در پنجه افکند و سرانجام هم ناچار به تسلیم شد<sup>۴</sup>. هویدا با توجه به این که زبان عربی و چند زبان اروپایی را به خوبی تکلم می‌کرد، در ملاقاتهای خود با سفرا و نمایندگان کشورهای خارجی به هیچ وجه لنگ نمی‌ماند و شخصا قادر بود در هر نشستی از کم و کیف قضایا آگاه شود. در ابتدا ای نخست وزیری گاه گاهی

به تقلید از فرنگیها که عادت ثانویه او بود، در سخن گفتن صراحت دانشجویان تازه از فرنگ برگشته را به کار می‌گرفت، ولی به زودی متوجه این نقص خود شد تا آن جا که در تمامی دوران سیزده ساله‌ی صدارتش کمتر کسی یافت می‌شد که با وی ملاقات نموده، او را ناراضی ترک کرده باشد.

در دوران نخست‌وزیری هویدا جز حادثه‌ی تیراندازی به شاه<sup>۵</sup> واقعه‌ی دیگری که ظاهراً فوق‌العاده باشد به وقوع نپیوست، چون با تقویت روزانه‌ی ساواک و مراقبت شبانه‌روزی دیگر دستگاها، هویدا آسوده‌ترین نخست‌وزیر ایران در دوره‌ی زمامداری خود به حساب می‌آید.

بدیهی است در تمام دوران حکومت هویدا مسایلی و مشکلاتی در بطن جامعه وجود داشت که از سوی سازمانهای امنیتی و اطلاعاتی بر روی آنها سرپوش گذاشته می‌شد و جز آن جمعیتهایی که در این گونه فعالیتها مشارکت داشتند، توده‌ی مردم اعم از باسواد و بی‌سواد از کم و کیف قضایا آگاهی چندانی پیدا نمی‌کردند.

امیرعباس هویدا پس از سیزده سال و چند ماه و چند روز نخست‌وزیری پست خود را به جمشید آموزگار وزیر دارایی خود تحویل داد و به عنوان وزیر راهی دربار شاه شد، پستی که از مدتی پیش، با درگذشت اسدالله علم، خالی از سرپرست مانده بود.

در حکومت سیزده سال و چند ماهه‌ی هویدا کارهای انجام شده به قدری مشخص است که نیازی به بازگو کردن ندارد. فقط کافی است گفته شود که اگر دولتی دلسوز بر سرکار می‌بود، سودی عاید اکثریت مردم می‌شد. ما در این جا فقط اشاره‌ی کوتاهی به چند سرفصل می‌کنیم:

گذشته از پی‌ریزی صنایع مادر و ایجاد کارخانه در نقاط مختلف کشور، احداث مراکز بهداشتی و درمانی، موسسات آموزشی و پرورشی، راههای سرتاسری، شبکه‌های ارتباط جمعی، مناطق کشاورزی، تاسیسات نفتی و شبکه‌ی گازرسانی، بندر و بارانداز و عقد قراردادهای گوناگون در زمینه‌های

بازرگانی ، فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی ، می‌توان از وقایع زیر به عنوان اهم رویداد های دوران نخست وزیری هویدا نام برد : تشکیل مجلس موسسان سوم که در آن نیابت سلطنت فرح پهلوی به تصویب رسید ، تاج گذاری شاه در ۴ آبان ماه ۱۳۴۶ ، به دست آوردن مقام سلطانی فوتبال آسیا در ۱۳۴۷ ، برگزاری بازیهای آسیایی در تهران ، صرف نظر کردن از حقانیت ایران در مورد حاکمیت بحرین ، تصرف سه جزیره ی تنب کوچک و بزرگ و ابو موسی ، شرکت در جنگ ظفار و امضای قرارداد با کشور عراق در الجزایر به سال ۱۳۵۲ که موجب قطع حمایت ایران از کرد های عراقی و تعیین مرزهای دو کشور گردید .

همچنین ، باید ادعان کرد که اگر کارهای برنامه ریزی شده توسط اشخاص مسوول و ملی به اجرا درمی آمد ، منافع ملت ایران از هر لحاظ تامین می گردید . به هر حال دربارهی آن چه آنها انجام دادند ، تاریخ قضاوت خواهد کرد .



بد کابینه ی

**جمشید آموزگار**

از مرداد ماه ۱۳۵۶

تا شهریور ماه ۱۳۵۷

جمشید آموزگار با این که از اولین کابینه ی هویدا با او همکاری داشت ، همواره به عنوان يك رقیب ، در صحنه بازیگری می کرد و تا آن جا هم که در قدرت داشت نسبت به او و اعمالش منتقد بود ، ولی هیچ گاه از همکاری نزدیک با او دست برنداشت و همیشه زبان حالش این بود که :

سرو جان فدای مقام .

و اما روزی که آموزگار بر مسند صدارت جای گرفت اوضاع عمومی کشور که خود نیز یکی از سلسله جنبانان آن بود چنین وضعی داشت :

- نارضایی زاید الوصف طبقات روشنفکر، از ادامه‌ی حکومت عدوی معدودی به ریاست امیرعباس هویدا •  
- خستگی دایم التزاید مردم و تبدیل آن به نارضایی در نتیجه‌ی وقایعی چون جشنهای پرهزینه، افزایش بی‌دریغ و بلاانقطاع تشریفات و زرق برقهایی که معمولاً برای توده‌ی ایرانی خوش آیند نیست •

- عوارض قهری ناشی از افزایش درآمد نفت و شتاب نسنجیده‌ی رشد اقتصادی و توزیع ناسالم درآمد عمومی کشور - تبدیل سرمایه داران کوچک به غولهای اقتصادی و صنعتی وابسته، بی‌آن که سرمایه داران فرهنگ و اهلیت لازم را داشته باشند •

- آغاز مسابقه‌ی پولدار شدن با کمک علنی وابستگان درباری •  
- جنگ وجدال بی‌سابقه‌ی دولت‌مردان برضد یکدیگر که همیشه جز در قدرت طلبی و ایجاد درد سر برای حریفان نداشت •  
- تشکیل "باندهای" عظیم و پر قدرت پنهان و آشکار در عالی‌ترین سطوح مقامات اجرایی و امنیتی که بالمال نارضایی عمومی را صد چندان می‌کرد •

- توجه همه جانبه و اغراق آمیز شاه به سیاست خارجی - مسایل نظامی و نفتی و سپردن کار مردم به افراد بی‌تجربه •  
- نارضایی بسیار شدید و حتی خشم و کینه‌ی اروپای غربی به رهبری انگلستان از توجه شاه به آمریکا و افزایش فوق‌العاده‌ی قیمت نفت و در همان حال نارضایی بعضی از محافل "لیبرال - تجاری" آمریکا از شاه •

- انتقاد نامعقول و فضل فروشهای شاه در هر فرصتی نسبت به حکومت‌های اروپای غربی •

- تاکید شاه بر این نکته که نفت ایران تا بیست سال بعد پایان خواهد یافت - با توجه به این مطلب که تا بیست سال دیگر تنها ایران نفتی برای فروش نخواهد داشت، بل به دلیل نداشتن پول نفت و در اختیار داشتن منابع غیر نفتی کشور از صورت بازار مصرف کالا‌های غربی خارج خواهد شد و ادعای رسیدن به خودکفایی •  
- بلند پروازی‌های شاه در بیان این که ایران به زودی پنجمین قدرت نظامی و اقتصادی جهان خواهد شد •

- شرایط ناشی از شکست آمریکا در ویتنام و به خصوص  
افتتاح ماجرای "واترگیت" و "۶" که سرانجام ورود "کارت" را  
به کاخ سفید و واشینگتن تسهیل کرد .  
- ارتش تا دندان مسلحی که شاه خیال می کرد فقط از  
وی حرف شنوی دارد .

- منسجم و متحد شدن گروه‌های داخلی و خارجی مخالف رژیم  
که تا اوایل ۱۳۵۶ هرگز به فکراتلاف با یک دیگر نبودند .  
در چنین شرایطی جمشید آموزگار با اتکا به پشتیبانی  
شاه به قول خودش "سکان کشتی در حال غرق شدن را در  
اختیار گرفت" بدون آن که شخصا چندان آشنایی و شناختی  
از واقعیتهای درونی و بیرونی جامعه داشته باشد. ضمناً افرادی  
را برای همکاری انتخاب کرد که هیچ کدام جز "احراز پست"  
اندیشه‌های در سر نداشتند و جز یکی دو نفر بقیه‌ی اعضای  
کابینه حتی نسبت به او دشمنی نیز در قبل نشان داده بودند .  
در این جا بیان این نکته ضرورت دارد که در آبان  
ماه ۱۳۵۵ "جیمی کارت" وارد کاخ سفید شده بود و روابط  
کاخ سفید و کاخ نیاوران به شدت سرد و متزلزل و مواجهه با  
بسیاری پرسشهای نگران کننده بود، چنان که "کارت" روزهای  
متعددی از دادن پاسخ به تلگراف تبریک شاه خودداری کرد .  
سنت همیشگی روسای جمهوری آمریکا که تقریباً بلافاصله پس  
از استقرار در کاخ سفید با شاه ملاقات می کردند برهم خورده  
بود و مدت‌ها طول کشید تا کارت "فرح" - و نه شاه را ملاقات کند .  
این تزلزل، سنت همیشگی رژیم را که در سرکوبی مخالفان بود  
کاهش می دهد، اما روال و روش حکومت کمترین تغییری نمی کند  
تا آن جا که، در این میان حزب رستاخیز مأمور می شود فلسفه‌ی  
"انقلاب شاه و ملت" را تدوین نماید. جشنواره‌ی جهانی فیلم در  
تهران افتتاح می گردد. با کسب اجازه، انجمن شاهنشاهی  
موسیقی ایرانی تشکیل و اولین ساعت اتمی ایران هم نصب می شود .  
در چنین شرایطی نامه‌ی توهین آمیزی "برضد امام خمینی"  
با امضای مستعار در روزنامه‌ی اطلاعات چاپ می شود .۷

با انتشار این نامه‌ی توهین آمیز، تظاهراتی با  
شرکت روحانیون در قم برپا می شود که بر اثر مقابله‌ی  
نیروهای امنیتی عده‌ای کشته و جمعی مجروح می شوند . به



همین مناسبت مراسم یادبود کشته شدگان و مجروحان در تبریز برپا می‌گردد که این مراسم هم با مقابله‌ی نیروهای نظامی رو به رو می‌شود. درباره‌ی این واقعه وزیر مشاور در امور پارلمانی در مجلس شورای ملی اعلام کرد: عدای از خارج از مرز به آذربایجان آمده‌اند و بلوا راه انداخته‌اند.<sup>۸</sup>

در همین اوان سینمای رکس در آبادان به آتش کشیده می‌شود و عده‌ی کثیری از مردم بی‌گناه و بی‌دفاع طعمه‌ی لهیب آتش می‌گردند.<sup>\*</sup>

در چنین احوالی آموزگار به جا به جا بی وزیران کابینه مشغول است و چون اصولاً آدم خشک سری است، آماده‌ی شنیدن هیچ حرف منطقی هم نیست.

به همین دلیل دولت انجام تظاهرات را، که اینک سراسر مملکت را فراگرفته، ممنوع می‌نماید ولی مردم به این دستور دولت اعتنایی نمی‌کنند، اعتصابها گسترش می‌یابد و در تمام ایران تظاهرات به صورت خشونت آمیز ادامه پیدا می‌کند و چون کابینه‌ی جمشید آموزگار توان مقابله با اوضاع را ندارد، به دستور شاه از کار برکنار می‌گردد.

---

\* در شهریور ماه ۱۳۵۹ دادگاه ویژه‌ی فاجعه‌ی سینمارکس آبادان تشکیل شد. حاکم شرع دادگاه حجت الاسلام موسوی بود. این دادگاه پس از هیزده جلسه و پرده برداشتن از حقایق، سرانجام رای خود را درباره‌ی شش نفر از متهمان صادر کرد و آنها محکوم به اعدام و اعدام شدند: حسین تکبعلی زاده، علی نادری، اسفندیار رضانی، سیاوش امینی آل‌آقا، منوچهر بهمنی و فرج‌الله مجتهدی. همچنین، در مورد چند نفر از جمله سرتیب رزمی رای غیابی اعدام صادر گردید. (در ۴ اسفند ماه ۱۳۵۷ نیز به حکم دادگاه انقلاب سروان منیر طاهری افسر شهربانی به جرم دست داشتن در آتش سوزی سینما رکس اعدام شده بود.) روزنامه‌ی اطلاعات شماره‌ی ۱۶۲۲۵ مورخ ۰۰۱۳۵۹/۶/۶

## توضیحات

۱- کتاب فراموشخانه و فراماسونری در ایران صفحه ۶۸۰

۲- در آن هنگام انوشیروان سپهبدی دایی امیرعباس  
هویدا سفیر ایران در فرانسه بود .

۳- منوچهر اقبال ، اسدالله علم ، اردشیر زاهدی ،  
جمشید آموزگار ، ارتشبد نصیری .

۴- هنگامی که دشمنی هویدا و اردشیر زاهدی به اوج  
می‌رسد و عمووم " خواص درگاه " در پیش‌بینی عاقبت کار و  
تعیین برنده‌ی منازعه انگشت به دهان می‌مانند و مخصوصاً بعد  
از غروب روزی که اردشیر زاهدی در روی پله‌های زیرزمین  
خانه‌ی هویدا به او فحش رکیک می‌دهد، عاقبت به گفته‌ی  
مرحوم کاظم زاده رییس دفتر معینیان ، در پایان یکی از  
شرفیابیهای معمول و روزمره ، وقتی که " معینیان " می‌خواهد از  
اتاق کار شاه در کاخ نیاوران خارج شود، شاه او را مخاطب  
قرار می‌دهد و می‌گوید : " ضمناً به زاهدی بگوئید به خانهاش  
برود " .

معینیان بلافاصله بعد از ترك دفتر متوجه  
می‌شود که منظور از " زاهدی " هم می‌تواند اردشیر زاهدی  
وزیر امور خارجه باشد و هم حسن زاهدی وزیر کشور ، اما جرات  
نمی‌کند دوباره به اتاق کار شاه برود و توضیح بخواهد .

فردای آن روز از طریق " فرح " در می‌یابد که منظور ،  
اردشیر زاهدی بوده است . عصر همان روز بر اساس برنامه‌ی  
قبلی قرار بوده است اردشیر زاهدی " بی‌آن که از مغضوب  
شدن خود آگاهی داشته باشد " با شاه در سعدآباد ملاقات  
کند ، معینیان سرهنگ بازنشسته " فرخنده کیش " رییس  
انتظامات دفتر مخصوص را به در بزرگ و اصلی ورودی  
سعدآباد می‌فرستد تا منتظر زاهدی شود و او را لدی الورد  
نزد معینیان ببرد ، زاهدی می‌آید و یکسره به اتاق معینیان  
می‌رود .

هنوز چند دقیقه از ورود ارد شیر زاهدی به اتاق معینیان نگذشته بود که صدای اوشنیده شد که بلند و باعصابانیت می گفت:  
ای مادر ... ! ای مادر ... !

#### ۵- گروه واقعه‌ی کاخ مرمر و سرنوشت آنها :

پرویز نیکخواه تا سال ۱۳۳۳ عضو سازمان جوانان حزب توده بود و به علت آن که برادر و خواهر بزرگتر او نیز عضو حزب بودند، در فاصله‌ی سال ۱۳۳۲ تا پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۳۷ فعالیتی نداشت. پس از مسافرت به اروپا برای ادامه‌ی تحصیل، به حزب توده می پیوندد، البته وضع خانوادگی او در این امر بی تاثیر نبوده است. پس از چندی با حزب بر سر خط مشی اختلاف پیدا می کند و جدا می شود، از سال ۱۳۳۹ به بعد شخصا نقش موثری در سازماندهی فعالیتهای خارج از کشور به عهده می گیرد. در اواخر سال ۱۳۴۲، به رغم فعالیتهایی که در اروپا بر ضد رژیم کرده بود، با تحقیقات مختصری مورد اغماض قرار می گیرد و در پلی تکنیک تهران مشغول تدریس می شود.

نیکخواه در سال ۱۳۴۳ به تشکیل گروهی دست می زند و برنامه‌ی خود را تعلیمات و تبلیغات اید ه اولوزیک و تدارک عملیات پارتیزانی قرار می دهد. جزوه‌ها و نشریه‌های حزب کمونیست چین را ترجمه و تکثیر می کند. این گروه معتقد بودند که با نفوذ در میان دهقانان باید به جنگ چریکی روی آورد و به تدریج نیز بر تعداد افراد گروه خود اضافه می کردند. از جمله افرادی که به گروه می پیوندند و جوان کاشانی به نامهای احمد کامرانی و رضا شمس آبادی بودند، که اولی با شرکت شخصی به نام طلایی در جوادیه‌ی تهران مغازه‌ی رادیوسازی داشت و دیگری برای خدمت در گارد شاهنشاهی انتخاب شده بود، در فروردین ماه ۱۳۴۴ شمس آبادی قصد خود را مبنی بر ترور شاه به کامرانی اظهار می کند و کامرانی نیز مطلب را از طریق رابط خود ( منصور ) به نیکخواه اطلاع می دهد. ولی پس از طرح موضوع در کمیته‌ی گروه، این اقدام مورد تصویب قرار نمی گیرد. شمس آبادی که زیاد تحت کنترل گروه نبود، در ۲۱ فروردین ماه با مسلسل دستی به سوی شاه شلیک می کند

که به جای شاه دو نفر نظامی از پای در می‌آیند و خود شمس‌آبادی هم کشته می‌شود، ولی از سوی دولت خبری در این باره منتشر نمی‌شود. در حالی که مردم کم و بیش از واقعه خبردار شده بودند، افراد گروه شناسایی و همگی دستگیر می‌شوند. بازداشت این عده در اروپا سروصدای زیادی برپا می‌کند و از مجامع بین‌المللی برای نظارت بر محاکمه‌ی آنها عده‌ای به تهران می‌آیند.

برای این هیات اروپایی مسالهی اساسی نحوه‌ی رعایت اصول مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و رسیدگی به امر شکنجه است. نیکخواه در این مرحله خود را به نفهمی می‌زند و با توافقی که با سازمان امنیت به عمل آورده بود، از طرح مسالهی شکنجه، و حمله به رژیم در دادگاه خودداری می‌کند.

در آبان ماه ۱۳۴۴ در دادگاه بیشتر متهمان اظهار ندامت و اعلام وفاداری به رژیم می‌کنند (منصوری و کامرانی به اعدام و نیکخواه به حبس ابد محکوم می‌شوند و دیگران به حبسهای کمتر)، در دادگاه تجدید نظر نیکخواه به ده سال زندان محکوم می‌شود، ولی منصوری و کامرانی مورد عفو شاه قرار می‌گیرند. در سال ۱۳۴۶ نیکخواه و منصوری به بروجرد تبعید می‌شوند و از همان جا نیکخواه تغییر چهره می‌دهد و با انجام مصاحبه‌هایی با رسانه‌های گروهی خود از مبلغین رژیم می‌شود. تا آن جا که در اواخر حکومت هویدا و در تمام دوره‌ی حکومت جمشید آموزگار از نظریه پردازان حزب رستاخیز و مفسر رادیو و تلویزیون در مسایل سیاسی و اجتماعی بود. این شخص پس از پیروزی انقلاب اعدام شد.

۶- افتضاح "واترگیت" عبارت بود از استراق سمع غیرقانونی از گفت و گوهای محرمانه‌ی حزب دموکرات در مجتمع "واترگیت واشینگتن" توسط حزب جمهوری خواه. افشای این مذاکرات موجب کناره‌گیری نیکسون از ریاست جمهوری شد.

۷- روزنامه‌ی اطلاعات هفدهم دی ماه ۱۳۵۶ شماره‌ی ۱۵۵۰۶

ایران و استعمار سرخ و سیاه: احمد رشیدی مطلق.

این روزها به مناسبت ماه محرم و عاشورای حسینی بار دیگر آذغان متوجه استعمار سیاه و سرخ یا به تعبیر دیگری اتحاد استعمار کهن و نو شده است، استعمار سرخ و سیاهش، کهنه و نویش روح تجاوز و تسلط و چپاول دارد و با این که خصوصیت ذاتی آنها همانند است خیلی کم اتفاق افتاده است که این دو استعمار شناخته شده ی تاریخ با یک دیگر همکاری نمایند مگر در موارد خاصی که یکی از آنها همکاری نزدیک و صمیمانه و صادقانه ی هر دو استعمار در برابر انقلاب ایران، به خصوص برنامه ی مرفی اصلاحات ارضی در ایران است. سرآغاز انقلاب شاه و ملت در روز ششم بهمن ماه ۲۵۲۱ شاهنشاهی، استعمار سرخ و سیاه ایران را که ظاهرا هرکدام در کشور ما برنامه و نقشه ی خاصی داشتند با یک دیگر متحد ساخت که مظهر این همکاری صمیمانه در بلوای روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد ماه ۲۵۲۲ در تهران آشکار شد.

پس از بلوای شوم ۱۵ خرداد که به منظور متوقف ساختن و ناکام ماندن انقلاب درخشان شاه و ملت پایمیزی شده بود، ابتدا کسانی که واقعه را مطالعه می کردند دچار یک نوع سرگیجی عجیبی شده بودند زیرا در یک جا رد پای استعمار سیاه و در جای دیگر اثر انگشت استعمار سرخ در این غایله به وضوح دیده می شد. از یکسو عوامل تودهای که با اجرای برنامه ی اصلاحات ارضی همه ی امیدهای خود را برای فریفتن دهقانان و ساختن ( انجمنهای دهقانی ) نقش بسرآب می دیدند، در برابر انقلاب دست به آشوب زدند و از سوی دیگر مالکان بزرگ که سالیان دراز میلیونها دهقان ایرانی را غارت کرده بودند و به امید شکستن این برنامه و رجعت به وضع سابق، پول در دست عوامل تودهای و ورشکستگان دیگر سیاسی گذارده بودند و جالب این که این دسته از کسانی که باور داشتند می توانند چرخ انقلاب را از حرکت باز دارند و اراضی واگذار شده به دهقانان را از دست آنها خارج سازند دست به دامن عالم روحانیت زدند، زیرا می پنداشتند که مخالفت عالم روحانیت که در جامعه ی ایران از احترام خاصی برخوردار است، می تواند نه تنها برنامه ی انقلاب را دچار مشکل سازد بلکه همان طور که یکی از مالکان بزرگ تصور کرده

بود ( دهقانان زمینها را به عنوان زمین غصبی پس بدهند!) ولی عالم روحانیت هشیارتر از آن بود که برضد انقلاب شاه و ملت که منطبق با اصول و تعالیم اسلامی و به منظور اجرای عدالت و موقوف شدن استثمار فرد از فرد توسط رهبر انقلاب ایران طراحی شده بود، برخیزد.

مالکان که برای ادامه‌ی تسلط خود همواره از ژاندارم تا وزیر، از روضه خوان تا چاقوکش را در اختیار داشتند وقتی با عدم توجه عالم روحانیت و در نتیجه مشکل ایجاد هرج و مرج علیه انقلاب رو به رو شدند و روحانیون برجسته حاضر به همکاری با آنها نشدند، در صدد یافتن يك ( روحانی ) برآمدند که مردی ماجراجو، بی‌اعتقاد و وابسته و سرسپرده به مراکز استعماری و به خصوص جاه طلب باشد و بتواند مقصود آنها را تامین نماید و چنین مردی را آسان یافتند. مردی که سابقه‌اش مجهول بود و به قشری ترین و مرتجع ترین عوامل استعمار وابسته بود و چون در میان روحانیون عالی‌مقام کشور با همه‌ی حمایت‌های خاص موقعیتی به دست نیاورده بود، در پی فرصت می‌گشت که به هر قیمتی هست خود را وارد ماجراهای سیاسی کند و اسم و شهرتی پیدا کند. روح الله خمینی عامل مناسبی برای این منظور بود و ارتجاع سرخ و سیاه او را مناسب ترین فرد برای مقابله با انقلاب ایران یافتند و او کسی بود که عامل واقعه‌ی ننگین روز ۱۵ خرداد شناخته شد.

روح الله خمینی معروف به ( سید هندی ) بود. درباره‌ی انتصاب او به هند هنوز حتی نزدیکترین کسانش توضیحی ندارند. به قولی او مدتی در هندوستان به سر برده، در آن جا با مراکز استعماری انگلیس ارتباطاتی داشته است و به همین جهت به نام ( سید هندی ) معروف شده است. قول دیگر این بود که او در جوانی اشعار عاشقانه می‌سروده است و به نام ( هندی ) تخلص می‌کرده است و به همین جهت به نام هندی معروف شده است و عدمای هم عقیده دارند که چون تعلیمات او در هندوستان بوده، فامیل هندی را از آن جهت انتخاب کرده است که از کودکی تحت تعلیمات يك معلم بوده است. آن چه مسلم است شهرت او به نام غایله ساز ۱۵ خرداد به خاطر همگان مانده است، کسی که علیه انقلاب ایران و

به منظور اجرای نقشه‌ی استعمار سرخ و سیاه کمر بست و به دست عوامل خاص و شناخته شده علیه تقسیم املاک، آزادی زنان و ملی شدن جنگلها وارد مبارزه شد و خون بی‌گناهان را ریخت و نشان داد هستند هنوز کسانی که حاضرند خود را صادقانه در اختیار توطئه‌گران و عناصر ضد ملی بگذارند .

برای ریشه یابی از واقعه‌ی ۱۵ خرداد و نقش قهرمان آن توجه به مفاد يك گزارش و يك اعلامیه و يك مصاحبه كمك موثر خواهد كرد . چند هفته قبل از غایله‌ی ۱۵ خرداد گزارشی از طرف سازمان اوپك منتشر شد که در آن ذکر شده بود ( درآمد دولت انگلیس از نفت ایران چند برابر مجموع پولی است که در آن وقت عاید ایران می‌شد ) ۰۰۰ چند روز قبل از غایله اعلامیه‌ای در تهران فاش شد که يك ماجراجوی عرب به نام ( محمد توفیق القیسی ) با يك چمدان محتوی ده میلیون ریال پول نقد در فرودگاه مهرآباد دستگیر شده که قرار بود این پول در اختیار اشخاص معینی گذارده شود . چند روز پس از غایله نخست وزیر وقت در يك مصاحبه‌ی مطبوعاتی فاش کرد ( بر ما روشن است که پولی از خارج می‌آمده ، به دست اشخاصی می‌رسیده ، در راه اجرای نقشه های پلید بین دستجات مختلف تقسیم می‌شده است ) خوشبختانه انقلاب ایران پیروز شد . آخرین مقاومت مالکان بزرگ و عوامل توده‌های درهم شکسته شد و راه برای پیشرفت و تعالی و اجرای اصول عدالت اجتماعی هموار شد . در تاریخ انقلاب ایران روز ۱۵ خرداد به عنوان خاطرهای دردناک از دشمنان ملت ایران باقی خواهد ماند و میلیونها مسلمان ایرانی به خاطر خواهند آورد که چه گونه دشمنان ایران هر وقت منافعشان اقتضا کند با يك دیگر همدست می‌شوند ، حتی در لباس مقدس و محترم روحانی .

۸- هلاکوارامبد وزیر مشاور و معاون پارلمانی دولت آموزگار در مجلس اعلام کرد عد های از خارج مرزها به آذربایجان وارد شده ، در آن جا آشوب به پا کرد ماند .

به ویرانی این اوضاع هشتم مطمئن زان رو  
که بنسیان جفا و جور بی بنیاد می گردد  
" فرخی یزدی "

## آتشهای زیرخاکستر\*

از سال ۱۳۴۱ گروههای سیاسی در ایران و اروپا دوباره دست به فعالیتهایی زدند. از شروع کار کابینه‌ی حسنعلی منصور هر چند وقت یکبار این گروهها با فعالیتهای پنهان و آشکار خود آتشی روشن می کردند، ولی پس از مدتی به ظاهر خاموش می شدند.

### ۱- جبهه ملی:

این جبهه که پس از کودتای بیست و هشتامرداد عملاً هسته‌ی مرکزی خود را از دست داد، چند بار فعالیتهایی را آغاز کرد، تا این که در سال ۱۳۳۶ اقدام به تشکیل جبهه‌ی ملی دوم شد. چند اطلاعیه هم در این زمینه منتشر شد ولی دستگاههای انتظامی و امنیتی این حرکت را به ظاهر در "جنین" خفه کردند. متعاقب این جریان فعالیت عدای از دانشجویان وابسته به جبهه‌ی ملی در اروپا آغاز شد. در سال ۱۳۴۱ جبهه‌ی ملی سوم فعالیت آشکاری را در ایران آغاز کرد که منجر به دستگیری عدای از سران آن شد، ولی جوانان و دانشجویان کوششهای خود را در ایران و اروپا دنبال کردند.

### ۲- کنگدراسیون:

این تشکیلات بین سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ به وسیله‌ی عدای از اعضای فراری حزب توده زیر پوشش یک سازمان

---

\* آن چه در این قسمت می خوانید فشرده‌ای است از مطالبی که نهادها و سازمانهای مختلف در سالهای بعد از انقلاب منتشر کردند. بدیهی است برای اطلاعات بیشتر بایستی به آن نشریات مراجعه شود.



صرفاً "صنفی دانشجویی" از به هم پیوستن فدراسیونهای دانشجویان و محصلین ایرانی در اروپا و آمریکا تشکیل شد. این سازمان ابتدا مدتی کاملاً در اختیار حزب توده بود، اما پس از چندی جناحهای دیگری که عموماً با حزب توده و رهبران و کارنامه‌ی گذشته‌ی آن حزب مخالف بودند، مانند کمونیستهای ضد شوروی، اعضای جبهه‌ی ملی و اعضای مارکسیست شده‌ی جبهه‌ی ملی که به کنفدراسیون پیوسته بودند، تغییر شکل داد.

در حدود سال ۱۳۴۰ که اختلافهای مسلکی چین و شوروی علنی شد، کمونیستهای ایرانی نیز به تبع سایر کمونیستهای دنیا به دو جناح ( اردوگاه مسکو- اردوگاه پکن) تقسیم شدند. قبل از این واقعه، همه‌ی کمونیستهای ایرانی با حزب توده و البته با مسکو همکاری می‌کردند. رهبران و نظریه پردازان حزب به شوروی و برخی کشورهای اروپایی (اروپای شرقی) گریخته بودند و در آن-کشورها به سر می‌بردند. اینان همچنان کمونیست به سبک مسکو باقی ماندند، اما تقریباً تمامی کمونیستهای جوان و جوانانی که بعداً کمونیست شدند، به مسکو پشت کردند. تعدادی از این گروهها راطرفداران افکار (ماوتسه دون) و در درجه‌های بعدی چه گوارا، و سایر انقلابیون آمریکای مرکزی و حتی "تروتسکی" تشکیل می‌دادند.

تشکیلات جبهه‌ی ملی در خارج از ایران در همین سالها کوشید در کنفدراسیون و تشکیلات حزب توده نفوذ کند. اما برعکس گروهی از اعضای آن جذب گروههای مارکسیستی شدند و عملاً از سایر اعضای جبهه جدا گشتند و جبهه‌ی ملی به سه جناح مشخص تبدیل گردید. اعضای مارکسیست شده که اکثراً هوادار افکار "ماو" بودند و در اوایل افکار خود را مخفی و حتی انکار می‌کردند و نشریه‌ی "باختر امروز" را منتشر می‌نمودند، برای فعالیت در داخل ایران اقداماتی انجام دادند و دستهای از آنها با حمایت دولت عراق سازمان جدیدی با نام "جبهه‌ی ملی ایران در خاورمیانه" به وجود آوردند. اما، توفیقی نداشتند و بعد از آشتی "شاه با صدام" در الجزایر فعالیت آنها رفته رفته کاهش یافت و سپس جذب

گروههای دیگر شدند.

دستهای همان افکار و عقاید مصدق را دنبال کردند و به کوششهای خود ادامه دادند و کتاب و نشریه‌های ناسیونالیستی منتشر می‌کردند. جناح دیگری که افکار مذهبی داشتند، انجمنهای اسلامی "دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا" را تشکیل دادند و نشریه‌ی آنها "پیام مجاهد" بود. این جناح با عناصری که بعدها از طرف "رژیم شاه" مارکسیست اسلامی نامیده شدند، همکاری داشتند و در نتیجه دست به مبارزه‌ی مسلحانه زدند و روابط گسترده‌ای با فلسطینیها برقرار کردند.

ضمناً سازمانهای اطلاعاتی غرب (خصوصاً آمریکا) نیز در تعقیب هدفهای خود در کنفد راسیون نفوذ کردند.

اما حزب توده که به یاری سرویسهای جاسوسی شوروی از مآووع آگاه شده بود، از طریق عوامل خود که هنوز فعال ترین اعضای کنفد راسیون در اروپا بودند نه تنها توانست کنفد راسیون را از سازمان آمریکایی "کنفرانس بین‌المللی دانشجویان" خارج سازد، که توفیق یافت آن را به عضویت "اتحادیه‌ی بین‌المللی دانشجویان" که مستقیماً با "شوروی" در تماس بود در آورد، از این پس تسلط کمونیستها (اعم از هواداران مسکو و یا مخالفان آنها) بر کنفد راسیون قطعیت یافت و پس از آن هر مسأله و درگیری و انشعاب و تغییری که در کنفد راسیون پدید آمد، صرفاً بر محور اختلافات داخلی خود کمونیستها استوار بود. اما درگیری جناحهای مختلف مارکسیست بر سر کنترل کنفد راسیون که به طور عمده عبارت بود از مبارزه‌ی حزب توده از یکسو و سازمان انقلابی حزب توده‌ی ایران از سوی دیگر، به زودی چنان کارش بالا گرفت که در طول سال ۱۹۷۶ در اروپا و آمریکا سه کنگره به نام کنفد راسیون جهانی دانشجویان ایرانی تشکیل شد و هر یک از آنها سایر کنگره‌های تشکیل شده را تحریم و به قلابی بودن متهم می‌کردند.

از آن پس آن چه می‌تواند فعالیت و مبارزه‌ی کنفد راسیون نامیده شود، در حقیقت تکروریهایی است که جناحهای مختلف و متضادی که با وجود اختلافات شدید درونی هنوز زیر عنوان مشترک کنفد راسیون قرار دارند، به انتخاب و ابتکار خود انجام

می دهند، و چه بسا وقتی اقدامی از طرف يك گروه و البته از جانب كنفدراسیون به عمل می آمد، سایر گروهها از جزییات تدارکاتی آن بی خبر بودند. ولی همهی گروهها در تظاهرات شرکت می کردند و همگی پرچم كنفدراسیون را به دوش می کشیدند. اما در درون با يك دیگر مبارزه داشتند و هر گروه، برنامهی مورد نظر خود را بر اساس، ایده اولوژی و سلیقهی خود به مرحلهی اجرا در می آورد.

### ۳- سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان:

سازمانی ضد حزب توده و از نظر مسلکی هوادار مشروط حزب "کمونیست چین": موسسین این سازمان عدهای از کمونیستهای منفرد و تعدادی از منشعبین از حزب توده در اروپا بودند، از جمله غلامحسین فروتن و احمد قاسمی.

### ۴- گروه تروتسکیستهای ایرانی:

این گروه متمایل به نظریه های "تروتسکی" و پایه گذار آن "بنابك زهرایی" یکی از اعضای اتحادیهی جوانان سوسیالیست در آمریکا بود.

### ۵- سازمان جوانان دانشجویان دموکرات ایران:

حزب توده پس از شکست قطعی در كنفدراسیون، نسبت به تشکیل این سازمان اقدام کرد.

### ۶- سازمان رهایی بخش:

این سازمان در تهران تشکیل می شود و به حمله به بانكها و طرح ریزی ربودن سفیر آمریکا و افراد صاحب نام اقدام می کند، ولی چون غیر از حمله به بانكها در امر دیگری توفیق پیدا نمی کند، پس از چندی ظاهراً به علت اختلافات درونی از فعالیت باز می ماند.

### ۷- فداییان اسلام:

این سازمان که پس از ترور حسنعلی منصور هستهی مرکزی به ظاهر پراکنده می شود، بعداً به فعالیت خود ادامه

می‌دهد. فداییان اسلام سخت پایبند مذهب و معتقد به اجزای بی‌چون و چرای قوانین شرع مقدس اسلام اند.

#### ۸- حزب ملل اسلامی:

این حزب در اوایل سال ۱۳۴۵ تشکیل می‌شود و چهار اصل را مبنای حرکت خود تعیین می‌کند: تاکید به اسلام، استناد به قرآن، سنت به عقل، تایید به همبستگی ملل و سرزمینهای اسلامی و اعتقاد به انقلاب. سازمان دهنده‌های این حزب سید کاظم بجنوردی است.

از سال ۱۳۴۴ این حزب به سرعت رشد می‌کند و عده‌ی زیادی از جوانان با تمایلات مذهبی به آن می‌پیوندند، حزب به شبکه‌هایی تقسیم می‌شود و به اعضای خود اعلام می‌نماید که باید در فرصت مقتضی به دنبال قیام باشند و جنگ تودهای بر پا دارند.

کادر رهبری این حزب در سال ۱۳۴۴ دستگیر می‌شود. سید کاظم بجنوردی به اعدام وینجاه و پنج نفر دیگر به حبسهای ابد و بلند مدت محکوم می‌گردند، سپس حکم اعدام بجنوردی به حبس ابد تبدیل می‌شود، اما فعالیت گروههای وابسته به آنها در خارج ادامه می‌یابد و اقدامات خود را تا پیروزی انقلاب در تهران و اکثر شهرستانها ادامه می‌دهند.

#### ۹- گروه سیاهکل - فداییان خلق:

پایه گذاران اصلی سازمان چریکهای فدایی خلق همان مارکسیستهایی بودند که به مبارزه‌ی مسلحانه با رژیم شاه عقیده داشتند و از اواسط سال ۱۳۴۹ به عملیاتی پرداختند که شامل بمب‌گذاری و حمله‌ی مسلحانه به بانکها بود. مهم‌ترین فعالیتی که این افراد از شروع کار انجام دادند، عبارت بود از ربودن يك هواپیمای "هما" و بردن آن به بغداد، حمله به پاسگاه ژاندارمری در "سیاهکل" لاهیجان، و ترور سپهبد فرسیورئیس دادرسی ارتش. عده‌های از افراد فدایی خلق در این مبارزات به دست ماموران رژیم کشته یا تیرباران شدند، جمعی به خارج از کشور رفتند و عده‌های در ایران باقی ماندند.

## ۱۰- مجاهدین خلق :

در مورد این گروه چون نشریات و کتابهای زیادی منتشر شده است، برای آشنایی با سوابق آنها بایستی به آن نشریات مراجعه شود .

## ۱۱- روحانیت :

در مورد فعالیت‌های روحانیون که از سال ۱۳۴۱ و به صورت علنی به رهبری " امام خمینی " آغاز گردیده است نیازی به توضیح نیست، زیرا در این باب مطالب گفتنی به رشته‌ی تحریر درآمده است . برای اطلاع بایستی به کتب و نشریات عدیده‌ای که از سوی جامعه‌ی روحانیت و نهادهای انقلابی منتشر شده است مراجعه شود .

## ۱۲- نهضت آزادی :

قبل از جریان ملی شدن صنعت نفت، به رهبری مهندس بازرگان فعالیت داشت و بیشتر به نشر کتاب و جزوه و اشاعه‌ی افکار مذهبی می‌پرداخت، مدتی با جبهه‌ی ملی همراه بود . بازرگان با دکتر مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت همکاری کرد . ولی پس از چندی خود را کنار کشید . در اواخر حکومت دکتر مصدق مدیر کل آب تهران شد، اما پس از کودتای ۲۸ مرداد با دولت زاهدی نیز همکاری کرد چون رسماً علاقه‌مند بود که در انتخابات بعد از کودتا فعال باشد . همکاری بازرگان با زاهدی با کنارگذاشتن او از کار خاتمه می‌پذیرد . از سال ۱۳۴۱ با شروع مجدد فعالیت جبهه‌ی ملی با آنها هماهنگی می‌کند ولی مجدداً این رابطه قطع می‌گردد . پس از قیام پانزده خرداد با آیت الله طالقانی و تنی چند از یاران خود از جمله دکتر سحابی و فرزندش مهندس سحابی به زندان می‌رود و به ده سال حبس محکوم می‌شود، ولی پس از چند سال از زندان آزاد می‌گردد و به کوششهای خود در مبارزه برضد رژیم در ایران و همکاری با دانشجویان مسلمان در خارج از کشور ادامه می‌دهد . (در مورد مهندس بازرگان و یاران او به فصل چهارم کتاب مراجعه شود) . سرانجام، بازرگان اولین نخست‌وزیر ایران بعد از انقلاب

می شود که دولت او را به نام دولت موقت نام گذاری کردند .

### ۱۳- جاما :

این حزب که اکثریت اعضای آن دانش آموز و چند تنی از دانشجویان حزب مردم ایران بودند پس از کودتای ۲۸ مرداد مدتی با همان نام فعالیت کرد، ولی از سال ۱۳۳۴ که فعالیت های سیاسی محدود شد، مدتی کوشش آشکاری نداشت . در سال ۱۳۴۱ مدتی با جبهه ملی و سپس با مهندس بازرگان همکاری کرد . در آن موقع دکتر کاظم سامی و دکتر حبیب الله پیمان از اعضای فعال این گروه بودند، ولی بعد از نوع فعالیت اختلاف پیدا می کنند و از یک دیگر جدا می شوند و طبعا درد و شاخه به فعالیت می پردازند: یکی به رهبری دکتر کاظم سامی و دیگری به رهبری دکتر حبیب الله پیمان . پس از چندی هر دو نفر دستگیر و مدتی زندانی می شوند .

### ۱۴- حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم :

از سال ۱۳۲۴ در مقابل فعالیت های حزب توده عدای از جوانان دانش آموز میهن پرست تشکیلاتی به نام پان ایرانیست بر مبنای مکتب پان ایرانیسم تشکیل می دهند . در دوره حکومت دکتر مصدق ابتدا این گروه به دو دسته تقسیم می شوند ، ولی مجددا به هم می پیوندند . پس از کودتای ۲۸ مرداد، گروه بار دیگر کاملا به دو قسم تقسیم می گردد . گروهی به رهبری محسن پزشکپور و دکتر محمد رضا عاملی تهرانی زیر عنوان حزب پان ایرانیست به فعالیت آشکار ادامه داد و برخی از اعضای این حزب درد و دوره به نمایندگی مجلس انتخاب شدند و دکتر عاملی تهرانی در کابینه های شریف امامی و ازهارى وزیر هم شد .

گروه دوم زیر نام حزب ملت ایران و به رهبری داریوش فروهر به فعالیت پرداخت این گروه بعد از ۲۸ مرداد با جبهه ملی در یک صف بود و فروهر چند بار زندانی شد ولی هیچ گاه از مبارزه برضد رژیم دست برنداشت .

این کانون تبلیغاتی که پس از کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد که به رهبری محمد تقی شریعتی مزینانی و یاران او فعالیت می‌کرد شروع به کار نمود، با سخنرانیهای دکتر علی شریعتی مزینانی "فرزند محمد تقی" رونق فوق‌العاده‌ای گرفت تا آن جا که دولت هویدا ناچار مبادرت به تعطیل آن کرد. ولی آثار چاپی و سخنرانیهای دکتر شریعتی با این اقدام دولت نه تنها رونق خود را از دست نداد، که حتی در میان طبقه‌ی جوان و خصوصا دانشجویان و دانش‌آموزان "پسر و دختر" طرفداران بی‌شماری پیدا کرد. این آثار که در زمان دولت شریف‌امامی مجدداً به وسیله‌ی ناشران مبادرت به چاپ آنها شد، چنان تیراژی در ایران به دست آورد که به عقیده‌ی بسیاری از صاحب نظران در تاریخ مطبوعات کشور ما بی‌سابقه بود. اگر چه يك سال بعد از انقلاب اسلامی فروش این آثار هم رونق خود را از دست داد و دیگر به آن صورت قبلی چاپ و منتشر نشد.

در این جا نویسنده تذکر این نکته را لازم می‌داند که : ممکن است در جریانات سیاسی این سالها گروههای دیگری هم فعالیت می‌کردند و نشریاتی منتشر می‌نمودند، ولی چون نویسنده از کوششهای آنها آگاه نیست و به آن نشریات دسترسی نداشته است، ممکن است نام آنها از قلم افتاده باشد.

الف : اسامی وزرا و معاونان هویدا در کابینه‌های او از سال

۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ .

- ۱ . وزیر دادگستری : دکتر باقر عاملی ، دکتر جواد صدر ، منوچهر پرتو ، صادق احمدی ، غلامرضا کیانیپور .
- ۲ . وزیر امور خارجه : عباس آرام ، اردشیر زاهدی ، عباسعلی خلعت‌بری .
- ۳ . وزیر کشور : دکتر جواد صدر ، عبدالرضا انصاری ، عطاءالله خسروانی ، حسن زاهدی ، محمد سام ، دکتر جمشید آموزگار ، امیر قاسم معینی .
- ۴ . وزیر جنگ : سپهبد اسدالله صنیعی ، ارتشبد

- عظیمی .
- ۵ . وزیر دارایی : امیرعباس هویدا ، دکتر جمشید آموزگار .
- ۶ . وزیر فرهنگ و هنر : مهرداد پهلبد .
- ۷ . وزیر آموزش و پرورش : دکترهادی هدایتی ، خانم فرخ روپارسا ، دکتر احمد هوشنگ شریفی ، دکتر منوچهر گنجی .
- ۸ . وزیر راه : مهندس حسن شالچیان ، مهندس جواد شهرستانی ، مهندس ابراهیم فرح بخشیان .
- ۹ . وزیر بهداری : دکتر جمشید آموزگار ، دکتر منوچهر شاهقلی ، پروفیسور انوشیروان پویان ، دکتر شجاع الدین شیخ الاسلام زاده \* .
- ۱۰ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : مهندس فتح الله ستوده . دکتر کریم معتمدی .
- ۱۱ . وزیر اقتصاد : دکتر علینقی عالیخانی ، هوشنگ انصاری .
- ۱۲ . وزیر کشاورزی : سپهبد اسماعیل ریاحی ، دکتر حسن زاهدی ، دکتر ایرج وحیدی ، منصور روحانی .
- ۱۳ . وزیر کار و امور اجتماعی : عطاءالله خسروانی ، دکتر عبدالمجید مجیدی ، امیر قاسم معینسی ، دکتر منوچهر آزمون .
- ۱۴ . وزیر اطلاعات : سرلشگر حسن پاکروان ، هوشنگ انصاری ، جواد منصور ، دکتر محمد سام ، حمید رهنما ، دکتر غلامرضا کیانپور ، کریم پاشا بهادری .
- ۱۵ . وزیر آبادانی و مسکن : دکتر هوشنگ نهاوندی ، غلامرضا نیک پی ، دکتر محمد یگانه ، دکتر کورس آموزگار ، مهندس همایون جابر انصاری .
- ۱۶ . وزیر آب و برق : مهندس منصور روحانی ، ایرج وحیدی ، حکمت .
- ۱۷ . وزیر مشاور در امور استخدومی : دکتر منوچهر

\* وزیر بهداری و رفاه اجتماعی .



- گودرزى ، دكتور حسين كاظم زاده .
- ۱۸ . وزير مشاور در امور پارلمانى : دكتور ناصر يگانه ، محمود قوام صدرى ، دكتور عزت الله يزدان پناه ، دكتور ضياء الدين شادمان .
- ۱۹ . وزير مشاور : دكتور محمود كسفیان ، دكتور محمد نصيرى ، دكتور عبد العلى جهانشاهى ، جواد منصور ، دكتور هادى هدايتى ، دكتور منوچهر كلالى .
- ۲۰ . معاون نخست وزير در جلب سياحان : دكتور قاسم رضايى .
- ۲۱ . معاون نخست وزير : دكتور غلامرضا نيك پى ، سپهبد تقى مشاور ، دكتور فرهنگ مهر ، احمد كاشفى ، يدالله شهبازى ، دكتور حسين تدین ، كريم پاشا بهادري .
- ۲۲ . معاون نخست وزير و سرپرست سازمان اطلاعات و امنيت كشور : سپهبد نعمت الله نصيرى .
- \* معاون نخست وزير و سرپرست سازمان اوقاف : نصير عطار ، دكتور منوچهر آزمون ، محمد حسين احمدى .
- \* وزير مشاور و معاون اجرائى : غلامرضا نيك پى ، دكتور هادى هدايتى .
- \* معاون نخست وزير و رييس دفتر بودجه : عبدالمجيد مجيدى ، دكتور حسين كاظم زاده ، دكتور على هزاره .
- \* وزير علوم و آموزشعالى : دكتور مجيد رهنما ، دكتور حسين كاظم زاده ، دكتور منوچهر شاهقلى ، دكتور عبدالحسين سميعى .
- \* وزير توليدات كشاورزى و مواد مصرفى : دكتور عبدالمجيد مجيدى ، دكتور منوچهر گودرزى ، سپهبد اسدالله صنيعى .
- \* وزير منابع طبيعى : مهندس ناصر گلسترخى .
- \* وزير اصلاحات ارضى و تعاون روستائى : دكتور عبدالعظيم وليان ، مهندس رضا صدقيانى\* .

\* وزير تعاون و امور روستاها .

- \* وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه : مهندس صفی اصفیا ، عبدالمجید مجیدی .
- \* نایب نخست وزیر و وزیر مشاور در امور عمرانی و اقتصاد : مهندس صفی اصفیا .
- \* وزیر مشاور و مسوول طرح حمل و نقل : دکتر منوچهر گودرزی .
- \* وزیر بازرگانی : دکتر فریدون مهدوی ، دکتر منوچهر تسلیمی .
- \* وزیر صنایع و معادن : فرخ نجم آبادی .
- \* معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان انرژی اتمی : دکتر اکبر اعتماد .
- \* معاون نخست وزیر و سرپرست تربیت بدنی : منوچهر قره گوزلو ، سپهبد پرویز خسروانی ، سپهبد مصطفی امجدی ، سپهبد علی حجت کاشانی .

- ب : اسامی وزرا و معاونان نخست وزیر در کابینه جمشید آموزگار .
- ۱ . وزیر دادگستری : صادق احمدی .
  - ۲ . وزیر امور خارجه : عباسعلی خلعت بری .
  - ۳ . وزیر کشور : نصر اصفهانی .
  - ۴ . وزیر جنگ : ارتشبد عظیمی .
  - ۵ . وزیر فرهنگ و هنر : مهرداد پهلبد .
  - ۶ . وزیر آموزش و پرورش : دکتر منوچهر گنجی .
  - ۷ . وزیر راه : مرتضی صالحی ، مهدی صفویان .
  - ۸ . وزیر بهداری : دکتر نصراله مقتدر مژدهی .
  - ۹ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : کریم معتمدی .
  - ۱۰ . وزیر اقتصاد : حسن علی مهران .
  - ۱۱ . وزیر کشاورزی : منصور روحانی .
  - ۱۲ . وزیر کار و امور اجتماعی : امیر قاسم معینی .
  - ۱۳ . وزیر اطلاعات : داریوش همایون .
  - ۱۴ . وزیر مسکن : فیروز توفیق .
  - ۱۵ . وزیر آب و برق : توکلی .
  - ۱۶ . وزیر مشاور در امور اجرایی : منوچهر آگاه ، محمود

کاشفی .

- ۰ ۱۷ وزیر مشاور در امور پارلمانی : هلاکو رامبد .
- ۰ ۱۸ معاون نخست وزیر : علی فرشچی .
- ۰ ۱۹ معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اطلاعات و امنیت کشور : ارتشبد نصیری ، سپهبد مقدم .
- ۰ ۲۰ معاون نخست وزیر و سرپرست اوقاف : علی فرشچی .
- ۰ ۲۱ وزیر صنایع و معادن : دکتر رضا امین .
- ۰ ۲۲ وزیر علوم و آموزش عالی : دکتر قاسم معتمدی .
- ۰ ۲۳ وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه :  
منوچهر آگاه ، مرتضی صالحی .
- ۰ ۲۴ وزیر مشاور در امور بانوان : مهناز افخمی .



در این بخش این مطالب را می‌خوانید:\*

- مقدمه‌ای کوتاه برای ورود
- کابینه‌ی شریف‌امامی و حوادث آن
- کابینه‌ی ازهارى و حوادث آن
- قبول نخست‌وزیری از سوی شاپور بختیار
- اسامی وزرای کابینه‌های شریف‌امامی و ازهارى

---

\* در این بخش مطالب به صورت روز شمار آورده شده است، ولی به علت آن که ملکت‌گرفتار آشوب و تظاهرات خیابانی بود و اعتصاب کارها را فلج کرده بود و روزنامه‌ها هم به مدت شصت و یک روز به علت اعتصاب منتشر نشدند، جمع‌آوری کلیه مطالب به نحو مطلوب مقدور نشد.

همان طور که در جریان قرار گرفتیم، شاه با استفاده از امکاناتی که پیدا می‌کند تشکیلات فراماسونری را ظاهراً متلاشی می‌سازد و با تقویت ساواک هر روز موقع خود را بر اریکه قدرت استوارتر می‌نماید و با تجربه‌ای که در مدت سلطنت به دست آورده، با کلیه‌ی سران کشورها نرد دوستی می‌بازد، در سالهای حکومت هویدا دو نفر دریاری رساندن به شاه بسیار موثر بودند، دکتر منوچهر اقبال و امیر اسدالله علم که هر دو پس از سپری کردن دوره‌های وزارت و صدارت به وزارت دربار هم منصوب شده بودند و شاه به خوبی از نحوه‌ی تفکر و عبودیت آنها آگاه بود. با دست اقبال و گماردن او به مدیریت عامل شرکت نفت عواید سرشار نفت را کنترل می‌کرد و به وسیله‌ی علم ضمن تماس با سیاستهای خارجی کنترل و عزل و نصب کلیه‌ی مقامات لشگری و کشوری را در دست داشت. در حکومت طولانی هویدا با امکاناتی که فروش فوق‌العاده‌ی نفت برای کشور فراهم کرده بود، اطرافیان بدون واهمه به مال اندوزی مشغول شدند، شاه هم که در مرداد ۱۳۳۲ طعم بی‌پولی را در خارج از کشور چشیده بود\*، از این اقدام نزد یگان جلوگیری نمی‌کرد.

---

\* در رم موقمی که شاه می‌خواست برای خودش کفش بخرد، تنی چند به کمک او می‌شتابند و با دادن دسته چک خود شاه را از بی‌پولی نجات می‌دهند.

از شهریور ماه ۱۳۵۷

تا آبان ماه ۱۳۵۷

این دولت که با نام دولت آشتی ملی تشکیل شده بود با اوج‌گیری تظاهرات و شروع اعتصابات گسترده و راهپیمایی‌هایی که تا آن تاریخ در تهران و شهرستانها سابقه نداشت، روبه‌رو شد.

مردم انقلابی در اکثر شهرها سربازان را گلباران می‌کردند تا بدین وسیله پشتیبانی آنها را در پیوستن به جنبش جلب نمایند. روز سیزدهم شهریور ماه که مصادف با عید فطر بود جمعیت عظیمی در قیطره گرد آمد و با راهنمایی دکتر مفتاح پس از آدای نماز، جمعیت در یک راهپیمایی کم سابقه شرکت کردند.

صبح روز جمعه ۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۷ که مردم انقلابی در تهران خود را برای تظاهرات دیگری آماده می‌کردند با هجوم قوای انتظامی روبه‌رو شدند و در خیابان ژاله که جمعیت از نقاط مختلف شهر، خصوصا از محلات جنوبی به آن جا روی آورده بودند، درگیری سختی بین مردم و قوای انتظامی در گرفت که تعداد تلفات آن را مقامات دولت صد نفر اعلام کردند.\*

---

\* دولت شریف امامی از ساعت ۶ صبح روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در تهران، قم، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، جهرم، کازرون، قزوین، کرج، اهواز و آبادان حکومت نظامی اعلام کرد و اعلامیه‌های فرمانداری نظامی یکی پس از دیگری صادر می‌شد و مردم را از تشکیل هرگونه اجتماع منع می‌کرد. دکتر سید جلال‌الدین مدنی در جلد دوم کتاب تاریخ سیاسی معاصر ایران صفحه ۲۶۳ در مورد این روز می‌نویسد: اعلام حکومت نظامی فرمان جنگ علیه توده‌های مردم بود. نویسنده‌ای حادثه را چنین ضبط نموده است "ابتدا خاک آره‌های آغشته به بنزین را که به کف خیابان ریخته بودند آتش زدند و چون انبوه جمعیت هراسان در تلاطم افتاد، چند اتومبیل و اتوبوس را مشتعل ساختند

در پی این درگیری علامه‌ی نوری که در شکل دادن این تظاهرات نقش اصلی را بر عهده داشت به اتفاق عبد‌مای بر اساس ماده‌ی ۵ قانون حکومت نظامی بازداشت شدند. در ۱۸ شهریور ماه ۱۳۵۷ ژنرال ضیاء‌الحق رییس جمهوری پاکستان برای ملاقات شاه به تهران آمد و شاه نیز که در تدارک سفر به کشورهای اروپای شرقی بود، برنامه‌ی خود را باطل کرد و امیرعباس هویدا نخست‌وزیر پیشین را که تا آن زمان به عنوان وزیر دربار در خدمت او بود از کار برکنار نمود.

کابینه‌ی شریف‌امامی در نوزدهم شهریور ماه ۱۳۵۷ به مجلس شورای ملی معرفی شد و با ۱۷۶ موافق و ۳۵ مخالف و هفت ممتنع از مجلس رای اعتماد گرفت. اقلیت مجلس و در رأس آنها محسن پزشکیور رهبر حزب پان ایرانیست، احمد بنی‌احمد نمایندگی تبریز و مظهری نمایندگی کرمان شدیداً با روی کارآمدن دولت و اعلام حکومت نظامی به مخالفت برخاستند و عمل دولت را در اعلام حکومت نظامی غیر قانونی خواندند. همزمان با روی کار آمدن دولت جدید، اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت تهران نیز آغاز گردید.

در بیست و پنجم شهریور ماه ۱۳۵۷ زلزله‌ی سهمگینی با قدرت هفت "ریشتر" طبس و روستاهای اطراف آن رادر هم کوبید و در حدود بیست هزار نفر قربانی و هزاران نفر مجروح و بی‌خانمان برجای گذاشت.

تظاهرات گسترده در بسیاری از شهرها به ویژه بروجرد، سنندج، مشهد و اراک ادامه یافت و با مقاومتی که از سوی فرمانداران نظامی اعمال می‌گردید هر روز عده‌های کشته و مجروح می‌شدند. در همین اوان "بومدین" رهبر کشورالجزایر و "یاسر عرفات" رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین پیامهای جداگانه‌ای در تایید مبارزات مردم ایران برای امام خمینی به

---

و سپس فروشگاه بزرگ خیابان فرح‌آباد را به آتش کشیدند و آن‌گاه آتش مسلسلها گشوده شد.

هنوز روز از نیمه نگذشته بود که هزاران تن شریف در خون غلتید و جمعی سیاه نقطه‌ی اوج بود.



نجف اشرف ارسال کردند، و نویسندگان روزنامه‌ها نیز برای آزادی قلم و بیان یک هفته به دولت مهلت دادند .

اعتصاب کارگران راه آهن زاهدان ، کارکنان ذوب آهن اصفهان ، کارکنان پتروشیمی آبادان و مس سرچشمه‌ی رفسنجان شیرازه‌ی امور اقتصادی مملکت را مختل ساخت . کارکنان بانک ملی شعبه‌ی مرکز اعلام اعتصاب کردند و انفجار لوله‌ی گاز ، گازرسانی به شوروی را قطع کرد . در چنین هنگامه‌ی ارتشبد نصیری رییس سابق سازمان امنیت ، که به عنوان سفیر در پاکستان خدمت می‌کرد ، به دستور دولت توقیف شد .

با شروع مهرماه و بازگشایی مدارس ، دانش آموزان هم به صورت فشرده‌تری به صف مخالفان رژیم پیوستند . در دوم مهر ماه ۱۳۵۷ دولت عراق اقامتگاه امام خمینی را در نجف اشرف محاصره کرد و این عمل نیز با اعتراض شدید مردم در سرتاسر کشور روبه رو شد . کارکنان پالایشگاه آبادان نیز به اعتصابیون پیوستند . در دوم مهر ماه ۱۳۵۷ حزب رستاخیز به دلیل نداشتن پایگاه مردمی اعلان انحلال کرد . و در چهارم مهر علیقلی اردلان از سوی شاه به وزارت دربار منصوب شد و دربار طی اعلامیه‌ی کلیه‌ی افراد خاندان پهلوی را از دخالت در امور مالی و بازرگانی منع کرد . در نهم مهرماه به خاطر اعتراض به دولت عراق ، اعلام اعتصاب عمومی شد و در دهم مهر از اقامتگاه " امام خمینی " در نجف رفع محدودیت به عمل آمد . در سیزدهم مهر ماه ۱۳۵۷ " امام خمینی " ابتدا به قصد عزیمت به کویت ، عراق را ترک کرد ولی به علت عدم دریافت اجازه‌ی ورود به کویت ، عازم پاریس شد .

در ۱۵ مهر ماه به دنبال اعتصابهای گسترده اعتصاب سراسری معلمان هم آغاز گردید و با گشایش دانشگاهها ، دانشجویان نیز به صورت متشکل به جنبش پیوستند و به علت حضور " گارد " در دانشگاهها ، کلاسهای درس را تحریم کردند . رادیو مسکو که تا این زمان در مورد وقایع ایران مطلبی عنوان نمی‌کرد ، مهر سکوت از لب برداشت و به پخش " جدی " خبرهای سیاسی ایران پرداخت . لایحه‌ی استفاده از تاریخ شاهنشاهی در کنار تاریخ هجری شمسی و قمری که در جلسه‌ی مشترك سنا و شورا به ریاست شریف امامی " تصویب شده بود "

منتفی اعلام شد . در ۱۹ مهر نویسندگان روزنامه‌های کشور به انگیزه‌ی کسب آزادی قلم و نشر خیرهای واقعی دست به اعتصاب زدند که پس از چهار روز با اعلامیه‌ای که به امضای منوچهرآزمون وزیر مشاور در امور اجرایی و نویسندگان مطبوعات منتشر شد کار خود را در روزنامه‌ها آغاز کردند و چهاره‌ری روزنامه‌ها از لحاظ مطالب و محتوا دگرگون گردید .

بازار تهران اعلام کرد در صورتی که دولت فرانسه برای "امام خمینی" محدودیتهای سیاسی فراهم سازد، کالاهای فرانسوی را تحریم خواهند کرد و شریف امامی در مجلس شورا اعلام کرد، "من دیگر شریف امامی بیست روز پیش نیستم" که مورد تشویق اکثریت وکلای رستاخیزی قرار گرفت . در ۲۴ مهرماه امام خمینی طی اعلامیه‌ای برای ادای احترام به شهدای روز ۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۷، در سراسر کشور عزای عمومی اعلام کرد و دولت نیز خود این روز را عزای ملی اعلام داشت . بسه گفته‌ی خبرنگارهای خارجی در این روز بزرگترین عزاداری تاریخ معاصر ایران در بهشت زهرای تهران برگزار شد .

در کرمان به دنبال حمله‌ی مهاجمان ناشناس مسجد این شهر به آتش کشیده شد که در این واقعه عدای کشته و صدها نفر زخمی شدند . در مشهد منزل "آیت‌الله شیرازی" از طرف حکومت نظامی محاصره شد و در اغلب شهرها تظاهرات باخشونت ادامه یافت و هر روز عدای کشته و مجروح می‌شدند . در ۲۵ مهر به دنبال انفجار بمبی در اتوبوس آمریکاییهای مقیم اصفهان به توصیه‌ی دولت آمریکا اتباع آن کشور در صد ترک ایران برآمدند و دکتر علی امینی اعلام کرد برای مذاکره و پیدا کردن راه حل مشکلات کشور با امام خمینی در پاریس ملاقات و مذاکره خواهد کرد، ولی امام طی اعلامیه‌ای به طور کلی هرگونه مذاکره و سازش را با رژیم حاکم رد کرد .

عباس اخباری نماینده‌ی کرج در مجلس شورای ملی دولت شریف امامی را استیضاح کرد و دولت نیز پس از پاسخ به استیضاح موفق به دریافت رای اعتماد از مجلس گردید . منوچهرآزمون وزیر مشاور در امور اجرایی از دولت کناره‌گیری کرد و اعلام نمود اقدام به تشکیل حزب اتحاد خلق خواهد کرد . در ۲۸ مهر در همدان فرهنگیان و مردم دست به تظاهرات زدند .

این تظاهرات ساختمان حزب رستاخیز به آتش کشیده شد و مجسمه‌ی شاه به وسیله‌ی مردم در میدان شهر آتش زده شد. در تهران کارمندان وزارت دارای ضمن ادامه‌ی اعتصاب در اعلامیه‌ی خواستار خروج کامل مستشاران خارجی و تحریم مبادلات بازرگانی بین ایران و اسرائیل و آفریقای جنوبی شدند. در قم، نجف آباد، زنجان، دزفول و بوشهر تظاهرات مردم با مقاومت نیروهای نظامی روبه رو شد که عدای کشته و مجروح شدند.

در تهران و اکثر شهرها مردم خواستار اصلاحات عمیق اجتماعی و لغو حکومت نظامی شدند. در سی مهر ماه مردم تهران کاخ دادگستری را اشغال کردند. مهندس مهدی بازرگان و میناچی عازم پاریس شدند تا با امام ملاقات و مذاکره نمایند.

در تهران به علت اعتصاب کارکنان و کارگران پالایشگاه نفت، صفهای طولانی اتومبیل (گاهی تا سه کیلومتر) در مقابل جایگاههای تحویل بنزین تشکیل می‌شد و در این صفها اخبار و اطلاعات و اعلامیه‌ها بین مردم رد و بدل می‌گردید.

کارکنان رادیو و تلویزیون خواستار بی‌طرفی کامل سیاسی این دستگاههای ارتباط جمعی شدند و تهدید به اعتصاب کردند. در اول آبان ماه ۱۳۵۷ فلسطینیها به رهبری یاسر عرفات تظاهراتی برضد رژیم ایران در لبنان برپا کردند و یک نماینده‌ی پارلمان انگلیس در مجلس آن کشور از پشتیبانی جیمز کالاهان نخست وزیر انگلستان از دولت و رژیم شاه به شدت انتقاد کرد.

محمود اعتمادزاده معروف به، به‌آذین نویسنده و مترجم تودهای به دنبال پخش و اعلام مرامنامه‌ی حزب اتحاد دموکراتیک مردم ایران به وسیله‌ی فرمانداری نظامی تهران بازداشت شد. معاون وزیر دفاع آمریکا برای بررسی اوضاع نظامی ایران وارد تهران شد.

سپهبد پالیزبان در مجلس سنا اظهار داشت دولت در جنگ سرد از مردم شکست خورده است. از طرف جعفر شریف امامی نخست وزیر اعلام شد که کلیه‌ی خریدهای تسلیحاتی ارتش از آمریکا لغو می‌شود.

چهارم آبان ماه ۱۳۵۷. به علت ادامه‌ی اعتصابها ارسال گاز به شوروی که پس از تعمیر لوله به علت انفجار مدتی بود از سر گرفته شده بود دوباره قطع گردید. به دستور دولت در مقابل فشار روز افزون مردم بیش از هزار نفر از زندانیان سیاسی از زندان آزاد شدند که از جمله‌ی آزاد شدگان حضرات آیات عظام: سید محمود طالقانی و حسینعلی منتظری را می‌توان نام برد.

هفتم آبان ماه ۱۳۵۷. در بیشتر شهرهای بزرگ و کوچک تظاهرات و راهپیمایی توأم با خشونت و خونریزی ادامه داشت. عده‌ای "چماق‌دار" هم در این تظاهرات به مردم حمله می‌کردند و همین "چماق‌داران" باعث بیشترین کشتارها می‌شدند. در این موقع هویدا نخست وزیر اسبق توقیف شد. در همین روز خبرگزاری فرانسه اعلام کرد: روزانه پنجاه میلیون دلار از ایران به وسیله‌ی عمال رژیم خارج می‌شود. وزارت دربار طی اعلامیه‌ای اعلام کرد کلیه‌ی آجودانهای تشریفاتی شاه از کار برکنار شده‌اند.

نهم آبان ماه ۱۳۵۷. علی امینی با شاه ملاقات کرد و کریم سنجابی در یک گفت و گو با روزنامه‌ی "لوماتن" چاپ پاریس اعلام نمود: "راه حل نظامی ممکن است کشور را به آشوبهای وحشتناک بکشد". ایرانیان مقیم واشینگتن تظاهراتی در مقابل کاخ سفید برپا کردند. روز دهم آبان عده‌ی کثیری از مردم تهران برای دیدار از آیت الله طالقانی به منزل او رفتند. محله‌ی بدنام شیراز توسط گروهی از مردم به آتش کشیده شد و شعله‌های آتش و خونریزی اغلب شهرهای کشور را در خود گرفت.

یازدهم آبان ماه ۱۳۵۷. کارتر، رئیس جمهوری آمریکا، دریامی از شاه و حکومت او شدیداً پشتیبانی کرد. و امام خمینی نیز در یک گفت و گو با روزنامه نگاران اظهار داشت در صورت لزوم دستور پیکار مسلحانه را صادر خواهد کرد. در دوازدهم آبان تفنگداران سالارچاف به سرکردگی خود او به شهر پاوه حمله کردند که عده‌های کشته و زخمی شدند. "هائیل ماریام" رهبر کشور اتیوپی (از دست نشاندهگان مسکو) در یک مصاحبه شدیداً شاه و رژیم ایران را مورد حمله قرار داد. پنجاه

نمایند می حزب کارگر انگلیس در پارلمان آن کشور از ملکه الیزابت خواستند دیدار خود را به ایران به نشانه‌ی اعتراض به اختناق در ایران لغو کند .

مستشاران نظامی آمریکا و خانواده‌های آنها ایران را ترک کردند، عشایر قشقایی در فارس طی اعلامیه‌ای پیوند خود را با مردم برضد رژیم اعلام داشتند .

سیزدهم آبان ماه ۱۳۵۷ . در کلیه‌ی شهرهای ایران به مناسبت سالروز تبعید امام خمینی تظاهرات و راه پیماییهای گسترده و عظیمی برپا شد . امام خمینی طی تلگرافی به آیات عظام طالقانی و منتظری از ایشان خواست جنبش مردم را رهبری و هدایت کنند . تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران با حمله‌ی ماموران فرمانداری نظامی مواجه شد و خبر آن در شهر منتشر گردید . کانال دوم تلویزیون برخلاف رویه‌ی قبلی ، ناگهان در پایان اخبار شب خود فیلمی از این واقعه را به معرض تماشا گذاشت و در روز چهارم هم آبان مردم تهران که از شب قبل با دیدن فیلم حوادث دانشگاه از تلویزیون به خشم آمده بودند ، دست به تظاهرات خشونت آمیز زدند . عدای نیز به فروشگاههای بزرگ ، برخی از سفارتخانه‌ها ، سینماها و تاترها ، بانکها ، کبابرها و مغازه‌های مشروب فروشی حمله کردند و آتش سوزیهای بزرگ برپا داشتند . در محوطه‌ی دانشگاه تهران نیز مجسمه‌ی شاه را پایین کشیدند . در این حوادث نیروهای انتظامی خود را از معرکه دور نگاه می داشتند و کوچکترین ممانعتی به عمل نمی آوردند . وزیر علوم و آموزش عالی دکتر ابوالفضل قاضی که کمتر از پانزده روز بود به این سمت انتخاب شده بود ، به علت وقوع حادثه‌ی دانشگاه طی نامه‌ای خطاب به شریف امامی از سمت خود استعفا کرد و مهندس جواد شهرستانی شهردار تهران هم به مناسبت حمله به دانشجویان شهادت شریف امامی را با مخابره‌ی تلگرافی مورد سرزنش قرار داد .

چهارم آبان ماه اطرافیان امام خمینی و جبهه‌ی ملی تشکیل کابینه‌ی احتمالی "علی امینی" را محکوم کردند . شریف امامی از سمت نخست وزیری استعفا کرد و همه‌ی کسانی که به ادامه‌ی دولت او امید بسته بودند ، ناامید شدند .

"همسفرانش سپر انداختند، بال شکستند و پراند اچتند" و به این ترتیب حکومت ۵۷ روزهی مهندس جعفرشریف امامی، استاد اعظم، عمرش به پایان رسید و کار به دست از هاری سپرده شد. در روز ۱۵ آبان ماه ۱۳۵۷ شاه بر صفحهی تلویزیون ظاهر شد و این پیام را خواند:

در فضای باز سیاسی که از دو سال پیش به تدریج ایجاد می‌شد، شما ملت ایران علیه ظلم و فساد به پاخاستید. انقلاب ملت ایران نمی‌تواند مورد تایید من به عنوان پادشاه ایران و به عنوان یک فرد ایرانی نباشد.

متأسفانه در کنار این انقلاب، دسیسه و سوء استفاده‌ی دیگران از احساسات و خشم شما، آشوب و هرج و مرج و شورش نیز به بار آورد. موج اعتصابها نیز که بسیاری از آنها برحق بود، اخیراً ماهیت و جهت یافت تا چرخهای اقتصاد مملکت و زندگی روزمره‌ی مردم باز ایستد و حتی جریان نفت که زندگی مملکت به آن بستگی دارد قطع گردد، تا عبور و مرور روزانه و تامین مایحتاج زندگی مردم نیز تعطیل شود. ناامنی، اغتشاش، شورش و کشتار در بسیاری از نقاط میهنمان به جایی رسیده است که استقلال مملکت را در خطر انداخته است. وقایع اسفباری که پایتخت را در پیروز به آتش کشید برای مردم و مملکت دیگر قابل ادامه و تحمل نیست. در پی استعفای دولت و برای جلوگیری از اضمحلال مملکت و از بین رفتن وحدت ملی، برای جلوگیری از سقوط و هرج و مرج و آشوب و کشتار و به منظور برقراری حکومت قانون و ایجاد نظم و آرامش، تمام کوشش خود را در تشکیل یک دولت ائتلافی مبدول داشتیم و فقط هنگامی که معلوم شد که امکان انجام این ائتلاف نیست، به ناچار یک دولت موقت را تعیین کردیم. من آگاهم که به نام جلوگیری از آشوب و هرج و مرج این امکان وجود دارد که اشتباههای گذشته و فشار و اختناق تکرار شود، من آگاهم که ممکن است بعضی احساس کنند که به نام مصالح و پیشرفت مملکت و با ایجاد فشار این خطر وجود دارد که سازش نامقدس فساد مالی و فساد سیاسی تکرار شود. اما من به نام پادشاه شما که سوگند خورده‌ام، که تمامیت ارضی مملکت، وحدت ملی و مذهب شیعه‌ی اثنی عشری را حفظ کنم، بار دیگر در برابر ملت ایران

سوگند خود را تکرار می‌کنم و متعهد می‌شوم که خطاهای گذشته و بی‌قانونی و ظلم و فساد دیگر تکرار نشود، بلکه خطاها از هر جهت جبران نیز گردد. متعهد می‌شوم که پس از برقراری نظم و آرامش در اسرع وقت يك دولت ملی برای حفظ آزادیهای اساسی و انجام انتخابات آزاد تعیین شود تا قانون اساسی که خونبهای انقلاب مشروطیت است به صورت کامل به مرحله‌ی اجرا در آید. من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم.

من حافظ سلطنت مشروطه که موهبتی است الهی که از طرف ملت به پادشاه تفویض شده است، هستم. و آن چه را که شما برای به دست آوردن قریبانی داد ما ید تضمین می‌کنم، که حکومت ایران در آینده بر اساس قانون اساسی و عدالت اجتماعی و اراده‌ی ملی و به دور از استبداد و ظلم و فساد خواهد بود.

در وضع فعلی برقراری نظم و آرامش برای جلوگیری از سقوط و اضمحلال ایران وظیفه‌ی اصلی نیروهای مسلح شاهنشاهی است که همیشه با حفظ ماهیت ملی خود متکی بر ملت ایران و وفادار به سوگندهای خود بوده و هست. باید با همکاری شما هموطنان عزیزم این نظم و آرامش هرچه زودتر برقرار شود تا دولت ملی بعدی که استقرار آزادیها، اجرای اصلاحات و به خصوص برقراری انتخابات آزاد را برعهده خواهد داشت در اسرع وقت کار خود را شروع کند. من و شما در این سی و چند سال وقایع حساسی را دیدیم و خطرات بسیار را پشت سرگذشتیم، امیدوارم در این لحظات حساس و خطیر و سرنوشت ساز، خداوند بزرگ ما را مشمول عنایت خود فرماید تا بتوانیم در کنار هم به هدفهای اصلی که آسایش و رفاه و آزادی و سربلندی ایران و ایرانی است برسیم. من در این جا از آیات عظام و علمای اعلام که رهبران روحانی و مذهبی جامعه و پاسداران اسلام و به خصوص مذهب شیعه هستند، تقاضا دارم تا با راهنماییهای خود و دعوت مردم به آرامش و نظم برای حفظ تنها کشور شیعه‌ی جهان بکشند. من از رهبران فکری جوانان می‌خواهم تا با دعوت آنان به آرامش و نظم راه مبارزه‌ی اصولی برای برقراری يك دموکراسی واقعی را هموار

کنند. من از شما پدران و مادران ایرانی که مانند من نگران آینده‌ی ایران و فرزندان خود هستید می‌خواهم که با راهنمایی آنان مانع شوید تا از راه شور و احساسات در آشوب و اغتشاش شرکت کنند، به خود و به میهنشان لطمه وارد سازند. من از شما جوانان و نوجوانان که آینده‌ی ایران متعلق به شما است می‌خواهم تا میهنمان را به خون و آتش نکشید و به امروز خود و فردای ایران ضرر نزنید. من از شما رهبران سیاسی جامعه می‌خواهم تا به دور از اختلافهای عقیدتی و با توجه به موقعیت تاریخی حساس و استثنایی کشورمان نیروهای خود را برای نجات میهن به کار برید. من از همه‌ی شما کارگران و کارکنان و دهقانان که با کوششهای خود چرخهای اقتصادی کشور را به حرکت در می‌آورید می‌خواهم تا با فعالیت هر چه بیشتر در حفظ و احیای اقتصادی کشور بکوشید.

من از همه‌ی شما هموطنان عزیزم می‌خواهم تا به ایران فکر کنید، همه به ایران فکر کنیم. در این لحظات تاریخی بگذارید همه با هم به ایران فکر کنیم.

بدانید که در راه انقلاب ملت ایران علیه استعمار، ظلم و فساد، من در کنار شما هستم و برای حفظ تمامیت ارضی، وحدت ملی و حفظ شعائر اسلامی و برقراری آزادیهای اساسی و پیروزی و تحقق خواسته‌ها و آرمانهای ملت ایران همراه شما خواهم بود.

امیدوارم در روزهای خطیری که در پیش داریم خداوند ما را مورد عنایت و لطف خود قرار دهد و همواره موید و حافظ ملك و ملت ایران باشد. انشاءالله.

لازم به تذکر است که: \*

از شهری که با درجه‌ی ارتشبدی در مقام رییس ستاد کل

---

\* در این جا بیان این نکته ضرورت دارد که از نخست وزیران ایران از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی تاکنون فقط این افراد در قید



ارتش خدمت می‌کرد، عملاً محلی از اعراب نداشت. فرماندهان نیروهای سه‌گانه سالها بود که از شاه دستور می‌گرفتند و روسای ستاد کل از همان ابتدا ایجاد این پست هر یک سرنوشتی عجیب پیدا کردند، چنان که ارتشبد هدایت از کار برکنار و توقیف و زندانی گردید و سرانجام هم با نام "عبدالله هدایت" به خاک سپرده شد. جانشین او ارتشبد حجازی خودکشی کرد.

سومین و چهارمین رئیس ستاد کل ارتشبد آریانا و ارتشبد جم ناچار به ترک ایران شدند، شگفت آن که از هاری هم در موقع انتصاب به مقام نخست وزیری قسمتهایی از بدنش فلج بود. ولی با زرق و برق لباس نظامی این نقص را می‌پوشاند. او در نیمه راه نخست وزیری متوجه شده بود او را به کاری گمارد هاند که در توان و قدرتش نیست و خود هم یکبار صراحتاً این مطلب را در مجلس عنوان کرد. پس از نخست وزیر شدن از هاری، آخرین رئیس ستاد کل ارتشبد قره باغی بود که تا امروز از سرنوشت او همانند از هاری اطلاع درستی در دست نیست. ولی به هر حال قره باغی بود که در پایان کارش در این پست دیگر از ارتش شاهنشاهی چیزی به جای نگذاشت.

در انتخاب از هاری و اعضای کابینه‌ی او شریف امامی نقش اساسی را به عهده داشت و گویا اگر سفارش و اصرار او نبود عهد‌های این مسوولیتها را نمی‌پذیرفتند.

پس از شکل گرفتن حکومت از هاری، شریف امامی از کشور خارج شد و دیگر هم تا امروز کسی از او خبری ندارد.\*

---

حیات هستند: دکتر علی امینی، مهندس جعفر شریف امامی، دکتر جمشید آموزگار، ارتشبد از هاری و شاپور بختیار.

\* شریف امامی پس از کناره‌گیری با چند تن از وزیرانش ایران را ترک کرد، در صورتی که هنگام معرفی کابینه‌اش در مجلس گفته بود: "من برای نجات ایران قبول مسوولیت کرده‌ام، می‌مانم و تا جان در بدن دارم کوشش خواهم کرد."



کابینه

غلامحسین ازهارى

از آبان ماه ۱۳۵۷

تا دى ماه ۱۳۵۷

کابینه ازهارى در پانزدهم آبان ماه ۱۳۵۷ تشکیل شد در حالى که شایعهى نخست وزیرى ارتشبد اویسی فرماندار نظامى تهران برسر زبانها بود. از همان لحظهى اعلام روى کارآمدن کابینهى نظامى، اکثریت مردم اعلام حکومت ازهارى را نوعى کودتای نظامى به حساب آوردند. در صورتى که آگاهان مى دانستند این کابینه به منزلهى اعلام ختم رژیم شاهنشاهى پهلوى است.

با آغاز اعتصاب هشتصد نفر از کارکنان راديو و تلویزیون به عنوان اعتراض به روى کارآمدن دولت نظامى و ادامهى اعتصابها در سازمانهاى دولتى و همزمان با شروع موج دوبارهى تظاهرات و خشونت در شهرستانها آن انتظاری که شاه از روى کارآمدن کابینهى ازهارى در سر مى پروراند، چون شمعى به پایان گرفتن و خاموشى گرایید. ژنرالهاى وزیر شده جرات رفتن به وزارتخانهها را نکردند و آن چند نفرى هم که به محل کار خود رفتند، جز میز و صندلى چیزى در آن جا نیافتند.

کارکنان بانک ملی و صندوق پس انداز تهران به عنوان اعتراض به رژیم، مجسمهى شاه را پایین کشیدند و در محوطهى بانک به تظاهرات و به جای آوردن نماز جماعت پرداختند. بازارها در سراسر کشور تعطیلى نامحدودى را به خاطر اعتراض به روى کارآمدن دولت نظامى آغاز کردند و روزنامهنگاران به سبب اشغال نظامى دفتر روزنامهها اعلام اعتصاب نمودند. دولت ازهارى برای تسکین افکار عمومى به خیال خود

عد های از بلند پایگان رژیم را توقیف کرد. این عمل دولت نظامی کوچکترین عکس العملی در مردم به جا نگذاشت و کسی اعتنایی به این اعمال نکرد .

شانزدهم آبان ماه. در زنجان و همدان مردم به عنوان اعتراض به روی کار آمدن دولت نظامی دست به تظاهرات زدند که در نتیجه عد های کشته و زخمی شدند و در بین کشته شدگان چند نظامی هم آمار داده شد .

هفدهم آبان ماه. در نجف آباد، کرمانشاه و آمل به دنبال تظاهرات عد های کشته و زخمی شدند .

هیزدهم آبان ماه. مردم انقلابی تهران در گورستان بهشت زهرا گرد آمدند و شعارهایی تند علیه رژیم و دولت دادند . نوزدهم، بیستم و یکم آبان ماه. تظاهرات در سرتاسر کشور همچنان ادامه داشت و جبهه‌ی ملی در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی از اعمال شاه و دولت نظامی به شدت انتقاد کرد . پس از انجام این مصاحبه دکتر کریم سنجابی و داریوش فروهر دو تن از رهبران جبهه‌ی ملی بازداشت شدند .

بیست و دوم آبان ماه. کارکنان شرکت مخابرات تهران، کارمندان آمریکایی این شرکت را از ساختمانها و کاخ مخابرات اخراج کردند .

بیست و هفتم آبان ماه. تظاهرات در سراسر شهرهای ایران ادامه دارد، در این روز هیات مدیره‌ی سندیکا‌ی نویسندگان در اعلامیه‌ی انتشار روزنامه‌های فرمایشی را که قصد شکستن اعتصاب مطبوعات را دارند تقبیح کرد. روزنامه‌ها و مجلاتی که در این اعلامیه از آنها نام برده شده بود، عبارت بودند از :

روزنامه‌ی آتش به مدیریت میراشرفی ، بورس به مدیریت دکتر رحمتی ، جوانمردان به مدیریت دکتر جعفر شاهید، مهر ایران به مدیریت مجید موقر ، ستاره‌ی اسلام به مدیریت شکوهید ، اراده‌ی آذربایجان به مدیریت زهتاب فرد ، مجله‌ی تهران اکونومیست به مدیریت باقر شریعت ، کاریکاتور به مدیریت محسن دولو ، خواندنیها به مدیریت علی اصغر امیرانی .

بیست و هشتم آبان ماه. در اصفهان و شیراز تظاهرات خونینی برپا شد .

بیست و نهم آبان ماه. امام خمینی " طی مصاحبه‌ی با

هفته نامی "اشپیگل" چاپ آلمان گفت: ما با "رضا پهلوی" به عنوان جانشین شاه موافقت نخواهیم کرد و در مورد آتش زدن بانکها و سینماها که مرتب هدف تیر اعتراض قرار گرفته بود، اظهار داشت: بانکها وسیله‌ی نابود کردن اقتصاد مردم بوده است و فیلمهای سینمایی فرمایشی روحیه‌ی مقاومت جوانان را ضعیف می‌کند. امام همچنین در گفت و گو با خبرنگار هفته نامی "نیوزویک" اعلام کرد: من قصد ریاست در جامعه‌ی آینده‌ی ایران را ندارم.

سیام آبان ماه دولت شوروی آمریکا را از دخالت در امور سیاسی ایران برحذر داشت، در مجلس شورای ملی پیشنهاد شد بانکهای کشور ملی شوند، بازار تهران پس از شانزده روز تعطیل باز شد.

به دنبال اعتصاب کارکنان وزارت دارایی میزان وصول مالیات که در شهریورماه ۱۳۵۷ (صد و پنجاه میلیون) ریال بود در مهرماه به (پنجاه میلیون) ریال و در آبان به صفر رسید. از هاری اعضای دولت خود را به مجلس شورای ملی معرفی کرد و با صد و نود و یک رای موافق و بیست و هفت رای مخالف و یازده رای ممتنع رای اعتماد گرفت.

اول آذرماه ۱۳۵۷. "امام خمینی" در اعلامیه‌ای ماه محرم را "ماه پیروزی خون بر شمشیر" نامید و به مردم نوید داد که شاه به زودی خواهد رفت.  
دوم و سوم آذرماه. تظاهرات در تهران و اکثر شهرها ادامه داشت.

چهارم آذرماه. گروهی از ایرانیان مقیم آلمان با همراهی اعراب و ترکهای مقیم آلمان در فرانکفورت به سفارت آمریکا حمله کردند و علیه شاه و آمریکا تظاهرات برپا داشتند. در این حادثه دویست نفر زخمی و دوازده نفر بازداشت شدند.

پنجم آذرماه. از سوی امام خمینی عزای عمومی در سرتاسر کشور اعلام شد و به همین مناسبت در اغلب شهرها به علت درگیری انقلابیون با قوای نظامی عدای کشته، مجروح و بازداشت شدند.

ششم آذرماه. کارکنان برق تهران به دلیل اعتراض به دولت نظامی از ساعت هشت و نیم شب (شروع اخبار تلویزیون) تا

گارد متفرق شدند. در مشهد حدود پانصد سرباز وظیفه از پادگان فرار کردند .

پانزدهم آذرماه . کارکنان بانک مرکزی صورت اسامی دانشجویان و دانش آموزانی را که با بورس بنیاد پهلوی در خارج از کشور تحصیل کردند، منتشر نمودند .

شانزدهم آذرماه . در خوانسار در يك جنگ تن به تن بین مردم و قوای نظامی عدای کشته و زخمی شدند .

هفدهم و هیژدهم آذرماه . در تبریز به علت ممانعت ماموران حکومت نظامی با تشکیل اجتماع در حسینیه بازار تبریز، مردم شهر به خیابانها ریختند و شروع به دادن شعار برضد شاه کردند. در اصفهان مراکز آمریکاییها به آتش کشیده شد. در تهران علی اصغر حاج سیدجوادی از طرف فرمانداری نظامی به عنوان اهانت به ارتش توقیف گردید .

نوزدهم آذرماه، تاسوعا . راهپیمایی میلیونی مردم تهران به دعوت آیت الله طالقانی صورت گرفت . و در اغلب شهرستانها نیز راه پیماییهای عظیمی انجام شد. در همدان يك سرباز وظیفه قدرت الله خدایاری استاندار را به گلوله بست و خود نیز خودکشی کرد .

بیستم آذرماه، عاشورا . بزرگترین راه پیمایی تاریخ ایران در این روز در تهران برگزار شد و در قطعنامه ای هفده مادهای که در پایان راه پیمایی خوانده شد، اجتماع کنندگان امام خمینی را به عنوان رهبر سیاسی ، اجتماعی و دینی خود برگزیدند .

در اصفهان پس از راه پیمایی محل سازمان امنیت و کلانتری يك اصفهان به آتش کشیده شد. در بیشتر شهرها مجسمه های شاه از میدانها برداشته ، به آتش کشیده شد .

در داخل پادگان باغشاه در تهران صدای تیراندازی شنیده می شد و عده ای از سربازان فرار کردند، حدود سیصد سرباز وظیفه از پادگان نیروی هوایی و حدود صد و پنجاه نفر سرباز از پادگان " جی " تهران گریختند .

دریادگان لویزان ، محل گارد شاهنشاهی ، يك درجه دار و يك سرباز وظیفه هنگام ناهار به افسران حمله کردند و عده ای از آنها را که مشغول صرف ناهار بودند، ناگهان به رگبار

گلوله بستند و به قتل رساندند .

بیست و یکم آذر ماه . در نجف آباد مردم پس از تظاهرات ، کلانتری را اشغال کردند ، در قم چند مامور فرمانداری نظامی به دست مردم کشته شدند . دولت طی اعلامیه ای گفت : از فردا جلو هرگونه تظاهرات را خواهد گرفت .

بیست و دوم آذر ماه . در آبادان چون میزان استخراج و پالایش از شش میلیون بشکه در روز به یک میلیون بشکه رسیده بود ، دولت اعلام کرد که کارگران بایستی از خانه های سازمانی بیرون بروند ، و پالایشگاه به تصرف نیروهای نظامی در آمد . بیست و سوم آذر ماه . در یک حمله ی نظامی به بیمارستان شاهرضا در مشهد عده ای از اطبا و پرستارها مجروح شدند . " امام خمینی " در پیامی خطاب به مردم اعلام کرد : " اعتصابات خود را گسترش دهید و از هیچ نیرویی ترس به دل راه ندهید . شاه باید برود . "

کریم سنجابی اعلام کرد در ملاقاتی که با شاه داشته به او تکلیف نخست وزیری شده ، ولی او قبول نکرده است و به شاه گفته است : " تنها راه بازگشت آرامش به کشور کنار رفتن او است . "

بیست و چهارم آذر ماه . امام جمعه ی اصفهان به عنوان اعتراض به کشتارهای وحشیانه ی مردم به دست نظامیان از مقام خود استعفا کرد .

بیست و پنجم ، بیست و ششم و بیست و هفتم آذر ماه . تظاهرات در شهرها ادامه داشت ، رادیو مسکو اعلام کرد : ماموران نظامی آمریکا و " سیا " برای انجام یک کودتا وارد ایران شده اند ، در شیراز مردم به عده ای از بهاییها حمله کردند ، محسن پزشکیور و بنی احمد نمایندگان خرمشهر و تبریز دولت از هاری را در مجلس شورای ملی استیضاح کردند .

بیست و هفتم آذر ماه . به دعوت " امام خمینی " عزای عمومی و تعطیل همگانی در سراسر کشور اعلام شد . در تبریز عده ای از سربازان و درجه داران پادگان تبریز به صفوف انقلابیون پیوستند .

بیست و هشتم آذر ماه . دکتر فلامحسین صدیقی با شاه ملاقات کرد . شایعه ی نخست وزیری صدیقی موجب شد که جبهه ی

ملی طی اعلامیه‌ای اعلام کند، سلطنت شاه غیرقانونی است و دکتر صدیقی عضو جبهه‌ی ملی نیست.

لوله‌ی نفت گجساران به خارك منفجر شد. جامعه‌ی معلمان تهران طی اعلامیه‌ای رفتن به کلاس درس را تحریم کرد.

بیست و نهم آذر ماه. شصت و پنج نفر از استادان دانشگاه در ساختمان دبیرخانه‌ی دانشگاه تهران متحصن شدند. بنی احمد نماینده‌ی تبریز خواستار استعفای شاه شد.

سیام آذر ماه. در خمین مردم اکثر ادارات و موسسات نظامی را آتش زدند. چهار صد زندانی سنندجی پس از آتش زدن زندان و غارت اسلحه خانیه زندان گریختند. در آبادان در يك درگیری مردم با نیروهای نظامی عد های کشته شدند. اول دی ماه. صندوقهای دریافت اعانه برای کمک به کارکنان شرکت نفت و روزنامه نگاران ایجاد شد.

دوم دی ماه. "امام خمینی" در پیامی به مناسبت فرارسیدن تولد حضرت مسیح از ملتهای جهان خواست که دولتهای خود را در صورت پشتیبانی از شاه ایران استیضاح کنند.

سوم دی ماه. در پی ناآرامی در دبیرستانهای تهران، دولت نظامی مدارس را تعطیل اعلام کرد. عد های از مردم به سفارت آمریکا در تهران حمله کردند که با مقاومت مسلحانه‌ی نیروهای نظامی متفرق شدند. در سنندج مردم زندان را فتح کردند و زندانیان سیاسی را آزاد ساختند.

چهارم دی ماه. تظاهرات خونینی در شهرهای کرج، سقز، بابل، رضاییه، سنندج، اندیمشک، شوش، دزفول و لنگرود برپا شد و در اکثر این شهرها مجسمه‌ی شاه را در میدانها به آتش کشیدند.

پنجم دی ماه. صدور نفت به علت اعتصاب کامل کارکنان نفت قطع شد. در تیراندازی به محل تحصن اساتید دانشگاه، يك استاد کشته شد.

ششم دی ماه. کارکنان هواپیمایی کشوری اعلام کردند از فرود هواپیماهای آمریکایی و اسرائیلی در فرودگاه تهران جلوگیری خواهند کرد.

هفتم دی ماه . در قزوین با حمله‌ی مردم به يك پادگان نظامی عد های کشته و زخمی شدند و نیروهای ارتشی به شهر حمله کردند . آیت الله طالقانی از مردم خواست از به وجود آوردن صفهای طولانی و مصنوعی برای نفت ، بنزین و نان خود داری کنند و خود را ملتی مغلوب و تسلیم شده نشان ندهند . از هاری رییس دولت نظامی به عنوان بیماری در نخست وزیری حاضر نشد و دولت نظامی عملاً قدرتی در اداره‌ی امور کشور نداشت .

هشتم دی ماه . " امام خمینی " طی ابلاغیه‌ای از مهندس بازرگان خواست در مورد چه گونه‌ی مصرف نفت تحقیق کند و کارگران نفت را فقط در مورد رفع نیازهای داخلی تشویق به کار کند . جبهه‌ی ملی هیاتی را به ریاست مهندس کاظم حسینی به آبادان فرستاد تا در مورد وضع نفت با کارگران مذاکره نماید . در بعضی از شهرها از جمله جیرفت مردم شهرتانی را تصرف کردند . طبق توافق دولت نظامی قوای مستقر در تاسیسات نفتی از آن محلها خارج شدند .



کابینه‌ی

شاپور بختیار

نهم دی ماه ۱۳۵۷ . شاپور بختیار پس از مذاکره با شاه نخست وزیری را پذیرفت . آخرین بازمانده‌های خانواده‌ی پهلوی ایران را ترك کردند . جبهه‌ی ملی طی اعلامیه‌ای شاپور بختیار را از جبهه‌ی ملی اخراج کرد . مردم دولت بختیار را " نسخه‌ی جدید سیا " خواندند ، با سرکار رفتن کارگران شرکت نفت برای رفع نیازهای داخلی تولید نفت به دو بیست و



بیست هزار بشکه در روز رسید .

دهم دی ماه موج تظاهرات برضد شاه و بختیار تمام ایران را فرا گرفت . در مشهد کلانتریها ، اداره‌ی آگاهی و نیروی پایداری مورد حمله‌ی مردم قرار گرفت ، که در این درگیریها عدای کشته و زخمی شدند ، نیروهای نظامی با تانک و وسایل جنگی سنگین به مردم حمله کردند ، در یک تهاجم مسلحانه به منزل آیت الله شیرازی در مشهد عدای که در آن جا متحصن بودند کشته شدند . انقلابیون مشهد که سخت عصیانزده شده بودند ، چند افسر و مامور ساواک را در میدانهای شهر اعدام کردند . در قزوین منزل عدای از روحانیون به آتش کشیده شد .

یازدهم دی ماه . شاه در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی اعلام کرد چند روز دیگر ایران را برای معالجه ترک خواهد کرد ، در بهشت زهرای تهران تظاهرات عظیمی برضد دولت بختیار برپا شد .

دوازدهم دی ماه . در فیروزآباد مردم زندانیان سیاسی را آزاد کرده ، زندان را متصرف می‌شوند . " امام خمینی " در اعلامیه‌ای از کشاورزان خواست تا از شهرها به روستاها برگردند . در چند شهر مردم عدای از ماموران ساواک را اعدام کردند .

سیزدهم دی ماه . ارتشبد قره باغی از سوی شاه به عنوان رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران منصوب شد . در کرمانشاه مردم محل استانداری را به آتش کشیدند .

چهاردهم دی ماه . ارتشبد اویسی از فرمانداری نظامی تهران استعفا کرد و از ایران خارج شد . بر سر نحوه‌ی خروج اویسی بین دادگستری و شهربانی اختلاف افتاد و هر یک دیگری را در مورد دادن اجازه‌ی خروج به وی محکوم می‌کردند . سپهبد امیرعزیزی استانداری خراسان از سمت خود استعفا کرد . افراد زیادی از مقامات رژیم با هواپیماهای ارتشی ایران را ترک کردند که در بین آنها عدای از وزرای کابینه‌ی شریف امامی و ازهارای هم بودند .

پانزدهم دی ماه . در این روز عمر کابینه‌ی نظامی با اعلام اعضای کابینه‌ی جدید که فردا به شاه معرفی می‌شدند ، پایان

اسامی وزرای شریف امامی با تغییرات

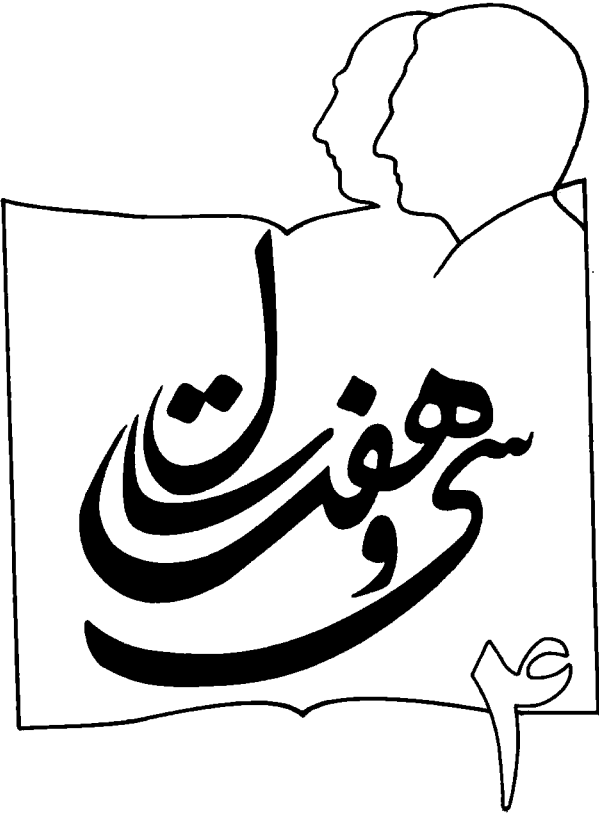
- ۱ • وزیر دادگستری: دکتر محمد باهری، دکتر حسین نجفی •
- ۲ • وزیر اطلاعات و جهانگردی: دکتر محمد رضا عاملی تهرانی •
- ۳ • وزیر بهداشتی: دکتر نصرالله مقتدر مژده‌هی، دکتر حسین مرشد •
- ۴ • وزیر امور خارجه: امیر خسرو افشار قاسملو •
- ۵ • وزیر مشاور در امور اجرایی: دکتر منوچهر آزمون، دکتر مصطفی پایدار •
- ۶ • وزیر جنگ: ارتشبد عظیمی •
- ۷ • وزیر آموزش و پرورش: دکتر منوچهر گنجی •
- ۸ • وزیر صنایع و معادن: دکتر محمد رضا امین •
- ۹ • وزیر امور اقتصادی و دارایی: دکتر محمد یگانه •
- ۱۰ • وزیر راه: مهندس حسن شالچیان •
- ۱۱ • وزیر مشاور و سرپرست اوقاف: دکتر علینقی کنی، محسن شریعتمداری •
- ۱۲ • وزیر کشاورزی: امیر حسین امیر پرویز •
- ۱۳ • وزیر کشور: ارتشبد عباس قره باغی •
- ۱۴ • وزیر علوم و آموزش عالی: دکتر هوشنگ نهاوندی، دکتر ابوالفضل قاضی •
- ۱۵ • وزیر مشاور: دکتر عزت الله همایونفر •
- ۱۶ • وزیر پست و تلگراف و تلفن: کریم معتمدی •
- ۱۷ • وزیر مسکن و شهرسازی: مهندس پرویز آوینی •
- ۱۸ • وزیر فرهنگ و هنر: محسن فروغی •
- ۱۹ • وزیر بازرگانی: محمد رضی ویشکایی •
- ۲۰ • وزیر مشاور در امور پارلمانی: عزت الله یزدان پناه •
- ۲۱ • وزیر مشاور و رییس سازمان برنامه و بودجه: حسن علی مهران •
- ۲۲ • وزیر کار و امور اجتماعی: کاظم ودیعی •

۰۲۳ • وزیر نیرو : مهندس جهانگیر مهد مینا •

اسامی وزرای کابینهی ارتشبد غلامرضا ازهاری  
ازهاری در ابتدای کار این افراد را برای همکاری دعوت  
به کار کرد :

- ۱ • وزیر امور خارجه : امیر خسرو افشار قاسملو •
  - ۲ • وزیر جنگ : ارتشبد رضا عظیمی •
  - ۳ • وزیر صنایع و معادن : محمد رضا امین •
  - ۴ • وزیر کشور و سرپرست وزارت امور اقتصادی و  
دارایی : ارتشبد عباس قره باغی •
  - ۵ • سرپرست وزارت کار و امور اجتماعی : ارتشبد  
غلامعلی اویسی •
  - ۶ • سرپرست وزرات مسکن و شهرسازی : سپهبد  
امیرحسین ربیعی •
  - ۷ • سرپرست وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و  
هنر : دریا سالار کمال حبیب اللهی •
  - ۸ • سرپرست وزارت اطلاعات و جهانگردی : سپهبد  
ابوالحسن سعادت مند •
  - ۹ • سرپرست وزارت نیرو : سپهبد ایرج مقدم •
  - ۱۰ • وزیر دادگستری : دکتر حسین نجفی •
- پس از چند روز کابینهی ازهاری به صورت زیر ترمیم و  
تکمیل شد :

- ۱ • وزیر کار و امور اجتماعی : سپهبد کاتوزیان •
- ۲ • وزیر آموزش و پرورش : دکتر محمد رضا عاملی  
تهرانی •
- ۳ • وزیر بازرگانی : دکتر معمارزاده •
- ۴ • وزیر راه : حسن شالچیان •
- ۵ • وزیر مشاور در امور اجرایی : دکتر مصطفی پایدار •
- ۶ • وزیر مشاور در برنامه و بودجه : مرتضی صالحی •
- ۷ • وزیر پست و تلگراف و تلفن : کریم معتمدی •
- ۸ • وزیر علوم و آموزش عالی : دکتر مفیدی •
- ۹ • وزیر مشاور در امور پارلمانی : احمد ناظمی •
- ۱۰ • وزیر مشاور و سرپرست اوقاف : محسن شریعتمداری •



در این بخش این مطالب را می‌خوانید: \*

- دولت شاپور بختیار
- شورای انقلاب
- خروج شاه
- ورود امام
- تشکیل دولت موقت
- سقوط رژیم شاهنشاهی
- استقرار جمهوری اسلامی
- توضیحات

---

\* در این بخش وقایع به صورت روز شمار آمده است و در صورتی که خبری مفصل بوده، عنوان آن در وقایع روز و تفصیل خبر در پاورقی درج شده است.

در نقل وقایع روزانه تقدم و تاخر در نظر گرفته نشده است و آن چه در یک روز اتفاق افتاده، به ترتیب ثبت نگردیده است.

عناوین مطالب این بخش از روزنامه‌های اطلاعات و کیهان از تاریخ ۱۶ دی ماه ۱۳۵۷ تا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ استخراج شده است.

شانزدهم دی ماه ۱۳۵۷ .

- شاپور بختیار کابینه‌ی خود را برای اولین و آخرین بار بدون رعایت تشریفات معمول دربار به شاه معرفی کرد. \*
- در موقع معرفی کابینه، شاه صریحا رعایت مواد ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی را مبنی بر این که از این پس منحصرأ سلطنت خواهد کرد، تعهد نمود .
- آمریکا حمایت کامل خود را از شاه و دولت بختیار مورد تاکید قرار داد .
- اعتصاب مطبوعات پایان یافت و روزنامه‌های اطلاعات و کیهان منتشر شد. \*\*\*

---

\* اسامی اعضای کابینه‌ی شاپور بختیار: احمد میرفندرسکی، وزیر امور خارجه. ارتشبد فریدون جم (در موقع معرفی حضور نداشت)، وزیر جنگ. یحیی صادق وزیری، وزیر دادگستری. منوچهر کاظمی، وزیر کشاورزی. محمد امین ریاحی، وزیر علوم و آموزش عالی. دکتر منوچهر رزم‌آرا، وزیر بهداری. سیروس آموزگار، وزیر مشاور و سرپرست وزارت اطلاعات. ابراهیم پیراسته، وزیر دارایی. علی صمیمی، وزیر پست و تلگراف و تلفن. عباسقلی بختیار، وزیر صنایع و معادن. جواد خادم، وزیر آبادانی و مسکن. منوچهر آریانا، وزیر کار و امور اجتماعی. مشیری، معاون نخست‌وزیر.

\*\*\* این اعتصاب که به‌عنوان اعتراض علیه حکومت نظامی از هاری صورت گرفته بود شصت و یک روز طول کشید.

- شاپور بختیار، در دو مصاحبه‌ی مطبوعاتی شرکت کرد و  
 روس برنامه‌های دولت خود را به این شرح توضیح داد:  
 امیدوارم آیت‌الله خمینی این افتخار را به ما  
 بدهند که هر چه زودتر به ایران بازگردند.  
 اعلیحضرت سلطنت می‌کنند و دولت حکومت  
 به اسرائیل و آفریقای جنوبی نفت فروخته نخواهد  
 شد.  
 لوایح محاکمه‌ی عاملان فساد و متجاوزان به حقوق  
 عمومی و لایحه‌ی انحلال ساواک به مجلس داده  
 خواهد شد.\*  
 وزارت اطلاعات و جهانگردی و چند وزارتخانه‌ی  
 دیگر منحل خواهد شد.  
 در شهربانی و ژاندارمری خانه‌تکانی خواهم کرد.  
 ماده‌ی ۵ و ۸ قانون حکومت نظامی در مورد  
 مطبوعات معلق می‌ماند و مطبوعات در چارچوب  
 قانون اساسی آزاد خواهند بود.  
 دولت من مروج دین اسلام در کشور خواهد بود و  
 در ضمن مذاهب شناخته شده را با دیدهی احترام  
 می‌نگرم.  
 کلیه‌ی زندانیهای سیاسی را به شرط سیاسی بودن  
 آنها از زندان آزاد می‌کنم.  
 حکومت نظامی را به تدریج لغو می‌کنم.  
 کلیه‌ی آزادیهای فردی و اجتماعی مصرحه در قانون  
 اساسی و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را در اسرع  
 وقت جامه‌ی عمل می‌پوشانم.  
 به بازماندگان شهدای سه ماه اخیر در صورت  
 لزوم تمام مساعدتهای مادی و معنوی خواهد شد.  
 کلیه‌ی احزاب سیاسی می‌توانند شروع به فعالیت  
 کنند.

---

\* این لوایح به مجلس شورای ملی داده شد، ولی تنها لایحه‌ی انحلال  
 ساواک در مجلس به تصویب رسید.

مردم باید به من اطمینان کنند و در صورتی که ظرف يك مدت معقول تمام وعده‌های من جامه‌ی عمل نپوشید، می‌توانند در قضاوت خود درباره‌ی من تجدید نظر کنند و اعتبار سی ساله‌ی مرا باطل نمایند .

من مرغ توفانم نیندیشم ز توفان  
موجمه آن موجی که از دریاگریزد

"نقل از روزنامه‌ی کیهان شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۵۷  
شماره‌ی ۱۰۶۰۵"

- امام خمینی حکومت بختیار را "غیر قانونی" اعلام کرد .  
- آیت الله طالقانی دولت بختیار را به اعتبار "نامشروع بودن رژیم و مجلسین" بی اعتبار خواند .  
- دکتر علی امینی و دکتر غلامحسین صدیقی دولت بختیار را تایید کردند .

- مهندس مهدی بازرگان حاضر به اظهار نظر نشد .  
- سپهبد مهدی رحیمی به فرمانداری نظامی تهران منصوب شد .  
- ژنرال هوایی "رابرت هوپزر" \* معاون نیروهای مسلح آمریکا در اروپا وارد تهران شد . \*\*

---

\* روزنامه‌ی "پراودا" ارگان حزب کمونیست شوروی نوشت: هوپزر به عنوان یک معاون نایب السلطنه عمل می‌کند و روابط نزدیکی با فرماندهان نظامی دارد و تا مطمئن نشود و دستورات واشینگتن به خوبی اجرا نگردد تهران را ترک نخواهد کرد. او مسوولیت خونریزیهای بعدی در تهران و شهرستانها را به عهده می‌گیرد و همچنین نظارت بر عملیات گروه نظامی آمریکا در ایران را .

\*\* در مورد این ژنرال آمریکایی و نحوه‌ی ورود وی به ایران شاه در آخرین کتاب خود (پاسخ به تاریخ) می‌نویسد: معمولاً این قبیل افراد قبل از ورود به ایران می‌بایستی برنامه‌هایشان با نظر من تنظیم می‌شد ولی این بار من موقعی از ورود او به تهران آگاه شدم که چند روزی بود در تهران سرگرم دید و بازدید افراد بود. البته هنگامی که این گزارش را دریافت کردم قبول آن برایم بسیار دشوار و ناگوار بود. سرانجام



- امیر فهد ولیعهد عربستان سعودی قویا به حمایت از شاه برخاست و در یک مصاحبه این مطلب را عنوان کرد .  
- رادیو مسکو از قول " رمزی کلارک " \* گفت : سیاست خارجی آمریکا برپایه ی توهمات و تخیلات استوار است نه برپایه ی واقعیتها .

هفدهم دی ماه ۱۳۵۷

- امام خمینی پیشنهاد کمک نظامی سازمان آزادی بخش فلسطین را رد کرد .\*\*  
- اسرائیل ادعا کرد که : مخالفان رژیم شاه به وسیله ی کارشناسان شوروی و فلسطینی تعلیم نظامی می بینند .  
- حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی عضو هیاتتسی که به ریاست مهندس بازرگان به شیراز رفته بود، خواستار گسترش اعتصابها شد .\*\*\*  
- سران آمریکا ، انگلستان ، فرانسه و آلمان غربی در " گوادولوپ " مستعمره ی فرانسه در آبهای اقیانوس اطلس گرد می آیند، در آغاز کارتر سیاست حمایت قاطع از شاه ایران را مطرح و توجیه می کند، اما ابتدا رییس جمهوری فرانسه و سپس رهبران انگلستان و آلمان غربی نظر خود را دایره به قطع حمایت غرب از ادامه ی سلطنت شاه ابراز می دارند .

---

هم او (هویزر) به همراه سفیر آمریکا در تهران وقت ملاقات از من خواست و تنها مساله ای که مورد بحث قرار گرفت این بود که من تاریخ خروج خود را از ایران به وی اطلاع دهم . او کوچکترین اشاره ای به ملاقاتها و زمینه ی فعالیتها ی خود در ایران نکرد .

\* " رمزی کلارک " مدتی سمت وزارت دادگستری آمریکا را عهده دار بود .  
\*\* (قطب زاده) در پاریس اعلام کرد که امام خمینی " فاروق قدومی " رهبر سیاسی سازمان مذکور و " صالح الدین " یک مقام لیبیایی را پذیرفته ، با آنان مذاکره داشته است .

\*\*\* این هیات ماموریت داشت در مورد شروع کار پالایشگاه شیراز دستورهایی صادر کند و بازرگان هم در همین زمینه سخنرانی کرد .

- سپهبد علی محمد خادمی مدیرعامل سابق هواپیمایی ملی ایران خودکشی کرد.\*

- جبهه‌ی ملی و آیات عظام شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی نجفی با تایید امام خمینی عزای عمومی برای کشته شدگان یک هفته‌ی اخیر اعلام کردند.

- ارتشبد از هاری از ایران خارج شد.

- شوروی شدیداً به آمریکا اولتیماتوم داد که در اوضاع داخلی ایران دخالت نکند.

- روزنامه‌ی فیگارو نوشت: ارتشبد اوپسی سعی می‌کند

کارتر را به انجام کودتای نظامی در ایران متقاعد سازد.

- ارتش به بختیار هشدار داد که مطبوعات علیه ارتش

سپاشی می‌کنند.

- یکی از نزدیکان اردشیر زاهدی گفت: او از سفارت

ایران در واشینگتن کناره گرفته است و برای "انجام امور

شخصی" در تهران خواهد ماند.

- مطبوعات تهران ضمن مصاحبه‌ای با مقامات زندانی

نوشتند: آزمون این شایعه را که قصد داشته با همکاری

سپهبد علی محمد خادمی، سپهبد صدری و باکمک قذافی

رهبر لیبی علیه شاه کودتا کند، تکذیب کرد. "داریوش

همایون می‌گوید: \*\*مقاله‌ی علیه حضرت آیت الله خمینی

را "از جایی" برای من فرستادند که در یکی از جراید

چاپ شود. قبل از آن "این دستگاه" به طور مستقیم

مقاله‌ی برای مطبوعات می‌فرستاد و من توصیه کرده بودم

از طریق وزارت اطلاعات این کار را انجام دهند، به این

\* سپهبد خادمی از رهبران سرشناس فرقه‌ی بهایی بود و در تمام

سالهای که مدیرعامل هواپیمایی ملی بود (از فروردین ماه ۱۳۴۱)

هیچیک از نخست‌وزیران قدرت معارضه با او را نداشتند.

\*\* داریوش همایون از جمله کسانی بود که توانست از زندان فرار کند.

او شوهر خواهر اردشیر زاهدی، "هما" زاهدی نماینده‌ی همدان در

آخرین دوره‌ی مجلس شورا بود.

جهت بود که در کنگره‌ی حزب رستاخیز به دنبال تلفنی که به من شد، رییس دفتر "آن دستگاه" پاکت بزرگی را به من داد و گفت که این همان مقاله است. من وقت خواندن مقاله رانداشتم و آن را به نخستین روزنامه‌نگاری که برخوردیم و از قضا خبرنگار اطلاعات بود، دادم. بلافاصله و همان جا متوجه شدم که مقاله در داخل پاکت مارکدار است و به این دلیل مقاله را از پاکت بیرون آوردم و بدون پاکت آن را به خبرنگار اطلاعات دادم.

- امیرعباس هویدا خود را از هراتهامی میرا دانست و گفت که اگر لازم باشد حاضر است برای فروکش کردن خشمی که به پا خاسته است، از جان بگذرد. ارتشبد نصیری سکوت کرد. نیک پی هنوز خود را سناتور و مصون از تعرض می‌دانست و گفت که سپهبد رحیمی لاریجانی معاون فرمانداری نظامی تهران قلم خود را به دست او داده، تکلیف به استعفا کرده است و در واقع به زور اسلحه مرا از "سنا" به زندان کشانید ماند.

منصور روحانی از همه‌ی فعالیت‌های دولتی و اجتماعی خود دفاع کرد.

- دکتر کریم سنجابی پیشنهاد عضویت و ریاست شورای سلطنت را رد می‌کند.

- ارتشبد جم از قبول پست وزارت جنگ خود داری می‌کند و از ایران می‌رود.\*

- سپهبد خسرو داد به بختیار اخطار می‌کند که اگر مانع خروج شاه نشود، گور خود را به دست خویش کنده است.\*\*

---

\* شاه در انتخاب جم نقشی نداشت و بختیار او را به خاطر قدردانی که در ایجاد میانروی در ارتش و به‌طور کلی به سبب محبوبیتی که در بین ارتشیان داشت، به وزارت برگزید ولی چون بختیار حاضر نبود اختیار انتخاب فرماندهان نیروهای سه‌گانه را به وی بسپرد جم استعفا کرد. اما شاید انگیزه‌ی اصلی او این بود که برای بختیار شانس قایل نبود.

\*\* گفته شد که هنگام خروج شاه از ایران، خسرو داد در فرودگاه مهرآباد

- امام خمینی در پاریس اعلام کرد که به غرب در برابر بهای عادلانه نفت فروخته خواهد شد .
- در تهران تظاهرات خونینی انجام می شود که در نتیجه يك نفر کشته می شود .
- دو بیست افغانی مسلح در تهران دستگیر می شوند .
- بانک مرکزی در تهران به اشغال فرمانداری نظامی در می آید . \*
- حجت الاسلام شیخ محمد رضا مهدوی کنی امام جمعهی مسجد جلیلی دستگیر می شود .
- بختیار اعلام کرد رژیم پادشاهی در ایران باقی خواهد ماند .

نوزدهم دی ماه ۱۳۵۷ .

- تظاهرات در تهران و شهرستانها ادامه دارد .
- سخنگوی دربار اعلام کرد که شاه قبل از رای اعتماد مجلسین به کابینهی بختیار ایران را ترك نخواهد کرد .
- دو نظامی در برابر دانشگاه تهران هدف گلوله قرار گرفتند .
- امام خمینی اعلام کرد، اگر کودتای نظامی بشود، مردم با آن مقابله خواهند کرد .
- مردم اردبیل اداره و حفاظت شهر را به دست گرفتند .
- با لغو حکومت نظامی در شیراز سید جوان شیرازی اداره و حفاظت شهر را به دست گرفتند .
- چند تن از اعضای اقلیت مجلس شورای ملی بختیار را

---

خود را روی پاهای او انداخت و اجازه خواست که با بیماران تهران و شدت عمل، به انقلاب پایان دهد. حجت الاسلام خلخالی که خسرو داد را محکوم به اعدام کرد بعدها از او به عنوان زبون ترین افسر عالی مقام ارتش شاه یاد کرد.

\* انتشار لیست کسانی که ارز از کشور خارج کرده بودند از سوی کارکنان بانک مرکزی در همهی شهر مورد بحث بود و هر روز تمام روزنامهها تکذیبنامهی افراد متهم را چاپ می کردند.

به حمایت از کودتا کنندگان احتمالی آینده متهم کردند.  
- سنجابی گفت: تکرار واقعه‌ی ۲۸ مرداد برای همه  
زیان دارد و توصیه کرد به ارتش "بی‌احترامی" نشود.  
- وزیر دادگستری بختیار طرح تشکیل کمیته‌ی تحقیق و  
دادگاه ملی برای رسیدگی به تخلفات مقامات سابق را  
انتشار داد.

- بازرگان ضمن تکذیب خودداری از اظهار نظرش  
در باره‌ی دولت بختیار در دو روز قبل، نامه‌ای به  
روزنامه‌ها نوشت:

"... چون این مساله خارج از مسایل امروزی ما است و  
ارتباط و دخالتی در کار ایشان نداشته‌ام، اظهار نظری  
از بنده نخواهید."

- فرودگاه مهرآباد ظاهراً به علت ریزش برف و اعتصاب،  
به روی پروازهای داخلی و خارجی بسته شد.

#### بیستم دی ماه ۱۳۵۷

- سنجابی می‌گوید: اگر مردم بخواهند و "امام" تایید  
کند، حکومت موقت را تشکیل خواهد داد.

- سپهبد عبدالعلی بدرهای فرمانده گارد سلطنتی به  
فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد.

- بختیار اعلام کرد که شاه استعفا نخواهد کرد و او چنین  
چیزی را از وی نخواسته است.

- محافل خبری غرب با توجه به سابقه‌ی کار "سالیوان"  
سفیر آمریکا در ایران، کامبوج و هند و چین می‌گویند

او طرفدار شدت عمل در ایران است.

- "امام" از مردم می‌خواهد به عنوان ساواکی متعرض  
افراد نشوند.

- امام می‌گوید: خروج شاه بدون کناره‌گیری از سلطنت  
وضع را تغییر نمی‌دهد.

- سپهبد شفقت وزیر جنگ می‌شود.

- یک مقام آگاه در لندن اعلام کرد که: دولت بریتانیا نیز  
خروج شاه را بهترین راه تقویت دولت بختیار می‌داند.

- تظاهرات در سراسر ایران ادامه داشت.

### بیست و یکم دی ماه ۱۳۵۷.

- شصت و پنج زندانی سیاسی در تهران از طرف دولت آزاد شدند .
- با آغاز هفته‌ی بازگشایی دانشگاه‌ها مردم تهران به سوی دانشگاه روانه شدند و تظاهرات شدیدی برضد شاه و بختیار انجام گرفت .
- ساواک شیراز به تصرف مردم درآمد و شش نفر کشته شدند .
- دکتر امینی طی نامه‌ای به روزنامه‌ها درباره‌ی نقش خود در وقایع اخیر توضیح داد .\*
- در کرمانشاه تظاهرات خونینی انجام شد .

### بیست و دوم دی ماه ۱۳۵۷

- ناصر قشقایی پس از ۲۵ سال تبعید به ایران بازگشت .
- ارد شیر زاهدی تهران را به سوی آمریکا ترک گفت .
- تظاهرات در تهران ادامه یافت و در اغلب شهرستانها تظاهرات خونینی انجام گرفت .

### بیست و سوم دی ماه ۱۳۵۷

- بختیار کابینه‌ی خود را به سنا معرفی کرد . نخستین سخنران ، سید اسدالله موسوی بود که در موافقت با دولت سخن گفت .\*\*
- روزنامه‌ی "پراودا" اخطار کرد که "هویزر" می‌خواهد در ایران کودتا کند .

---

\* در این نامه دکتر علی امینی نخست‌وزیر اسبق ، سوابق خود را در مسایل مملکت و کوششهایی که برای رفع بحران فعلی به عمل آورده ، بازگو می‌کند و می‌نویسد : "مردم درخواست تامین نان و آب و گوشت خود را دارند" - روزنامه‌ی اطلاعات .

چند روز بعد علی اصغر حاج سیدجوادی با عنوان (نان و آب و گوشت دکتر امینی) طی مقاله‌ای عقاید و نظرات امینی را رد کرد .  
\*\* وی بعداً در بهبهان به دست مردم کشته شد .

- برژنسکی\* تایید کرد که آمریکا نگران تجهیزات سری خود در ایران است و مشغول کار روی این قضیه است .  
 - اعضای شورای سلطنت تعیین شدند \*\*\*.  
 - در تظاهرات اصفهان يك نفر که گفته شد ساواکی بود، کشته شد .  
 - " تاس " خبرگزاری شوروی اظهار عقیده کرد که : کودتا دردی را در ایران دوا نمی‌کند .  
 - اطرافیان امام در پاریس گفتند که ایشان به محض خروج شاه به ایران باز خواهد گشت .  
 - يك مقام دربار ایران به خبرگزاریهای خارجی گفت : شاه مخالفت خود را با هر کودتایی به فرماندهان ارتش ابلاغ کرده است .  
 - در دانشگاه تهران\*\*\* آیت الله طالقانی برای مردم سخن گفت : در این سخنرانی " طالقانی " شدیدترین حملات را به رژیم کرد . کثرت جمعیت به حدی بود که تمام خیابانهای اطراف دانشگاه مملو از جمعیت شده بود .  
 - طالقانی بازگشایی دانشگاه را برای ادامه مبارزات به مردم تبریک گفت .

#### بیست و چهارم دی ماه ۱۳۵۷

- مطبوعات خارجی گزارش دادند که : آمریکا تاسیسات حساس نظامی خود را در ایران منفجر کرده است .  
 - يك سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد : آمریکا از ارتش ایران خواسته است از بختیار حمایت کند .

---

\* برژنسکی مشاور " کارتر " در مسایل امنیتی بود .  
 \*\* دکتر بختیار نخست وزیر ، دکتر جواد سعید رییس مجلس شورای ملی ، دکتر محمد سجادی رییس مجلس سنا ، ارتشبد قره باغی (رییس ستاد بزرگ) ، سید جلال الدین تهرانی ، محمد علی وارسته ، علیقلی اردلان (وزیر دربار) ، دکتر علی آبادی دادستان سابق کل کشور و عبدالله انتظام .  
 \*\*\* از روز پانزدهم آبان ماه ۱۳۵۷ دانشگان تهران به وسیلهی ماموران حکومت نظامی اشغال شده بود .

- بختیار فقط دو هفته مهلت ( آرامش ، امنیت و تعطیل اعتصاب ) خواست تا آب رفته را به جوی بازگرداند .  
- حجت الاسلام دکتر مفتاح امام جماعت مسجد " قبا " گفت :  
به گروههایی از مردم دوربین داده شده است تا از کسانی که به مردم حمله می کنند ، عکس بگیرند .

- بختیار کابینه خود را به مجلس شورای ملی معرفی کرد . محمد حسین اسحاقی نژاد نماینده ی تبریز اولین کسی بود که به عنوان مخالف با برنامه ی دولت صحبت کرد .  
- در پاریس گفته می شود که اعضای شورای انقلاب اسلامی عبارت خواهند بود از : دکتر ابراهیم یزدی عضو نهضت آزادی و رهبر دانشجویان مسلمان مقیم آمریکا ، صادق قطب زاده عضو نهضت آزادی که سالها است در خارج از ایران زندگی می کند . فضل الله بنی صدر \* از جوانان فعال جنبه های ملی که کتابهای متعددی در زمینه های علمی و مذهبی تاکنون منتشر کرده است . مهندس مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی ، و سرتیپ مدنی از اعضای جنبه های ملی .

- در تبریز تظاهرات خونینی صورت گرفت که رییس کلانتری و بازپرس داد سرای نظامی جزو کشته شدگان بودند .

- در تهران و بقیه ی شهرستانها اعتصابات به صورت گسترده و تظاهرات و راه پیمایی ادامه دارد .

بیست و پنجم دی ماه ۱۳۵۷ .

- ارتشبد قره باغی رییس ستاد ارتش اعلام کرد : ارتش کودتا نخواهد کرد و هرگونه تمردی در ارتش سرکوبی خواهد شد .  
- دولت بختیار از سنا رای اعتماد گرفت . \*\*

---

\* این اشتباه از طرف خبرگزاریها شده بود و الا نام بنی صدر ابو الحسن است .

\*\* با ۳۸ رای موافق ، دو ممتنع و یک مخالف ( محمد رضا جلالی نایینی ) .



- بختیار گفت: دولت مرا شورای انقلاب نمی‌تواند "جارو" کند.
- امام گفت: تا چند روز دیگر دولت تازه تشکیل می‌شود و من اختیارات شاه را نخواهم داشت و نخست وزیر هم نخواهم شد.
- رادیوی بی‌بی‌سی اعلام کرد: بختیار باید تضمین کند که شاه خواهد رفت و باز نخواهد گشت.
- حزب توده خواهان جنگ مسلحانه شد و از هم‌مهی نیروها تقاضای تشکیل "جبهه‌ی واحد" کرد.
- آیت‌الله سید صادق روحانی گفت: کمونیست‌ها در نهضت عظیم اسلامی نقشی ندارند.
- رادیو مسکو ضمن حمله‌ی شدید به بختیار او را متهم کرد که می‌کوشد جنبش تمام خلق مردم ایران را توطئه‌ی کمونیست‌ها جلوه دهد.
- در مسجد سلیمان و کرمان تظاهرات خونین‌ی صورت گرفت.
- فریده دیبا، علیرضا ولیلا پهلوی و سپهبد محسن هاشمی نژاد و ابوالفتح آتابای با یک هواپیمای نظامی از ایران خارج شدند.
- مدیرعامل دخانیات\* به جرم سوء استفاده از طرف دیوان کیفر بازداشت شد.
- موج اعتصاب کار راد تمام سازمان‌های دولتی تعطیل کرد.
- بحث مجلس شورای ملی درباره‌ی کابینه‌ی بختیار ادامه یافت.
- یک مقام عالی رتبه‌ی دولت "سوریه" پشتیبانی قاطع دولت سوریه را از "امام خمینی" برضد رژیم ایران اعلام کرد و گفت "صادق قطب زاده" خبرنگار رسمی روزنامه‌ی "الثوره" ارگان رسمی حزب بعث سوریه در اروپا است.
- دولت فرانسه رسماً اعلام کرد که "امام خمینی" می‌تواند

از همه‌ی مزایای يك خارجی مقیم فرانسه استفاده کند .  
- دکتر علی امینی امکان کودتای ارتش پس از خروج شاه  
را منتفی دانست .

بیست و ششم دی ماه ۱۳۵۷

- ساعت یازده و چهل پنج دقیقه‌ی صبح امروز شاه به  
اتفاق " فرح " تهران را به سوی مصر ترك کرد . \*  
- جسد يك سرهنگ ارتش آمریکا\*\* در خانه‌اش در حالی که  
به دار آویخته شده بود و نیز جسد يك سرهنگ دیگر  
آمریکایی\*\*\* در کرمان پیدا شد .  
- بختیار اعلام کرد بازجویی از ارتشبد نصیری آغاز  
شده است .

- کابینه‌ی بختیار از مجلس شورای ملی رای اعتماد گرفت .\*\*\*\*  
- " مسکو " بار دیگر به بختیار حمله کرد .  
- عراق اعلام کرد : که " امام خمینی " به میل خود عراق را  
ترك گفته است و عراق هیچ‌گونه احساسات خصمانه‌ای  
نسبت به ایشان ندارد .  
- " امام " دستور داد نمایندگان مجلسین و اعضای  
شورای سلطنت سمتی ندارند و باید استعفا کنند .  
- علی اصغر حاج سید جوادی در مقاله‌ای نوشت  
" مواظب سرعت حرکت باشید " .  
- هشتاد افغانی مخفیانه وارد بندرعباس شدند .  
- آیت الله " منتظری " از طریق مرز خسروی - از پاریس -  
به تهران بازگشت .

---

شاه از چند ساعت قبل در فرودگاه آماده‌ی پرواز بود ولی به دلیل  
آن که نتیجه‌ی اعلام رای اعتماد به دولت طول کشید ، آن قدر در  
فرودگاه ماند تا بختیار پس از گرفتن رای اعتماد از مجلس شورای ملی  
به فرودگاه رفت و در ردیف بدرقه‌کنندگان قرار گرفت .

\*\*\* " آرتور - دبلیو - هاین هایت " رییس ستاد مستشاری آمریکا در ایران .  
\*\*\*\* " مارتین برکویکز " .

\*\*\*\* صد و چهل و نه موافق ، چهل و سه مخالف و سیزده ممتنع .

- کارمندان شعبه‌ی مرکزی بانک سپه عکسهای "امام خمینی" را به جای عکس شاه نصب کردند.\*
- دکتر کریم سنجابی و داریوش فروهر به نمایندگی از طرف جبهه‌ی ملی برای ملاقات با امام رهسپار پاریس شدند.

#### بیست و هفتم دی ماه ۱۳۵۷

- ارتشبد قره باغی - شایعه‌ی کودتا و تمرد لشگر اهواز را تکذیب کرد.
- وزیر دادگستری دولت بختیار\*\* با این عنوان که در شرایط فعلی قادر به کار نیست، استعفا کرد.
- اولین دسته از نمایندگان مجلس شورای ملی در اجرای دستور امام مستعفی شدند.\*\*\*
- وزیر امور خارجه به خدمت ده سفیر و نماینده‌ی ایران در خارج از کشور خاتمه داد.\*\*\*\*
- زلزله‌ی شدیدی طبس را ویران کرد و هزار نفر بر اثر

از ساعتی که اعلام شد شاه ایران را ترک کرده‌است، مردم انقلابی در تهران و اکثر شهرستانها که از رفتن شاه با خبر شده بودند، به خیابانها ریختند و با روشن کردن چراغ اتومبیلها و تقسیم گل و شیرینی به رقص و پایکوبی پرداختند. باقیمانده‌ی عکسهای شاه از اداره‌ها برداشته شد و شماری از مردم عکس شاه را از روی اسکناسها قیچی می‌کردند و در خیابانها به نمایش می‌گذاشتند، صدای بوق ممتد اتومبیلها در تهران تا پایان شب شنیده می‌شد و پس از روزها جنگ و خونریزی مردم روز شادی را پشت سر می‌گذاشتند.

یحیی صادق وزیر.

محسن پزشکیور، پرویز ظفری، حسین طبیب، منوچهر یزدی اردکان، عنایت‌الله خاتمی، شهبازی، صادق فرمان، افتخار، عادل رانکوهی، حسین متولی، محمد جزایری، قدمی، کاظم اسکویی، پارسا مطلق، نواب صفا.

پرویز عدل، فریدون هویدا، پرویز راجی، مهین دولتشاهی، شجاع‌الدین شفا، سهبید علی معتضد، غلامرضا تاج‌بخش، شاهپور بهرامی، اردشیر زاهدی، خسرو اکمل.

این حادثه گذشته شدند .  
 - آیت الله شریعتمداری طی اعلامیه‌ای مردم را از توهین  
 به ارتش و ایجاد مزاحمت برای مردم به عنوان عمال رژیم  
 شاه برحذر داشت و خواستار تامین امنیت شهرها شد .  
 - رییس مجلس شورای ملی گفت: اگر مطمئن شود که شخص  
 امام دستور استعفا داد ماند، او هم استعفا خواهد کرد . \*  
 - سید جلال‌الدین تهرانی رییس شورای سلطنت برای  
 مذاکره با امام راهی پاریس شد .

#### بیست و هشتم دی ماه ۱۳۵۷

- تظاهرات و راه پیمایی در تهران و شهرستانها ادامه  
 داشت .  
 - امام اعلام کرد که : شاه خلع شده است و وزرای بختیار  
 و خود او باید استعفا بدهند .  
 - در تهران گفته شد که اعضای شورای انقلاب احتمالا  
 عبارتند از : دکتر کریم سنجابی ، مهندس سبزه‌پور ،  
 سرتیپ مدنی ، مهندس کتیرایی ، وحجت الاسلام هاشمی  
 رفسنجانی .  
 - دسته‌ی دیگری از نمایندگان مجلس شورای ملی استعفا  
 کردند . \*\*\*  
 - بختیار اعلام کرد : در ارتش بدون نظر من احدی  
 نمی‌تواند تصمیم بگیرد .  
 - ستاد ارتش اعلام کرد : عده‌ای شورشی‌گرد به رهبری  
 جلال طالبانی به يك پاسگاه ژاندارمری در منطقه‌ی  
 " سردشت " حمله کرده‌اند و دو کیلومتر وارد خاک ایران  
 شده‌اند .  
 - دو بیست و چهار نفر محکوم دادگاههای نظامی در  
 تهران آزاد شدند .  
 - " رضا پهلوی " در آمریکا گفت: اگر مردم بخواهند، حاضر

\* دکتر جواد سعید .

\*\* دکتر شیروانی ، مظهری ، مشیر ، افتخاری .

است جانشین پدرش بشود .

بیست و نهم دی ماه ۱۳۵۷

- تظاهرات عظیم " اربعین حسینی " که از روزهای قبل تدارک دیده می شد، در سراسر کشور برگزار گردید و طبق آمار خبرگزاریهای خارجی تعداد شرکت کنندگان در تهران بیش از سه میلیون نفر اعلام شد. تظاهرات تهران با قطعنامه‌ای که مورد تایید مردم قرار گرفت پایان یافت . \*

- ژاندارمری اعلام کرد جا به جایی نیروهای نظامی در کشورهای همسایه نگران کننده است .

- در آمریکا اعلام شد بختیار روی پوست موز ایستاده است .

سی ام دی ماه ۱۳۵۷ .

- بختیار گفت که : بر سر دو راهی است . مقاومت کند خونریزی می شود . استعفا کند کودتا می شود .

- سفارت ایران در واشینگتن در اختیار طرفداران " امام خمینی " قرار گرفت .

- " مسکو " اعلام کرد : شوروی نگران يك کودتای نظامی آمریکایی در ایران است .

- بختیار دستور آزادی تمامی زندانیان سیاسی را صادر کرد .

---

\* در این قطعنامه که مورد تایید مردم قرار گرفت این مسایل عنوان شده بود :

- تشکیل جمهوری اسلامی .
- خلع شاه از سلطنت و غیرقانونی بودن سلطنت خاندان پهلوی .
- غیرقانونی بودن دولت بختیار .
- غیرقانونی بودن مجلسین و شورای سلطنت .
- تقاضای تشکیل شورای انقلاب .
- تقاضای تشکیل دادگاههای انقلابی .

- عده‌ی دیگری از نمایندگان مجلس شورای ملی استعفا کردند . \*
- اولین " دادگاه اسلامی " در مسجد جامع شهرستان سلماس تشکیل می‌شود .
- دکتر سید علی شایگان ، دکتر سیف پور فاطمی و خسرو قشقایی در پاریس با امام ملاقات می‌کنند .
- چند صد نظامی که با فرماندهان خود اختلاف دارند در پایگاه شاه‌رخ‌ی همدان دست به اعتصاب غذا می‌زنند .
- چهار مرد مسلح با تهدید و ارباب يك میلیون و نیم تومان از بانک ملی زنجان سرقت می‌کنند .
- تظاهرات در تهران و شهرستانها با خشونت ادامه دارد .

#### اول بهمن ماه ۱۳۵۷

- آیت الله شریعتمداری مخالفت خود را با دولت بختیار اعلام می‌کند .
- بختیار می‌گوید : مسوولیت هر کشتاری ناشی از حوادث احتمالی آینده به گردن کسانی است که موجبات آن را فراهم کنند .
- وزارت امور خارجه پنج سفیر و کنسول را برکنار می‌کند .
- سازمان آزادی بخش فلسطین اعلام می‌کند که در آموزش دادن و مسلح کردن مخالفان شاه نقش بسیار اساسی داشته است و سرهنگ قذافی رهبر لیبی از طریق این سازمان به مخالفان شاه کمک نظامی می‌کرده است .
- روزنامه‌ی انگلیسی ( ساندی تلگراف ) گزارش داد که از يك سال پیش يك ارتش تعلیم دیده‌ی چریکی دوهزار نفری در ایران آمادگی کارزار برای ساقط کردن شاه بوده است .

---

\* قدرت‌الله واحدی ، حاج رستم رفعتی ، خانم دکتر صنیع ، کمیلی زاده ، پارسا .

- شش هزار نفر "همافر" و درجه دار کارمند در پایگاه  
شاهرخی همدان به عنوان همبستگی با مردم اعتصاب  
غذا کردند .

- در پاریس اطرافیان امام گفتند: دو هزار و سیصد نفر  
در پایگاههای هوایی دستگیر و تنی چند از آنها در  
دادگاه نظامی محکوم و اعدام شده اند .

- بازرگان استقرار جمهوری اسلامی را قطعی اعلام کرد  
و گفت: بین امام و بختیار توافق شده که بختیار به محض  
تشکیل دولت موقت استعفا کند و اعلام داشت که شورای  
انقلاب \* طی چند روز آینده تشکیل می شود . همچنین  
تاکید کرد که مذاکرات با فرماندهان ارتش در جریان  
است .

دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ .

- امام خمینی در پاریس اعلام کرد: در حکومت اسلامی  
دیکتاتوری وجود ندارد .

---

\* شورای انقلاب از اواسط حکومت شریف امامی تشکیل شد و وظیفه آن  
شناسایی افراد برای تشکیل دولت احتمالی آینده بود که اداره ی امور  
ملکت را به دست بگیرند .

اعضای اولیه ی شورای انقلاب عبارت بودند از حضرات آیات  
طالقانی و منتظری (چون این دو نفر در زندان بودند در جلسات  
اولیه شرکت نداشتند) مطهری، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی،  
باهر، دکتر بهشتی، خامنه‌ای و مهدوی کنی .  
سپس مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، مهندس کتیرایی و احمد صدر  
حاج سیدجوادی به شورا اضافه شدند .

پس از آن که دولت موقت تشکیل شد اعضایی که به عضویت کابینه  
درآمده بودند از شورای انقلاب خارج شدند و جای وزرا به آقایان  
ابوالحسن بنی صدر، ابراهیم یزدی و صادق قطب‌زاده داده شد، ولی  
مهندس بازرگان و بعضی از اعضای کابینه غالباً در جلسات شورا شرکت  
می کردند . (از سخنرانی دکتر بهشتی در دانشکده ی فنی در چهارم  
اسفندماه ۱۳۵۸ به نقل از روزنامه ی اطلاعات .)

- سید جلال الدین تهرانی پس از آن که از ریاست شورای سلطنت استعفا کرد و شورای مذکور را "غیر قانونی" خواند در پاریس به حضور امام پذیرفته شد .  
- آیت الله طالقانی هشدار داد که اگر ارتش کودتا کند، مردم مسلح می شوند .

- ارتشبد قره باغی گفت: ارتش از دولت قانونی بختیار حمایت خواهد کرد .

- پس از آن که اعلام شد "امام" بامداد فردا وارد تهران خواهد شد، بختیار به کارکنان اعتصابی هواپیمایی ملی گفت: در صورتی می توانند برای بازگشت امام — پرواز اختصاصی ترتیب دهند که قبلا اعتصاب خود را بشکنند .  
- یوسف خوش کیش از ریاست بانک مرکزی به دلیل "کسالت مزاج" کناره گرفت .

- نه نفر از نمایندگان که قبلا گفته بودند به دستور امام استعفا خواهند داد: اعلام کردند که "سنگر" رارها نخواهند کرد. دانشی تنها نماینده هی مجلس شورای ملی که ملبس به لباس روحانیت است این گفتهی وکیلان را تایید کرد .

- جبهه‌ی ملی طی نامه‌ای به توضیحات دکتر علی امینی که در روز بیست یکم دی ماه در روزنامه‌ها چاپ شده بود شدیداً حمله کرد و علی امینی را عاقد قرارداد نفت بعد از کودتای ۲۸ مرداد خواند .

- اردشیر زاهدی در آمریکا گفت: اگر دولت بختیار سقوط کند، ممکن است ارتش کودتا کند .

- شاه و فرح از مصر به مراکش رفتند .

- تظاهرات و راه پیمایی در سراسر مملکت ادامه داشت و در بعضی از شهرها تظاهرات به خون کشیده شد .

سوم بهمن ماه ۱۳۵۷ .

- يك سناتور از مقام خود استعفا کرد . \*

---

\* محمدرضا جلالی نایینی رییس کانون وکلای دادگستری تنها سناتوری

بود که به دولت شاپور بختیار هم رای مخالف داد .



- روزنامه‌ی "ایزوستیا" در شوروی برای نخستین بار از  
"امام خمینی" در برابر تبلیغات غرب و خصوصا آمریکا  
حمایت کرد.

- تظاهرات، اعتصاب و زد و خورد در سراسر کشور ادامه  
دارد.

چهارم بهمن ماه ۱۳۵۷.

- گروهی از افسران، درجه داران و همافران نیروی  
هوایی در تهران به طرفداری از "امام خمینی" راهپیمایی  
کردند.

- خبرگزاریها گزارش دادند: ممکن است علیه جان "امام"  
هنگام ورود به تهران سوء قصد شود و دولت پنج هزار  
مامور مخفی را برای حفظ جان او بسیج کرده است. خبر  
مشابهی از قول بختیار از رادیو "مونت کارلو" پخش  
شد.

- رادیو مسکو از قول روزنامه‌ی "پراودا" گفت: شعارهای  
آیت الله خمینی "مترقی" است.

- آیت الله پسندیده\* در قم با آیت الله شریعتمداری  
ملاقات کرد و پیام دوستانه‌ی امام را به ایشان تسلیم نمود.  
- رجوی طی نطقی در مسجد دانشگاه تهران گفت: اسلام  
دینی نیست که مبارزه را در انحصار گروه خاصی بداند.  
- بختیار به کارکنان اعتصابی تلویزیون گفت: برای پخش  
مستقیم جریان ورود "امام" اول باید اعتصاب خود را  
بشکنند.

- دولت آمریکا اعلام کرد: دو هزار بشکه سوخت برای  
مصرف ارتش به ایران می‌فرستد.  
- تظاهرات در سراسر کشور ادامه داشت.

پنجم بهمن ماه ۱۳۵۷.

- از ساعت يك بامداد فرودگاه مهرآباد تهران برای مدت

---

\* برادر بزرگ امام خمینی.

سه روز به دستور دولت به روی همهی هواپیماها به جز هواپیماهای نظامی بسته شد .

- دکتر ابراهیم یزدی در پاریس اعلام کرد : عزیمت "امام" به ایران سه روز عقب افتاده ، زیرا فرودگاههای ایران بسته است .

- دکتر فریدون کشاورز\* طی نامه‌ای از "لوزان" سویس به امام توصیه کرد که برای اجتناب از خطر نظامیان قبل از موقع به تهران عزیمت نکند .

- عدمای\*\* در تهران به هواداری از قانون اساسی تظاهرات کردند .

- بختیار در مصاحبهای با رادیو پاریس تاکید کرد که برای حفظ قانون اساسی خواهد کوشید .

- جبهه‌ی ملی طی اعلامیه‌ای تظاهرات طرفداران قانون اساسی را به شدت محکوم کرد .

- در تهران تظاهرات خونینی در گرفت .  
- پسر بختیار (نخست وزیر) به پاریس رفت و گفته شد که نامه‌ای از طرف پدرش برای امام برده است .

- کمیته‌ی استقبال از امام که با شرکت روحانیون تشکیل شده بود با دخالت مستقیم دولت در حفظ امنیت امام مخالفت کرد .

- نمایندگانی یا سرعرفات با پیامی از سوی وی در پاریس با امام ملاقات کرد .\*\*\*

---

\* دکتر فریدون کشاورز از سران حزب توده بود که در گنجینه‌ی قوام السلطنه وزیر شد . پس از واقعه‌ی دانشگاه در سال ۱۳۳۷ از کشور گریخت . سالها در مسکو و بغداد و الجزیره به سر می‌برد . کتابی برضد دیگر سران حزب توده زیر عنوان (من متهم می‌کنم) منتشر کرد و هم‌اکنون در سویس زندگی می‌کند . بعد از انقلاب هم یک نامه‌ی سرگشاده به عنوان امام نوشت .

\*\* خبرگزاریها تعداد این افراد را بین بیست تا سی هزار نفر مخابره کردند .

\*\*\* "ابراهیم سوسن" .

## - تظاهرات در شهرستانها ادامه داشت.

ششم بهمن ماه ۱۳۵۷.

- نیمه شب پنج نفر روزنامه نگار به وسیلهی فرمانداری نظامی دستگیر و توقیف شدند. \*
- وزیر دفاع آمریکا برضد دخالت احتمالی نظامی شوروی در ایران به مسکو شیدا اخطار کرد.
- در تظاهرات گستردهی تهران و شهرستانها چهل نفر کشته و عدهی کثیری زخمی شدند.
- هفته نامه‌ی "روزالیوسف" چاپ قاهره گزارش داد که: تعدادی از افسران ارتش و ساواک ایران به اسراییل پناهنده شدند.

هفتم بهمن ماه ۱۳۵۷.

- صد تن از روحانیون از جمله حضرات آیات: مطهری، آذری قمی، مهدی ربانی و یوسف صانعی به عنوان اعتراض به بسته بودن فرودگاه در مسجد دانشگاه تهران متحصن شدند.
- يك نفر از مدبران کل\*\* در وزارت امور خارجه طی نامه‌ای مجلس شورای ملی را ساخته و پرداخته‌ی "ساواک" نامید و از وزیر امور خارجه\*\*\* خواست کناره گیری کند.
- آیت الله شریعتمداری طی اطلاعیه‌ای ارتش را از دست زدن به کودکان برحذر داشت.
- بختیار طی اعلامیه‌ای اعلام کرد: طی چهل و هشت ساعت آینده شخصا برای دیدار با امام راهی پاریس خواهد شد تا "از محضر امام کسب فیض نماید".

---

\* مهدی بهشتی پور، جلیل خوشخو، فیروز گوران، مسعود مهاجر، نعمت ناظری.

\*\* فریدون فرخ - پدر او (مهدی فرخ - معتمد السلطنه) سالها در کابینه‌های بعد از شهریور سمت وزارت داشت.

\*\*\* میرفندرسکی.

- ارتش طی اعلامیای حمایت خود را از مسافرت بختیار به پاریس و دیدار با امام اعلام کرد .
- "امام خمینی طی نامه‌ای به علمای مقیم ایران گفت که "بختیار" را نخواهد پذیرفت .
- کمیته‌ی مرکزی حزب تودهی ایران در پاریس از اقدامات "بعضی گروههای مذهبی که می‌خواهند مانع آزادی دسته‌های دموکراتیک" شوند، انتقاد کرد .
- ارتش اعلام کرد صد "همافر" از یکی از شهرستانها به پادگان جمشیدیه تهران منتقل شدند .

#### هشتم بهمن ماه ۱۳۵۷ .

- يك نماينده‌ی مجلس شورای ملی هدف گلوله قرار گرفت\* .
- حاج مهدی عراقی\*\* در پاریس اعلام کرد : رزم آرا ، هژبر و منصور را فدایان اسلام اعدام کرده‌اند و بعد از آنها نوبت نصیری ، ایادی و دکتر اقبال بود .
- در تهران گفته شد امام ممکن است بختیار را بپذیرد .
- صادق قطب زاده در پاریس اعلام کرد اگر بختیار از سمت خود استعفا کند ، امام او را خواهد پذیرفت .
- چند خبرگزاری خارجی اعلام کردند بختیار به بعضی از وزرای خود گفته است امکان دارد از نخست وزیر استعفا کند .

---

\* غلامحسین دانشی تنها نماینده‌ی مجلس شورا که ملبس به لباس روحانیت بود ، از این حادثه جان سالم به در برد . "وی بعداً در دادگاه انقلاب محکوم به مرگ شد ."

"سازمان موحدین وابسته به فداییان اسلام " یک روز بعد مسوولیت این ترور را به گردن گرفت و اخطار کرد سایر نمایندگانی را که از امر امام پیروی نکنند نیز اعدام خواهد کرد . این سازمان در اطلاعیه‌ی خود ، ترور رییس کنسرسیوم اهواز ، انفجار شهربانی کرمان ، ترور سرهنگ سروری رییس یکی از دوایر ساواک تهران و حمله به پایگاه شماره‌ی ۲ فرمانداری نظامی اهواز را به عهده گرفت .

\*\* از رهبران فداییان اسلام که در ترور منصور بازداشت و محکوم شده بود .

- حضرات آیات طالقانی ، دکتر بهشتی ، منتظری  
 صدوقی ، طاهری اصفهانی ، خلخالی ، خامنه‌ای و  
 ناطق نوری به متحصنین مسجد دانشگاه پیوستند و تعداد  
 متحصنین به پانصد نفر رسید .  
 - در تظاهرات این روز تهران که به خون‌کشیده شد اماکن  
 عمومی از قبیل سینماها ، کاباره‌ها و اتوبوسها به آتش  
 کشیده شدند .  
 - در ستاد کل ژاندارمری تهران که مورد حمله قرار  
 گرفت عده‌های کشته و زخمی شدند .  
 - کنسول آمریکا در اصفهان از ترس مردم به خانه‌ی  
 آیت الله خادمی پناهنده شد .  
 - از پاریس گزارش شد: کسانی که با امام به ایران بازخواهند  
 گشت عبارتند از: دکتر ابراهیم یزدی ، ابوالحسن بنی‌صدر ،  
 صادق قطب‌زاده ، هادی غفاری ، فردوسی ، حاج مهدی  
 عراقی ، آیت الله اشراقی و حاج احمد آقا خمینی .

#### نهم بهمن ماه ۱۳۵۷ .

- بختیار دریک مصاحبه اعلام کرد: فرودگاه برای ورود امام  
 باز شده است . شاه به عنوان این که مسوولیت ندارد فرمانده  
 ارتش نیست . هرگونه تغییری در قانون اساسی باید از طریق  
 قانون باشد . او پست نخست وزیری را ترك نخواهد کرد .  
 - تهران و اکثر شهرستانها در آتش و خون بود و عده‌ی  
 کثیری کشته و مجروح شدند .  
 - پنج روزنامه نگار بازداشتی آزاد شدند .  
 - يك سرلشگر به دست مردم شديداً مضروب شد . \*  
 - رادیو لندن اعلام کرد : ایران به سرعت به سوی  
 هرج و مرج پیش می‌رود .

#### دهم بهمن ماه ۱۳۵۷ .

- در اکثر خیابانهای تهران آتش‌زبانه می‌کشید و عده‌های

---

\* تقی لطیفی رییس پرسنل ژاندارمری کل کشور .

کشته و مجروح می‌شدند .

- در اغلب شهرستانها موج خشونت شهرها را فرا گرفته است .

- ابوالحسن بنی‌صدر در پاریس اعلام کرد : با وجود باز شدن فرودگاه بازگشت امام بیست و چهار ساعت به تاخیر افتاده است .

- نمایندگان غیر مستعفی مجلس اعلام کردند تا مین جانی ندارند ولی سنگر را خالی نخواهند کرد .

- دولت آمریکا دستور تخلیه‌ی کلیه‌ی غیر نظامیان و خانواده‌های آمریکایی مقیم ایران را صادر کرد .

- پراودا از قول مقامات دولت شوروی نوشت : کودتای نظامی آمریکایی در شرف انجام است .

یازدهم بهمن ماه ۱۳۵۷ .

- صد و هفتاد و دو نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی اعلام کردند مجلس را ترك نمی‌کنند . \*

- گروهی از خبرنگاران خارجی از پاریس وارد تهران شدند \*\* و امیر قطب زاده آنها را همراهی می‌کرد . \*\*\*

- ارتش در خیابانهای تهران با اسلحه‌ی سنگین يك نمایش قدرت وسیع ترتیب داد .

- دولت لیبی اعلام کرد : به انقلاب ایران از نظر مادی ، اخلاقی و سیاسی کمک خواهد کرد .

دوازدهم بهمن ماه ۱۳۵۷

- از نیمه‌های شب مردم تهران و آن عده که از شهرستانها به تهران آمده بودند : از فرودگاه مهرآباد ، میدان

---

\* دفتر مجلس به روزنامه‌ها اعلام کرد تا امروز سی و دو استعفا به مجلس رسیده است .

\*\* چهل نفر .

\*\*\* برادر صادق قطب زاده .

شهیداد، خیابان آیزنهاور، شاهرضا\* و تمامی خیابانهایی که تا بهشت زهرا امتداد داشت، گرد آمده بودند. در حدود ساعت هشت صبح رفت و آمد در پیاده رویهای کلیه این جاده‌ها و خیابانها غیرممکن بود. افراد عادی و جوانان که آرام انتظامات داشتند سطح خیابانها را کنترل می‌کردند. در کلیه پشت بامها و ساختمانهای نیمه تمام جمعیتی که به شمارش نمی‌آمد موج می‌زد.\*\*\*

- در فرودگاه مهرآباد هیات مستقبلین که عبارت از روحانیون، اعضای نهضت آزادی، بعضی از اعضای جبهه ملی، و سایر احزاب بودند حضور داشتند. جمعیت در محوطه فرودگاه قابل شمارش نبود، ولی نکته‌ی جالب آن که با همه‌ی این ازدحام به هیچ‌وجه نظم و ترتیب از دست داده نمی‌شد و به این ترتیب در میان استقبالی که در تاریخ ایران و شاید نسبت به جمعیت (ایران) در جهان سابقه نداشت امام خمینی وارد تهران شد.\*\*\*

از فرودگاه تا بهشت زهرا اتومبیل حامل امام چون نگین انگشتی در میان سیل جمعیت بود و در بهشت زهرا کثرت جمعیت به حدی بود که عبور و مرور امکان نداشت. امام "در بهشت زهرا سخنرانی مفصلی ایراد کرد"\*\*\*\* و

---

اسامی خیابانها به ترتیبی که آن روز خوانده می‌شد آورده شده است  
\* (بدیهی است که این نامها بعدا تغییر کرد).

بعضی خبرگزاریهای خارجی تعداد جمعیت را بین سه تا چهار میلیون نفر تخمین زدند و برخی جمعیت را نزدیک به دو میلیون نفر دانستند.

افرادى که همراه امام به تهران آمدند عبارت بودند از: بنی‌صدر، حسن حبیبی، قطب‌زاده، دکتر یزدی، حاج احمد خمینی، صادق طباطبایی، حجت‌الاسلام حسن لاهوتی، داریوش فروهر، همسر امام، و حجت‌الاسلام اشراقی.

در این سخنرانی، امام پس از تشکر از ملت "که همه چیز را در راه خدا داد"، به انتقاد از رژیم پرداخت و نارساییهای گذشته را برشمرد: "فرهنگ ما را به صورت یک فرهنگ عقب مانده نگاه داشت. ارتش را

از آن جا به مدرسه‌ی علوی که به عنوان اقامتگاه برای ایشان آماده شده بود، رفت.

- فرمانداری نظامی اجتماعات را به مدت سه روز آزاد اعلام کرد.

- دکتر علی آبادی از عضویت شورای سلطنت استعفا کرد.

- در کرمان تظاهرات مردم به خون کشیده شد و یک سرهنگ شهربانی به قتل رسید.\*

بیوگرافی امام خمینی



سید روح الله موسوی در تاریخ ۲۰ جمادی الآخر سال

---

تابع ارتش و مستشاران غیر کرد. مملکت را خراب کرد. قبرستانهای ما را آباد کرد. مملکت را از ناحیه‌ی اقتصاد خراب کرد. تمام نفت ما را به غیر دادند. اصلاحات ارضی یک لطمه‌ای بود. زراعت مابه کلی از بین رفت و شما در همه چیز به خارج محتاج هستید. . . . " سپس، ضمن تاکید بر این که " مجلس که بدون رای و بدون اطلاع و رضایت مردم تعیین شده، غیرقانونی است"، بدون آن که اسمی از بختیار ببرد، افزود: " من توی دهن این دولت خواهم زد. من دولت تعیین خواهم کرد. " تاریخ سیاسی معاصر ایران - جلد دوم - صفحه‌های ۸-۲۳۲.

\* رضا معتمدی رییس شهربانی کرمان.



۱۳۲۰ هجری قمری در شهرستان خمین زاده شد. پدر وی مرحوم مصطفی موسوی از روحانیون خمین بود که در راه "خمین - اراک" مورد سوء قصد افراد یکی از مالکان خمین قرار می‌گیرد و بر اثر اصابت گلوله در ۴۷ سالگی بدرود حیات می‌گردد.

امام خمینی در پانزده سالگی با شرایط فرهنگی آن زمان تحصیلات ابتدایی خود را به پایان می‌برد و سپس در محضر برادر خود آیت الله پسندیده به تحصیل علوم اسلامی می‌پردازد. در سال ۱۳۳۹ قمری عازم اراک می‌شود و در حوزه‌ی درس مرحوم آیت الله حایری به تحصیلات خویش ادامه می‌دهد. در سال ۱۳۴۰ قمری که حوزه‌ی علمیه به قم منتقل می‌شود، وی نیز همراه مرحوم حایری به قم می‌آید و در مدرسه‌ی "دارالشفاء" مسکن می‌گزیند. تا سال ۱۳۴۵ قمری سطوح عالی را به پایان می‌رساند و در سال ۱۳۵۵ قمری پس از درگذشت آیت الله حایری به عنوان مجتهد، به تدریس معقول و منقول می‌پردازد. در زمان رضاشاه بارها مجلس درس ایشان تعطیل می‌شود.

پس از شهریور بیست حوزه‌ی درسی خود را به مدرسه‌ی فیضیه منتقل می‌کند و کتاب کشف الاسرار را درباره‌ی ( گوشه‌هایی از جنایتهای رضاخان قلدرد ) منتشر می‌کند.

در زمان مرحوم بروجردی حوزه‌ی درس ایشان برقرار بود.

در دولت اسدالله علم در سال ۱۳۴۱، جنبش اسلامی به رهبری امام آغاز می‌گردد. در مهرماه سال ۱۳۴۱ که لایحه‌ی انجمنهای ایالتی و ولایتی به تصویب می‌رسد، امام خمینی علمای حوزه‌ی علمیه‌ی قم را به شور می‌گیرد و سپس طی تلگرافی به شاه اعلام مخالفت با اجرای این لایحه می‌نماید و الغای فوری آن را خواستار می‌شود. تلگراف در روز ۱۷ مهرماه ۱۳۴۱ مخابره می‌شود و پس از یک هفته تلگرافی به قم از سوی دربار مخابره می‌گردد که: شاه در جواب کوشیده بود با خطاب عنوان حجه‌الاسلام مساله را ساده جلوه داده، به "امام" گوشزد نماید که اول، شما رابه عنوان آیت الله و مرجع تقلید نمی‌شناسم و دوم، کار شما هدایت عوام است، نه دخالت در سیاست مملکت و در پایان گفته بود موضوع محول به دولت گردیده است.

امام خمینی پس از دریافت این جواب تلگرافی به اسدالله

علم مخایره می‌کند و در آن اضافه بر اخطار به دولت در مورد جلوگیری از اعمال خلاف اسلام و قانون اساسی، لغو فوری لایحه را خواستار می‌شود. پس از آن دو تلگراف دیگر هم با لحنی تند به شاه و نخست‌وزیر مخابره می‌کند و طی نامه‌ها و اعلامیه‌هایی مردم را دعوت به مبارزه برای حفظ اسلام می‌نماید. نفوذ روز افزون امام در سراسر کشور شاه را سراسیمه می‌کند و می‌کوشد او را از صحنه خارج سازد. به همین دلیل پس از یک ماه ونیم طی تلگرافی به عنوان آیات عظام: گلپایگانی، شریعت‌مداری و نجفی مرعشی اعلام می‌کند شرط اسلام و قسم به قرآن را طبق نظر آقایان می‌پذیرد و شرایط دیگر را به نظر مجلس محول می‌کند.<sup>۲۰\*</sup> ولی امام خمینی به این جواب قانع نمی‌شود و اعلامیه‌های دیگری منتشر می‌کند. شاه که به نظر خود از راه مسالمت‌آمیز نتوانسته بود کساری از پیش ببرد، اعلام می‌کند هر نوع تظاهرات را سرکوبی خواهد کرد و دستور اجرای لایحه از طرف دولت صادر می‌شود. ولی این تهدید دولت نه تنها سودی نمی‌بخشد، که بر شدت تظاهرات در قم می‌افزاید. به همین مناسبت در آذر ماه ۱۳۴۱ دولت

\* در اصول ۹۲ و ۹۱ متمم قانون اساسی تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی پیش بینی و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در مواد ۷ و ۹ نظامنامه‌ی انجمن مصوب دوره‌ی اول مجلس معین شده بود و سه امر را در برداشت:

- ۱- باید متدین به دین حنیف اسلام باشند و فساد عقیده نداشته باشند.
  - ۲- هنگام سوگند باید به قرآن مجید سوگند یاد نمایند.
  - ۳- طایفه‌ی نسوان از انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم اند.
- مطبوعات روز ۱۶ مهر ماه ۱۳۴۱ اعلام داشتند که دولت لایحه‌ی انجمنهای ایالتی و ولایتی جدید را تصویب کرده است و متن آن را انتشار دادند.

در متن مصوب قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف و به جای سوگند به قرآن به کتاب آسمانی قید شده بود. به زنان حق رای داده بودند. تاریخ سیاسی معاصر ایران - جلد اول - صفحه‌ی

مجبور می‌شود طی تلگرافی به علما الغای لایحه را اعلام نماید. ولی امام خمینی طی سخنرانی از مردم می‌خواهد تا الغای لایحه در جراید رسماً اعلام نشود از مبارزه دست بردارند و بازارها را باز نکنند. که این تهدید اثر می‌کند و در تاریخ دهم آذر ماه در جراید رسماً موضوع اعلام می‌شود. روز ششم بهمن که همه پرسى اصول انقلاب سفید انجام می‌شود "امام خمینی" اعلامیه‌ای در مورد این اصول منتشر می‌کند و این اقدام را غیرقانونی می‌خواند و متذکر می‌شود: "اساساً رفتارم یا تصویب ملی در قبال اسلام ارزشی ندارد." همچنین در آستانه‌ی عید نوروز سال ۱۳۴۲ عید را عزای عمومی اعلام می‌کند.

در روز دوم فروردین ماه ۱۳۴۲ که مصادف با شهادت امام صادق (ع) بود عده‌ای کماند و به رهبری سرهنگ مولوی\* معاون ساواک تهران به قم می‌روند و به مجلس عزایی که از طرف آیت الله گلپایگانی در مدرسه فیضیه برقرار بود هجوم آورده، با فریادهای "جاوید شاه" به مردم حمله کرده، عده‌ی کثیری را مصدوم و مجروح می‌نمایند. شماری از طلاب نیز کشته می‌شوند. این خبر در سراسر کشور انتشار می‌یابد، ولی رادیو و تلویزیون کوچکترین خبری درباره‌ی آن چه گذشته منتشر نمی‌کنند. روزنامه‌ها هم مطلبی نمی‌نویسند. امام خمینی روز بعد در يك سخنرانی بسیار شدید اللحن دستگاه حاکم را که "مسبب این جنایت" است "اعقاب چنگیز" می‌خواند و در اعلامیه‌ای می‌نویسد:

"من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های ماموران شما حاضر کرده‌ام ولی برای زورگوییها و خضوع در مقابل جباریهای شما حاضر نخواهم کرد."

پس از این وقایع مرحوم آیت الله حکیم که در آن موقع در قید حیات بودند، طی تلگرافی پس از اظهار همدردی علماً را دعوت می‌کند که به عتبات عالیات (نجف اشرف) مهاجرت نمایند.

---

\* تا درجه‌ی سرلشگری ارتقا یافت ولی در یک حادثه‌ی هوایی با هلیکوپتر در یک روز تعطیل در جاده‌ی تهران آبلعی کشته شد.

این تلگراف از طرف دربار به قم ارسال می‌شود و به وسیله آیت الله شریعتمداری با پیامی که شاه به شرح زیر داده بود به امام خمینی داده می‌شود: "تلگرافی از آیت الله حکیم به دست شما می‌رسد که شما را به خارج شدن از ایران و رفتن به نجف دعوت کرده است. اگر بخواهید بروید، دولت وسایل رفتن شما را فراهم می‌کند. ولی اگر بخواهید روی این تلگراف سروصدا راه بیندازید، به شدت مجازات خواهید شد."

پاسخ این تلگراف روز بعد به عنوان آیت الله حکیم به این شرح از طرف "امام خمینی" داده می‌شود: "ما تکلیف الهی خود را انشاءالله ادامه خواهیم داد و باحدی الحسینین نایل خواهیم شد. یا کوتاهی دست خائنین از حریم اسلام و قرآن و یا جوار رحمت حق جل و علا. انی لاری الموت الالسعاده و الحیوه مع الظالمین لا ابرما."

تظاهرات و سخنرانی در قم و بعضی از شهرستانها همچنان تا چهلّم حوادث فیضیه ادامه می‌یابد و در این روز سخنرانی شدیدالحن دیگری از سوی امام خطاب به شاه ایراد می‌شود.

پس از ایراد این سخنرانی در روز ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۲ قیام مردم تهران آغاز شد و در آن روز ارتش اقدام به سرکوبی قیام کنندگان کرد.

ساعت سه بعد از نیمه شب ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۲ امام خمینی به وسیله افرادی که از تهران به قم اعزام شده بودند دستگیر و به تهران منتقل و در پادگان قصر زندانی می‌شود. در تاریخ ۱۸ فروردین ماه سال ۱۳۴۳ از زندان آزاد می‌شود، ولی به شدت تحت نظر قرار می‌گیرد. تا این که در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳ در قم پس از سخنرانی معروف خود علیه تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون به وسیله‌ی ماموران دولت (حسنعلی منصور) دستگیر و به ترکیه تبعید می‌گردد.

در نهم جمادی الآخر سال ۱۳۸۵ (برابر با ۱۳۴۴ خورشیدی) پس از یک سال تبعید از ترکیه به نجف اشرف منتقل می‌شود. در نجف حکومت اسلامی و طرح آن را رسماً عنوان می‌کند و علیه جشنهای ۲۵۰۰ ساله و حزب رستاخیز اعلامیه‌های

شدیدالاحنی منتشر می‌کند. در عین حال که رهبری جنبشهای اسلامی را از همان جا هدایت می‌نماید. در دی ماه ۱۳۵۶ (دولت آموزگار) به دنبال چاپ مقاله‌ای توهین آمیز بر ضد امام، طلاب قم دست به تظاهرات و راه پیمایی می‌زنند و در این جریان عدای کشته و مجروح و دستگیر می‌شوند.

در بهمن ماه ۱۳۵۶ در اغلب شهرستانها به حمایت "امام خمینی" تظاهراتی برپا می‌شود و در ۲۹ بهمن تظاهرات گسترده‌ای در تبریز انجام می‌گیرد که در آن بانکها، سینماها، مشروب فروشیها، ساختمانهای دولتی و حزب رستاخیز مورد حمله‌ی تظاهرکنندگان قرار می‌گیرد. این تظاهرات تا مرداد ماه ۱۳۵۷ در اغلب شهرستانها با شرکت گروههای سیاسی ادامه می‌یابد.

در ۲۲ مرداد "امام خمینی" طی اعلامیه‌ای از شهدای این تظاهرات تجلیل می‌کند.

در ۲۹ مرداد ماه ۱۳۵۷ آتش سوزی مهیبی هفتصد و بیست نفر را در آبادان (در سینمای رکس) به کام مرگ فرو می‌برد. در هفتم شهریور ماه ۱۳۵۷ تلاش حکومت برای بازگرداندن "امام" به ایران و وادار کردن ایشان به سازش با شکست رو به رو می‌شود.

در دوم مهر ماه ۱۳۵۷ منزل امام در نجف به وسیله‌ی ارتش عراق محاصره می‌شود و این امر موجب اعتراض مردم ایران می‌گردد. در ۱۳ مهر ماه ۱۳۵۷ "امام خمینی" عراق را به قصد مهاجرت به کویت ترك می‌کند ولی از طرف آن دولت اجازه‌ی اقامت داده نمی‌شود. "امام خمینی" به راهنمایی دکتر ابراهیم یزدی که در نجف به امام پیوسته بود، عازم پاریس می‌شود و پس از صد و نوزده روز اقامت در پاریس و بینش از نزدیک ۱۵ سال دوری، به ایران باز می‌گردد.

سیزدهم بهمن ماه ۱۳۵۷.

- آمریکا اعلام می‌کند که: به طور رسمی همچنان از بختیار و دولت او پشتیبانی خواهد کرد، ولی با نمایندگان آیت الله خمینی هم تماس دارد.

- هزاران نفر از مردم تهران در اقامتگاه امام به دیدار ایشان می‌روند . \*
- کمیته‌ی اجرایی حزب توده‌ی ایران در تهران در بیانیه‌ی رسماً خواستار مبارزه‌ی مسلحانه با دولت بختیار می‌شود .
- رادیولندن اعلام می‌کند: لغو خرید اسلحه از سوی ایران اوضاع سیاسی و اقتصادی جهان را برهم خواهد زد .
- يك مقام عالی‌رتبه‌ی " ساواک " ترور می‌شود . \*\*\*
- سازمان امنیت و اطلاعات کشور ( ساواک ) طی يك اعلامیه‌ی رسمی از مقامات مسوول ودینی تقاضای رسیدگی به ترور یکی از اعضای عالی‌رتبه‌ی خود را می‌کند .

چهاردهم بهمن‌ماه ۱۳۵۷ .

- " امام خمینی " تشکیل شورای انقلاب را بدون ذکر نام افراد اعلام می‌کند .
- بختیار اعلام می‌کند که : دولت او در مسایل اجتماعی و مذهبی با امام مشورت خواهد کرد .
- شهردار تهران \*\*\* در ملاقات با امام دولت بختیار را غیرقانونی اعلام می‌کند و استعفای خود را به امام تسلیم می‌دارد .
- امام می‌گوید: دولت را به زودی معرفی می‌کنم ، برای جهاد می‌توانیم اسلحه تهیه کنیم ، با ارتش در تماس بود ه‌ایم و باز هم خواهیم بود .
- امام خواستار رفع اختلاف دانشگاه با روحانیت می‌شود .
- " همافران " پایگاه " وحدتی " به نفع امام تظاهراتی انجام می‌دهند و با همقطاران مخالف خود به زد و خورد می‌پردازند .
- چهار صد و پنجاه " همافر " اعتصابی از همدان به تبریز منتقل می‌گردند .

---

\* اداره‌کننده‌ی اقامتگاه " امام خمینی " حجت‌الاسلام دکتر مفتاح بود .

\*\* فریدون زند قهرمان سابق مشت‌زنی .

\*\*\* مهندس جواد شهرستانی .

- عده‌ی کثیری از افراد، درجه داران، افسران و "همافران" نیروی هوایی با لباس رسمی از برابر اقامتگاه امام رژه می‌روند که با استقبال شورانگیز مردم روبرو می‌شود.  
- بنی صدر در يك مصاحبه اعلام می‌کند: بانکها باید ملی شوند \*

- در پایان جلسه‌ی مهمی که در حضور امام تشکیل می‌گردد از مهندس بازرگان برای احراز مقام نخست‌وزیری نام برده می‌شود \*

- سنجابی در يك مصاحبه می‌گوید: خودش هم نمی‌داند در دولت آینده نقشی خواهد داشت یا نه \*

- حزب توده‌ی ایران سالروز مرگ دکتر تقی ارانی را پس از حدود سی سال يك بار دیگر در مزار او برگزار می‌کند \*

- برای نخستین بار يك مامور کمیته‌ی اسلامی در تهران به ضرب چاقوی افراد ناشناس از پای می‌آید \*

پانزدهم بهمن ماه ۱۳۵۷ \*

- دو نفر از اعضای صاحب‌مقام در حکومت‌های گذشته به وسیله‌ی حکومت نظامی دستگیر می‌شوند \*

- ارتش در اعلامیه‌ای در پاسخ اظهارات دیروز امام هرگونه تماس با ایشان را تکذیب می‌کند \*

- دستور دستگیری جواد شهرستانی از طرف بختیار به ماموران انتظامی داده می‌شود \*

- بختیار در يك مصاحبه اعلام می‌کند که: جواب کوکتل مولوتف را با کوکتل مولوتف می‌دهم. کسانی را که جنگ داخلی به راه اندازند و یا حتی برای آن تبلیغ کنند به جوخه‌ی اعدام می‌سپرم، نخست‌وزیر امام اگر وارد عمل شود توقیف خواهد شد. دولت اسلامی فقط در حدود شهر قم آزاد است و ایران هم صاحب يك واتیکان خواهد شد.  
- از طرف دولت بختیار قرارداد ده میلیارد دلاری خرید اسلحه از آمریکا لغو می‌شود \*

---

\* دکتر هوشنگ نهاوندی، دکتر عبدالمجید مجیدی.

- ارتشبد جم در لندن اعلام می‌کند که تنها راه پایان  
بحران سازش روحانیت با ارتش است.  
- دکتر کیانوری دبیر کل حزب توده‌ی ایران در مصاحبه‌ای  
با خبرنگار نیوزویک اعلام کرد: حزب توده می‌تواند  
مدتهای بسیار طولانی با آیت الله خمینی مسیر مشترک  
داشته باشد و برای تقسیم نهایی قدرت به "جبهه‌ی  
متحدی" می‌اندیشد. او گفت: اصولا بین سوسیالیست  
علمی و محتوای اجتماعی اسلام چندان تفاوتی وجود  
ندارد.\*

- در روزنامه‌ها اعلام شد: عدای از نمایندگان مستعفی  
مجلس شورا با امام ملاقات کردند.\*\*\*  
- نقش بازرگان در دولت انقلابی مورد بحث روزنامه‌ها و  
خبرگزاریها بود.  
- برای نخستین بار از سوی دولت در تاریخ بانک ملی  
ایران برداشت پس انداز و سپرده از حساب شخصی  
افراد در بانکها محدود می‌شود.  
در اکثر شهرستانها حوادث خونینی به وقوع پیوست.

شانزدهم بهمن ماه ۱۳۵۷.

- نام بازرگان به عنوان نخست وزیر انقلاب در صدر  
روزنامه‌ها می‌آید.  
- ژنرال "هويزر" آمریکایی تهران را ترک می‌کند.  
- علی اصغر حاج سید جوادى به اتهام توهین به ارتش  
از طرف حکومت نظامی بازداشت می‌شود.  
- روزنامه‌ی گاردین نوشت به شاه قویا توصیه شد مبه‌ایران  
برگردد و با کمک ارتش نظم را برقرار سازد.\*\*\*

---

\* برای درک واقعیت این "دروغ بزرگ" بایستی به نشریات حزب توده  
و افکار مارکسیست - لنینیستها مراجعه شود.  
\*\* فرمان، هرندی، قدمی، محمد جزایری، اسکویی، افتخار، متولی،  
عادلی، شهبازی، پارسا مطلق.  
\*\*\* این روزنامه منبع خبر خود را فاش نکرده بود.



- ستاد ارتش اعلام می‌کند: هرکس به ارتش توهین کند و یا باعث تضعیف روحیه‌ی پرسنل شود، به شدت تعقیب خواهد شد .

- دو نماینده‌ی مجلس شورای ملی استعفای خود را پس می‌گیرند .\*

- بنی‌صدر اعلام می‌کند: تماس با ارتش تشویق آمیز بوده است .

- یکی از وزرای پیشین به وسیله‌ی فرمانداری نظامی توقیف می‌گردد .\*\*\*

- دولت سه هزار صاحب‌مقام از سطح مدیرکل به بالا را ممنوع‌الخروج اعلام می‌کند .

- خسرو قشقایی به ایران باز می‌گردد .

- ارتشید قره باغی در مراسم سوگند دانشجویان دانشکده‌ی افسری به جای سوگند برای حفظ قانون اساسی از ( حقوق اساسی ) نام می‌برد .

- برای اولین بار يك دادگاه اسلامی در مشهد حد شرعی را به صورت بیست و پنج ضربه شلاق جاری می‌کند .\*\*\*

- دکتر جواد سعید از طرف مجلس رسماً به امام خیر مقدم می‌گوید و خواستار مذاکره برای خروج مسالمت‌آمیز مملکت از بن بست می‌گردد .\*\*\*\*

---

\* دکتر شیروانی و سلیمانی .

\*\* دکتر غلامرضا کیانپور ،

\*\*\* حاکم شرع آیت‌الله شیرازی بود و مجرمین چهار جوان ۱۷ تا ۲۰ ساله

که جرم آنها اقدام به سرقت بود .

\*\*\*\* از پزشکپور نقل کرده‌اند که گفته بود : با دکتر سعید مذاکره کردیم و

قرار شد جلسه‌ی علنی مجلس را دعوت کند تا مجلس دولت بختیار

را عزل نماید و حکومت بازرگان را به رسمیت بشناسد . دکتر سعید با

این نظر موافق شد و قرار بر این گذاشتیم که سریعاً تاریخ تشکیل جلسه

را اعلام کند تا ما قبل از مهلت قانونی استعفای خود را پس گرفته ،

در جلسه برای انجام این کار شرکت نماییم . پزشکپور می‌گوید : ولی

بعدها به دلایلی که من از آن بی‌اطلاع هستم ، دکتر سعید این کار را نکرد .

- فرمان نخست وزیری مهندس مهدی بازرگان به امضای امام و با تاریخ ششم ربیع الاول ۱۳۹۹ برابر ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۷ انتشار یافت.

- در این فرمان بازرگان مامور شده است: اداره‌ی امور مملکت را به عهده بگیرد، مقدمات رفراندم، دربارهی تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی را فراهم سازد، مقدمات تشکیل مجلس موسسان را آماده نماید، اعضای دولت موقت را طبق شرایطی که تعیین شده است معین کند.

- بازرگان می‌گوید: قصد رفتن به کاخ نخست وزیری راندارم و کارها قدم به قدم و با مسالمت حل خواهد شد.

- در تظاهرات گسترده و عظیم مردم در شهرستانها و خصوصا در تهران این فریاد بازرگان، بازرگان، حکومت مبارک به گوش می‌رسد:

- بختیار با هلیکوپتر به مجلس شورای ملی می‌رود و در آن جا می‌گوید: اگر تمام نمایندگان استعفا بدهند من تا انتخابات بعد خواهم ماند.

- وزیر امور خارجه‌ی بختیار اعلام می‌کند: ایران از پیمان سنتو خارج خواهد شد.

- لوایح انحلال "ساواک" و محاکمهی وزرا در مجلس شورای ملی تصویب می‌شود.

- جنگندهای نیروی هوایی در آسمان تهران قدرت‌نمایی می‌کنند.

- قطب زاده می‌گوید: امام با سلاح ایمان برسی میلیارد دلار اسلحه و پنجاه هزار مستشار آمریکایی پیروز شد. در جمهوری اسلامی دیکتاتوری مذهبی جایی ندارد.

- رییس ستاد ارتش آمریکا می‌گوید: از یکپارچگی ارتش ایران اطمینان دارد.

- بازرگان در يك مصاحبه اعلام می‌کند: کابینه‌ی من خیالی نیست!

- کیسینجر وزیر امور خارجه‌ی پیشین آمریکا اعلام می‌کند

چنان چه حکومت آیت الله خمینی بر سر کار آید طی دو سال در ایران آزادی محدود می شود ، ثروت مردم کمتر و همبستگی ایران با غرب و کوشش برای عمران و آبادی ضعیف تر خواهد شد . وی گفت دولت احتمالی دید وسیع دولتهای قبلی را نخواهد داشت .

- آمریکا اعلام می کند که بختیار را نخست وزیر قانونی ایران می شناسد .

- رادیو لندن اعلام می کند : ژنرالهای ارتش ایران بازرگان را در قبال انجام عملیاتی از قبیل همه پرسه تهدید کرده اند .

- روزنامه ی پراودا ، ارگان حزب کمونیست شوروی ، از بازرگان حمایت می کند .

- آیت الله طالقانی در اطلاعیهای تعداد کسانی را که بایستی مجازات شوند و او آنها را جنایت کار می داند در حدود یک هزار نفر تخمین می زند .

بیوگرافی مهندس مهدی بازرگان



مهندس بازرگان استاد دانشکده ی فنی دانشگاه تهران ، در ماههای اول خلع ید " از شرکت نفت ایران وانگلیس " با دکتر محمد مصدق همکاری کرد ولی سپس این همکاری را " خود " به دلایلی قطع کرد . در ماههای آخر حکومت دکتر مصدق به پیشنهاد مهندس احمد زنگنه رییس وقت سازمان برنامه ، از

سوی صدق به سمت مدیر کل آب تهران منصوب شد. با سقوط حکومت دکتر صدق و روی کار آمدن کابینه‌ی کودتا همکاری خود را با سرلشگر زاهدی ادامه داد و خود وی می‌گوید: یک روز تیمسار زاهدی بالحنی مخلوط از تهدید و تحبیب به من می‌گفت: "خیال نکنید که من نمی‌دانم شما آن جا هستیید خیلی به من فشار می‌آورند شاهنده" را جای شما بگذارم ولی

از آن جا که عباس شاهنده و روزنامه‌ای که وی صاحب امتیاز و ناشرش بود از سالهای بعد از "شهریور بیست" تا ماههای اول "انقلاب اسلامی" یکی از روزنامه‌های جنجالی بوده است، در این جا نقل حکایتی مفید فایده است تا خوانندگان این تاریخ با موقعیت سیاسی و اجتماعی شاهنده و افرادی همانند وی آشنا شوند.

عباس شاهنده از شروع فعالیت حزب توده (سال ۱۳۲۱) یکی از فعالان آن حزب به شمار می‌آمد و روزنامه‌ی فرمان هم در حقیقت ناشر افکار حزب توده‌ی ایران بود، البته بدون ذکر وابستگی ارگان حزب توده در آن موقع روزنامه‌ی رهبر و بعد مردم بود ولی روزنامه‌های دیگری هم سنگ حزب را دودستی به سینه می‌زدند.

در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ که احمد قوام نخست‌وزیر وقت حزب دموکرات ایران را تشکیل داد، "جشن صدمین روز تاسیس آن یکی از وقایع قابل تامل تاریخ ایران در آن روزها است". عباس شاهنده یکی از فعالان سرشناس آن حزب به حساب می‌آمد، خصوصا با توجه به این که در آن روزها مدیرکلی شهرداری تهران را نیز "یدک" می‌کشید.

دوستان احمد قوام که از همکاری شاهنده و نقش او و روزنامه‌اش در عذاب بودند، مرتباً به احمد قوام از این که به چنین آدمی تا این حد میدان داده است و او را از نزدیکان خود قلمداد می‌کند، اعتراض می‌کردند. به گفته‌ی یکی از نزدیکترین دوستان قوام السلطنه، احمد قوام که از این طعنه‌ها به جان آمده بود و ضمناً وجود امثال شاهنده را برای پیشرفت مقاصد سیاسی خود مفید می‌دانست در یکی از روزها که دوستان ناراضی مجدداً در مورد شاهنده در حضور

این کار را نکرده‌ام\* .

ولی پس از مدتی از آن کار برکنار می‌شود و خود نیز استعفایی به این شرح می‌دهد :

\* تیمسار سرتیپ جهانیانی معاونت محترم وزارت کشور .

به عرض می‌رساند: روز پنجشنبه ۸ / ۱۱ / ۱۳۳۲ این جانب را احضار و ابلاغ فرمودید که بنا به دستور جناب آقای نخست وزیر لازم است در صورت تمایل به ادامه‌ی خدمت در سازمان لوله‌کشی آب تهران از فعالیت‌های انتخاباتی و سیاسی که احیانا علیه دولت تعبیر شود خود داری‌نمایم و مقرر فرمودید تا روز شنبه نظر قطعی را به استحضار آن جناب برسانم . این جانب روز شنبه ۱۰ / ۱۱ / ۱۳۳۲ حضورا توضیح دادم و تصریح نمودم که: در اداره و با وسایل اداری مانند کارمند وظیفه شناس و با انضباطی و وظایف محوله را از روی علاقه و کوشش تمام و بدون مخالفت با نظرات دولت متبوع انجام

---

"وی" به قوام شکایت می‌کنند، می‌گویند: دوستان عزیز من! شما که اکنون در خانه‌ی من هستید و در سالن پذیرایی نشسته‌اید می‌دانید که این خانه تنها این سالن نیست. اتاق‌های متعددی دارد: سالن ناهارخوری، اتاق‌های خواب، انبارهای زیاد، گاراژ، گل‌خانه، و دهها سوراخ و سنبه‌ی دیگر، به اضافه‌ی چندین... . حال شما برای من هر یک به منزله‌ی یکی از آن مکانها که نام بردم هستید. این شاهنده هم یکی از... ها است. و بعد می‌گویند: شما خیال می‌کنید می‌شود خانه‌ای ساخت و در آن... تعبیه نکرد.

بدیهی است عباس شاهنده به علت همین شهرت هیچ‌گاه از مدیر روزنامه‌ی فرمان بودن پا فراتر نگذاشت و با این که بسیار کوشید که در دوره‌ی رستاخیزی<sup>۱</sup> به وکالت مجلس انتخاب شود، به این امر توفیق نیافت ولی سرانجام توانست یکی از فرزندان خود به نام بهمن شاهنده را از "بیجار" به عنوان نماینده به دوره‌ی ماقبل آخرین مجلس شورای ملی روانه سازد. "العهدہ علی الراوی"

خواهم داد، ولی در خارج اداره و در غیر ساعات اداری حق آزادی را تا حدودی که قانون برای افراد کشور مقرر و مجاز دانسته برای خود محفوظ می‌شناسد. آن جناب تصمیم در این امر را موکول به طرح موضوع در هیات وزیران فرمودید و روز یکشنبه ۱۱/۱۱/۱۳۳۲ تلفنی توصیه فرمودید که مقتضی اداری و صلاحیت شخصی این جانب در کناره‌گیری از مدیریت کل سازمان لوله‌کشی آب تهران می‌باشد. اینک با توجه به این که از ناحیه‌ی خود ناتوانی یا عدم علاقه‌ای در ادامه‌ی خدمت بزرگ آب تهران که موجب استعفا باشد نمی‌بیند و طبق لایحه‌ی قانونی مصوب ۲۱/۶/۱۳۳۰ تغییر مدیرکل لوله‌کشی با پیشنهاد شهردار تهران و موافقت وزارت کشور و تصویب هیات وزیران صورت پذیر می‌باشد، مع ذلک نظر به این که عدم هماهنگی و همکاری مقامات عالی‌تر با مسوولین ادارات و سازمانها، عملاً موجب رکود کار و زیان مردم می‌شود، بدین وسیله آمادگی خود را برای کناره‌گیری از مدیریت کل لوله‌کشی آب تهران اعلام می‌دارد.

از این تاریخ که وظایف خود را تحویل آقای مهندس روحانی\* معاون سازمان نموده است، از حضور در اداره خودداری می‌نماید.

در خاتمه از حسن ظن و پشتیبانی جناب آقای نخست‌وزیر\*\* و آن جناب که در مدت پنج ماه و چند روز گذشته نسبت به سازمان لوله‌کشی و شخص این جانب ابراز شده، موجب پیشرفت مطلوب کار گردیده است، سپاسگزاری می‌نماید.

با تقدیم احترامات - مهندس بازرگان

---

\* مهندس منصور روحانی معروف به بهایی‌گری و بعداً وزیر آب و برق و کشاورزی در کابینه‌ی منصور هویدا.

\*\* جالب این است هنگامی مهندس بازرگان از حسن ظن و پشتیبانی سهبید زاهدی نخست‌وزیر سخن می‌گوید که دکتر مصدق در دادگاه "حکومت کودتا" محاکمه و به زندان محکوم گردیده است و حکومت کودتا را غیرقانونی اعلام کرده است.

مهندس بازرگان پس از برکناری از سازمان آب به دانشگاه باز می‌گردد و به کار تدریس می‌پردازد. ولی به علت انتشار "نامه‌ای که انعقاد قرارداد نفت را محکوم می‌کند" و با امضای چند شخصیت از جمله: "حضرات آیات فیروز آبادی و سیدرضا موسوی زنجانی، علی‌اکبر دهخدا و تعدادی از استادان دانشگاه از جمله مهندس بازرگان" منتشر می‌شود، استادان امضا کنند می‌نامه از کار دانشگاه برکنار می‌شوند.

برکناری مهندس بازرگان از کار استادی شش ماه بیشتر به طول نمی‌انجامد. ولی با اعلام فعالیت نهضت آزادی و انتشار بیانیه‌ای در این مورد در سال ۱۳۳۴ به دستور دولت حسین علاء بازداشت و زندانی می‌شود. که مدت این توقیف از چند روز تجاوز نمی‌کند.

مهندس بازرگان از سال ۱۳۳۶ با جبهه‌ی ملی دوم شروع به همکاری می‌کند ولی پس از چندی به علت اختلافاتی که بین او و سران جبهه‌ی ملی ایجاد می‌شود از همکاری رسمی با جبهه خودداری می‌نماید و در سال ۱۳۴۰ یک بار دیگر فعالیت علنی نهضت آزادی را اعلام می‌کند. این جمعیت از سال ۱۳۲۸ با همین نام فعالیت سیاسی داشته است.

بازرگان در بهمن ماه ۱۳۴۱ به اتفاق آقایان دکتریدالله سبحانی، سید محمود طالقانی (آیت‌الله)، مهندس عزت‌الله سبحانی، دکتر عباس شیبانی، احمدعلی بابایی، ابوالفضل حکیمی، مهندس جعفری و پرویز عدالت منش بازداشت و زندانی می‌شود (کابینه‌ی اسدالله علم). پس از محاکمه به ده سال زندان محکوم می‌شود.

در فروردین سال ۱۳۴۳ به هنگام محاکمه‌ی وی و یارانش امام خمینی در گفتاری چنین می‌گوید:

"از زندانی بودن آقای طالقانی و مهندس بازرگان افسرده نباشید. تا این چیزها نباشد کارها درست نمی‌شود. تا زندان رفتن نباشد پیروزی به دست نمی‌آید. هدف بزرگتر از آزاد شدن عدای از زندان است. هدف اسلام است. طرد عمال اسراییل است. اتحاد با کشورهای اسلامی است. ویس از این که محاکمه‌ی ایشان تمام می‌شود، امام خمینی در اعلامیه‌ای می‌نویسد:

"من خوف داشتم اگر در موضوع بیدادگری نسبت به  
 حجه‌الاسلام آقای طالقانی و جناب مهندس بازرگان و سایر  
 دوستان کلمه‌ای بنویسم موجب تشدید امر آنها شود و ده  
 سال زندان به پانزده سال تبدیل گردد."\*

مهندس بازرگان پس از آزادی از زندان ( بدون طی  
 کردن مدت محکومیت ) فعالیت‌های خود را در راه مبارزه  
 برای رسیدن به اهداف فکری خود آغاز می‌کند.\*

پس از عزیمت "امام خمینی" به پاریس وی به عنوان  
 نماینده‌ی رهبر انقلاب سفرهایی به خوزستان و فارس انجام  
 می‌دهد و سپس در پاریس به ملاقات امام می‌رود. مهندس  
 بازرگان از اعضای اولیه‌ی شورای انقلاب اسلامی و اولین  
 نخست‌وزیر در حکومت جمهوری اسلامی بود.

چهارشنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۷.

- بازرگان اعلامی‌کند: دولت او وزارتخانه‌ها را به وسیله‌ی  
 کارمندان اشغال خواهد کرد.
- ستاد ارتش آماده‌باش پادگان "لویزان" را تکذیب می‌کند.
- دکتر یزدی می‌گوید: کودتای نظامی عملاشانسی ندارد.
- جبهه‌ی ملی اعلام می‌کند: از دولت بازرگان پشتیبانی  
 خواهد کرد حتی اگر در آن عضویت نداشته باشد.
- مردم در اصفهان و شیراز خدمات شهری را خود  
 به عهده می‌گیرند.
- موج تظاهرات در تایید حکومت بازرگان تمام مملکت را  
 فرا گرفته است.

پنجشنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۷.

- در تهران و اکثر شهرستانها راهپیماییهای عظیمی در

---

\* : کلیه‌ی مطالب مندرج در این بیوگرافی از کتابهای: "مدافعات  
 مهندس بازرگان در دادگاه تجدیدنظر غیرصالح نظامی" صفحات  
 ۱۵۰-۱۴۶ و بقیه‌ی صفحات و جزوه‌ی شکوفایی جنبش اسلامی،  
 استخراج شده است.



پشتیبانی از دولت بازرگان برپا می‌گردد .  
 - افراد گارد جاویدان به "همافران" که منطقه‌ای به  
 وسعت فرح آباد تا تهران نور را مسلحانه اشغال کرده  
 بودند، حمله ور می‌شوند .  
 - شهردار تبریز استعفای خود را برای امام ارسال  
 می‌دارد .  
 - گروهی از افسران و "همافران" اصفهان در دیداری  
 با امام بیعت می‌کنند .  
 - "همافران" در اقامتگاه امام اعلام می‌کنند سی فانتوم  
 به عربستان و اسراییل برده شده است و بایستی چاره‌ای  
 اندیشید که این عمل در پایگاه‌های نیروی هوایی  
 تکرار نشود . \*  
 - چند امیر ارتش قصد خروج از ایران را داشتند، ولی  
 موفق نمی‌شوند . \*\*

جمعه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۷

- بین گروه‌های مسلح و قوای نظامی نبردهای خونینی  
 جریان دارد . \*\*\*  
 - لشکرگارد به پادگان فرح آباد حمله می‌کند . \*\*\*\*

---

\* این خبر را رادیو لندن و چند خبرگزاری هم تایید  
 می‌کنند .

\*\* سپهد ربیعی به اتفاق سرلشکر رفعت ربیعی باشگاه هواپیمایی  
 شاهنشاهی و دو نفر دیگر سعی می‌کنند با یک هواپیمای "پارس ایر"  
 به خلبانی شخصی به نام زاهد از مهرآباد به بحرین فرار کنند، ولی  
 به دستور سرتیپ فیروزی معاون هواپیمایی کشوری به آن هواپیما  
 اجازه‌ی پرواز داده نمی‌شود .

\*\*\* مردم به ساختن کوکتل مولوتف مشغول بودند و با این اسلحه به جنگ  
 تانکها می‌رفتند .

\*\*\*\* در این حمله عده‌ای کشته و زخمی می‌شوند، مردم این  
 کشته‌ها را جمع‌آوری کرده، به بیمارستانها حمل  
 می‌کنند .

- يك سرباز گارد در فرح آباد پس از کشتن فرمانده خود در انبار مهمات را باشليک گلوله می‌گشاید و مقداری اسلحه بين افراد نیروی هوایی و مردم پخش می‌کند .  
- ظهر همین روز در " تهران نو " سه تانک لشکر گارد را مردم به تصرف خود در می‌آورند .

- بختيار تهدید می‌کند: در صورت معرفی کابینه از سوی بازرگان ، وزرای معرفی شده را بازداشت خواهد کرد .  
- دکترکیانوری در پاریس اعلام می‌کند: نیروهای انقلابی در ارتش رخنه کرده‌اند و خطر کودتا کاهش یافته‌است .  
- امام اعلام می‌کند : من خود اهل قلم و بیان هستم و سخنگو ندارم ، اظهارات کسانی که خود را به من نزدیک می‌دانند سندیت ندارد .

- دفتر امام خبر رادیو و تلویزیون را دایر به تماس مهندس بازرگان با بختيار و سران ارتش ، تکذیب می‌کند .  
- بازرگان می‌گوید: شاه رفته‌است و دیگر باز نخواهد گشت و شایعه‌ی کودتا صحت ندارد .

- اداره‌ی دوم ستاد ارتش گزارش می‌دهد که از افغانستان اسلحه وارد ایران می‌شود و در مرز پس از " خرید " اسلحه‌ها بين مردم توزیع می‌گردد .

شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ .

- نبردهای خونین و جنگهای چریکی بين مردم و نیروهای نظامی به شدت ادامه دارد . \*  
- فرمانداری نظامی تهران طی اعلامیای رفت و آمد در شهر را از ساعت چهار و نیم بعد از ظهر مطلقاً ممنوع می‌کند .

- امام به مردم مشددار می‌دهد دستور فرمانداری نظامی را با خروج خود از منازل باطل کنند .  
- تسلیحات ارتش به دست مردم سقوط می‌کند و در

---

\* این نبرد در اصل بين لشکر گارد و گارد شاهنشاهی از یک طرف و انقلابیون (مردم ، همافران و گروههای مسلح) از سوی دیگر بود.

انبارهای اسلحه به زوی مردم گشوده می شود .  
 - کلانتریها یکی پس از دیگری به دست مردم سقوط می کند  
 و مردم اسلحه خانهی کلانتریها را صادره می نمایند .  
 - در تمام خیابانها و سرچهارراهها مردم با  
 روشن کردن آتش راه بندان ایجاد می کنند . \*  
 - بختیار در جلسهی " سنا " شرکت می کند و می گوید :  
 آمادهی شنیدن حرف حساب است، اما برای حفظ  
 استقلال مملکت تا هر جا لازم باشد ایستادگی خواهد  
 کرد .

- امام در پاسخ استفتای " نیروهای مسلح " فتوای دهد  
 که " قسم برای حفظ قدرت طاغوت صحیح نیست و مخالفت  
 با آن واجب است " .

- پادگان جمشیدیه سقوط می کند و عده های از مقامات  
 زندانی فرار می کنند . \*\*

- در دفتر بازرگان گفته می شود که وی با قریبانی و بختیار  
 مذاکرات مفصلی داشته استعفای بختیار را گرفته است .  
 - از قزوین و همدان و زنجان نیروهایی برای کمک به  
 گارد شاهنشاهی عازم تهران می شوند .

\*\*\*

- دو نفر از فرماندهان لشکر گارد زخمی می شوند .  
 - انقلابیون کوشش برای تصرف ستاد نیروی هوایی را آغاز می کند .  
 - عده های از پرسنل نیروی هوایی در حالی که مسلح  
 هستند از مهرآباد شمالی تظاهرکنان به سمت میدان  
 شهیدان حرکت می کنند و با دادن شعار " درود بر خمینی "

---

\* با حلقه های لاستیک، چوب، اتومبیلهای از پیش سوخته و هر چه در  
 اختیار داشتند آتش برپا می کنند .

\*\* داریوش همایون، دکتر کیانپور، رحیم علی خرم، دکتر شیخ الاسلام زاده،  
 منصور روحانی، رضا صدقیانی، هوشنگ نهاوندی، عبدالمجید مجیدی،  
 دکتر منوچهر تسلیمی، دکتر فریدون مهدوی، هزبر یزدانی، دکتر  
 باقر عاقلی، حسن رسولی، قاسم ساریانها، رسول رحیمی، حسین  
 فولادی، امیرحسین شیخ بهایی و دکتر نیلی آرام .

\*\*\* سرلشگرها: ریاحی و زرغام .

به کمک مردم می‌شتابند .

- فرمانداری نظامی به ستاد ارتش گزارش می‌دهد که پرسنل نیروی هوایی به مردم پیوسته‌اند و فرمانداری نظامی قادر به مقابله با آنها نیست .

- اداره‌ی دوم ستاد ارتش به قره باغی گزارش می‌دهد فرماندهی مرکز آموزشهای هوایی " همافران " را مسلح کرده ، به آنها دستور داده است به پرسنل گارد سلطنتی حمله کنند .

- يك فرستنده : روی موج " ۱۵۰ اچ . پی . بی " از قول امام به مردم اعلام می‌کند که به زودی فرمان جهاد صادر خواهد شد . \*

- درحسینیه‌ی ارشاد توزیع اسلحه بین مردم آغاز می‌شود . \*\*\*  
- هنگام حمله‌ی افراد گارد به خوابگاه " همافران " سرتیپ " کمپانی " به کمک همافران می‌شتابد و در اسلحه‌خانه را به روی آنها می‌گشاید . \*\*\*\*

- درحالی‌که نبرد شدید و خونینی بین نیروهای گارد و همافران در فرج آباد ادامه دارد ، فرمانده پادگان فرج آباد به دنبال حجه الاسلام " عابدی " پیشنماز محل می‌فرستد و در حضور وی به انقلاب اعلام وفاداری می‌کند . \*\*\*\*\*

---

\* پس از ورود امام به تهران در محل اقامتگاه یک فرستنده‌ی تلویزیونی با " برد محدود " و یک فرستنده‌ی رادیویی شروع به کار می‌کنند که مردم اطراف محل اقامتگاه می‌توانستند از هردو فرستنده‌ی رادیویی تلویزیون استفاده نمایند .

\*\*\* توزیع اسلحه در این محلها هم انجام می‌شد : مسجد خیابان بهبودی ، مسجد دانشگاه تهران ، مسجد امام حسین ، بیمارستان امیراعلم ، مسجد خیابان هاشمی و مسجد شمیران .

\*\*\* به گفته‌ی شاهدان عینی چنانچه این اقدام صورت نمی‌گرفت کلیه‌ی همافران به وسیله‌ی افراد گارد کشته می‌شدند .

\*\*\*\*\* این شخص سرتیپ فضل‌الله‌ناظمی بوده‌است که براساس آن چه بعدا در روزنامه‌های آن روزها " از قول افسران زبردستش نوشتند ، نقش بسیار

- مردم در اکثر خیابانهای تهران اجساد کشته شدگان را به بیمارستانها می‌برند و از همگان در خواست انواع گروههای خونی را دارند .

- همه گونه وسایل زخم بندی در شهر بین مردم برای استفاد هی مجروحین توزیع می‌شود .

- در اکثر خیابانها وسایل نظامی سنگین که به آتش کشیده شده ، مشاهده می‌شود .

- اتومبیلهای سواری که در آنها مردم با اسلحه آماد هی جنگ هستند در اکثر خیابانها در حال حرکت اند .

- در مقابل بیمارستانها صفهای طولی از مردم برای اهدای خون تشکیل شده است .\*

- شهر در آتش و خون می‌سوزد و صدای انفجار از هر گوشه‌ای شنیده می‌شود .

- اطلاعیهی فرمانداری نظامی عملا از طرف مردم لغو می‌شود و تا ساعت دوازده شب جنگ و مبارزه ادامه دارد .

#### یکشنبه بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷

- سحرگاهان قرارگاه پلیس تهران به تصرف مردم می‌آید .

- محل کمیتهی مشترک ساواک در شهربانی بسه تصرف مردم در می‌آید .

- فرماندهان گارد ، و گارد جاویدان به بازرگان اعلام وفاداری می‌کنند .

- سپهبد ربیعی فرمانده نیروی هوایی اعلام وفاداری به انقلاب می‌کند .

- سرلشگر نشاط و سرتیپ پرنیان از گارد که در "لویزان"

---

موتری در تامین واحدهای مورد نیاز فرمانداری نظامی در روزهای انقلاب و درگیری ارتش و مردم داشت .

\* عبدالعظیم ولسیان و منوچهر پیروز که در بیمارستان ارتش بستری و بازداشت بودند از این فرصت استفاده کرده ، فرار می‌کنند .

پناه گرفته‌اند، اعلام وفاداری می‌کنند . \*

- مردم ساختمان آرامگاه رضاشاه را تصرف می‌کنند .

- یك سرباز گارد که به اقامتگاه امام پناهنده می‌شود هشدار می‌دهد که در محوطه‌ی سازمان مرکزی ساواک مین گذاری کرد ماند .

- در ساعت ۹ صبح بختیار تلفنی از ربیعی می‌خواهد ساختمان تسلیحات را بمباران کند، اما او از انجام این دستور خود داری می‌کند . و مراتب را به اطلاع اقامتگاه امام می‌رساند . \*\*\*

- سپهبد حاتم از نیروی زمینی به ربیعی تلفن کرده ، می‌گوید نیروی دریایی و زمینی تسلیم شده‌اند، وضع نیروی هوایی چیست ؟ که ربیعی می‌گوید ما هم تسلیم شد مایم .

- رادیو و تلویزیون به تصرف مردم در می‌آید و نخستین اعلامیه‌ی امام پخش می‌شود .

- امام خمینی در يك اعلامیه که از رادیو خوانده می‌شود از مردم قدردانی می‌کند و از ارتشیان می‌خواهد به پادگانها بازگردند .

- در ساعت ۱۳ رادیو اعلامیه‌ی ستاد ارتش را در مورد بازگشت ارتش به پادگانها می‌خواند .

- دکتر سعید طی اعلامیه‌ی انحلال مجلس شورای ملی و استعفای خود را از ریاست مجلس و عضویت شورای سلطنت اعلام می‌کند و دولت بختیار را غیر قانونی می‌خواند . \*\*\*

- سناتورها با انتشار بیانیه‌ی به صورت جمعی استعفا

- 
- \* علی نشاط در ۱۹ فروردین ماه ۱۳۵۸ به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تیرباران شد .
- \*\* امیرحسین ربیعی در ۱۸ فروردین ماه ۱۳۵۸ به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تیرباران شد .
- \*\*\* جواد سعید در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تیرباران شد .

می‌کنند\* و مجلسین به تصرف مردم در می‌آید .  
 - آیت‌الله شریعتمداری طی اعلامیه‌ی موکدا از مردم  
 می‌خواهد که از هرگونه تعرض نسبت به ارتش خود داری‌کنند .  
 - امام در يك اعلامیه‌ی رادیویی به مردم هشدار می‌دهد  
 که برای درهم کوبیدن حمله‌ی ارتش آماده باشند .  
 - رادیو از ساعت چهار بعد از ظهر شروع به خواندن  
 اعلامیه‌های دولت بازرگان می‌کند .  
 - بازرگان به عنوان نخست‌وزیر از کارمندان دولت  
 می‌خواهد که از فردا به سرکارهای خود بازگردند .  
 - از حوالی ظهر دستگیری مقامات رژیم سابق به وسیله‌ی  
 مردم آغاز می‌گردد .\*\*\*

- سپهبد ربیعی به رادیو تلفن می‌کند تا از مسوولان  
 بخواهد از پخش اعلامیه‌های تحریک‌آمیز علیه ارتش  
 خود داری‌کنند، ولی موفق نمی‌شود و سپس به منزل  
 آیت‌الله طالقانی تلفن می‌کند که در پاسخ به او می‌گویند  
 شما اعلامیه‌ی لازم را بنویسید ما يك نفر را می‌فرستیم از  
 شما بگیرد و خودش به رادیو ببرد که عیناً خوانده شود .\*\*\*  
 - تلویزیون به عنوان آخرین سنگر فتح شده برنامه‌ی خود  
 را با پخش سرود " ای ایران " آغاز می‌کند .  
 - در تلویزیون مصاحبه‌ای با چند تن از دستگیرشدگان  
 به نمایش گذاشته می‌شود . ۲۰

---

\* طبق اعلام دفتر مجلس سنا فقط سه نفر رسماً استعفای خود را به  
 مجلس تسلیم کرده بودند . محمد رضا جلالی نایینی ، علی اکبر جلیلودو  
 سیداسدالله موسوی .

\*\* ارتشبد نصیری ، سپهبد رحیمی ، سالار جاف ، منصور روحانی ، منوچهر  
 آزمون ، غلامرضا نیکبئی ، سپهبد کمال ، سپهبد طباطبائی ، سرتیپ  
 امین افشار ، سپهبد نوروزی و سرلشکر نوری همگی را به اقامتگاه امام  
 می‌برند و در آنجا نگاه‌داری می‌کنند .

\*\*\* ربیعی در حالی که منتظر بوده که فرستاده‌ای بیاید و اعلامیه را بگیرد  
 با عده‌ای از افراد مسلح روبه‌رو می‌شود ، که او را گرفته ، به اقامتگاه  
 امام می‌برند و زندانی می‌شود .

## توضیحات

۱- اکنون مسلم است که هیچ يك از هشدارها، اخطارها، اظهارنگرانیها و گزارشها درباره‌ی احتمال وقوع کودتا در آن ایام بی‌جا و نادرست نبوده است. شاه‌دان عینی گفته‌اند که وقتی شاه به قصد خروج از کشور به فرودگاه مهرآباد رفته بود، سپهبد ربیعی و سرلشگر خسرو داد خود را به پای شاه انداخته، اجازه خواسته‌اند که قم و قسمتهایی از تهران را بمباران کنند. ولی شاه به آنها پاسخ روشنی نمی‌دهد. خسرو داد در جریان محاکمه‌ی خود از دو کودتا سخن به میان می‌آورد که در اولی او قصد داشته است به محض خروج شاه از کشور با نیروی هوابرد کودتا کرده، بختیار را کنار بزند و خود زمام امور را به دست گیرد و در دومی تصمیم داشته است روز ۲۱ بهمن در تهران چترپاز پیاده کند و "در ستاد انقلاب و منزل امام يك نفر را زنده باقی نگذارد".

سرتیپ فضل‌الله ناظمی فرمانده پادگان فرح‌آباد نیز گفته است: قرار بود ساعت ۲۴ روز ۲۱ بهمن سه واحد تانک از پادگان لویزان از طریق جاده‌ی آبعلی و تهران پارس به پادگان فرح‌آباد حمل‌ور شوند. وی این عملیات را "کودتای نظامی" خوانده، اما نمی‌گوید هدف از این کار چه بوده است؟

ابوالحسن بنی‌صدر چند روز پس از ۲۱ بهمن، تدارک کودتا در روز مذکور را تایید کرد و گفت: "يك روز پیش از آن که قضیه‌ی تسلیم قشون پیش بیاید (عصر جمعه) در يك جایی- البته نه در حضور آقا- بحث بود و عدمای به ما اطلاع دادند که فردا قرار است نظامیها کودتا بکنند و افراد فعال را آماده کرده‌اند و نام عملیات را هم گذاشته‌اند "عملیات کورتاز" که طی آن، يك ضربه‌ی ناگهانی وارد کنند، تمام رهبران انقلاب را قتل عام کنند و دنیا را در مقابل يك عمل انجام شده قرار بدهند. اساس تحلیل من به اطرافیان این بود که شما چون نمی‌دانید قشون چه وظایفی در روابط موجود میان ایران و قدرت مسلط آمریکا دارد و در درون



خودش چه پیوندهایی وجود داشته، که متلاشی شده است و از میان رفته، نمی‌توانید ارزیابی صحیحی از کار قشون بکنید، مگر این که این عملیات کاریک دسته از قشون باشد. مجموع قشون نمی‌تواند این کار را بکند چون امکان آن را در خودش ندارد، آن دسته هم این توانایی را ندارد که هم بر ارتش مسلط شود و هم بر مردم، ناچار با دست زدن به این اقدام: در واقع تلاش کل قشون را تسریع می‌کند. من (بنی‌صدر) به قدری به این تحلیل خودم مطمئن بودم که آن شب را با وجود اعلام این تهدید در منزل خودم به سر بردم. "شنبه" آمد و نظامیان اعلام کردند ساعت منع عبور و مرور از ۴/۵ بعد از ظهر است. حال باید بر اساس یکی از این دو تحلیل عمل می‌شد: اگر سازش در میان بود باید آن روز به سکوت برگزار می‌شد و ارتش اولتیماتوم نمی‌داد. دیدیم کسه قشون خواست وارد عمل بشود، اما این جا دیگر صحبت از آن نبود که نظامیان چه می‌کنند. صحبت از این بود که "امام خمینی" چه می‌کند؟ و چون وضع ایشان، موضع قاطعانه‌ای داشت به مردم گفت "باید به خیابانها بروید". مردم رفتند و زدند توی دهان آن دسته از قشون که تصور می‌کرد می‌تواند هم بر خودش و هم بر جامعه مسلط شود. پس قشون از درون فرو ریخته بود برای این که بدون روح و بدون ایده‌ی راهنما بود."

سرهنگ شهربانی نصرتی رییس ستاد پلیس تهران نیز چنین روایت کرده است: "بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ بهمن سپهبد رحیمی که رییس شهربانی هم بود به پلیس تهران دستور داد در کلیه‌ی ساختمانهای مشرف به میدانها و مراکز عمومی شهر سنگربند، نمایند و آماده باشند تا نیروهای ارتشی به آنها منحق گردند. در این گونه موارد همیشه رهبری با پلیس بود زیرا آنان با موقعیت شهر و اماکن آشنایی داشتند و نقاط استحقاظی شهر را به خوبی می‌شناختند. دستور رحیمی این بود که بعد از اعلام حکومت نظامی از ساعت ۴/۵ بعد از ظهر، نیروهای پلیس اقدام به سنگربندی کنند و از دستورها و قراین آشکار بود که کودتایی در شرف تکوین است و این کودتا قرار بود نیمه‌های شب یکشنبه ۲۲

بهمن انجام پذیرد. دستور رحیمی به پلیس تهران این بود که هر جنبندهای را که در روز یکشنبه در خیابانها مشاهده کردند، به گلوله ببندند. سرلشگر محمد جواد مولوی رییس پلیس تهران این موضوع را با من ( سرهنگ نصرتی ) در میان گذاشت و اظهار نگرانی کرد. او از مدت‌ها قبل از رژیم شاه رویگردان شده بود و اعلامیه‌های نیروهای مخالف شاه را به دقت مطالعه می‌کرد. من ( سرهنگ نصرتی ) که از دو سال قبل مخفیانه به نفع نهضت ملی ایران فعالیت می‌کردم در صد بودم تا در زمان مقتضی به نفع مردم وارد عمل شوم ... سرهنگ نصرتی سپس شرح می‌دهد که چه گونه به همی کلانتریها دستور ترك مقاومت و تخلیه داده، ترتیبی می‌دهد تا سلاحهای موجود در کلانتریها به دست مردم افتد. آن گاه می‌گوید: " مقامات عالی‌رتبه‌ی ارتش که طرح کودتا را ریخته بودند در مقابل عمل انجام شده‌ای واقع شدند که اقدام مجدد به هر خشونت‌ی را از آنان سلب می‌کرد. در میان این اظهارات، روایت ابوالحسن بنی‌صدر محکم‌تر و به رغم پیچیدگی ظاهریش صریح‌تر و روشن‌تر است.

از این تحلیل و با توجه به سایر مطالبی که ذکر شد می‌توان چنین نتیجه گرفت :

الف: چند تن از فرماندهان نظامی ( سپهبد رحیمی، سپهبد بدرهای، سرلشگر خسرو داد و سرلشگر بیگلری ) تصمیم می‌گیرند با اعلام ساعت ۴/۵ بعد از ظهر ممنوعیت رفت و آمد، کودتا را آغاز کنند.

ب: بقیه فرماندهان ( ارتشبد قره باغی، سپهبد مقدم و سپهبد ربیعی ) از این اقدام بی‌خبر یا با آن مخالف بودند.

پ: نیروهای کودتا عمدتاً عبارت بودند از نیروهای هواپرد به فرماندهی خسرو داد، نیروهای گارد به فرماندهی بیگلری و نیروهای زرهی نیروی زمینی به فرماندهی بدرهای با حمایت پلیس تهران، گارد شهربانی، نیروهای تقویستی و

زرهی که از چند نقطه از جمله از قزوین و زنجان  
به طرف تهران حرکت کرده بودند .

ت : دستور امام خمینی نقشه‌ها را به هم می‌زنند و  
مردم با هجوم بی‌سابقه‌ی خود به خیابانها قدرت  
عمل را از نظامیان سلب می‌کنند .

ث : نقشه‌ی کودتا " لو " می‌رود اما چگونه؟ اطلاعات  
۲۸ بهمن می‌نویسد: " نقشه ، توسط بعضی از  
امرای صالح ارتش و بعضی از سیاسیون کشف  
می‌شود " . این سیاسیون می‌توانند جزو همانها  
باشند که با " امرای صالح ارتش " درخفا ارتباط  
داشته ، حتی ابلاغ ریاست آنها را امضا کرده  
بودند .

۲- افرادی که مصاحبه با آنها صورت گرفت ، عبارت بودند  
از نصیری ، رییس سابق ساواک ، سپهبد رحیمی ، رییس  
شهربانی و فرماندار نظامی تهران ، و سالار جاف . اداره‌ی این  
مصاحبه را دکتر ابراهیم یزدی به عهده داشت و عده‌ای از  
افراد سرشناس هم در مصاحبه حضور داشتند .  
از نصیری سوال شد : چه گونه دستگیر شدید ؟

ج : چهار ماه است که در زندان هستم ، امروز وقتی -  
جمشیدیه به دست مردم افتاد ، آنها مرا به  
این جا آوردند .

س : نظرتان راجع به وضع موجود چیست ؟

ج : درست در حالت عادی نیستم که بتوانم حرف بزنم  
( نصیری سرش باند پیچی شده بود و درست هم  
صحبت نمی‌کرد ) .

س : شما نسبت به آن چه به طور مستقیم یا غیرمستقیم  
شکنجه دربارهی مردم و به خصوص جوانان انجام  
داد هاید چه فکر می‌کنید ؟

ج : مستقیم را تکذیب می‌کنم ، اگر دیگران کاری کرد هاند  
من بی‌اطلاع هستم .

س : در مورد انواع شکنجه‌ها چه می‌گویید ؟

ج : من آدمی هستم در اختیار شما ، من کاری نکرد هام .

- س : ( این سوال به وسیله‌ی حجت الاسلام لاهوتی مطرح شد ) مگر خودت نبودی که مرا در زندان کتک زدی و به خصوص چند بار محکم به گوشم کوبیدی ؟
- ج : من نبودم .
- س : دربارهی کمیته‌ی ساواک حرف بزنید ؟
- ج : کمیته مربوط به من نبود، يك گروه مستقل بود از ساواک ، شهربانی ، ارتش و ژاندارمری .
- س : از پرویز ثابتی بگوئید ، مگر او از شما دستور نمی‌گرفت ؟
- ج : ایشان مسولیت امنیت کشور را به عهده داشت از نظر داخلی معاون من نبود .
- س : از ثابتی چه خبر دارید ؟
- ج : شنیدم در تهران نیستند .
- س : خرج ماهانه‌ی ساواک چه قدر بود ؟
- ج : پرونده‌هایش هست ، فعلا به خاطر من نیست .
- س : هر چند وقت يك بار با شاه ملاقات می‌کردید ؟
- ج : در هفته دو بار .
- س : در این تماسها چه دستوراتی می‌گرفتید ؟
- ج : خاطر من نیست .
- س : چند بار تماس تلفنی داشتید ؟
- ج : مرتب نداشتیم ، گاه به گاه .
- س : آیا از گذشته‌ی خود پشیمان نیستید ؟
- ج : خیر ! من يك سلسله وظایف قانونی را انجام می‌دادم .
- س : آیا عمل ساواک به شما گزارش نمی‌دادند که شما از شکنجه‌ها اظهار بی‌اطلاعی می‌کنید ؟
- ج : گزارش می‌دادند، ولی دربارهی شکنجه چیزی نمی‌نوشتند .
- س : یعنی می‌خواهید بگوئید شکنجه‌ای در کار نبود ؟
- ج : من علم غیب ندارم . يك سال ونیم پیش از زندانها به دستور شاه بازدید کردم ، ولی چیزی ندیدم .
- س : ساواک چه قدر مامور داشت ؟

ج : دو هزار مامور رسمی .

س : و چه قدر غیر رسمی ؟

ج : خاطر من نیست .

در این مصاحبه از سپهبد رحیمی سوال شد که چرا به پیام "امام" مبنی بر پیوستن به مردم اعتنایی نکردید ؟

جواب داد : من سرباز بودم و سوگند خورده بودم و باید به سوگند خود وفادار می ماندم و سپس گفت :

خوشحالم که در دست مسلمانان اسیرم و

حق و عدالت در باره ام اجرا خواهد شد .

سالار جاف در پاسخ این سوال : که چه فکر می کنید ؟

گفت :

دکتر سعید رئیس مجلس که قمارباز قهاری است این بار روی من قمار کرد . او مرا در مجلس بازداشت کرد که اگر شاه موفق شد مرا تحویل او بدهد و بگوید : جان نثار شما را حفظ کردم و اگر آیت الله خمینی پیروز شد مرا تحویل دهد و بگوید : دشمن شما را به شما تحویل می دهم . ولی امروز که مردم مجلس را تصرف کردند ، آنها مرا گرفتند ...

با پایان گرفتن بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ سلطنت

سی و هفت ساله ی محمد رضا پهلوی پایان می گیرد و انقلاب

اسلامی به رهبری امام خمینی پیروز می شود .

محمد رضا پهلوی در پنجم مرداد ماه ۱۳۵۹ چشم از

جهان فرو بست .

نام کتاب	نویسنده	مترجم یا گردآورنده	ناشر
خاطرات و خطرات خاطرات سیاسی ایران در جنگ جهانی دوم مصاحبه با تاریخ دولت‌های عصر مشروطیت کودتا در کودتا خاطرات ثریا من متهم می‌کنم پنجاه نفر و سه نفر حاکمیت دولتها مقالات سیاسی ماوریت برای وطنم کرونولوژی تاریخ ایران از شکست تا پیروزی تاریخ سیاسی معاصر ایران هویدا گماشته‌ی امپریالیسم و صهیونیسم مدافعات در دو بخش شناخت حقیقت فراماسونری در ایران جلد سوم صادق هدایت و آثارش چهره‌ی مطبوعات هفت سال در زندان آریامهر قیام خونین ۱۵ خرداد به روایت اسناد سیاست موازنه‌ی منفی در مجلس چهاردهم-۲ جلد تفنن و تاریخ چهار فصل تاریخ روابط خارجی ایران	مهدیقلی هدایت مهدی فرخ مورخ الدوله سپهر اوریا نانا فلاچی جلد ۲ کریمت روزولت فریدون کشاورز انور خامه‌ای حسن ارسنجانی مورخ الدوله سپهر محمد رضا پهلوی بهاءالدین بازارگان علیرضا طاهری سید جلال الدین مدنی ابوالفضل قاسمی مهدی بازرگان مظفر بقایی کرمانی اسماعیل رایین رحمت مصطفوی غلامحسین صالحیار احمد آرامش حسین کی استوان علی وثوق عبدالرضا هوشنگ مهدوی	پیروز ملکی جمشید ضرغام بروجنی موسی مجیدی احمد سمیعی اسماعیل رایین دهنوی	کتابفروشی زوار انتشارات جاویدان دانشگاه ملی ایران امیرکبیر اداره‌ی کل قوانین مجلس شورای ملی انتشارات جاما انتشارات سعادت انتشارات توس انتشارات هفته امیرکبیر مطبوعات عطایی امیرکبیر اشراقی مرکز تحقیقات دفتر انتشارات اسلامی حزب ایران نهضت آزادی پارم امیرکبیر امیرکبیر پرس اجنت بنگاه ترجمه و نشر کتاب خدمات فرهنگی رسا روزنامه‌ی مظفر امیرکبیر

منابع و مأخذ

نام کتاب	نویسنده	مترجم یا گردآورنده	ناشر
اسرارخانه‌ی سدان	اسماعیل رایین		امیرکبیر
تقریرات صدق در زندان	سرهننگ جلیل بزرگمهر	ایرج افشار	سازمان کتاب و رواق
خاطرات سیاسی ماموریت در ایران	خلیل ملکی ویلیام سولیوان	محمود مشرقی	انتشارات هفته
غرور و سقوط چهره‌ی حقیقی	آنتونی پارسونز	منوچهر راستین	انتشارات هفته دفتر انتشارات اسلامی
صدق السلطنه مصدق و مسایل حقوق و سیاست	سید حسن آیت		
سقوط ۷۹ خدمت گزار	پل امیل اردمن	ایرج افشار حسین ابوترابیان	انتشارات زمینه امیرکبیر
تخت طاووس بجران	پرویز راجی	ح ۱۰ مهران	انتشارات اطلاعات
آمریکا در بند دیوان اشعار	هامیلتون جوردن	فیروزه خلعت بری	کتاب سرا
دیوان اشعار فرهنگ فارسی	پیرسالینجر محمد تقی بهار	فیروزه خلعت بری	کتاب سرا امیرکبیر
فراماسونری در ایران	فرخی یزدی	حسین مکی	امیرکبیر
صد مقاله دوره‌ی اول و دوم	دکتر محمد معین		امیرکبیر
مجمه‌ی آینده دوره‌ی روزنامه‌های اطلاعات و کیهان	محمود کتیرایی احمد سمیعی		اقبال
	محمود افشار یزدی		چاپخانه‌ی رنگین

## نامهای آورده شده در کتاب

### ت

- آتابای - ابوالفتح: ۱۶۴، ۶۵  
 آذر - دکتر مهدی: ۸۷  
 آذری - عباس: ۵۱  
 آذری قمی - آیت الله احمد: ۱۷۴  
 آراستف - نادر: ۸۱، ۷۸، ۷۷  
 آرام - عباس: ۹۴، ۹۲، ۹۰، ۶۹  
 ۱۱۸  
 آرامش - احمد: ۹۱، ۶۹، ۴۳  
 آرزو مانیان - خاچاطور: ۵۶  
 آریانا - منوچهر: ۱۵۳  
 آزموده - سرهنگ اسکندر: ۶۴، ۴۳  
 آزموده - سرهنگ حسین: ۶۴  
 آزموده - مرتضی: ۸۲  
 آزمون - منوچهر: ۱۴۹، ۱۳۱، ۱۲۵

۲۰۲، ۱۵۷

- آزبان قزی - بری: ۶۵  
 آشتیانی - دکتر جواد: ۹۱  
 آشوری - ابوتراب: ۱۴۳  
 آق اولی - فرج الله: ۸۰، ۷۹  
 آگام - منوچهر: ۱۲۲، ۱۲۱  
 آلرضا - حبیب الله - عین الملک:  
 ۹۷  
 آلن - جورج: ۳۴

### الف

- ابتهاج - ابوالحسین: ۴۳، ۳۸،  
 ۴۴  
 ابراهیم زادم - رضا: ۵۲  
 اتابکی - رحمت: ۹۰  
 اتلی - کلمنت: ۱۰  
 احمدی - اشرف: ۹۱، ۹۰  
 احمدی - صادق: ۱۲۱  
 احمدی - محمد حسین: ۱۲۰  
 اخباری - عباس: ۱۳۱



- اختیار - منصور: ۶۵.
- اخوی - جمال الدین: ۸۹، ۸۸.
- اخوی - حسن: ۹۰، ۶۵.
- اخوی - دکتر علی اکبر: ۸۷.
- ادهم - دکتر حسن: ۸۵.
- ادهم - دکتر عباس: ۸۱.
- ادیب - دکتر محمد حسین: ۹۰.
- ارانی - دکتر تقی: ۵۶، ۵۵، ۵۱.
- اردلان - امان الله: ۷۸، ۷۷، ۷۶.
- ۸۲، ۸۰.
- اردلان - علیقلی: ۱۳۰، ۸۹، ۸۲.
- ۱۶۲.
- ارسنجانی - حسن: ۸۶، ۶۹، ۱۲.
- ۹۳، ۹۲.
- ارفع - سرلشکر حسن: ۸۳.
- ارهارد - لودویک: ۳۸.
- ازهارى - ارتشبد غلامرضا: ۱۳۵.
- ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۷.
- ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۷.
- استالین - یوسف ویساریونوویچ:
- ۵۳، ۱۲، ۱۰، ۰۷.
- اسحاقی نژاد - محمد حسین: ۱۶۳.
- اسدی - سلمان: ۸۰.
- اسکندری - ایرج: ۷۹، ۵۱.
- اسکویی - کاظم: ۱۶۶.
- اسکویی - سروان محمد: ۶۴.
- اسفندیاری - ثریا: ۳۸، ۳۲، ۱۹.
- اشتری - ابوالقاسم: ۵۲.
- اشتری - هادی: ۹۲.
- اشراقی - آیت الله شهاب الدین:
- ۱۷۸، ۱۷۶.
- اشراقی - امیر قاسم: ۹۰، ۸۹، ۸۳.
- اشرفی - آقاخان: ۸۱.
- اصفیا - صفی: ۱۲۱، ۹۳.
- اعتبار - احمد: ۷۶.
- اعتبار - عبدالحسین: ۹۱.
- اعتضادی - ملکه: ۶۵.
- اعتقاد - اکبر: ۱۲۱.
- اعتقادزاده - محمد - به آذین:
- ۱۳۲.
- اعتضادی - ناصر: ۷۷.
- اعزازی - نصرالله: ۵۱.
- افخمی - مهناز: ۱۲۲.
- افشار - اکبر: ۵۲.
- افشار - ایرج: ۲۰.
- افشار طوس - سرتیپ محمود:
- ۶۳، ۳۲، ۲۹.
- اقبال - دکتر منوچهر: ۳۶، ۳۵.
- ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۰، ۶۵، ۷۷، ۷۹، ۸۱.
- ۸۲، ۸۹، ۱۰۵، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۷۵.
- اکمل - خسرو: ۱۶۶.
- الموتی - رحیم: ۵۲.
- الموتی - ضیاء: ۵۶، ۵۱.
- الموتی - عماد: ۵۲.
- الموتی - مصطفی: ۹۱.
- الموتی - نورالدین: ۹۲، ۵۲.
- امامی - دکتر سید احمد: ۲۷.
- امامی - جمال: ۸۱، ۲۰.
- امامی - سید حسین: ۵۶، ۵۵.
- امجدی - سرهنگ بابا: ۶۴.
- امجدی - سرهنگ مصطفی: ۶۴.
- ۱۲۱.
- امیر احمدی - احمد: ۷۵، ۶۷.
- ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۶.
- امیرانی - علی اصغر: ۱۴۰.
- امیر پرویز - امیر حسین: ۱۴۹.

- امیر عزیزی - صادق : ۹۲، ۹۱  
 ۱۴۸، ۹۳  
 امیر علائی - شمس الدین : ۷۹  
 ۸۵، ۸۳  
 امیر علائی - فتح الله : ۶۵  
 امیر قهاری - سروان هوشنگ : ۶۵  
 امین - دکتر رضا : ۱۴۹، ۱۲۲  
 ۱۵۰  
 امینی - دکتر علی : ۴۴، ۴۲، ۳۳  
 ۸۹، ۸۵، ۸۲، ۷۶، ۶۹، ۶۵، ۴۵  
 ۱۵۵، ۱۳۸، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۱، ۹۲  
 ۱۷۱، ۱۶۵، ۱۶۱  
 انا قلیچ - خضر بابا : ۵۲  
 انتظام - عبدالله : ۸۸، ۸۳، ۷۷  
 ۱۶۲، ۹۹، ۸۹  
 انتظام - نصر الله : ۷۷، ۷۶، ۷۵  
 ۹۳  
 انصاری - عبدالرضا : ۱۱۸  
 انصاری - علیرضا : ۹۰  
 انصاری - ولی : ۹۱، ۹۰، ۸۹  
 انصاری - هوشنگ : ۱۱۹  
 انقلاب آذر - خلیل : ۵۲  
 اورنگی - دکتر حسن : ۵۲  
 اویسی - غلامعلی : ۱۳۹، ۶۵  
 ۱۵۷، ۱۵۰، ۱۴۸  
 ایدن - آنتونی : ۶۱  
 ایلیخان ظفر بختیار - امیر حسین :  
 ۸۸  
 ایوب خان : ۳۹
- ب**
- باتمانقلیچ - نادر : ۹۰، ۶۴، ۳۵  
 بارزانی - ملامصطفی : ۵۴
- بازرگان - مهندس مهدی : ۶۴  
 ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۴۷، ۱۳۲، ۱۱۶  
 ۱۸۶، ۱۷۰، ۱۶۷، ۱۶۳، ۱۶۰  
 ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷  
 ۲۰۲، ۱۹۷، ۱۹۵  
 باقراف - میرجعفر : ۵۴، ۵۳  
 باهری - دکتر محمد : ۹۲، ۶۹  
 ۱۴۹  
 باهنر - محمدجواد : ۱۷۰  
 بجنوردی - سید کاظم : ۱۱۵  
 بختیار - تیمور : ۶۹، ۶۵، ۴۴  
 بختیار - دکتر شاهپور : ۱۳۸، ۸۸  
 ۱۵۷، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۴۸، ۱۴۷  
 ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸  
 ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳  
 ۱۸۴، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۰، ۱۶۹  
 ۲۰۳، ۲۰۱، ۱۹۸، ۱۹۷  
 بختیار - عباسقلی : ۱۵۳  
 بدر - محمود : ۷۸، ۷۶، ۷۵  
 بدرهای - عبدالعلی : ۱۶۰  
 ۲۰۵  
 برزگر - غلامرضا : ۹۳  
 برزژنسکی - زیگنیو : ۱۶۲  
 بروجردی - آیت الله حاج آقا حسین :  
 ۱۸۰، ۴۲  
 بزرگمهر - جلیل : ۲۰  
 بقایی - دکتر مظفر : ۵۸، ۵۵، ۲۹  
 بقراطی - محمود : ۵۸، ۵۶، ۵۱  
 بنی احمد - احمد : ۱۴۵، ۱۲۹  
 ۱۴۶  
 بنی صدر - ابوالحسن : ۱۷۰، ۱۶۳  
 ۱۸۸، ۱۸۶، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶  
 ۲۰۵، ۲۰۳

پورھمايون۔ علی اصغر: ۸۸، ۹۱، ۹۲

پويان۔ انوشيروان: ۱۱۹

پھلبند۔ مھرداد: ۱۲۱، ۱۱۹، ۹۴

پھلوی۔ اشرف: ۲۲، ۲۳، ۲۶

۵۵، ۶۰، ۶۶، ۸۴

پھلوی۔ رضا: ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۶۷

پھلوی۔ شمس: ۸۴

پھلوی۔ شہناز: ۳۶، ۳۷

پھلوی۔ غلامرضا: ۴۴، ۷۱

پھلوی۔ علیرضا: ۲۶، ۳۴

۱۶۴

پھلوی۔ فاطمہ: ۴۰، ۳۹

پھلوی۔ لیلا: ۱۶۴

پھلوی۔ محمدرضا شاہ: ۳، ۳۲

۶۰، ۱۲۶

پیراستہ۔ ابراھیم: ۱۵۳

پیراستہ۔ مہدی: ۶۹، ۹۲

پیرنیا۔ حسن مشیرالدولہ: ۵۹

پیروز۔ منوچہر: ۲۰۰

پیشہوری۔ سیدجعفر: ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۰

۵۳

پیمان۔ حبیب اللہ: ۱۱۷

## ت

تاج بخش۔ غلامرضا: ۱۶۶

تجدد۔ مصطفیٰ: ۹۰

تدین۔ حسین: ۱۲۰

تدین۔ سیدمحمد: ۷۴، ۷۶

تربیت۔ حسین: ۵۲

ترومن۔ ہری: ۱۵، ۱۰، ۲۴، ۲۸

تسلیمی۔ منوچہر: ۱۲۱، ۱۹۸

تفضلی۔ جہانگیر: ۶۹، ۹۳

بوذری۔ محمد علی: ۸۲

بوشہری۔ جواد: ۷۹، ۸۱، ۸۵

بومدین۔ حواری: ۱۲۹

بہادری۔ کریم پاشا: ۱۲۰

بہار۔ محمدتقی: ۷۹

بہبہانیان۔ جعفر: ۶۶

بہرامی۔ احمد علی: ۹۱

بہرامی۔ شاہپور: ۱۶۶

بہرامی۔ فضل اللہ: ۷۵

بہرامی۔ داکتر محمد: ۵۱

بہشتی۔ آیت اللہ محمد: ۱۷۰

۱۷۶

بہشتی پور۔ مہدی: ۱۷۴

بہنیا۔ ابوالحسن: ۹۱

بہنیا۔ عبدالحسین: ۹۲

بیات۔ مرتضیٰ قلی: ۷۶، ۷۷، ۸۰

۷۹

بی ریاء۔ محمد: ۵۴

## پ

پارسا۔ علی: ۶۶

پارسا۔ فرخرو: ۱۱۹

پاکروان۔ حسن: ۹۳، ۹۴، ۱۱۹

پایدار۔ داکتر مصطفیٰ: ۱۴۹

پرتو۔ منوچہر: ۱۱۸

پرون۔ ارنست: ۶۶

پروین گنابادی۔ محمد: ۵۳

پزشکپور۔ محسن: ۱۱۷، ۱۲۹

۱۲۵، ۱۶۶، ۱۸۸

پژوہ۔ محمد: ۵۱

پسندیدہ۔ آیت اللہ مرتضیٰ:

۱۷۲، ۱۸۰

پناہی۔ ابوالقاسم: ۶۵، ۸۸

جهانشاهی - غلامحسین : ۹۳ .

تقی زاده - سیدحسن : ۷۵، ۷۲ .

تکبعلی زاده - حسین : ۱۰۴ .

توفیق - فیروز : ۱۲۱ .

### چ

چرچیل - وینستن : ۲۴، ۱۰، ۷ .

توفیق القیسی - محمد : ۱۱۰ .

۶۱، ۵۳، ۲۸ .

تویسرکانی - قاسم : ۶۲ .

چودری - محمدعلی : ۳۶ .

تهرانی - سیدجلال الدین : ۸۰ .

چیان کای شک : ۳۸ .

۱۷۱، ۱۶۷، ۱۶۲، ۸۲، ۸۱ .

### ح

### ث

حاج سید جوادی - علی اصغر :

ثابتی - پرویز : ۲۰۷ .

۱۸۷، ۱۶۵، ۱۶۱، ۱۴۴ .

ثقفی - یوسف : ۵۲ .

حایری زاده - ابوالحسن : ۶۶ .

حسب اللهی - کمال : ۱۵۰ .

### ج

حبیبی - حسن : ۱۷۸، ۵۳ .

جابر انصاری - همایون : ۱۱۹ .

حجت کاشانی - علی : ۱۲۱ .

جاوید - سلام الله : ۵۴ .

حسابی - دکتر محمود : ۸۴ .

جزایری - شمس الدین : ۸۲ .

حسن نایینی - سیدجلال : ۵۲ .

جزایری - محمد : ۱۶۶ .

حسینی - کاظم : ۱۴۷ .

جعفری - رضا : ۸۸، ۶۵ .

حق شناس - مهندس جهانگیر : ۸۷ .

جعفری - شعبان : ۶۷، ۶۵ .

حکمت - رضا - سردار فاخر : ۱۳ .

جلالی - فتح الله : ۹۰ .

حکمت - علی اصغر : ۷۴، ۷۵، ۷۶ .

جلالی نایینی - محمد رضا : ۱۷۱ .

۹۰، ۸۱، ۸۰ .

جلیلووند - علی اکبر : ۲۰۲ .

حکمی - علینقی : ۵۲ .

جم - ارتشبد فریدون : ۱۵۳، ۱۳۸ .

حکیمی - ابراهیم : ۱۱، ۹، ۱۲ .

۱۸۷، ۱۵۸ .

۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۶، ۷۲، ۳۹، ۱۳ .

جم - محمود : ۷۹ .

حکیمی - ابوالفضل : ۱۹۴ .

جوهری - محمد علی : ۵۶ .

حکیمی - صمد : ۵۸، ۵۶ .

جودت - دکتر حسین : ۵۸، ۵۶ .

حکیمی - علی اکبر : ۷۴ .

جهانبانی - امان الله : ۷۵، ۷۴ .

جهانبانی - محمد حسین : ۶۵ .

۱۹۲، ۸۸ .

### خ

خاتم - ارتشبد محمد : ۳۲، ۴۰ .

جهانشاهلو - نصرت الله : ۵۲ .

۶۸، ۶۶ .

جهانشاهی - عبدالعلی : ۹۴ .

خاتمی - عنایت الله : ۱۶۶ .

۱۲۰ .

- خادم - جواد: ۱۵۳.  
 خادمی - علی محمد: ۱۵۷.  
 خامنه‌ای - سید علی: ۱۷۶، ۱۷۰.  
 خامه‌ای - انور: ۵۱.  
 خانلری - دکتر پرویز: ۹۳، ۶۹.  
 خدایاری - قدرت‌الله: ۱۴۴.

### د

- دادستان - سرتیپ فرهاد: ۶۴.  
 دانشور - مهدی: ۵۳.  
 دانشی - غلامحسین: ۱۷۱، ۱۷۵.  
 درخشش - محمد: ۹۲، ۴۳.  
 دشتی - علی: ۸۳.  
 دفتری - دکتر عبدالله: ۸۲.  
 دفتری - سرلشکر محمد: ۴۴، ۶۵.  
 دوگل - شارل: ۹.  
 دولتشاهی - مهین: ۱۶۶.  
 دولو - محسن: ۱۴۰.  
 دهقان - احمد: ۱۷.  
 دهخدا - علی اکبر: ۱۹۴، ۶۸، ۳۵.  
 دیبا - فرح: ۱۷۱، ۱۶۵، ۴۲، ۴۰.  
 دیبا - فریده: ۱۶۴.

### ذ

- ذوالفقاری - ناصر: ۸۹، ۹۰، ۹۲.

### ر

- رئیس - محسن: ۸۲، ۷۷، ۷۵.  
 رایبین - اسماعیل: ۷۱، ۵۸.  
 راجی - دکتر عبدالحسین: ۹۰.  
 رادمنش - رضا: ۵۷، ۵۳، ۵۲.  
 رام - مصطفی قلی: ۷۴.  
 رامبد - هلاکو: ۱۲۲.  
 خادم - جواد: ۱۵۳.  
 خادمی - علی محمد: ۱۵۷.  
 خامنه‌ای - سید علی: ۱۷۶، ۱۷۰.  
 خامه‌ای - انور: ۵۱.  
 خانلری - دکتر پرویز: ۹۳، ۶۹.  
 خدایاری - قدرت‌الله: ۱۴۴.  
 خرم - رحیمعلی: ۱۹۸، ۴۵.  
 خروشچف - نیکیتا: ۴۶، ۴۲، ۳۹.  
 خزاعی - سروان کاظم: ۶۴.  
 خسروانی - پرویز: ۱۲۱، ۶۴.  
 خسروانی - عطاءالله: ۹۳، ۹۲، ۱۱۸، ۹۴.  
 خسروپناه - فرهنگ: ۶۴.  
 خسروداد - منوچهر: ۱۵۸، ۶۵، ۲۰۵، ۲۰۳.  
 خطاطان - موسی: ۹۰.  
 خطیبی - حسین: ۶۵.  
 خلخالی - صادق: ۱۷۶، ۱۵۹.  
 خلعت بری - عباسعلی: ۱۱۸، ۱۲۱.  
 خلعت بری - نصرالله: ۷۸.  
 خلیلی - سرهنگ شاه: ۶۵.  
 خمینی - احمد: ۱۷۸، ۱۷۶.  
 خمینی - آیت‌الله - روح‌الله -  
 امام: ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۱۶، ۱۰۹، ۴۶، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۵۹، ۱۵۷، ۱۷۵، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۸، ۱۹۰، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۷۸، ۲۰۴، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۹۷، ۱۹۵، خواجوی - زکی: ۵۲.

- رانکوهی - عادل: ۱۶۶.
- ربانی - آیت‌الله مهدی: ۱۷۴.
- ربیعى - امیرحسین: ۱۹۶، ۱۵۰، ۲۰۵، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰.
- رجبى - داود: ۹۳، ۸۸، ۸۷.
- رجوى - مسعود: ۱۷۲.
- رحمتى - یوسف: ۱۴۰.
- رحیمی - رسول: ۱۹۸.
- رحیمی - سرهنک عزیزالله: ۶۴.
- رحیمی - غفور: ۵۶.
- رحیمی - مهدی: ۲۰۲، ۱۵۵، ۶۵.
- رحیمیان - غلامحسین: ۱۹.
- رحیمی لاریجانی - سپهبد: ۱۵۸.
- رزم‌آرا - حاج علی: ۱۹۰، ۱۸۰، ۱۷.
- ۱۷۵، ۸۲، ۵۸، ۵۷، ۲۰.
- رزم‌آرا - منوچهر: ۱۵۳.
- رسایی - مهدی: ۵۱.
- رسولی - حسن: ۱۹۸.
- رشیدی مطلق - احمد: ۱۰۷.
- رشیدیان - اسدالله: ۶۶.
- رضا شاه: ۵۹۰، ۵۱۰، ۴۸۰، ۱۷۰، ۷۰، ۳.
- رضایی - قاسم: ۱۲۰.
- رضوی - مهندس احمد: ۳۴.
- رضوی - مرتضی: ۵۲.
- رفسنجانی - علی اکبر: ۱۶۷، ۱۵۰، ۱۷۰.
- رفعتی - حاج رستم: ۱۶۹.
- روحانیه - سدصادق: ۱۶۴.
- روحانی - محمد: ۶۵.
- روحانی - منصور: ۱۱۹، ۹۴.
- ۲۰۲، ۱۹۸، ۱۹۳، ۱۵۸، ۱۲۱.
- روزبه - خسرو: ۵۸، ۳۷.
- روزولت - تیودور: ۶۱.
- روزولت - کریمیت: ۶۷، ۶۱.
- رهنما - حمید: ۱۱۹.
- رهنما - زین‌العابدین: ۹۹، ۷۶.
- رهنما - غلامحسین: ۷۹، ۷۸.
- رهنما - مجید: ۱۲۰.
- ریاحی - ابراهیم: ۹۳.
- ریاحی - اسماعیل: ۹۳، ۹۴، ۱۱۹.
- ریاحی - محمدامین: ۱۵۳.
- ریاحی - علی: ۷۸.
- ریاضی - علی: ۷۷.

## ز

- زاهدی - اردشیر: ۳۷، ۳۶، ۳۴.
- ۱۵۷، ۱۱۸، ۱۰۵، ۹۹، ۶۵، ۴۰.
- ۱۷۱، ۱۶۶، ۱۶۱.
- زاهدی - حسن: ۱۱۸.
- زاهدی - سرلشکر فضل‌الله: ۱.
- ۰۶۷، ۶۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۰، ۲۹.
- ۱۹۱، ۱۱۶، ۸۸، ۸۳.
- زاهدی - هما: ۱۵۷.
- زرین‌کفش - علی اصغر: ۷۷.
- زرین‌کیا - امیر: ۶۶.
- زمانی - شعبان: ۵۲.
- زند - ابراهیم: ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۸۲، ۸۱.
- زند - سروان اکبر: ۶۵.
- زند - فریدون: ۱۸۵.
- زنگنه - احمد: ۱۹۰، ۸۳.
- زنگنه - دکتر عبدالحمید: ۲۱، ۸۲، ۸۱، ۸۰.

زهرایی - بابک: ۱۱۴.

سمیعی - عبدالحسین: ۱۲۰.

سمیعی - هوشنگ: ۹۳، ۹۲.

سنجایی - دکتر کریم: ۱۳۳، ۸۴.

۱۶۰، ۱۵۸، ۱۴۵، ۱۴۳، ۱۴۰.

۱۸۶، ۱۶۷، ۱۶۶.

سهیلی - علی: ۷۴، ۷۳، ۶۰، ۵.

۸۰، ۷۶، ۷۵.

سیاح - حمید: ۷۹، ۷۷، ۷۵، ۷۴.

۸۱.

سیاح سجادی - سیف الله: ۵۲.

سیاسی - دکتر علی اکبر: ۷۶، ۷۵.

۸۰، ۷۷.

سیاسی - سرتیب علی اکبر: ۶۵.

سیف تاخی - حسین: ۵۴.

### ش

شادمان - ضیاء الدین: ۱۲۰.

شادمان - دکتر فخر الدین: ۸۱.

۸۸.

شالچیان - حسن: ۱۱۹، ۹۴، ۹۳.

۱۵۰، ۱۴۹.

شاندرمنی - علی اکبر: ۵۶، ۵۲.

شاهرودی - باقر: ۸۰.

شاهقلی - منوچهر: ۱۱۹.

۱۲۰.

شاهنده - عباس: ۱۹۲، ۱۹۱.

شاهید - جعفر: ۱۴۰.

شاهین - تقی: ۵۲.

شایگان - دکتر سید علی: ۶۷، ۳۴.

۱۶۹، ۸۰.

شریف امامی - مهندس سید جعفر:

۹۱، ۸۲، ۷۰، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۳۷.

۱۳۲، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۱۷.

### س

ساریانها - قاسم: ۱۹۸.

ساعدمراغهای - محمد: ۱۴، ۸، ۷.

۸۱، ۷۶، ۷۵، ۱۵.

ساعدی - سروان بیوک: ۶۴.

سالار جاف: ۲۰۶، ۲۰۲، ۱۳۳.

۲۰۸.

سالیوان - ویلیام: ۱۶۰.

سام - محمد: ۱۱۹، ۱۱۸.

سامی - کاظم: ۱۱۷.

سپهبدی - انوشیروان: ۸۰، ۷۸.

۱۰۵.

سپهر - احمد علی - مورخ الدوله:

۸۶، ۷۹، ۷۲، ۵۷، ۵۰، ۴۹، ۴۸.

ستوده - فتح الله: ۱۱۹، ۹۴.

سجادی - دکتر حسن: ۵۲.

سجادی - مجتبی: ۵۲.

سجادی - دکتر محمد: ۷۴، ۶۵.

۱۶۲، ۹۱، ۸۸، ۸۲، ۸۱، ۸۰.

سجادی - دکتر مرتضی: ۵۲.

سحابی - عزت الله: ۱۹۴، ۱۱۶.

سحابی - یدالله: ۱۷۰، ۱۱۶.

۱۹۴.

سرابندی - موسی: ۸۸، ۶۵.

سرلک - تقی: ۹۲.

سروری - محمد: ۷۷.

سعادت مند - ابوالحسن: ۱۵۰.

سعید - جواد: ۱۸۸، ۱۶۷، ۱۶۲.

۲۰۸، ۲۰۱.

سمیعی - احمد: ۶۳، ۵۷.

سمیعی - حسین: ۷۶.

## ص

- صادق - صادق: ۷۶.  
 صادق پور - علی: ۵۱.  
 صادق وزیری - بحی: ۱۶۶، ۱۵۳.  
 صادقی - ابوالحسن: ۷۹.  
 صالح - اللهیار: ۷۶، ۷۵، ۱۸.  
 ۷۹، ۷۸.  
 صالح - جهانشاه: ۸۲، ۶۵، ۳۶.  
 ۹۱، ۸۹، ۸۸.  
 صالحی - مرتضی: ۱۵۰، ۱۲۲.  
 صاعی - آیت الله یوسف: ۱۷۴.  
 صبا - ابوالحسن: ۳۷.  
 صدر - جواد: ۱۱۸، ۹۴.  
 صدر حاج سید جواد - احمد: ۱۷۰.  
 صدر - محسن صدر الاشراف: ۱۰.  
 ۸۱، ۷۸، ۷۶، ۴۵، ۱۱.  
 صدقیانی - رضا: ۱۹۸، ۱۲۰.  
 صدوقی - آیت الله محمد: ۱۷۶.  
 صدیق - عیسی: ۷۹، ۷۷، ۷۴.  
 ۹۱.  
 صدیقی - دکتر غلامحسین: ۸۵.  
 ۱۵۵، ۱۴۵، ۸۷.  
 صفویان - مهدی: ۱۲۱.  
 صلاحی - محمود: ۸۲.  
 صمیمی - علی: ۱۵۳.  
 صنیعی - اسدالله: ۱۱۸، ۹۴، ۹۳.  
 ۱۲۰.  
 صهبا - هاشم: ۷۹.

## ض

- ضرغام - سر لشکر علی اکبر: ۴۳.  
 ۹۱، ۹۰.  
 ضیایی - طاهر: ۹۳، ۹۱.  
 ۱۷۰، ۱۴۸، ۱۳۸، ۱۳۵، ۱۳۴.  
 شریفی - احمد هوشنگ: ۱۱۹.  
 شریفی - محمد علی: ۵۶.  
 شریعت - باقر: ۱۴۰.  
 شریعتمداری - آیت الله سید کاظم:  
 ۱۷۴، ۱۷۲، ۱۶۹، ۱۶۷، ۱۵۷.  
 ۲۰۲، ۱۸۳، ۱۸۱.  
 شریعتمداری - محسن: ۱۵۰، ۱۴۹.  
 شریعتی مزینانی - علی: ۱۱۸.  
 شریعتی - محمد تقی: ۱۱۸.  
 شعاعی - عبدالباقی: ۹۱.  
 شفا - شجاع الدین: ۱۶۶.  
 شفیع - فرهنگ: ۹۴.  
 شفیق - احمد: ۶۶.  
 شقاقی - سروان عباس: ۶۵.  
 شکاک - عمر خان: ۵۴.  
 شمالی - بهمن: ۵۲.  
 شمس آبادی - رضا: ۱۰۷، ۱۰۶.  
 شورشیان - محمد: ۵۶، ۵۱.  
 شهبایی - اکبر: ۵۶.  
 شهبازی - یدالله: ۱۲۰.  
 شهرستانی - مهندس جواد: ۱۱۹،  
 ۱۸۵، ۱۳۴.  
 شهریار - محمد: ۵۶.  
 شبیانی - عباس: ۱۹۴.  
 شبیانی - مهدی: ۹۳.  
 شیخ الاسلام زاده - شجاع الدین:  
 ۱۹۸، ۱۱۹.  
 شیخ الاسلامی - جواد: ۱۲۷.  
 شیخ بهایی - امیر حسین:  
 ۱۹۸.  
 شیرازی - آیت الله عبدالله:  
 ۱۸۸، ۱۴۸، ۱۳۱.



ضیاء الحق: ۱۲۹.

عاملی تهرانی - محمد رضا: ۱۱۷،  
۱۵۰، ۱۴۹.

عبدالملک پور - امیر: ۵۶.

عبده - جلال: ۹۵.

عتیقه چی - عزت الله: ۵۲.

عدل - احمد حسین: ۸۸، ۷۹، ۷۵.

عدل - پرویز: ۱۶۶.

عدل - مصطفی: ۷۴، ۷۵، ۷۷.

۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸.

عراقی - حاج مهدی: ۱۷۵، ۱۷۶.

عرفات - یاسر: ۱۲۹، ۱۳۲.

عطایی - مهندس منصور: ۸۸.

عضدی - یدالله: ۷۴، ۷۵، ۹۱.

عظیمی - ارتشبد رضا: ۱۱۹، ۱۲۱.

۱۵۰، ۱۴۹.

عظیمیا - یوسف: ۵۴.

علاء - حسین: ۱۹، ۲۰، ۳۵، ۶۸.

۸۲، ۸۳، ۸۹، ۱۹۴.

علوی - بزرگ: ۵۱.

علوی - مهندس محمد: ۳۹، ۵۶.

۵۸.

علوی مقدم - سپهبد مهدیقلی: ۴۳.

علم - امیر اسدالله: ۴۳، ۴۵، ۶۵.

۶۹، ۸۱، ۸۲، ۸۹، ۹۲، ۱۰۵، ۱۲۵.

۱۲۶، ۱۸۰، ۱۸۱.

علی آبادی - دکتر محمد حسین:

۸۸.

## غ

غفاری - سهام الدین: ۷۹.

غفاری - هادی: ۱۷۶.

غنچه - نوروز علی: ۵۶.

غنی - دکتر قاسم: ۷۷.

## ط

طالبانی - جلال: ۱۶۷.

طالقانی - خلیل: ۶۶، ۸۵، ۸۷.

۸۹، ۹۰.

طالقانی - آیت الله سید محمود.

۴۶، ۱۱۶، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۴.

۱۴۷، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۱.

۱۷۶، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۲.

طاهری - علی رضا: ۸.

طاهری - دکتر هادی: ۸۱.

طبا - عبدالحسین: ۹۲.

طباطبایی - سید ضیاء الدین: ۶.

۲۰، ۵۹.

طباطبایی - صادق: ۱۷۸.

طباطبایی - سید محمد: ۸۱.

طباطبایی - سید محمد صادق: ۴۹.

طبری - احسان الله: ۵۳، ۵۷.

طیب - حسین: ۱۶۶.

طهماسبی - خلیل: ۱۸.

## ظ

ظفر بختیار - ایلخان: ۶۵.

ظفری - پرویز: ۱۶۶.

## ع

عارف - عبدالسلام: ۳۸، ۴۶.

عاقلی - باقر: ۱۹۸.

عالی - دکتر ابراهیم: ۸۸.

عاملی - باقر: ۹۳، ۱۱۸.

عالیخانی - دکتر علینقی: ۶۹.

۹۳، ۹۴، ۱۱۹.

## ف

- فاتح - محمود: ۷۷.  
 فاستردالس - جان: ۶۱، ۳۷.  
 فاطمی - دکتر حسین: ۳۴، ۳۰، ۱۸.  
 ۸۷، ۸۵.  
 فخرآرایی - ناصر: ۵۵.  
 فداکار - تقی: ۵۳.  
 فرجامی - محمدباقر: ۵۱.  
 فرحبخشیان - مهندس ابراهیم:  
 ۱۱۹.

## ق

- فرخ - فریدون: ۱۷۴.  
 فرخ - سید مهدی: ۱۷۴، ۷۵.  
 فردوس - شهاب: ۵۳.  
 فردوست - حسین: ۶۵، ۴۸.  
 فرزاتگان - عباس: ۸۸، ۶۵.  
 فرزاتگان - عزیز: ۶۶.  
 فرشچی - علی: ۱۲۲.  
 فرمان - صادق: ۱۸۷، ۱۶۶.  
 فرمانفرمایان - دکتر جبار: ۸۷.  
 فرمانفرمایان - محمدولی: ۸۰.  
 فرمند - ضیاءالملک: ۸۵، ۸۳.  
 فروتن - غلامحسین: ۱۱۴.  
 فروزان - علی اصغر: ۸۵، ۸۴، ۸۳.  
 ۸۹.  
 فروغی - محمد علی ذکا: الملک: ۴،  
 ۷۳، ۵۱.  
 فروغی - محسن: ۱۴۹.  
 فروغی - مسعود: ۹۳.  
 فروهر - ابوالقاسم: ۷۷.  
 فروهر - داریوش: ۱۴۰، ۱۱۷، ۶۳.  
 ۱۷۸، ۱۶۶، ۱۴۳.  
 فروهر - غلامحسین: ۸۹، ۸۲، ۷۹.  
 فریدونی - احمد: ۷۸.
- فریور - غلامعلی: ۹۲.  
 فلسفی - محمد تقی: ۶۶، ۳۵.  
 فوزیه: ۱۵.  
 فولادوند - غلامرضا: ۸۸، ۶۵.  
 فولادی - حسین: ۱۹۸.  
 فهیمی - خلیل: ۸۰، ۷۷، ۷۶.  
 ۸۳، ۸۱.  
 فیروز - محمد حسین: ۷۹، ۷۶.  
 فیروز - مظفر: ۸۰.
- قاسمی - ابوالفضل: ۹۸، ۹۷.  
 قاسمی - احمد: ۱۱۴، ۵۸، ۵۶.  
 قاضی - ابوالفضل: ۱۴۹، ۱۳۴.  
 قاضی محمد: ۵۴، ۱۲، ۱۱.  
 قدس نخعی - حسین: ۹۱، ۸۳.  
 قدوه - محمدرضا: ۵۲.  
 قدومی - فاروق: ۱۵۶.  
 قذافی - سرهنگ معمر: ۱۶۹، ۱۵۷.  
 قرنی - سر لشکر ولی الله: ۶۵، ۳۸.  
 قرهباغی - ارتشبد عباس: ۱۳۸.  
 ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸.  
 ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۸۸، ۱۹۸، ۱۹۹.  
 ۲۰۵.  
 قرهگوزلو - علیرضا: ۷۵.  
 قرهگوزلو - منوچهر: ۱۲۱.  
 قشقایی - خسرو: ۱۸۸، ۱۶۹.  
 قشقایی - ناصر: ۱۶۱.  
 قطب زاده - امیر: ۱۷۷.  
 قطب زاده - صادق: ۱۶۳، ۱۵۶.  
 ۱۶۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸.  
 ۱۸۹.  
 قنات آبادی - شمس: ۶۶.

کلالی - منوچهر: ۱۲۰  
 کمال هدایت - حسنعلی: ۷۹، ۷۷  
 کندی - جان اف: ۴۴، ۴۶  
 کنی - علینقی: ۱۴۹، ۹۳  
 کوزنتسف: ۳۵

کیا - سپید حاجی علی: ۴۳  
 کی استوان - حسین: ۸  
 کیان - غلامرضا: ۹۰  
 کیانپور - غلامرضا: ۱۱۸، ۱۱۹  
 ۱۸۸، ۱۹۸  
 کیانوری - اختر: ۵۶  
 کیانوری - نورالدین: ۵۵، ۵۶  
 ۱۸۷، ۱۹۷، ۵۸  
 کیانی - عطاء اللہ: ۶۶  
 کیسینجر - هنری: ۱۸۹  
 کیهان - مسعود: ۸۲

## ک

کاندی - مهاتما: ۱۳  
 کرزن - عباس: ۸۸، ۶۵  
 کرکانی - فضل اللہ: ۵۲  
 کلپایگانی - آیت اللہ سید محمد رضا:  
 ۱۵۷، ۱۸۱، ۱۸۲  
 گل سرخی - ناصر: ۱۲۰  
 گلشایبان - عباسعلی: ۷۳، ۷۴  
 ۸۰، ۸۱، ۸۹  
 گنجهای - رضا: ۸۹  
 گنجی - جمال: ۹۲  
 گنجی - منوچهر: ۱۱۹، ۱۲۱  
 ۱۴۹  
 گودرزی - منوچهر: ۹۳، ۹۴، ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 گوران - فیروز: ۱۷۴

قوام - احمد - قوام السلطنہ: ۶  
 ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۲  
 ۳۵، ۴۸، ۶۰، ۶۱، ۷۵، ۸۶، ۱۹۱  
 قوام صدري - محمود: ۱۲۰

## ک

کارتر - جیمی: ۱۳۳، ۱۵۶، ۱۵۷  
 ۱۶۲  
 کاشانی - ابراهیم: ۸۹  
 کاشانی - آیت اللہ سید ابوالقاسم:  
 ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۴۴، ۵۸  
 ۸۵، ۶۱  
 کاشانی - مصطفی: ۶۵  
 کاشفی - احمد: ۱۲۰  
 کاشفی - محمود: ۱۲۱، ۱۲۲  
 کاظم زاده - حسین: ۱۲۰  
 کاظم زاده ایران شهر - حسین: ۴۴  
 کاظمی - باقر: ۷۴، ۷۵، ۸۰، ۸۳  
 ۸۷، ۸۶  
 کاظمی - منوچهر: ۱۵۳  
 کالاهان - جیمز: ۱۳۲  
 کامبخش - عبدالصمد: ۵۱، ۵۳  
 ۵۵، ۵۶  
 کامرانی - احمد: ۱۰۶، ۱۰۷  
 کاویان - جعفر: ۵۴  
 کتیرایی - مهندس محسن: ۱۶۷  
 ۱۷۰  
 کسروی - احمد: ۱۲، ۵۴  
 کشاورز - دکتر فریدون: ۵۳، ۵۴  
 ۵۵، ۵۷، ۷۹، ۱۷۳  
 کشفیان - محمود: ۹۴، ۱۲۰  
 کلارک - رمزی: ۱۵۶  
 کلالی - امیر تیمور: ۸۳، ۸۵

مشاور- تقی: ۱۲۰.  
 مشرف نفیسی- دکتر حسن: ۷۴.  
 مصدق- غلامحسین: ۲۱.  
 مصدق- دکتر محمد: ۹، ۸، ۱.  
 ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۰.  
 ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱.  
 ۴۱، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۰، ۲۹، ۲۸.  
 ۸۵، ۸۳، ۶۷، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹.  
 ۱۹۳، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۱۷، ۱۱۶، ۸۷.  
 مطهری- آیت الله مرتضی: ۱۷۰،  
 ۱۷۴.  
 معتضد- علی: ۱۶۶، ۶۴.  
 معتمدی- رضا: ۱۷۹.  
 معتمدی- علی: ۸۹، ۸۰، ۷۵.  
 معتمدی- قاسم: ۱۲۲.  
 معتمدی- کریم: ۱۲۱، ۱۱۹.  
 ۱۵۰، ۱۴۹.  
 معدل- لطفعلی: ۸۱.  
 معظمی- مهندس سیف الله: ۸۷.  
 معینی- امیر قاسم: ۱۱۹، ۱۱۸.  
 ۱۲۱.  
 معینی- جواد: ۵۶.  
 معینیان- نصرت الله: ۹۱، ۶۶.  
 ۹۴، ۹۳.  
 مفتاح- دکتر محمد: ۱۶۳، ۱۲۸.  
 مفخم- دکتر جمشید: ۸۳.  
 مقبل- دکتر احمد: ۸۹، ۸۱.  
 مقتدر مؤدهی- دکتر نصر الله:  
 ۱۴۹، ۱۲۱.  
 مقدم- سپهدا ایرج: ۲۰۵، ۱۵۰.  
 مکی- حسین: ۶۶.  
 مکی نژاد- تقی: ۵۲.  
 ملکی- خلیل: ۵۲.

لاله- مهدی: ۵۲.  
 لاهوتی- حسن: ۲۰۷، ۱۷۸.  
 لطفی- عبدالعلی: ۸۷.  
 لطیفی- تقی: ۱۷۶.  
 لورن- یرسی: ۱۲۶.

### م

مک دونالد- ویلیام: ۳۹.  
 مالک- دکتر سعید: ۸۰، ۷۸، ۷۷.  
 مانیان- حاج محمود: ۶۳.  
 متولی- حسین: ۱۸۷، ۱۶۶.  
 مجلسی- محمد: ۸۹.  
 مجلسی- سروان مصطفی: ۶۴.  
 مجیدی- عبدالمجید: ۱۱۹،  
 ۱۹۸، ۱۸۶، ۱۲۰.  
 محضری- ابراهیم: ۵۶.  
 محمد رشید: ۸.  
 محمد داودخان: ۴۳.  
 محمد ظاهر شاه: ۱۵.  
 محمد علی شاه: ۵۹.  
 مدنی- احمد: ۱۶۷، ۱۶۳.  
 مدنی- سید جلال الدین: ۱۲۸.  
 مرآت- اسما عییل: ۷۴.  
 مرزبان- دکتر اسما عییل: ۷۵،  
 ۷۸.  
 مسعود- محمد: ۵۸، ۵۵، ۱۳.  
 مرشد- دکتر حسین: ۱۴۹.  
 مزین- منصور: ۶۶.  
 مسعودی- محمد علی: ۶۶.  
 مسیح تهرانی- آیت الله حاج میرزا  
 عبدالله: ۱۷.  
 مشار- یوسف: ۷۷.

- ۰۹۱  
 میر احمدی - احمد: ۰۵۶  
 میراشرافی - سید مهدی: ۰۶۵  
 ۰۱۴۰  
 میر دامادیان - هوشنگ: ۰۶۵  
 میرفندرسکی - احمد: ۰۱۷۴، ۰۱۵۳  
 میکده - غلامعلی: ۰۸۸  
 میلیسو - دکتر آرتور: ۰۵۳

## ن

- ناصر - علی اصغر: ۰۹۰  
 ناصری - محمود: ۰۸۹  
 ناطق نوری - علی اکبر: ۰۱۷۶  
 نظری - نعمت: ۰۱۷۴  
 ناظمی - احمد: ۰۱۵۰  
 ناظمی - فضل الله: ۰۲۰۳، ۰۱۹۹  
 نبوی - حسن: ۰۹۲  
 نجفی - دکتر حسین: ۰۱۵۰، ۰۱۴۹  
 نجم - ابوالقاسم: ۰۸۰، ۰۷۸  
 نجم آبادی - فرخ: ۰۱۲۱  
 نجمی مرعشی - سروان: ۰۶۴  
 نخجوان - احمد: ۰۷۴  
 نخعی - دکتر محمد: ۰۷۸، ۰۷۷  
 ۰۸۲، ۰۸۱  
 نراقی - عباس: ۰۵۳  
 نریمان - محمود: ۰۸۳، ۰۷۹، ۰۷۷، ۰۱۸  
 نسیمی - رجبعلی: ۰۵۲  
 نشاط - سرتیپ علی: ۰۲۰۰، ۰۶۵  
 نصر - دکتر تقی: ۰۹۲، ۰۸۲، ۰۸۱  
 نصر - سید علی: ۰۷۹، ۰۴۴  
 نصر - محسن: ۰۸۹  
 نصیری - محمد: ۰۱۲۰، ۰۹۴  
 نصیری - نعمت الله: ۰۶۴، ۰۳۲

- ملکی - دکتر محمد علی: ۰۸۷، ۰۸۵  
 ملکی - مسعود: ۰۸۸  
 ممتاز - محمد علی: ۰۹۱  
 معقانی - اسدالله: ۰۷۶  
 منتظری - آیت الله حسینعلی: ۰۱۳۳  
 ۰۱۷۶، ۰۱۷۰، ۰۱۶۵، ۰۱۳۴  
 مندرس - عدنان: ۰۳۹، ۰۳۶  
 منصور - جواد: ۰۱۱۹، ۰۷۲  
 منصور - حسنعلی: ۰۴۶، ۰۴۵، ۰۱۶  
 ۰۹۸، ۰۹۳، ۰۹۰، ۰۷۳، ۰۷۲، ۰۷۰، ۰۴۷  
 ۰۱۸۳، ۰۱۷۵، ۰۱۱۴، ۰۱۱۱  
 منصور - علی - منصور الملک: ۰۱۶  
 ۰۹۹، ۰۸۲، ۰۴۵، ۰۱۷  
 منو - فریدون: ۰۵۲  
 موسوی - سید اسدالله: ۰۲۰۳، ۰۱۶۱  
 موسوی اردبیلی - آیت الله سید  
 عبدالکریم: ۰۱۷۰  
 موسوی زنجانی - آیت الله سیدرضا:  
 ۰۱۹۴  
 موسوی - مصطفی: ۰۱۸۰  
 موسوی زاده - علی اکبر: ۰۸۰  
 موقر - مجید: ۰۱۴۰  
 مولوی - محمد جواد: ۰۲۰۵  
 مهاجر - مسعود: ۰۱۷۴  
 مهتاش - دکتر جاوید: ۰۵۴  
 مهدینا - جهانگیر: ۰۱۵۰  
 مهدوی - ابراهیم: ۰۹۱، ۰۸۲  
 مهدوی - فریدون: ۰۱۹۸  
 ۰ بدوی کنی - محمدرضا: ۰۱۵۹  
 ۰۱۲۰  
 مهر - دکتر فرهنگ: ۰۱۲۰  
 مهران - حسنعلی: ۰۱۴۹، ۰۱۲۱  
 مهران - دکتر محمود: ۰۹۰، ۰۸۹

ویشکایی - محمد رضی: ۹۱،  
۱۴۹

## ۵

هاشمی نژاد - محسن: ۱۶۴  
هدایت - خسرو: ۸۹، ۹۰، ۹۱  
هدایت - صادق: ۳۱، ۶۶  
هدایت - ارتشید عبدالله: ۴۵  
۷۰، ۷۶، ۸۲، ۸۸، ۱۳۸  
هدایت - محمود: ۸۹  
هدایتی - محمد علی: ۹۰  
۹۱  
هدایتی - هادی: ۹۴، ۱۱۹  
۱۲۰

هرمز - محمود: ۵۶  
هریمن - ایورل: ۴۳  
هزاره - دکتر علی: ۱۲۰  
هزیر - عبدالحسین: ۱۳، ۱۴، ۵۶  
۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۷۵  
همایون - داریوش: ۱۲۱، ۱۵۷  
۱۹۸

همایون - مهدی: ۶۶  
همایون فر - عزت الله: ۱۴۹  
هندرسن - لهوی: ۲۸، ۳۴  
هویدا - امیر عباس: ۴۷، ۷۲، ۹۴  
۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۹  
۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۸  
هویدا - فریدون: ۹۸، ۱۶۶  
هويزر - ژنرال رابرت: ۱۵۵، ۱۶۱  
۱۸۷

هیات - علی: ۸۲، ۸۳  
هیکل - حسنین: ۵۸  
هیلر - علی: ۳۹

۱۰۵، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۵۸  
۱۶۵، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰۶

نظام مافی - محمد علی: ۸۰  
نفیسی - حبیب: ۸۳

نفیسی - عباس: ۶۶، ۸۳  
نقدی - سپهبد علی اصغر: ۸۳، ۹۲  
نمازی - محمد: ۸۸، ۸۹  
نواب - حسین: ۸۷  
نواب صفوی - سید مجتبی: ۱۸، ۳۵  
۶۸

نوری - شیخ بهاء الدین: ۱۷  
نوری اسفندیاری - موسی: ۷۹  
۸۰

نوشین - عبدالحسین: ۵۶، ۵۸  
نویسی - سر تیپ فرج الله: ۴۳  
نهایوندی - هوشنگ: ۹۴، ۱۱۹  
۱۴۹، ۱۸۶، ۱۹۸

نیساری - عباسقلی: ۹۰  
نیکبئی - اعزاز: ۷۹

نیکبئی - غلامرضا: ۱۲۰، ۱۵۸  
۲۰۲

نیکخواه - پرویز: ۱۰۶، ۱۰۷  
نیکسون - ریچارد: ۳۴

## و

واحدی - قدرت الله: ۱۶۹

وارسته - محمد علی: ۸۰، ۸۲  
۸۳، ۱۶۲

وثوق - احمد: ۸۹، ۹۰

وثیقی - صادق: ۷۴، ۸۲

وحیدی - ایرج: ۱۱۹

ودیع - کاظم: ۱۴۹

ولیان - عبدالعظیم: ۱۲۰، ۲۰۰

## ی

- یاوری - سروان اسماعیل: ۶۴.  
یزدان پناه - عزت الله: ۱۴۹، ۱۲۵.  
یزدان پناه - مرتضی: ۸۲، ۸۵.  
۸۳.  
یزدانی - هزیر: ۱۹۸.  
یزدی - ابراهیم: ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۶۳.  
۲۰۶، ۱۹۵، ۱۸۴، ۱۷۸، ۱۷۶.  
یزدی - دکتر مرتضی: ۳۵، ۳۴.  
۷۹، ۵۶، ۵۴، ۵۲.  
یزدی اردکانی - منوچهر: ۱۶۶.  
یگانه - دکتر محمد: ۱۴۹، ۱۱۹.  
یگانه - ناصر: ۹۴.  
یوسف - مشار: ۸۵.



۴۰۰ ریال



شپاویز